ژوندون

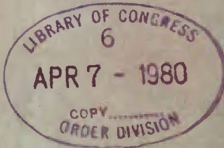
اطلاعات او کلتور

شنبه ۲۵ حوت ۱۳۵۸

(۱۵) مارچ ۱۹۸۰

شماره (۵۲)

سائل (۳۱)





قیمت یکشماره (۱۳) افغانی



ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی وصدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان موقعیکه هیات اتحادیه بین‌المللی حقوق دانان دموکراتیک را برای ملاقات تعارفی درمقرشورای انقلابی پذیرفته وبا آنها صحبت مینمایند.

اختصار وقایع مهم هفته

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد ازطرف ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی وصدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان پیامی عنوانی رهبری جبهه وطنپرستان زیمبابوی به مناسبت پیروزی در انتخابات پارلمانی به نفع آن جبهه وانتخاب رابرت موگابی بحیث صدراعظم زیمبابوی آزاد ومستقل به سالزبری مخابره گردیده است .

* * *

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد تلگرام جوابیه عنوانی ببرک کارمل رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان از طرف جلالتمآب ابوالحسن بنی صدر رئیس جمهورجمهوری اسلامی ایران به کابل مواصلت نموده‌است.

* * *

ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان ساعت چار عصر ۲۲ حوت هیات اتحادیه بین‌المللی حقوق دانان دموکرات را در مقر شورای انقلابی (ارگ) برای ملاقات پذیرفتند .

* * *

ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی وصدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان ساعت دوی روز ۲۲ حوت در شفاخانه اکادمی علوم طبی قوای مسلح از خان عبدالغفار خان رهبر بزرگ پشتون ها عیادت کردند .

* * *

تحت ریاست ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان شورای وزیران شام ۱۸ حوت در مقر شورای انقلابی (ارگ) تشکیل جلسه داده و ضمن غور و تصاویب لازم بر پیشنهادات وزارت‌ها بخصوص پیشنهاد وزارت امور پلان گذاری را که طبق هدایت که قبلا داده شده بود در مورد امداد برای احیای فعالیت های اقتصادی در مناطق ومحلات آسیب دیده ، منظور وتطبیق آنرا تصویب کرد .

* * *

شاه محمد دوست وزیر امور خارجه در راس هیاتی برای یك مسافرت دوستانه روز ۲۳ حوت وارد مسکو گردید .

در میدان هوایی مسکو ، اندری گرومیکو وزیر امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی سوسیا لستی ، شارژدافیر واعضای سفارت کبرای جمهوری دموکراتیک افغانستان مقیم مسکو ویکعده از شخصیت‌های برجسته وزارت امور خارجه آن کشور از شاه محمد دوست وهیات همراهانش استقبال کردند .

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد که شاه محمد دوست وزیر امور خارجه جمهوری دموکراتیک افغانستان ، بنا بدعوت جلالتماب اندری گرومیکو وزیر امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی سوسیا لیستی درراس هیاتی غرض یك مسافرت رسمی ودوستانه ساعت دوی بعد از ظهر روز ۲۳ حوت عازم مسکو شد .

عبدالرشید آرین وزیر عدلیه ولوی څارنوال قبل از ظهر ۲۳ حوت طی محفل شانداری در سالون ښاروالی کندهار باعدهٔ کثیری ازعلماء، روحانیون موسفیدان ومردم شریف ولایت کندهار ملاقات نمود .

* * *

ډگرمن محمد رفیع وزیر دفاع ملی ساعت چار بعداز ظهر ۲۴ حوت در شفاخانه اکادمی علوم طبی قوای مسلح خلق افغانستان از خان عبدالغفارخان رهبر بزرگ پشتون عیادت نمود .

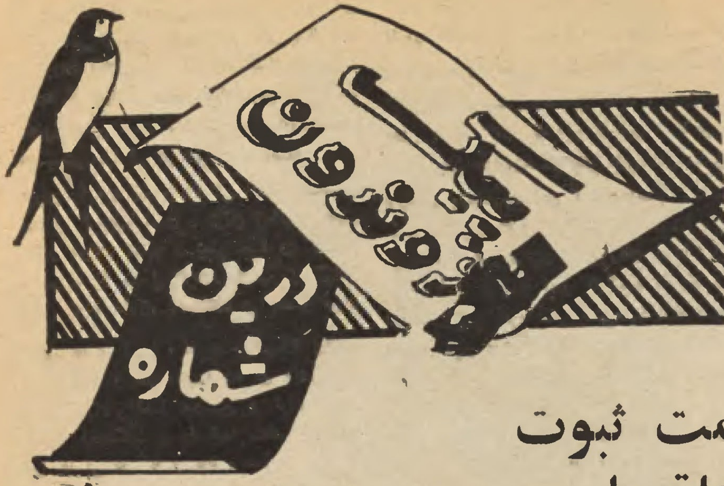
همچنان فیض محمد وزیر امور سرحدات به ساعت پنج عصر از خان عبدالغفار خان زعیم بزرگ پشتون عیادت کرد .

* * *

دکتور اناهیتا راتب زاد عضو بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، عضو شورای انقلابی ووزیر تعلیم وتربیه جمهوری دموکراتیک افغانستان ۲۱ حوت مسافرت خود را به جمهوری سوسیالستی چکوسلواکیا خاتمه بخشید .

* * *

شیر جان مزدوریار وزیر ترانسپورت و توریزم به ساعت نه قبل از ظهر ۲۲ حوت در دفتر کارش با جلالتماب کرافت بومبل سفیر کبیر جمهوری دموکراتیک آلمان ملاقات تعارفی نمود .



«توقع میرود تا متخصصین ،ماموران ، موسسات زراعتی ، دهقانان زمینداران و مالداران شریف کشوردر فضای همکاری همه جانبه برای رشدوانکشاف سریع اقتصادضعیف‌مملکت شانه به شانهٔ هم به پیش بروند یك دیگر را کمك کنند برای‌عناصر ضد انقلاب ، رهزنان ، آدمکشان ، خرابکاران مفسدین‌اجازه ندهند تاسرمایه ملی مارا بازیچه اهداف شوم وپلید خودسازند» .

«ببرك کارمل»

شنبه ۲۵ حوت ۱۳۵۸ برابر با ۱۵ مارچ ۱۹۸۰

تشکیل گروه های مقاومت ثبوت روحیه آزادمنشی و تسلیم ناپذیری خلق ما

ملت آزاده وقهرمان افغانستان که همواره در برابرمتجاوزین واستعمارگران چون کوههای مغرورش از خود استواری و پایمردی نشان داده وبزرگترین قدرت های اهریمنی زمانرا بزانو در آورده ،با پیروزی انقلاب رهایی بخش ثور زخم‌کاری دیگری بر پیکر لرزان ارتجاع وامپریالیزم وارد آورد.

امپریالیزم غارتگر که همه امیدهایش را در افغانستان از دست رفته یافت با تلاشهای مذبوحانه درصدد بر آمد تا مگر بوسیله ارتجاع سیاه داخلی وهم کیشان منطقوی ومتحدینش ، انقلاب ثوررا دگرگون جلوه دهد واین آرمان بزرگ خلق افغانستان رابیأس و ناامیدی مبدل سازد و برای اینکه به آرزوی خبیث و جنایتبارش رسیده باشد، چاکر گوش بفرمان ونماینده ، «سیا» یی خود امین خونریز وباند جنایتکارش را مامور غارتگریها، دست برد ها وکشتار هزاران وطنپرست ساخت .

امین تبهکار وباندنجانهای دور بشقابش «باند سیاه وجنایتکارش» که درلفظ مترقی ودر عمل آدمکشان قرن بیست بودند ، هم دست اندر کار شدند ، ترور واختناق ، چپاول وتاراج را سیاست روز قرارداد ند، برنوامیس وعنعنات مردم بیرحمانه تاختند آدمکشی ، فشار ،شکنجه ارعاب وتخویف را پایه های اساسی بقای خود پنداشتند چنان بستند وکشتند که درین مسابقه ضحاك ماربدوش را از خاطره هافراموش کردند ودستانش‌را از پشت سر بستند .

امپریالیزم جهانخوار امریکا که بر چنین اعمال غیر انسانی اتکاء دارد درین بازی شیطانی خود را برنده دانسته ودرحلقه متحدین‌رسوا وبدنامش بحیث سرآمد مبتکرجنایات امین در بدنام ساختن ترقی و تکامل بخود می بالید . ولی قیام پیروزمند ششم جدی این غرور کاذب وشیطانی امریکای جنایتکار راکه در روح شیطانی امین مستکبر نهفته بود یکبار دیگر بخاك یکسان نمود.

اینبار امپریالیزم ویرانگر امریکا ومتحدین بدنامش که بر گور آرزو های بر باد رفته شان میگریند، دست به جنایات شدید تر وتازه تری زده وبا مسلح ساختن گروه های اوباش ورهزن، قاتل و جانی با کمك ارتجاع نظامی گر پاکستان، شوونیزم چینی ومرتجعین مصری دست تجاوز رابر خاك مقدس ما درازتر ساخته وبه خرابکاریها و کشتار مردم بیگناه ما بشکل نهایت فجیعانه دست اندر کار شده اند.

اما غافل از آنند که انقلاب ثور خواستهٔ منطقی وتاریخی خلق افغانستان بوده و همانطوریکه در بمیان آوردن وبه پیروزی رساندن آن نقش فعال‌وتعیین کننده داشتند، در حفظ وحراست آن نیز رسالت تاریخی شانرا درك کرده وهرگز نمیگذارند انقلاب ووطن‌محبوب‌شان دستخوش مرتجعین و امپریالستان گردد ومورد تاخت وتاز اهریمنان و متجاوزین قرار گیرد .

از همینجاست که به صدای انسانی دولت ملی ودموکراتیك شان پاسخ مثبت داده وبطور شعوری و آگاهانه گروه های مقاومت را برضد متجاوزین ودشمنان وطن وانقلاب شان تشکیل دادند .

تشکل گروه های مقاومت که از عناصر آگاه ورسالتمند توده های ملیونی افغانستان بوجود آمده نمایانگر این واقعیت است‌که مرحلهٔ نوین تکامل انقلاب شکوهمند ثور نیز آرمان توده هاست و بر نیروی پرتوان و تسخیر ناپذیر آنها اتکاء دارد .

پس میتوان حکم کرد که انقلابیکه از توده ها برخاسته و از حمایت و پشتیبانی آنها برخوردار باشد «چون کوه استوار و چون چرخ پایدار» بوده و هیچ نیروی اهریمنی وطاغوتی نمیتواند خللی بر آن وارد نماید ، چه هر قدر باد در نهادش تند وویرانگر باشد کوه را نمیتوان جنباند وفقط سر خودش رابابسنگهای خاری آن ساییده زوزه و ناله سر میدهد وهرگز فریاد های آن جایی را نمیگیرد .

امپریالیزم جهانی وارتجاع بین المللی نیز که تحت ضربات پیهم گیج کننده ومرگبار نیرو های آزادیبخش ملی، انقلابات ملی و دموکراتیك وانقلابات کارگری قرار گرفته اند ، دیوانه وار سربه سنگ زدن را علاج دردسرمیدانند وهمواره سرشانرابه‌فولادهای آبدیده‌میکوبند، غافل از آنکه نه تنها بهبودی نصیب حال‌شان نخواهد شد بلکه مغز های نابکار شان نیز خورد و خمیر شده ونابود خواهند گشت ، زیرا این حکم تاریخ وجبر زمان است که توده ها پیروز میشوند و دشمنان شان نابود .



مابا شما هستیم ، ما با شما یکجا میرزیم.

* * *

عشق، زناشوئی وقانون دوم ترمودینامیك

* * *

گروه هنری بقه ها .

* * *

په کارگری تولنوکی دوبیا اواجباری تعلیماتو پراختیا .

* * *

کنترول توبرکلوز در سراسر کشور .

* * *

طفولیت نیکیتا

* * *

اگر میخواهید ایدیال تان را از دست ندهید .

* * *

تائیرروانی افزایش لوازم منزل‌بالای‌انسان.

* * *

روی جلد :

گلالی سر تیم ، تیم منتخب والیبال اناث تعلیم وتربیه که راپور مفصل آن در شماره گذشته به نشر رسیده است .

پشتی آخیر :

آرامگاه احمدشاه بابا واقع کندهار

ما باشماستیم، ما باشمایکجامی رزمیم

عین الدین درویش

خلقها ی زحمتکش افغانستان !

عصر ما که عصر پیروزی انقلا با ت آزادی بخش ملی و عصر پیروزی رو شنی برتاریکی و دوران آزادی بشر یت و شکست روزافزون ارتجا ع جها نی وعصر مبارزه بین سوسیالیسم وامپریالیزم است ، این مبارزه بین دوسیستم جها نی در حقیقت به مضمون عمده دوران ما وبه محور زندگی اجتما عی مبد ل گردیده است ، ازآن زمانیکه جهان بدوار دوگاه عظیم ، یعنی جها ن کار و سر ما یه مبد ل گردید به مبا رزه آزادی بخش توده ها ی زحمتکشا ن بخصو ص در کشور ها ی آسیا ، افریقا و امریکا ی لاتین نیز شد ت و حدت بیسا بقه ای بخشیده شد واین مبارزه خلقها ی وسیع و توده ها ی بیشمار زحمتکشا ن را طبعا متحد ین وهوا خوا ها نی در کا ر بود ، هما ن بود که خلقها واکثریت توده ها ی زحمتکش قاره های آسیا ، افریقا وامریکا ی لاتین با سا یر خلقها و گرو هها ی متر قی وانقلابی بابر افراشتن درفش نبرد و پیکا ر بر ضد امپر یالیسم و متحد ینش چنان رز میدند و همچنا ن می رزمند .

وجب بو جب افغانستان انقلابی وقهرمان، دشت و کوه و بیا بان آن ، صحرا ها ی سوزان آن ، گو شه وکنار مختلفه این مرزوبوم مردآفرین آن هر کدام بنوبه خود شا هدایستاد گی وپا یداری و مقا و مت مر دانه خلقها ی زحمتکش این وطن بر ضد دشمنان ورقیبان دون صفت ونابکار خلق ها وشا هد شکست های رقتبار وننگین دشمنان وطن وشاهد ورشکستگی و اضمحلال ارتجاع وامپر یالیسم است ، اکنون امپر یا لیسم در صدد آنست تا با استفاده از سلا حها ی مر گبا ر وآدمکش و در ضمن با تو لید وانبار کرد ن سلاحها ی خطر نا ك وبخصوص تو لید و تورید سلاحها ی تها جمی تهدید دا ئمی را برای کشور ها ی جها ن بخصوص بر ضد کشور ها ی نو به استقلال رسیده بو جود آورده وبا این تولید انواع سلاحها، جنگ و آدمکشی را در گوشه و کنار مختلفه جهان دا من زده و بخاطر آ رزو

ها ی شو م و به مقصد اعمال نفوذ دراین کشور هاانسانهای بیشماررا رهسپاردیار عدم نموده وحاکمیت دست نشا ندگان خویش را تامین وتضمین نماید ، دراین بخش با ید گفت که این تا مین و تضمین بقیمت جان هزاران هزارنفر ازبهترین فرزندان پاکنهاد این کشورماتمام شده است ، گروه گروه از هموطنان ما شا مل جوا نان، پیر مردان و پیرزنان ، اطفا ل خرد سا ل تو سط امپر یا لیسم امریکا و نماینده گوش بفرما نش یعنی حفیظ الله امین رهسپار دیار عدم گردیده ، وای چه بسا که بهترین و بر ازنده ترین اشخا ص وافراد جامعه ما بدون کفن در پا ی کو ههای پلچرخی ویا در دشت ها ی منطقه ذکر شده تیر با ران شده واز جسدش چیز ی با قی نما نده جز استخوا نها ی بی گوشت و پو ست .

امین نا امین وباند فا سدش جنایاتی را مر تکب شدند که قلم از بروی کا غذ آوردن آنهمه جنایات وآدمکشی ها عار دارد ، آن ها ،باند امین نا امین در مد ت زما ن بیش از یك سال ونیم زمامداری خویش کشتند وبستند وگروه گروه از بهتر ین فر زندان این کشور نامور وقهر ما ن را در «پو لیگون »پلچر خی از هستی وزند گی سا قط سا ختند ، آنها حتی از اطفا ل معصوم وبیگناه نیز هراس داشتند ، گرو هها ی بیشماری از اطفال خردسال را در محبس های کا بل از جمله در محبس پلچر خی محبو س سا خته و آن اطفا ل پا ك وبیگناه را با ل شکسته و پر شکسته به گو شه زندا ن رها نموده وشما حدس بز نید که آن اطفا لیکه نو نهالا ن جا معه بوده و آن اطفا لیکه در حقیقت آیند گا ن این کشور اند در بند کشیده شده و آن اطفا ل راباهمه سجا یایی که دارند در توقیف نگهداشتند .

خلقها ی زحمتکش و قهرمان وطن بز رگ وقهر مان آفرین ما سو گند یاد کرده اند که تا آخر ین لحظه زندگی و تا آخر ین نفس بر ضد امپریالیسم جهانی و بر ضد کلیه متحد ین نا باکش برزمند و در این راه افتخارات بزرگ وبزرگتری را نصیب شوند ، تاریخ شاهد است که هر زمانی که دشمنا ن وطن و رقیبا ن ناموس وطن مقد س ما ن افغانستان عزیز اقدا می کرده اند تا برضد این کشور مرد آفرین وقهرمان پرو گرامی طرح ، آن پرو- گرام ضد انسا نی وضد بشری شا ن قبل ازآنکه در زمینهٔ عمل مورد تطبیق قرار گیرد در نطفه خفه شده است ، ما یکبار دیگر با جرات و شها مت وبا امید بفرداهای روشن و شگو فان وطن اعلام میدا ریم که نقشه های شوم امپریالیزم جهانی در افغانستان قهرمان وانقلا بی موا جه به شکست است وباید بپذیرد که در این عرصه به شکست ننگینی دچار شده است .

بیایید با پیوند مشت ها وقلبها چون تن واحد برضد دشمن برزمیم چون اهمیت زندگی ومفهوم واقعی زندگی درمبارزه ورز میدن بر ضد عوا مل نا بکار اجتما عی و طبیعی، رفع عوامل نابکار ومبارزه در راه محو و نا بودی هر آنچه برضد منافع ومصالح خلقها ست ، چه صرف خوردن و خفتن و هیچ نگفتن خا صه حیوانات است اما با ید دانست که انسان بودن وظیفه ایست بس عظیم وبزرگ .

چه زند گی را بشیوه ها ی گونا گون میتوا ن بسر آورد ، میتوان در جا مه تخدیر خزید وجامه مخملین بتن کر د و تا ج افتخا را ت را بسر گذاشت و بدا ن فخرومباهات کرد اما ... بازاما میتوان بهمه ی اینها پشت کرد و بما نند قهرمانان واز خود گذران کاسنی تلخ حقیقت رانوشید وتاج خا را گین عدالت اجتما عی را بسر گذاشت ، انسان میتواند وباید بتوا ند منا فع شخصی و منحصر بفر د خویش را فدا وقربان منافع جمع نماید، انسان با ید تجلی شخصیت خرد را درتجلی شخصیت جمع بداند ،چه باید بداند که این جمع است که خرد در صورت بموجودیت آن جمع میتوا ند تبارز نما ید .

در این مورد و بار تباط مطالب ومسایل گفته آمده با ید گفت که خلقها و توده های زحمتکش افغانستان عزیز وطن محبو ب القلوب ما بامبارزات قهرمانانه وافتخارآمیز خو یش تا ریخ این مرز وبوم قهر ما ن را رنگین سا خته و هر فرد همو طن ما حق دارد به هر سطر تاریخ وبه هرکنج وکنار این وطن مرد آفرین فخر کند وبخود ببا لد، چون توده های زحمتکش وطن ما افغانستان عزیز نیرو ها ی عمده و تعیین کننده اند ودر مجمو ع این توده ها و مرد مان قهر ما ن ومبارز افغا نستان عزیز اند که در طول تاریخ این مرز و بو م با مبا رزا ت وفعالیت ها ی قهر مانانه خو یش افتخارات بزرگی را نصیب شدند :

خلقها ی زحمتکش افغانستان عزیز ! شما بدانید که در وجود شما نیروی بزرگی نهفته است ، این نیروی بزرگ را در راه خیر وصلاح وطن وسایر وطنداران ، درراه خوشبختی مردمان وطن ، درراه سر فراز ی این وطن قهرمان ، در مرحم گذاشتن قلبهای داغدیده مادران وپدران درپاك کردن ا شك یتیمان وزنانی که عزیزان خو یش را ازدست داده ، در راه تابناك مبارزه برای آبادی وطن این نیروی بزرگ خویش را بکاراندازید، زحمتکشا ن قهرمان وطن شما خو ب میدانید که شما نیرو مند ترین قدرت امپر یالیستی جهان یعنی امپریالیسم انگلیس را در این وطن مقدس وپاکنهاد محو ونابود نمودید، شکست رقتبار وننگینی که توسط خلقها ی زحمتکش وطن به استعمار انگلیس تحمیل گر دید ، در حقیقت خود پیروزمندی حق و عدالت بر ضد جنگ طلبان استعما ر گر وبر ضد دشمنان شرافت وپا کدامنی و طن مقد س افغانستان عزیز بود .

وطنداران قهر مان واز خود گذر که در مدت زمان استیلای امین وباند فا سدش چه قهرمانی ها و فدا کاری ها ئی که از خود نشان ندادید ، واقعا پایداری ، استقا مت و مبارزه و پایمردی شمادر خور ستایش است شما ای هموطنان شرافتمند که چندین بار برضد دشمنان رنگا رنگ وطن قهر ما نانه رزمیده ومردانه وار جنگیدید ، فداکاری شما، از خود گذری و پایداری شما واقعا درخور - ستا یش است ، باری بخاطر خو نها ی پاك قهرمانان وطن عزیز دریك جبهه متحد شد ه وبر ضد رقیبا ن دون صفت ودشمنا ن ناموس وطن برزمید ، برزمید وباز هم برزمید .

توده های زحمتکش وطن محبوب القلوب ما افغا نستان عزیز در حقیقت امر مر کزجوشان نیرو و قو ت وتوان مبارزه برضد امپریالیسم و متحدین آنها بوده و خا نوا ده بزرگ افغانی کانون گرم مبا رزات ضد امپر یا لیستی و ضد ارتجا عی بوده وهمچنان با نیروی ده چند بر ضد دشمنا ن بشر یت ودشمنا ن آزادی واستقلال خلقها خوا هد رزمیدو نقشه ها ی شوم امپر یالیسم وارتجاع را نقش بر آب خواهد کرد ، تاریخ شاهد است هر آنکسیکه برضد خلق وبر ضد شرا فت وطن ما افغا نستان عزیز به اصطلاح شمشیر کشیده محکوم بمرگ حتمی گردیده است طبعا آنکسیکه بر ضد منافع علیا ی وطن بزرگ ومقد س ما وبرضدخلق زحمتکش وطن ما افغانستان عز یز قد علم نموده به مرگ و نیستی محکوم گردیده است و به یقین که این وطن ارجمند ما افغانستان انقلا بی بارها با ثبات رسا نیده که تا آخر ین نفر می جنگد و لی بد شمن راه نمید هد ، چه درطول مبارزات افتخار آمیز این مرزبوم خلقهای مبارز وزحمتکش وطن همیش شعار داده که مرگ تا آخرین نفر ولی راه ندادن بد شمن واین شعار را در عمل نیز تطبیق نموده است .

خلقهای زحمتکش وطن عزیز ماافغانستان!

بخا طر داشته با شید که دشمنان خارجی شما درنتیجه شکست های رقتباری که نصیبش شده سخت هار گردیده واینجاو آنجا تلاشهای مذ بو حانه ای بخر چ میدهد، زیر پای دشمن را خا لی نموده ونقشه هایش را به شکست محکوم نما ئید ، کنون دشمنان

بقیه درصفحه ٥٦

ترجمه سعیدی

عشق، زنا شویی و قانون دوم ترمودینامیک

در مما لکی که نفو س نسبتازیاد دارند بطور مثال در شو روی هرروز از دو الی دو نیم ملیون نفر با هم ازدواج میکنند . اگر این محا سبه برای هزار نفر صو رت‌گیرددرجهان یکی از بز رگتر ین ارقام را در ین مورد ارا ئه خوا هد کرد .ام ا در مقابل تعداد طلاق نیز رو به افزایش است طبق‌احصا ئیه‌که در دست است روزا نه در حدود دو هزارطلاق صو رت‌میگیرد یا بعباره دیگر از هر سه فا میل یکی آن بر هم‌میخورد. اشخاص سا لخورده ومسن در ین قسمت معتقد اند که این همه بی ثباتی های فا میلی از نبودن صبر، حو صله واحسا سات زود گـذر در جوانان ناشی میشود . اما اگر بـه احصا ئیه های نا دقیق وابتدا یی رجوع شود . این عقیده را آشکا را ردمینماید .

در جمله‌کسا نیکه در سنین‌تـا بیست وپنج‌سا لگی از هم‌جدامیشوند از هر چار زن‌و از هر هشت مرد یکی آن‌به این عمل موا جه شده اند.بطور عموم در سنین از سی الی پنجاه سا لگی طـلاق های زیاد صو رت میگیرد ومدا ومت زنا شو یی بطور او سط به هشت سال میرسد .

بطر عموم طـلاق زما نی صو رت میگیرد که زند گی مشترك برای‌زن وشو هر غیر قا بل تحمل شود. اما اگر متو جه شو یم دیده میشود که اغلبا ازدواج ها طبـق آرزو وعلا قه دو جا نبه صو رت میگیرد . پس چرا خا نمی که یکسال یادو سال قبل شو هر ش را بهتر ین شخص در جهان وخانمش را عفیف تریـن زن جهان به حساب می آوردندامروز حا لتی رخ‌داده که نمیتوا نند با هم به‌زند گی مشترك بپردا زند .

سو سیو لو جست ها معتقد ند وقت آن فرا رسیده تا ازین نکات که‌در ازدواج های بی ثبات کدام حا دثه خارق العا ده نهفته واشخا صی که از همد یگر جدا میشو ند وازدیگران متما یز ند پر هیزشود. نکته عمده وجا لب هم در ینجا ست اشخا صی که به مفهوم واقعی زندگی پی نبرده اندوتا یك اندا زه بی احسا س اند زندگی مشترك را با خانم‌های شان‌تا آخرین‌رمق‌زندگی‌حفظ می‌نمایند.امادر مقا بل دیده میشود اغلبا اشخاصی از همد یگر جدا میشو ند که‌ازاحسا سات بهره مندبوده واز مفهوم‌واقعی زنا شو یی بکلی آگاه اند .

مفهوم موا زین اخلا قی درعصر حا ضر :

درسا بق قسمیکه‌معلوم است‌توا فـق‌رو حی ،تما یلات دو جا نبه‌مد نظر گرفته نمیشد تنـها عـامـل تعیین کننده درین قسمت مو قعیت اجتما عی آنها بود و موا زین اخلاقی را طورذیل خلاصه میکرد ند: زندگی را باید با هر شخصی که پیش آمد تا آخر ین رمق‌زند گی‌ادا مه داد. در حال حا ضر بطور عموم زنان‌از حقوق مسا وی استفا ده میکنند. زنا شو یی بی مفهوم خوا هد بوداگر مشکـلات فا میلی مشتر کا حـل نگردد ودر ین موا رد از همد یگـر مصلحت نگیر ند .آزا دی زنان در حال حا ضر یکی از بز رگتر یـن مو فقیت های عصر ما ست . ایـن استقلال خوا هی نخوا هی مناسبات مغلق را بین مردان و زنان بار می آورد .

اکنون به ازدواج تقا ضای زیـاد پیش کش میشود . در ین موزد زنان نسبتا قدا مت‌دارند . ازگفتار فوق نتیجه ذیل بد ست می آیـد: در حال حاضر حفظ یگانگی خانواده بمراتب مغلق‌تر شده است .

قانون دوم ترمو دینا میك :

قا نون همه جا نبه‌طبیعی که بنام قانون دوم ترمو دینا میك یاد مـی شود موجود است. این قانون بطور خـلاصه چنین قرا ئت میشود :همه اشیا خود بخود حا لت وخیم ترا خواهند گر فت اگردر مقابل‌تدابیر لازم اتخاذ نگردد.

. بعباره دیگر برای اینکه‌عمارت، شهر ، خا نوا ده ایجاد شود وتمام کار ها بحا لت نور مال پیشر فت نماید لازم است تا سعی بلیـغ بخرج داده شود. اینکه میگو یند مسأ لـه جدایی زن وشو هر شکل عنعنوی‌را دارا ست مردم راز مسیر اصلـی آنها منحرف میسازد .

عشـق روز یکصدو یکم نظـربه عشـق روز اول از موا د جد ید فقیر میبا شد . به این تر تیب آغازمیشود: مرا آنطور دوست ندا ری . این اولین ضربه است که خود بروجود خرد وارد می کنیم ونخستین مرحله‌اوقات تلخی را خودایجاد میکنیم . درزندگی مشترك دو تن جلو گیری از جـرو بحث های معمو لی بسیار مشکـل است . به این‌لحاظ اگر یکی ازآنها دو می را به‌کدام گفتار زشت متهم مینما ید خود زند گی را برا یش غیر قابل تحمل می نما ید .

درین نوع جدایی های استندرد همیشه سه عامل وجود دارد: زن، مردوقا نون دوم تر مو دینا میك.دو تن او لی که‌در بین تمام مردم‌همدیگر رابرای زندگی مشترك انتخاب‌کردند بالای یکد یگر بد گمان شده‌وهمدیگر را متهم میسا زند . بر عکس ایـن دوباید در مقا بل عا مل سو می‌مبارزه کنند . پس دیده میشود که در یـن جرو بحث ها هر دو ملزم اند .

از ینجا نتیجه گیری عمده‌بدست می آید : ازدواج های عصری زائیده تحولات اجتما عی پیشرو است ونظر به انکشاف رو حی سبقت دارد .

بقیه در صفحه ۵۲



این آغاز زندگی زن وشوهراست که‌به‌امید آینده‌بهتر، حیات‌خانوادگی راشروع میکنند



«لودمیلا ـ سیمین یاکا» هنر پیشهٔ‌شناخته‌شده خلق شوروی برنده جایزه لینن بـه همراهی «میخائیل لاوروسکی» حین اجرای یك پارچه رقص بالت بنام «گسلی»

قسمت اخیر

ترجمه محب حیرت

چشم اندازی بر پهنای برخی ازجشنواره‌های بالت

دربالـه «ژیزل» سبکی وبی‌وزنی‌لازم رابرای تجلی آن پارتی رقص مجسم کرد .

قدرت احسا س با طنی او را مسا عد ت کرد تا الفاظ کلاسیك پا رتی «دونا‌آنا» باله لئونید فیگان موسوم به «دون ژوآن» رابا رنگها ی هسپا نوی آن رنگ آمیزی کند این هنر پیشه مستعد طی بیست سال‌زندگی هنر اندود خود روی صحنه ها ی متعددی از آثار کلا سیك ومعا صر رقصیده است وی نخستین با رسیمای قهر مانان با لـه

ملی از یکی مینا تور ها ی رقص را در موضوع مختص ازبکی «چهار گاه» وبا لـه های «سهیل ومهری »از مینا سایا لو یوا» و تا ناور »اثرا لکسی کاز لو فسکی.بخو بی تجسم داده است . موضوع «تا ناور »سر- نو شت «نورخان »دو شیزهٔ فر غانه یی را که بخا طر عشق رقص و رقا صه شد ن، جا ن خود را از دست داد، تمثیل میکندو آهنگها ونوا ها یی را که از منا بع‌موسیقی ملی ازبك گرفته‌شده ، بخوبی درك مینماید بالا خره مو صو فه در سا ل ۱۹۷۳ بحیث هنر پیشه بلشوی تیاتر دولتی اکا د مـی

جمهوری شوروی سو سیالستی از بکستان بنام «علیشیر نوایی »بدر یافت عنوا ن«هنر پیشه خلقی اتحاد جماهیرشوروی‌سوسیالستی مفتخر شد . همچنان میرمن دلبر عبدالرحمانوا که‌درسال ۱۹٦۰ وظیفه دایر کسری با لت را عهده دار بود پس از آن موقع در کـار صحنه سازی تقر یبا سی نما یش او پرایی وبالت وبسیاری از پرو گرام ها ی کنسرتی شر کـت و ر ز یـد . موصوفه درسال۱۹۷۳ بخا طر شر کت در کار صحنه آور ی‌باله «اسپار تا ك »بدر یا فت جایزه دولتی‌جمهوری از بکستان نایل شدو بسال ۱۹۷۷ عالیترین عنوان هنر پیشه ملی اتحاد شوروی راکمایی کرد . در پرو گرا مها ی هنری او تنها نما یشا ت با لت وجود ندارد ، بلکه‌نمایشات او پرا یی نیز شا مل است .

وپیرامون چند باله دیگر :

سال ۱۹۷۳ بمناسبت جشنوا ره هنرهای ملل متحد شوروی ،پاریس گروهی از رقصند گـان ازبکستان را پـذیرا شد که بیـن شان میرمن سیاره موسی یوا هنرمند جوان باله تیاتر درآن زمره بود به سال ۱۹۷۵ در صحنه تیاتر موزیکال شهر«لودز» پولینداو پرای خنده آور سلیمان یودا کوف آهنگساز ازبك بنام «نیرنگهای میسره »بامهارت ومو فقیت زیاد جلو چشمان بینند گان گذارده شد و متعا قبا تیاتر موزیکال شهر دیگـر پولیند بنام «گدینه» به صحنه آوری‌باله‌سلیمان یوداکوف راکه به «جوانی نصر الدین » مو- سوم است تنظیم کرد ومورد نمایش قرار داد که‌همه آن مملو ازپهلو های مسرتبار و سر شاراز لطیفه های ملی ازبکی میبا شددرسال ۱۹۷۷ نمایش باله «میناتورهای هسپا نو ی » متکی برپایه آهنگهای ملی آنکشور درتیاتر بزرگ او پرا وباله «علی شیر نوائی» تاشکند مورد نظرها آمدفولکور موزیکال هسپا نیه موسیقی، ترانه ها ورقصهای آنکشور الهام بخش هنرمندان وآهنگسازان است ورقصهای هسپـا نـو ی تما شا گـران و شنو ندگـان را گاه در جنوب هسپا نیه (اند لس‌تاریخی) زمانی در سر زمین باسکها ووقتی هـم در محل «کولیا ن» قرار مید هد . مو لفان و مجر یا ن نما یشنا مه ها ی هسپا نو ی دادند که شا مل رقص «فلا منکو »باحرکات معنیدار و تا نگوی خو ش آهنگ و«خوتا» که در سراسر هسپا نیه مروج است وبا له «روی جزیزهٔ مالیبور کا ، ما لو گنیا و فا ندا نگوی » بسیار مهیج وباله «پاسادوبل» پرشتاب وپر حرارت میباشد .

همچنا ن در صحنه او پرا بالت «علیشیر- نوایی » باله ها ی‌دارای موضوعات‌ومشخصات هسپانوی بنام «بوله رو » اثرم .راول و«کارمن سو یتا » اثر ژ.بیزه ور. شدرین موفقا نه اجرا شد که مها رت هنر پیشگان از یکی چون میرمن گالیه اسما عیلوا ومیر من‌برناره قاریوا در نقشها ی زنان وکار روا ییها ی هنر مندا ن دیگر چون ویتا لی واسیلیف، ویا چیسلاو محمدوف، شوکت تور سونو ف ودیگر ان در نقش مردان ماهرا نه ودلپذیر بود .

از با له ها ی دیگر نما یش با لت پتر- چا یکو فسکی بنام «زیبای بخواب رفته » یا «دختر زیبا خفته »در تیا تر اوپرا وباله شهر تا ریخی سمر قند (محل سلا طیـن مو سس سلاله تیموریان) بمسا عی س. برهانوف هنر پیشه شا یسته از بکستا ن روی صحنه آورده شد که بسیا ر مـورد استقبال قرار گر فت .

در تاجیکستا ن شوروی :

در جمهوریت سو سیا لستی تاجیکستا ن شوروی (یکی از همسا یگان شمالی‌افغانستان شبکه وسیع تیاتر ها موجود است وفعالیت دارد .از آنجمله تیاتر اوپراوبالت دو شنبه (پایتخت آن)بنام «صدر الدین عینی » نو یسنده وشا عر معروف تاجیك وازبـك ۱۸۷۸ ـ۱۹۵٤) ،که دارندهٔ نشان لینن‌میباشد بحیث تیاتردولتی تاجیکستان محل نمایشات



مایا ـ پستکایا هنر پیشهٔ خلق شوروی درپارچه بالت «قو در حال غرق شدن»

جالبی است . آهنگسا زان این سر زمین در انکشا ف فر هنگ موز یکا ل و دیعه های بزرگی را از خود ابداع وابتکار کرده اند . در مد ت سا لهای اخیر ، آنا ن آثار زیاد موزیکا ل را از درامها ی کو چک مو زیکال گرفته تا او پرا بالت و سنفو نی ایجاد کردند که از آنجمله میتو ان اوپرای «بغاوت واسع »، «آهنگر کاوه، » ، «پولاد وگلرو »، «بختیار ونسا»، «طاهر ذ هراب» «کو مدی وما دان »،«بازگشت »، وبالتهای «لیلی و مجنون »، «دلبر»،«فرزند وطن»وغیره را نا م برد . مصنفان بالت «لیلی و مجنون» به اخذ جایزهٔ دولتی مفتخر گشتند. آهنگسازان ملی از قبیل ش . سیف الد ینوف ، ز.شاهدی سا لییو ف ،ی. بسزانوف ، عبد الطیف، همد موف ودیگران بین مردم محبو بیت زیاد دارند .

در مسابقه جهانی بالت بنام چا یکوفسکی که بسال ۱۹۶۹ در مسکو بر گزار شد دو- شیزه «ملکه صابر ووا »بالر ین ورقا صه جوا ن با لت تا جیکستا ن جایزه اول ومدال طلایی کانکور بین المللی بالت را بد ست آورد .

در جنب با شگاه روستا یی کلخوزموسوم به لینن بخش دیگر اوپرا فعالیت دارد که علاقمندان ترانه ها ی اوپرا یی درین گروه شر کت دارند و از جمله ساز ماند هندگان این گروه یکی هم «و.کر یموف »مسولیت تیا تر او پرا و با له تا جیك بنام«صدرالدین عینی »است که پروگرامهایش را آثار او پرایی متعدد مانند چایکو فسکی ، وردی، گو نو وغیره احتوا کرده است .

در قرغیز ستان شوروی :

جمهوریت شوروی سو سیا لستی قرغیز- ستان یکی از جمله پانزده جمهوریت متحد متساوی الحقوق ویکی ازجمهو ریهای آسیایی اتحاد جما هیر شوروی سوسیا لستی است که در شمال شرقی آسیا ی میا نه شوروی ،آنجا ییکه شا خه ها ی بزرگ سلسله جبا ل تیا نشان وپامیر و آلتا ی صد ها کیلو متر امتداد دارد ، واقع شده است درین سر زمین همدوش با دیگر جها ت زند گا نی عصر ی درجهت پدید آوری وغنی سا ختن رشتها ی مختلف فرهنگ ، به هنر ها ی زیبا نیز توجه عمیقی بعمل آمده است . چنا نچه انواع نما یشها ی هنری گروه ها ی متعدد هنر پیشگان و هنر مندان قر غیزی در صحنها ی تیاتر ها ی عمدهٔ کشور یکی ازین بخشها بشمار میرود هنر- مندان این جمهوریت بازحمتکشان ماسکو، کییف ، مینسك ، ریگا، تاشکند ،دوشنبه، نو وکوزنتسك کمر ووار نبورگ و بسیاری از شهر ها ی دیگر سرزمین شورا ها ملا قا تها کردند وبار هادر برابر آنان هنر نما یی نموده اند .

همچنان آرتیستها ی بر جسته قر غیز -در مما لك خا رجی نه تنها کنسر ت مید هند بلکه در مسا بقات سر ایند گا ن،نوازندگان پایکو بان (رقاصان)هم شرکت کرده و میکنند . هنر مندان قرغیز ستان به بعضی از کشور ها ی خارجی نیز درراه انکشا ف فرهنگ ملی آنها کمك میکنند . مثلا:میرمن

بقیه درصفحه ۳۷



پروفیسر «یوری- گیرو گروویچ» استاد رهبر تیاتر معروف بالشوی بادوتن از هنر پیشگان معروف خلق شوروی هنگام نمایش بالت .



نمایشی هیجان انگیز از رقص بالت

گوشه یی از فعالیتهای روزانه اعضای سازمان زنان دریکی ازکتابخانه های عمومی .

از منابع پولندی

ترجمه : (بشیر ـ احدی)

به هر شخص کتابی

درعصریکه وسایل اطلاعات جمعی انکشاف نموده، ارزش مطالعه کتابها یک امرضروری پنداشته میشود

پس از ختم جنگ جهانی دوم درست در موقعیکه خسارات وارده ناشی ازجنگ ارزیابی میشد چنین به نظر میرسید که هریك ا ز مکاتب سه گانه قبل از جنگ بایستی ازلحاظ کتب ومواد درسی تحت یك پروگرام علمی وپلان شده مجددا مورد بررسی قرار گیرد اینهم روشن گردید که در طی پنجسال جنگ با نیرو های اشغال گر نازی بیش از چهل فیصد ازغنای فرهنگی وکلتوری جمهوریت خلق پولند معدوم ونابود شده بود .

از همان دقایق اولی رهبران این کشور همزمان بابراه انداختن اصلاحات صنعتی و زراعتی دست به یکسلسله اقدامات فرهنگی زدند که روی همرفته درطی (۵۳) سال نه‌تنها غنای از دست رفته دو باره احیا گردید بلکه خطوط اساسی آینده در سکتور تهیهٔ مواد درسی نیز روشن گردید در قدم اول انقلاب فرهنگی روی دست گرفته شد در حالیکه در مرحلهٔ دومی ترمیم آثار وآبدات تاریخی ودر قدم سومی انکشاف طبع کتب تحت شعار (به هر شخص کتابی) آغاز گردید در حال حاضر مراحل سه گانه بصورت دینامیك به پیش میرود یکی از عوامل دیگر که طی انقلاب فرهنگی درآنکشورتامین گردید همانا انکشاف محیر العقول اطلاعات عامه بوده است که بحیث عامل چهارم نیز پنداشته شده است .

خلق پولند هریك میتوانند ازین چهار رشته یکی آنرا بصورت اختصاصی تعیین وانتخاب نمایند ولی طوریکه احصاییه هانشان میدهد اکثریت خلقهای آنکشور به انقلاب فرهنگی علاقه مند اند . بعد از مرور مدت سی وپنج سال بیش از (شش) فیصد خلق آنکشور از تعلیمات پوهنتون، سی فیصد از تعلیمات ثانوی، وبیش از (شصت) فیصد از تعلیمات ابتدایی مستفید انه هکذا در حال حاضر از هرده نفر جوانیکه مصروف بیش برد تعلیم اختصاصی میباشد (نه) نفر آ ن برای چندین سال به تعلیمات عالی خو یش می پردازد. در طی ده سال اخیر علی الرغم آنکه در ساحات کلتور وفرهنگ مشکلات متعددی به ظهور ر سید معهذا دور نمای تعلیمات عالی واختصاصی روشن تربه نظر میخورد .

برطبق پالیسی کلتوری خلق پولند هد ف اینستکه تا آثار وآبدات تاریخی و مفا خر ملی آنکشوراحیا گردد . بخصوص آن عده آثاریکه در شهر وارسا، پوزنان ویکعده شهر های دیگر موقعیت دارد دو باره احیا و ترمیم گردد . این کار ها درقدم اول حایز اهمیت تاریخی میباشد .

در قدم دوم احیای کلتور و فرهنگ و فولکلوریك در محلات وقصبات در نظر میباشد . در قدم سوم مساله تامینات و بلند بردن سطح دانش محصلین در کتابخانه ها وایجاد علاقه ودلچسپی به مطالعه در ایشان یکی از مسایل دیگری انقلاب فرهنگی محسوب میگردد .

همانطوریکه یکی از دانشمندان آنکشور گفته است مطالعه از یك شروع میشود و بهتر است که هر شخصی باخودکتابی داشته داشته باشد .

در عصریکه وسایل اطلاعات عامه تااندازهٔ زیادی انکشاف نموده ارزش مطالعه در کتابخانه ها یك امر ضروری پنداشته میشود به عقیدهٔ دانشمندان پولند جنبش انقلابات اجتماعی وکلتوری باچاپ خانه ها، رادیو تلویزیون، فلم وسایر وسایط اطلاعات عامه ارتباط بس نزدیکی را دارا میباشد .

کتاب به ذات خودش در میان اطلاعات عامه یك مقام بخصوصی داشته است که روی ـ همرفته پالیسی فرهنگی خلق پولند از همان آغاز کار روی همین پرنسیب قرار داشته است حقیقت امر اینستکه تمام اهداف انقلاب فرهنگی را فعالیتهای چاپ کردن خواندن و نوشتن تشکیل میدهند . مشکل عمده اینستکه چگونه بتوان بطور انفرادی صرف از یك کتاب مستفید شد ویا اینکه برای حل مطلب کلیه ذخایر یك کتابخانه را مورد استفاده وارزیابی قرار داد برخی ترجیح میدهند که کتب باید بطور چند جانبه برای انکشاف اجتماعی بکار رود ولی پس از مطالعات عمیق تجویز گردید تا از کتب بصورت انفرادی وهمه جانبه ویاشکل مرکب آن استفاده بعمل آید .

برطبق یکی از احصائیه های اخیر درسال اول پس از پایان یافتن جنگ دوم جهانی (۱۹٤٦) حجم مجموعی کتب که در پولند به نظر میرسید ده میلون جلد بیشتر از کتب سال (۱۹۳۷) بود .

بهر حال برای توضیح مطلب بایستی به انکشاف کتابخانه ها نیز برگشت تعداد مجموعی کتابخانه هاییکه قبل از جنگ در آنکشور مورد استفادهٔ محصلان قرار داشت به‌کلی محو گردیده ولی در حال حاضر به ملاحظه میرسد که در پولند بیش از ده هزار کتابخانه حاوی (هشتاد) ملیون جلد کتاب موجود میباشد .

بعد از متعلمین ساکنین دهات و محلات بزرگترین گروه استفاده کنندگان کتب را در کتابخانه ها تشکیل میدهد که البته در قدم سوم کارگران ومتصدیان فابریکه ها. کارگران زراعتی دانشمندان فارغان پو هنتون ها ومحققین از جملهٔ مشتر کین متداوم کتابخانه هابشمارمیروند در حال حاضر گروه سومی بیش از (نود) فیصد مشتریان کتب را در بازار هایی فروش تشکیل میدهندویابه عبارهٔ دیگر قسمت اعظم علاقه مندان کتاب پس از متعلمین دانشمندان ومحققین میباشند.

اخیرا یك معضلهٔ دیگر در ساحه کتب عرض اندام نموده وآن اینکه اگر چه سالیانه برای هر نفر طور وسط پنج جلد کتاب‌تورید میگردد مع‌الوصف صنایع طبع کتب آنطوریکه جوابگوی روز افزون خوانندگان شده بتواند انکشاف ننموده است که روی این اصل مقامات فرهنگی پولند میکوشند با طرح یك ستراتیژی مودرن این معضله را نیز حل نمایند .

ترجمه : احسان

معضله رودیشا و پالیسی های امپریالستی

چندی قبل مقامات نظامی رودیشا باپروپاگند های وسیعی اعلام نمودند که انتخابات پارلمانی در آنکشور انکشاف می‌نماید . مطبوعات محلی نیز به نوبه خود برای متأثر نمودن ابعاد نفوذ اتحادیه ملی افریقایی زیمبابوی (زانو) که توسط رابرت موگابی رهبری می گردد شایعات دروغین را براه انداخت این مطبوعات از سخنان خصمانه وتحریك آمیز دولت رودیشیا، حتی سخنی هم ذکر ننموده است. رهبران اتحادیه موصوف تمام این تلاشس های محیلانه زمامداران مستبد رودیشا را نقش بر آب نمود رابرت موگابی پروگرام سیاسی جانب داران خود را تدوین نمود ، و کار های مقدماتی خود را برای آماده‌گی انتخابات بتاریخ بیست وششم جنوری انتشار داد .

به هر حال چیزی که مسلم است ، این خواهد بود که مطبوعات رودیشیایی با تمام قوای خود سعی می ورزد تا نیرو های وطنپرست را تضعیف نماید . سیل از اکاذیب و دروغ ها یکی پی دیگری از زراد خانه تبعیض طلبان بیرون می‌جهد . این دروغ ها طوری توجیه می گردد که گویا وطنپرستان زیمبابوی متمایل اند تابمانند راهبان تمام جامعه زیمبابوی را ویران نماید . راستیست ها بدین طریق شیفتگان واقعی آزادی زمبابوی را ببادانتقاد می گیرند .

رویداد های جاری سیاسی رودیشا نشان می‌دهد که دو جبهه وطنپرستان رودیشا که توسط جوشیوانکومو ورابرت موگابی رهبری می گردد در شرایط فوق العاده دشواری قرار دارند. لارد سوماس گورنر جنرال انگلیسی رودیشا سمت خطر ناك چاکر نشانه امپریالیزم را عهده دار است تا در مقابل جبهه وطنپرستان زیمبابوی سدهایی ایجاد نماید . در حقیقت پالیسی حکومت تبعیض طلب رودیشا که از طرف حکومت محافظه کار انگلیس طرح گردیده است ، گورنر جنرال مذکور را متقاعد ساخته است تا درا نتخابات ماه فبروی آنکشور برای جلو گیری ازپیروزی وطنپرستان از هر گونه وسایل وامکانات استفاده نماید . نماینده رویتر از رودیشیا راپورمیدهد که قوای نظامی سالزبری پیوسته قصباتی راکه در موافقت نامه اوربند برای، وطنپرستان تعین گردیده است کنترول وحتی مورد تهدید قرار می‌دهد . طیارات جنگی رودیشا از فراز این مراکز همواره پرواز می‌نمایند . رهبران نیرو های وطنپرست رودیشا چندین بار از عدول موافقت نامه لندن احتجاج نمود که توسط دارو دسته‌خونین سمیت وموزوایوا عملی می گردد. قوای نظامی دیگری که تحت نا م «قوای مدادی» در قصبات مذکور متمرکز گردیده وتعداد شان پا نزده الی بیست هزار نفر می رسد مطابق دستور گورنر جنرال انگلیس عملیات تخریبی وتهدید آمیزی را انجام میدهند. دریکی از اسناد مهمی که از طرف وطنپرستان به‌انتشار رسیده است گفته می‌شود که واحد های قوای نظامی رودیشا وعساکر اجیر موزوریواقصبات دیگری را نیز اشغال نموده اند ودر آنجااز رفتن گوریلا های وطنپرست رودیشیا ممانعت می نمایند . ساکنین این قصبات اصلا نمی دانند که نتایج کنفرانس لندن بکجا انجامیده است . وتوسط دارودسته تبعیض طلبان به آنها جزوه ها ی شکست جبهه وطنپرستان رودیشیا را توزیع می نمایند . قوای نظامی رودیشیا با قشون به اصطلاح «امدادی» د ر عشا یررود یشیارژیم ترور وارعاب رااستقرار داده است . آنها به قطاع الطریقی می‌پردازند مکاتب را به بارك های نظامی مبدل می سازند واز گرفتار ی گروه های مردم سیاه پوست نیز احتراز نمی‌کنند .

پرابلم اخراج عساکر افریقای جنوبی از رودیشیا تا هنوز کاملا لاینحل مانده است . مقامات افریقای جنوبی اعلام می نماید که قوای محدود آنکشور برای محافظت اماکن وشاهراه های رودیشیا اعزام گردیده است . ولی درین اواخر رابرت موگابی در یك اجتماع درسالزبری اعلام داشت که هماکنون بیش از سه هزار عسکر افریقای جنوبی در رودیشیا برای مقاصد تجاوزی در نواحی سوق الجیشی متمرکز شده اند .

به قول راپور فرانسپرس که از سالزبری راپور میدهد . لارد سوماس گورنر جنرال انگلیسی رودیشیا عساکربیشتری راازحکومت تبعیض پسند افریقای جنوبی مطالبه نمو د است . ووی ریاکارانه اظهارداشته که ازدیاد قوای افریقای جنوبی در آنکشور بر خلا ف موافقت نامه لندن نمیباشد .

آیامی توان لارد سوماس (داماد وینستون چرچیل) سیاستمداری مجر بی را با ا ین اظهارات محیلانه اش ساده لوح‌قلمداد کرد؟ در حالیکه این موضوع چون آفتاب روشن است که ازدیاد حتی واحد کوچکی ازعساکر رودیشیا مستقیما رای دهندگان را تهدید خواهند نمود . این پالیسی های تقلب آ میز وملیتارئیستی موج از نگرانی ها واعتراضات خلق های افریقا ی وسراسرجهان‌رابرانگیخته است .

ا . کودجا منشی عمومی موسسه اتحاد افریقا در دارالسلام مرکز تانزانیا به تمام کشور های در حال رشد اعلام نمود تا باتمام قوای خود بر ضد نقشه های تهاجمی بریتانیا وحکومت تبعیض طلب رودیشیا اقدام فوری بنمایند . به اثر تقاضای برخی کشور های افریقایی شورای امنیت موسسه ملل متحد پیرامون بررسی اوضاع رودیشیا که بعد از موافقت نامه لندن در اثر عملیات تخریب ـ کارانه انگلستان ، وافریقای جنوبی وخیم شده است دایر گردید .

مبارزه بخاطرآینده رودیشیاکماکان ادامه دارد. جبهه وطنپرستان با استفاده از تجر به های تلخ گذشته خود هوشیارانه برضدقوای تبعیض طلب وامپریالیزم مبارزه می کنند .



مخترع با گروه هنری‌اش

ترجمه عبداله

گروه هنری بقه‌ها

بایس رفتن پرده تیاترکوچك اطفال شش بقه بازست های مخصوص روی ستیج ظاهر شدند وهر کدام در جاهای معین خود ایستادند . با تغییر روشنی لمپ ستیج صدای نرم موزیك بلند شد . این گروه که بنام گروه هنری «ستاره های سبز» مشهور است به اجرای برنامه شان آغاز کردند. هنرمندان همزمان با نواختن موسیقی ستارهٔ گروه را همراهی میکردند . همه ا عضا منجمله گیتاریست ، پیانیست وجازبند نواز به بسیار ذوق وعلاقه در حال فعالیت بودند .

مخترع این گروه میناتور «ستاره ها ی سبز» جوانی به اسم معصوم علاوالدین اف است بگذارید در قسمت ساختمان اناتومی هنرمندان نکتهٔ چند خدمت تان معلومات ارائه کنم . ساختمان عضویت بقه ها فلزی بوده واز سر پوش بوتل ها ساخته شده‌اند. الکترو مقناطیس هایی که در بطن شان‌نهفته است فعالیت وحرکات شان را کنترول می نمایند . ساحه فعالیت الکترو مقناطیس ها توسط ساختمان الکترونیکی تنظیم میشود .

نکته قابل تو جه وضمنا مغلق تا مین هماهنگی حرکات بقه هابانوای موزیك است. غرض ایجاد هماهنگی نخست چندین مرتبه موزیك پخش شده وسپس حرکات بقه هارا باشیمای اداره کنترول تنظیم مینمایند .

موسیقی که تصور میشود هنرمندان می نوازند در حقیقت از طریق رادیو کست پخش میشود . برای ساختمان وجود یك هنرمند به شش الی ده سر پوش فلزی بوتل ضرورت است . چشم های شان فنر مانند وبرابری است . چوکی هایی که هنرمندان از آن استفاده مینمایند نیز از سرپوش بوتل ها و سیم ساخته شده است . در ساختمان سامان وآلات موسیقی آنها ازقوطی های خالی کنسرو استفاده شده وبامدل های اصلی شباهت تام دارد .

تماشای هنری این گروه با خنده های پیهم وهیجان تماشاچی همراست. برای بوجود آوردن گروه جالب وخنده آور «ستاره های سبز» دانش تخنیکی تنها کفایت نمی کرد بلکه به استعداد خاص در قسمت نقاشی و رنگ آمیزی نیز ضرورت بود .

مخترع گروه «ستاره های سبز» خود به کنسرت های هنرمندان رفته حرکات وژست های آنها را به خاطر سپرده وحالات مذکوررا بالای گروه هنری خود تطبیق میکرد تااینکه به واقعیت نزدیکی تام پیدا کند .

معصوم علاوالدین اف هنوز سی سال دارد اما در قطار همکارانش ازمقام خاصی برخوردار است وهمه اورا بنام «استادکل» مینامند .

مخترع اصلا بسته کار رادیوست اما در حرفه آهنگری نیز سر رشته دارد . دراوایل‌جوانی به اتوماتیزه کردن عملیات الکترونیك علاقه خاص داشت .

درمرحله اول فعالیت خویش به ساختن مدل کشتی های که توسط امواج رادیویی رهبری میشد دست زد . سپس به فعالیت‌های مغلق تر چون اختراع گروه هنری «ستاره های سبز» اقدام کرد . به این ترتیب گروه هنری بقه ها بوجود آمد .

د(غیور) ژباړه

په کارګری ټولنو کی دوړیااو اجباری تعلیماتو پراختیا

دماموریت په‌ترڅ کی تحصیل اجتماعی او اقتصادی فعالیتونه چټکوی

په کارګری ټولنو کی دوړیااو اجباری زده کړوله سیستمونو څخه ډیری ښی‌اوپــــه‌زړه پوری نتیجی تر ګوتو شویدی • دکوریا دخلکو دموکراتیک جمهوریت رئیس (کم ال سونګ) په دی وروستیو وختونو کی دوړیااواجـباری تعلیماتو دښیګڼو په باب یوه وینا خپــــره‌کړی چی دادی دلته یی وړاندی کوو •

په کارګری ټولنوکی وړیا او اجباری‌تعلیمات دټولنی دټولو پر ګنواو څواکونو افکاروښانوی کارګری تعلیمات دهغو تعلیماتو څخه شمیرل کیږی چی یوازی یو فرد اویا یوی پرګنی ته منحصر نه پاتی کیږی بلکه دیوی کارګری‌ټولنی ټول وګړی او ځواکونه ور څخه مستفید کیږی، په کارګری او سوسیالستی ټولنوکی ټول‌خلك حـــق لری چی ښوونه او روزنه ترسره کړی دکوریا د خلکو په دموکراتیك جمهوریت کی ټولی تعلمی پالیسی (ټولوته تعلیم او زده کړه) په پرنسیپونو باندی اتکالری • په وړیاټول داجباری زده کړو بنسټ په اساس کی پــــه ښوونځیو باندی ولاړدی • دخپلواکی له ګټلو څخه وروسته په یوه خورا لنډه موده کی‌ددغه هیواد په بیلابیلو برخوکی‌یوزیات شمیرلومړنی ښوونځی ، کالجونه او انستیټوتو نه جوړاوپراـ نسل شمول • همدا رنګه په‌دغه لنډه مــــوده‌کی په هیواد کی دانقلابی هدفونو په سرته رسیدلو اوداقتصادی او ټولنیزو سکتورونو په پیاوړتیا سره دهغه هیواد دلومړنیو او ثانوی ښوونځیو کالجونو اوپوهنتونونو په شمیر کی دلیدووړ زیاتوالی راغی •

دکوریا دخلکو په دموکراتیك جمهوریت کی دوړیا لومړنیو اجباری زده‌کړوپروګرام دلومړی ځل دپاره په (۱۹۵٦) کال کی تر اجرا لاندی ونیول شو • ددغه پروګرام په تعقیب کی په (۱۹۵۸) کال کی دثانوی دوری دښوونځیو دپاره دوړیا اجباری تعلیماتو پروګرامونه تر تطبیق لاندی ونیول شول • په (۱۹۷۲) کال کی دتیرو پروګرامونو څخه د لاس ته‌راغلو نتیجو له مخی پریکړه وشوه چی دثانوی دوری اوله هغی‌څخه پورته په لوړ وتعلیمی کدرونو کی تر (۱۱) ټولګیو پوری دوړیا زده کړو تعلیمی نصاب ته ځای ورکړشی • په دغه پروګرام کی دټولوهغو شاګردنو او زده کوونکو دپاره چی په فابریکو کی دکار کولو شرایط ولری دزده کړو امکانات په نظر کی نیول شویدی • دښوونی او روزنی چاری په دغه هیواد کی په علمی اصولو باندی



دمسلکی او تخنیکی زده کړو په‌یوه ښوونځی‌کی‌دزده کوونکو دعلمی کارونو یوه ګـو ښه

اتکا لری اوپه حقیقت کی دعلمی او تخنیکی تعلیماتو یو ګټور او په‌زړه پوری سیستم ګڼل کیږی • څرنګه چی دغه پروګرامونه ټول پــــه وړیاټول تنظیم اونافذشویدی ځوانان چی‌په ثانوی دوروکی دزده کړو ددوام دپاره لازم شرایط ولری ددغه راز پروګرامونو څخه پوره ګټه اخستلای شی • لکه چی تجربو څرګنده کړیده نوموړی پروګرامونه دزده‌کوونکو دعمومی اطلاعاتو دسطحی دلوړولو اوتربیوی کـدرو نو دروزنو په برخه کی دښوونی او روزنی مربوطو مقاماتو ته زیاتی اسانتیاوی برابروی • په‌ضمن کی ددغه راز پروګرامونو په تعقیبولوسره‌پــه تخنیکی اوحرفوی رشتو کی دشاګردانو استعداد اولیاقت ترزیاتی اندازی پوری‌پیاوړی کیږی• په‌اوسنیو وختونو کی له رسمی‌وخت‌څــــخه وروسته شاګردانو او ځوانانو دپاره‌دکارکولواو تحصیل غوره شرایط رامنځ‌ته‌شـــوی•کارګران اوکسب ګران هم کولای شی‌چی درسمی وخت څخه وروسته دښوونی او روزنی له پروګرامونو څخه ګټه‌واخلی ، ددغه پیغام داهـــدافو سره سم اوس اوس او دغه راز په راتلو نکو کلونو کی‌به زده کوونکی وکولای شی د(فول تایـم په صورت کی په یوه تخنیکی او یا حـــرفوی ښوونځی کی خپلوزده کړوته دوام ورکـــړی• دکوریا دخلکو ددموکراتیك دښوونی او روزنی مقامات اوس په یولړ داسی فعالیتونو لاس‌پوری کول غواړی چی دهغوپه سیوری کی نه یوازی په‌ښوونځیو اووړکتونو نوکی‌دشمولوړکو چنیان بلکی دفابریکو او صنعتی‌تاسیساتو کارګران‌هم تحصیل کولای شی • دحرفوی اومسلکی‌زده‌ کړو د نویو روشونو او طریقوله‌مخی پــه‌څو وروستیو کلونو کی دهغه هیواد ټول وګړی په تخنیکی او او مسلکی منځینو ښوونځیوکی د ښوونی او روزنی له پروګرامونو څخه ګټــه اخستی شی هیله ده په نژدی وخت کی د(۱۱) کلنو تعلیمی پروګرامونو سره دتعلیمی نصاب دنورو پروګرامونو دهم آهنګ کولو دپاره په ښوونځیوکی د(۱۲) ټولګیو څخه پورته تعلیمی ریفارم تطبیق لاندی ونیول شـــــی . همدارنګه دفیزیکی اوفکری فعالیتونو څخه دراپیدا شوی تشی دډك کولوله پاره له‌یوی خوا اودشاګردانو دایدیالوژی دمعیار اوپوهی دلوړولو دپاره لــه بلی خوا ټاکل شویده چی دهغه هیوادپه ټولو ښارونو اوکلیو کی دځوانانو او کار ګرانــو د تخنیکی او افاقی اطلاعاتو ستندرد په یوشان او مساوی ډول لوړ کړی‌شی• دغه هیله به هغه وخت ترسره شی چی دهغه هیواد ټول وګړی هرو مرو دلوړو تحصلاتو په یوه انستیټوت کی خپل درسونه تعقیب کاندی اودغه راز تعلیمات هم ښایی چی په وړیاډول تراجرالاندی ونیول شی • لکه چی تجربو څرګنده کړیده دانستیټوت په سویه د کارګرانو او ځوانانو ټول‌تعلیمی پروګرامونه بایدداجباری تعلیماتوپه چوکات کی تطبیق شی •

دتیروشلو کلونو دنتیجوله مخی دښوونی‌او روزنی هغه پروګرامونه چی‌دفیس په‌ورکولوسره تراجرالاندی نیول کیږ ی هیڅکله غوره اوپه زړه پوری نتیجه نه ورکوی • په پانګه والواو کارګری ټولنوکی دتعلیمی‌اوتربیوی پروګرامونو دتوپیر په‌پوهیدو لوسره کولای شودی نتیجی‌ته ورسیږو چی‌په کارګری او سوسیالستی هیوادـ ونوکی دښوونی اوروزنی ټول‌بیساری لګښتونه ددولت له‌خوا تادیه کیږی په داسی حال کی چی په پانګه والو هیوادونوکی مساله بر عکس ده • لکه چی ټولوته څرګنده ده له دی کبله چی په‌کارګری اوسوسیالیستی‌ټولنوکی ګټه‌اوتاوان دواړه ددولت اوافراد وتر منځ شریك دی‌نوځکه دهرډول وړیا او اجباری تعلمیی پروګرامونو څخه ښی اوپه زړه پوری نتیجی ترګوتو کیدای شی • دپورتنی اصل له مخی دکوریا دخلکو په‌دموکراتیك جمهوریت کی‌دښوونی‌اوروزنی ښی دپروګرامونو ټول مسوولیت او لګښتونه ددولت په غاړه دی) او باید وویل شی چی‌دتیرو دیرـ شوکلونو په اوږدوکی‌ددغه راز ریفارمونو څخه ګټوری نتیجی تر ګوتو شویدي • دکوریـــاد دموکراتیـ ك‌جمهوریت له آزادی نه وروسته چی دهغه هیوادد اقتصادی او اجتماعی حالت په ډیر وناوړو شرایطو کی موقعیت درلود دکوریا ددموکراتیك‌جمهوریت دولتی مقاماتوتجویز ونیو چی دهغه هیواد بیوزلی کورنی‌دښوونی اوروزنی له‌فیس اولګښت څخه معاف کـړی او ددغــــه راز کورنیو او لادونه په وړیا ډول ددولت په لګښت په ښوونځیو ،کالجونو او پوهنتونوـ نوکی جذب کړی •

دلویا دټاپووز می‌له جګړی څخه په‌وروستیو کلونوکی دهغه هیواد په ښوونځیو اوبیلابیلو نعلیمی موسسو او تربیوی مرکز ونوکی ددولت په‌لګښت دوړیا ښوونی او روزنی پروګرامونه او تعلیمی سیستمونه تر اجرا لاندی ونیول‌شو•

په (۱۹۵۹) کال کــی دهغه هیواد په ټولو تربیوی مرکزونو کی لومړنیواو اوثـــانوی‌زدهـ کړو تعلیمات په‌وړیا توګه ترسره کیده •

دپورتنیو تعلیمی ریفار مونو نتیجــــه‌داده‌چی اوس دهغه هیواد په ټولو تعلیمی سازمانونو



ددرپیونګ یانګ دوړکتونونو ماشومان، وړکتونونوته دتګ په‌حال کی

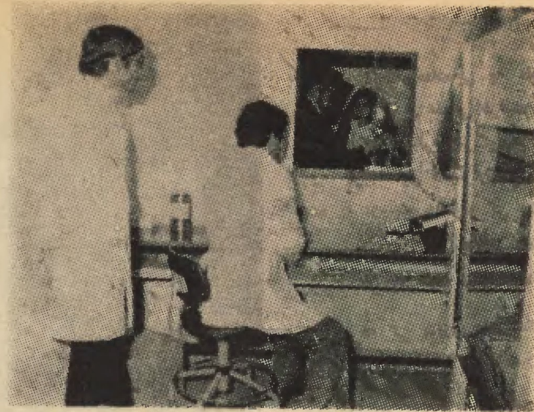
اوموسسوکی دوړکتون څخه نیولی‌ترپوهنتونونو اودډیرو لوړو تعلیماتو ترکدرونو پوری‌دښوونی اوروزنی اجباری فعالیتونه تر(۱۱) ټولګیوپوری اودهغه څخه تر پورتنیو پوړ یو پوری په وړیا ډول ترسره کیږی . دیادو لوو ړ خبره داده‌چی دکوریا دخلکو په دموکراتیک جمهوریت کی‌نه یوازی په ښوونځیوکی دښوونی او روزنی چاری تعلیمات هم په وړیا ډول صورت نیسی .همدا- رنګه دلویانو دپاره‌ښوونه او روزنه‌اودکارګرانو تعلیمی چاری ددولت په لګښت په وړیاتوګه ترسره کیږی. په داسی حال کی چی په دغه هیواد کی دژوندانه دنورو اړخونو په‌پرتلـــه دښوونی‌اوروزنی دلګښتونواندازه‌څوچنده زیاته اولوړه‌ده‌دهغه هیوادپه دولتی بودجه‌کی‌دتعلیمی پروګرامونو بودجه کال‌په‌کال مخ په‌زیاتیدوده دکار کولو په ترڅ کـــی دشوونی او روزنی چاری :

دکارکولو په ضمن‌کی‌دښوونی‌او روزنی‌ترسره کول او دداسی پروګرامونو تعقیبول دزده کړی بو ډیر ښه اوغوره سیستم ګڼل‌کیږی. ددغـه رازیوه سیستم په تعقیبولو سره‌کارګره ړ له کولای شی چی داجتماعی او اقتصادی بیلابیلو چارو دتر سره کولوپه‌ترڅ کی‌دښوونی اوروزنی په‌یو انستیتوت اویا کالج‌کی خپل درسونه تعقیب کاندی .

ددغه کار یوه بله ګټه او ښیګڼه داده چـــی کارګران‌بی لدی څخه چی ددوی تولیـــداتی‌او ساختمانی کارونه‌وځنډیږی دلوړوزده‌کړو څخـه برخورداره کیږی دکوریا دخلکو ددموکراتیک جمـــهو ر یــت یـوازی هـــیواد دی چـــی دکار کولو په ضمن کی کار ګرانو ته ددرسی کتابونو دلوستلو په برخه زیاتی اسانتیاوی برابر وی . په اوسینو وختونو کی په عادی تعلیمی سیستم علاوه درسمی وخت‌څخه‌وروسته تعلیم) په‌نامه چی‌په‌عین حال کی‌دفالتو وختونو دتعلیم په نامه هم یا دیږی دښوونی او روزنی یونوی سیستم جوړ اورامنځ ته شویدی ددغه نوی سیستم په مرسته نه یوازی دکوچنیانو او ځوانانو دپاره‌دښوونی او روزنی‌چانس‌برابر- یږی‌بلکه دکارګرانو، بزګرانواوزیارایستو نکو دپاره هم دتعلیماتو دښیړ ولو امکانات او په زړه پوری شرایط تر ګوتو کیږی. ددغه رازیو سیستم څخه ټول خلك دهر ډول توپیر څخه پرته په تکاملی توګه استفاده کوی په داسی توګه چی ددوی‌تعلیمی‌پروګرامونه‌دعصر اوزمانی غوښتنوته مثبت ځواب وویلای شی. اوس اوس په‌دغه تعلیمی سیستم کی‌یوشمیر ریفارمو نـه رامنځ ته شویدی چی دهغو په جمله کی دکار- ګرانو دپاره دمنځنیو ښوونځیو ،دفابریکودلوړو مسلکی اواختصاصی مرکزونو ، کالجونو،دشپی لیسودمکاتبی په‌ذریعه دکالجونو او درسمـــی وخت څخه وروسته دتعلیمی کورسونو نومونه دذکروړ بولو . لکه چی دکوریا دخلکو پـــه ده‌وکراتیك جمهوریت کی دځو کلنو تجربو نتیجو څرګنده کړیده دښوونی اوروزنی دپور- تنیو روشونو او تاسیاتو څـخه په ګټی‌اخستلو سره دفابریکو ، صنعتی ،ساختمانی اوتولیداتی موسسو کارګران ددی توان اوقدرت پیدا کوی چی دخپلو ورځنیو کارونو دپریښود لوڅخه پرته دسوسیالستی تعلیما تو نوی معیارونه چی دیوی سوسیالیستی ټولنی داجتماعی او اقتصاد ی ودی له‌پاره مهم ګڼل‌کیږی د علمی اصولو سره سم تعقیب کاندی . لکه چی‌دکوریا دخلکو په دموکراتیك جمهوریت کی څو کلنو تجربو ثابته کړیده یوازی‌عادی ښوونځی نه‌شی کولای چی دیوی ټولنی دټولو خلکو دپـــاره دښوونی او روزنی لاره اواره کړی او داځکـه چی امکان لری دفابریکو او تولیداتی موسسو یوزیات شمیر کار ګران دتیرو استعماری او استثماری رژیمونو دشته والی له کبله بریالی شوی نه‌وی چی خپلی زده کړی تعقیبی کـــړی

بله دلید وو ړخبره‌داده‌چی په عادی‌ډول‌دمنظمو ښوونځیو حجم او عمومی ظرفیت دزده کوونکو دشمیر دجذب له نظره ډیر کوچنی او محدودګڼل کیږی. څرنګه چی دعصراوزمانی غوښتنوثابته کړیده په اوسینو وختونو کی د سوسیالستی ټولنی دودانو لوله پاره زیاتو تعلیمی‌اوتربیوی کدرونوته ضرورت شته او ددغه مقصدد ترسره کولوپه برخه کی یوازی عادی مکتبونـه‌کفایت نه کوی دکار په ترڅ کی دزده کړی سیستم دمروجو او عادی زده کړو دسیستم سره جوخت دټولو خلکو دپاره دښوونی او روزنی فر صت برابروی اوددغه کارپه نتیجه کی یوه ټولنه‌ددی قدرت پیداکوی‌چی‌ډیرژرپه‌تولیداتی اوساختمانی چاروکی لـــوړوپـــړا وونـــو ته‌ورسیږی. دکوریا دخلکو په دموکراتیك جمهوریت کی اوس اوس یوتن اوسیدونکی هم نه‌موندل کیږی چی بیسواده وی اویاخپلی‌زده کړی یی‌نیم‌ګړی پری ایښی‌وی .ددغه‌هیوادهریو اوسیدونکـــی خپلی زده کړی ترپایه پوری رسوی‌او کوښښ کوی چی‌په خپل ټول ژوندکی درس‌ووایـــی‌او تعلیمی- پروګرامونه تعقیب کاندی .دښوونی او روزنی دمروجو ښوونځیو تر څنګ د(فالتووخت) دښوونی او روزنی له تعلیمی تاسیساتو څخه ډیری ښی اوپه‌زړه‌پوری نتیجی‌تر ګوتو شویدی دتیرولسو کلونو له تجربو څخه‌په ګټی اخستلو سره په ډاګه سره ویل کیدای شی‌چی دکارپه ترڅ کی دزده کړی ددغه نوی سیستم په‌مرسته په‌یو وخت کی یوزیات شمیر زده کوونکی ، مامورین ، کارګران او نورعلاقه لرونکی دانقلابی ایدیالوژی دروحیی په در لود لو سره تربیه اوروزل کیدای شی. ددغه ځواکونو په روز- لوسره نه‌یوازی‌په‌تولیداتی‌او ساختمانی چاروکی بدلون رامنځ ته‌کیږی بلکی تریوی‌زیاتی‌اندازی پوری کارګران او مامورین دجهان بینی او علمی ایدیالوژی په معنی او افاقیت باندی هم ښه پوهیږی .کوم‌کسان‌چی‌د(فالتووخت)په تربیوی اوتعلیمی ښوونځیو کی درس وائی‌دتولیداتـو دسکتور زده کوونکی اویا داچی ددولتی څانګو رسمی مامورین دی . دغه کارګران او مامورین په واقعیت کی په یولړ علمی کارونو بوخت دی او دخپل وخت یوه زیاته برخه په تولیداتی، ساختمانی او عمرانی فعالیتونو تیروی .نوموړی کارګران او مامورین هڅه کوی چی دخپلی‌ټولنی دانقلابی فعالیتونو داړتیا وو دپه نظرکی‌نیولو سره تعلیم وکړی او خپل ځانونه دهر ډول ګتورو کارونو دپاره اعیار او چمتو کاندی .

کنترول توبرکلوز در سراسر کشور



یکتن ازمریضان درحال معاینه دیده‌میشود

در پرتو مرحله نوین انقلاب ثور تجویز اتخاذ گردیده که در تمام افغانستان مریضان توبرکلوز بصورت مجانی معاینه وتداوی گردند.

یك منبع انستیتوت ملی کنترول توبرکلوز در مصاحبه ای که باخبرنگار مجله ژوندون بعمل آورد گفت:

بصورت عمومی درپروگرام کنترول توبرکلوز تغییر وتحول ارزنده صورت گرفته بدینمعنی که دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان حق اولیه فعالیت های صحی را در کنترول توبرکلوز داده است . بدین معنی که تمام فعالیت های ضد توبرکلوز بصورت مجانی میباشد ازقبیل تشخیص، لابراتوار، اکسریز، وقایه ذریعه بی‌سی جی ویکدوره مکمل تداوی.

دولت فعالیت وکنترول توبرکلوز رابصورت مطلق تقویه میدارد یعنی از نگاه معیاراداری، بودجوی ومراقبت های دوامدار که بصورت اختصاصی شامل :

۱ـ تربیه پرسونل پروگرام توبرکلوز در داخل و خارج

۲ـ تحقیقات اختصاصی ازنگاه اپیدمولوژی، بصورت عملی از نگاه پلان وارزیابی پروگرام کنترول توبرکلوز .

۳ـ سروی ملی توبرکلوز در سراسر کشور ذریعه تیم جدا گانه باشتراك تیم وترنری که‌ازنگاه کشف واقعات توبرکلوز در گاوها وارتباط بانواع توبرکلوز انسانی در مرحله اجرا قرار گرفت که فعالیت آن عنقریب اکمال ونتایج آن بعداً صورت خواهد گرفت که این سروی بزرگترین سروی منطقوی در حوزه جنوب شرق آسیا می باشد.

٤ـ تعلیمات صحی برای مریضان و تمام مردم و فامیل های مریضان از نظر کنترول و وقایه توبرکلوز ، که این تغیرات توصیفی بوده وتغیرات جدی آن قبلا توضیح می‌گردد:

در سال ۱۹۷۹ در حدود بیشتر از چهل هزار نفر تحت تداوی قرار گرفت که ازجمله ششهزار نفر دوره تداوی یك ساله راتکمیل نموده اند .

در سال ۱۹۷٤ در حدود ۱۹٦۰۰ نفر از نگاه کشف واقعات توبرکلوز ذریعه معا ینه مستقیم بلغم معاینه شدند ودر ۱۹۷۹ معاینه اضافه از ٦۵۰۰۰ نفر بصورت مجانی صورت گرفت ناگفته نماند که پرو گرام کنترول توبرکلوز در آینده نزدیك در سراسرکشور عزیز تزئید خواهد یافت .

منبع در مورد این سوال که اساس پروگرام توبرکلوز در افغانستان کدام سال گذاشته شده و فعالیت درین ساحه قبل از انقلاب ثور چگونه بود وفعلا تاچه حد تحول و انکشاف نموده چنین توضیحات داد :

باید گفت که اساس پروگرام کنترول توبرکلوز در افغانستان سی سال قبل گذاشته شده بود که این کنترول تنها محدود بخود موسسه توبرکلوز (درچمن) بوده بعدافعالیت مذکور قسما در دیگر ولایات نیز انکشاف داده شد که بیشتر شکل فورمولیتی داشت .

وفعالیت تداوی تو برکلوز از نگاه کیفیت، پروگرام کاملا محدود وتداوی مریضان در سناتوریم های اناث وذکور بصورت اجرتی بود که مریضان توبرکلوز از ین رهگذر بمشکلات زیاد مواجه بودند زیرا مریضان بوضع بسیار عاجل وخراب از مناطق دوردست مملکت جهت بستر شدن بمرکز مراجعه می کردند که اکثریت شان قدرت توان پرداخت فیس را نداشتند وجهت بستر شدن از یك دروزاه بدروازه دیگر مراجعه و سرگردان میشدند وبندرت ودشواری امر بستر شدن مجانی را از شخص وزیر دریافت میکردند .

بعداز انقلاب شکوهمند ثور سنگ تهداب انستیتوت ملی توبرکلوز گذاشته شد که بعداز یك سال به فعالیت خود مستقیما به صورت فعال آغازنمودودرپهلوی آن درولایات کشور حوزه های توبرکلوز هم بصورت فعال وموثر تنظیم گردیده که عبارت اند از : حوزه توبرکلوز ننگرهار حوزه توبرکلوز کندهار، حوزه توبرکلوز هرات، حوزه توبرکلوز بلخ وحوزه توبرکلوز کندز که شعبات حوزه‌های مذکوربصورت‌فعالانه ازکنترول توبرکلوز ولایات مربوط خویش وارسی مینماید . برعلاوه در تمام مراکز صحی اساسی ومراکزفرعی فعالیت‌کنترول توبرکلوز درپهلوی دیگر پرابلم‌های‌صحی‌مراکز مربوط ازطرف داکتر وپرسونل آن بصورت ادغام شده انجام می گیرد .

که‌درهرحوزه یك داکتر بحیث آمر حوزه متخصص توبرکلوز یك داکتر داخله که در پروگرام توبرکلوز همکاری میکند، دو نرس، دوروغتیاپال، دو واکسیناتور، یکنفر تکنیشن لابراتوار ویك نفرتکنیشن اکسریز.

ودستگاه مکمل اکسریز، شعبه لابراتوار مجهز برای معاینه مستقیم بلغم و بعضا بالوازم کلچر سامان ولوازم شعبات کنترول توبرکلوز میباشد ، همچنان یکعراده موتر، یکعراده موتر سایکل و یکعراده بایسکل مجهز میباشند .

تمام حوزه های مربوط ا قلا

بقیه در صفحه ۵۱



وحالا مریضان توبرکلوز بصورت مجانی بستر وتداوی می‌شوند

اهمیت تحکیم وپیوند روابط میان نیروهای

پیشرو جهانی

وجنبش‌های آزادی بخش ملی

درروند تاریخ

غفار «عریف»

اگر بطور پیگیر نقش جهانی نهضت های آزادی بخش ملی معاصر را ، دقـیق وهمهٔ جانبه در مقایسهٔ با جنبش های ملی پیشین، مورد مطالعه وارزیابی قرار دهیم ،نتایـج علمی که درین زمینه حاصل میشود و ضع را بطور کلی چنین میرساند که :

جنبش های آزادی بخش در گذشته‌تمایل بیشتر جانب مسایل خارجی داشت، ولی در شرایط کنونی نهضت های رهایی بخش‌متوجه مسایل داخلی میباشد ودر دست اول اهمیت انجام رسالت خویش، محو کامل استعما ر و از بین بر د ن ر یشه های اقتصادی نفـوذ امپریالیزم، حل پرابلم های اجتماعی‌واقتصادی را قرار میدهد .

آرایش قوا درمیثاق بین المللی خصـوصیت عمده دوران کنونی را چنین میرساند :

مبارزات رهایی بخش ورشد وسـیع آن ، تقریبا سرنوشت نیمهٔ بشریت را در جها ن تعیین میدارد وساحه فعالیت آن ده ها ملت را احتوا میکند و سیستم استعماری درهم می پیچید . خلقهای کشور ها ی آسیا ، افریقا وامریکا لاتین از طریق تحکیم وپیوند روابطخودباجهان سوسیالیستی وطبقه کار گر کشور های سرمایه داری به همه اشکـا ل ستم اجتماعی خاتمه میدهند وراه شگـوفان ترقی اجتماعی رادر پیش میگیرند .

شکست ودر هم پیچید ن سیستم بردگی استعماری در زیر ضربات پیهم و هماهنگ مبارزات رهایی بخش ملی انکشافیست که از لحاظ اهمیت تاریخی خویش بعد از ا یجا د سیستم جهانی سوسیالیسم در درجه دوم‌قرار میگیرد .

مشخصات جنبش های ملی رادر گذ شته حصول استقلال سیاسی ملت ها در برمیگرفت که مقصد عنعنوی آنرا از میان برداشتـن تسلط اجنبی، ایجاد دولت ملی وتحقق‌بخشیدن به حق داشتن موقف مستقل سیاسی تشکیل میداد .

مبارزات رهایی بخش معاصربنابرخصوصیت عمیقا ضد امپریالیستی ومحتوی جدیداجتماعی خویش، بنابر نقش بزرگی راکه توده هـای خلق درین مبارزه بجامی آورند، زنجیر های اسارات بار امپریالیسم را در حساس تر ین موقعیت آن جدا تضعیف میکند وسر انجام در مراحل اخیر کاملا ازهم میگسلد .

یکی از خصایل جنبش آزادی بخش ملی را این مسئله تشکیل میدهد که در نتیجه آن سرزمین های مستعمره ونیمه مستعمـره راه ترقی اجتماعی را در پیش گرفتند و مبارزات مستعمرات باقی مانده ، پشتیبانی کامل نیرو های انقلابی کشور های نو بنیاد وحمایـت همه جانبه کشور های پیشرو جهانی راکمایی نمود .

همانطوریکه جنبش های رهایی بخش‌معاصر مولود زمان ماست ، بدین لحاظ طرد رژیـم های هوا دار امپریالیسم ، تبدیل استقلال سیاسی صوری‌به استقلال واقعی گذار ا ز سرمایه داری به مرحله عالیتر تکامل اجتماعی مشخصات این جنبش را در بر میگیـرد .

در عین حال اینکه مناسبات فرهنگی ومعنوی آن در خدمت با فرهنگ ومعنویات پیشرفتهٔ ومترقی پیوند حاصل میکند . بادر نظرداشت شرایط پیروز مند مبارزه با روابط فرسوده فیودالی وما قبل فیودالی ، درجدال‌اســت

علت وابستگی اقتصادی مستعمرات را در گذشته ،تابعیت سیاسی آنها رادر مقابل‌کشور های استعمار گر تشکیل میداد، ولی بنا بـر تغییر عمیقا به‌سودنیروهای‌مترقی‌که درسیمای جهان رونما گردیده (جنبش های آزادی بخش ملی زمان ماجنبش های دمو کراتیك ضدامپر-یالیستی طراز نوین میباشد.)

بدین سان مبارزه درراه حصول استقـلال اقتصادی خصلت عمیق ضد امپریالیستی دارد. نیازمندی های عینی آزادی اقتصادی واز میان برداشتن زمینه های استقرار مجـدد تسلط استعماری امپریالیسم، خصو صیت جنبش‌های آزادی بخش ملی راتعین‌میکند.

درشرایط کنونی بنابر موجـودیت سیستم جهانی سوسیالیسم، همبستگی بینا لملـلـی کارگری ، فشار خلقها بررژیم های‌استعماری روز تارو کسب قوت بیشتر میکند، نیرو های انقلابی ووطنپرست کشورهای وابسته‌دربرابر عملیات‌وتجاوز استعمار گران‌به قیام‌هـــای پیروز مند مسلحانهٔ میپردازند.

انحلال سیستم استعماری ازنظر انکشافات انقلابی جهان معاصر اهمیت عظـیمی دارد و جریان است غیرقابل بازگشت ،نادیده انگاشتن آن‌بـه مفهوم خط بطلان کشیدن بر پیروزی های تاریخی جنبش های آزادی بخش ملی، کـم شمردن اهمیت شکست‌وزوال استعمار، ناچیز دانستن نقش استقلال سیاسی وعدم اعتقاد به پیروزی ملتهای تازه به استقلال رسیده است که به‌یقین‌توانایی آنرادارند تابا پشتیبانی‌عام وتام کشور های مترقی جهان ضربات پیهم و خرد کننده به‌دسایس وتوطئه های‌امپریالیسم واستعمار نوین واردآورد.

نباید اشتباه کردکه : باانحلال سیستم مستعمراتی ، استعمار کاملا ازبین رفته‌ومبارزه خلقها برعلیه آن پایان پذیرفته است ماهیت سیستم جهان خوار امپریالیسم بادرنظرداشت شرایط خود، استعمار رادرقالب دیگری ریختـه (استعمارنوین) وچهره زشت خودرا باین‌شیوه ماست مالی‌میکند .استعمارنوین (نیوکلونالیسم) به‌مفاد ارتجاع بین المللی،اهداف ووظایـف مشخص رادر زمینهٔ اقتصادی وسیاسی تعقیب مینماید.

ارتجاع جهانی به سردمداری محافل تجاوز کارامپریالستی مذبوحانه تلاش به خرچ‌میدهدتا به‌اشکال وشیوه های گوناگون سدعـمده در برابر پیشرفت های اجتماعی گردد ویا حداقل کندی ومتوقف شدن آنرا باعث‌شود. بطورکلی اقدامات بیشر مانـه گروه های امپریالیستی متوجه مبارزات آزادی بخش بوده که سا حه گسترده آن پیش از شکست فاشیسم هتلری وملیتاریسم جاپان (انقراض جنگ‌جهانی دوم) بعداز بجا گـذاشتن ویرانی های .بیشمار آن موجب ازهم پاشیدگی کامل‌سیستم استعماری امپریالیستی گردید، نیزمیباشد.

پیدایش دهها کشور مستقل وتازه به‌استقلال رسیده که‌بحق مدافع پیگیر وتکیه‌گاه طبیعی‌خود کشور های سوسیالیستی رامیدانند، از جمله نتایج حاصلهٔ پیشرفت روند جهانی وازاجزای متشکل آنست . کشور های سوسیالیستـــی بطرز برادرانه و دوستانهٔ بدون درنظرداشت منافع‌ازمبارزات عادلانهٔ آنهادرراه آزادی‌ملی بطوردایم وهمه‌جانبه پشتیبانی‌بعمل می‌آورد ، پیش ازحصول استقلال سیاسی آنها، فرا هـم آوری زمینه های امداد مادی ومعنوی را همه جانبه درنظر میگیرد.

همانطوریکه مبارزات رهایی بخش ملی رابه حقانیت تمام، جنبشی میتوانٔ توصیف کردکه: درآخرین تحلیل منفعت عامه خلق‌رادربرمیگیرد. وظیفه جنبش درمرحله‌جدید آن عبارتست‌از: حصول استقلال کامل از اسارت امپریالیسم، بدست آوردن استقلال اقتصادی و تحکیـم حاکمیت ملی.

نیرو های وطنپرست درون جنبش‌ازتجارب حاصله خویش می آموزند که : رسیدن به این هدف تنها از طریق تغییرات عمومـــی دموکراتیك، از میان برداشتن ریشه ها ی اقتصادی وبقایای نفوذ سیاسی امپریالیسم ، انکشاف‌پر دامنهٔصنایع شامل‌صنایع سنگینی وسبك ، حل‌مساله دموکراتیك ارضـــی ، دموکراتیزه کردن حیات‌اجتماعی، ارتقاءسطح زندگی، پیروزی از یك سیاست خارجی‌فعال ضد امپریالیستی امکان پذیر است .

بایددر نظرگرفت که هستهٔ ومرحله جدید جنبش آزادی بخش ملی را مبارزه در راه‌ترقی اجتماعی تشکیل میدهد . بناء تعییـــن راه پیشرفت در کشور های وابسته و مستعمره سابق در جریان پیروزی وغلبه جنبش آزادی بخش ملی بر مناسبات کهنهٔ نشان داده می شود وبدین‌گونه‌برای جنبش، محتوی‌اجتماعی تازه می بخشد .

در برابر جنبش های پیشین انتخـاب راه پیشرفت قرار نداشت وهم نمیتوانست داشته باشد، زیرا جنبش هـــای سابق محض راه انکشاف را برای رشد سرمایه داری باز می نمود . در شرایط واوضاع معاصر بنـابـر موجودیت سیستم جهانی سوسیالیستی، جنبش همبستگی بین المللی کارگری، نیرومندی مبارزات رهایی بخش ملی، در فضای کا مل همزیستی مسالمت آمیز دولت هـــای دارای سیستم های اجتماعی مختلف، کشور هاییکه تازه از وابستگی رهایی یافته اند و استقلال سیاسی خویش راحاصل کرده‌اند در تحت شرایط اتخاذسیاست عدم الحاق به پیمان‌های تجاوزکار امپریالیستی وتعقیب راه تر قـی اجتماعی واقعا مستقل باشند .

موجودیت سیستم جهانی سوسیالیسم نقش ارزنده وفعال را در ایجاد شرایط مساعـد برای پیشرفت زمینه های ترقی اجتماعی د ر کشور های کم رشد واتخاذ راه رشد غیر سرمایه داری در کشور های جهان سـو م بازی میکند ودر حدود امکان وشرایط لازم صدور ضد انقلاب را برای کشور هـــای نوبنیاد محدود مینماید .

احزاب انقلابی کشور های روبانکشاف در مرحله جدید رشد مبارزات رهایی بخش ملی باین موضوع توجه فراوان مبذول میدارندکه جلب رشته های امداد مادی ومعنوی کـشور های پیشرو ومترقی جهان بـــه گسترش و پیشرفت مناسبات مختلف کمك مینماید .

در دوران حاضر روابط وهمکاری هـــای متقابله میان مبارزات رهایی بخش ملی‌دولت های نوبنیاد ونیرو های سوسیالیسم جهانی اهـــمیت خاص دارد .

نا تمام



سگ های شیر خور بدین گو نه‌سایر حیوانات را از پا می افکنـد.

تر جمه‌ی داود زهدی

از :لائف چکو سلوا کیا

سگهای شیر خور جلگه های سبز افریقا

در قسمت های بی در خت جلکه های سبز تا نزا نیا، حیوا نات‌وحشی «زبرا» ایـن سـو و آ ن سـو ، آ و ا ر ه و سـر گـر دا ن مـی گشتند که بعتتا با سگهای در نـده افریقا یی رو برو گرد ید ند .

زبرا هابرای حفظ جان شان وبـه خاطر زنده ما ندن خوا ستندراه‌فرار را در پیش گیر ند وخود را از شر آن حیوا نات بیر حم نجات بد هند.

سگهای در نده اطراف تا نزا نیا هموا ره سا یر حیوا نات آن منطقه را شکار میکنند واکثر او قات گله های «زبرا» ودیگر حیوانات‌ازآسیب آنها در امان نمی‌مانند زیرابمجردیکه سگهای در نده افر یقا یی سا یـر حیوانات را بنگر ند به تعقیب آنها می پردا زند وبا لای آنها حمله می نمایند وتا لحظا تی که آنها را ازپا نینداـ زند آرام نمیگیرند .

خوك‌های «زگیل» نیزهمین‌که‌ازدور- دستها این سگهای در نده را کـه بصو رت دسته جمعی با لای سا یر حیوانات حمله میکنند می بینند می گر یز ند وفرار میکنند وفا صله ای را می پیما یند اماسر انجام تسلیم میشو ند زیرا سر عت آنها باسرعت سگهای ستمگر وخون آشام برابری شده نمیتوا ند .

از جمله سا یر حیوا نات خوك های زگیل وخو کهای زبرا که بصو- رت‌گله ای زند گی وگرد شس میکنند زود تر بچنگ این سگهای در نده‌می افتند زیرا این خو کها تنبل هستند وحوصله دو یدن زیاد را ندا رند.

این سگها که بنام گر گ هـای افر یقایی شهرت زیاد دا رند بـا بیر حمی تمام از گو شت وخون‌سایر زنده جا نها تغذ یه وزند گی مـی نمایند .

گر گهای افر یقا یی از همان‌ماه های نخست زند گی وآوان کود کی به صید وشکار عا دت پیدا نموده‌واز ما دران شان طرزصید وشکار رامی آمو زند .

این گرگهـ ای‌معروف‌امروزازجمله فعا لتر ین وظا لمتر ین‌حیوا نات جهان پندا شته میشو ند . چندین کیلو متر‌راه رادر یك سا عت طی مینما یند وبا سر عت عجیبی صید خود را دنبال میکنند وبچنگ می ـ آورند .

تا امروز هیچ حیوا نی دیده نشده که مورد شکار این حیوا ن قرارگر- فته باشد وجان بسلا مت برده‌باشد.

اینها ،هرحیوان وزنده جا نی را که‌بنگر ندشکار مینما یندوشکارآنها مشخص بیك ویا چند نوع حیوان‌نمی باشد .

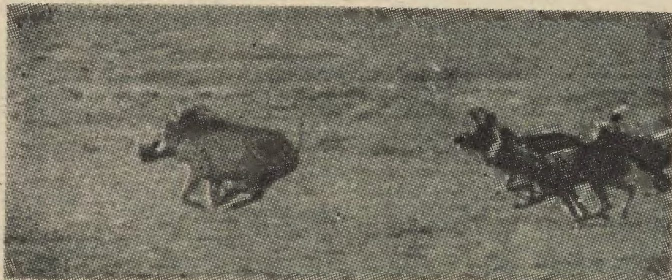
تر سی وو حشتی‌که از موجودیت این گر گها ،بدل حیوا نات میفتد خیلی عجیب وتعجب آور است.زیرا گر گهای مو صوف سی میل فـی سا عت میدو ند وحتی اگر شیری در مقا بل شان قرار گیرد آنرا از هم‌مید رند ومیخور ند .

چون این سگهای عجیب سا لانه یك تعداد زیاد حیوا نات را از بیـن میبر ند ونا بود می سا زند تو جه زیاد علمای زو لو جی را بخود جلب نموده وآنها را وا داشته تا درباره خصو صیات وعا دات این سگهـا مصروف یك سلسله تحقیقات‌علمـی مو ثـر را انجام بد هند.

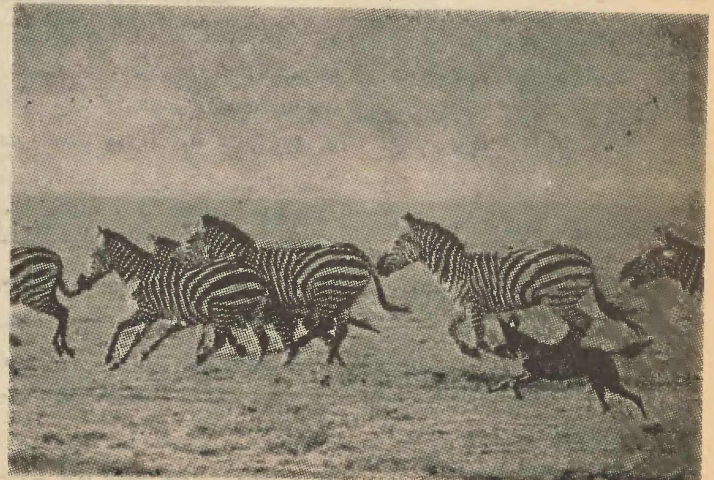
در ین اوا خر زو لوجست‌دانشمند وباتجربه‌ای‌بنام (سچالر) عضـو کمیته زو لو جست های نیو یا رك همراه با یك تعداد علمای سا یـر کشور ها ،با ثـرتحقیقا تی که در مورد سگهای یاد شده انجام داده اند با ین نتیجه رسیده اند که مو- جود یت این سگهای‌وحشی برای‌حفظ بیلانس سا یر حیوا نات گیتی‌خیلی مو ثـر بوده است .

طی سه سال‌مطالعه وتحقیق‌عمیق وهمه جا نبه علما ودا نشنمدان مذکور دریا فته اند که ایـــن سگهای گر گ ما نند با سا یـر سگهای جهان هیچگو نه قرا بـت نداشته بلکه با نسلهای ،حیواناتی از قبیل گرگ ورو با پیو نـد و ار تباطدارند .

سچا لر این زو لو جست دا نشمند طـــی تحقیـــق خـــو يشـــ حقیقت سحر آمیزی را نیز کشف کرده وآنرابرای دیگران فا ش‌گر-



سگهای شیر خور جلگه هـــا ی‌سبز در حا لیکه حیوا نی را تعقیب می نما ید .



یکی از سگهای شیر خور جلگـه‌های سبز نیز میتواند گلـــه ای از حیوانات رادلیرانه تعقیب نماید .

مترجم غلام معروف

نویسنده داکتر میخائیل بودی کو مبصر عضو اکادمی سائنس اتحاد جماهیر شوروی

اقلیم آینده چگونه خواهد بود؟

ثانیمه قرن بیستم نظم و ترتیب اقلیم جوی بصورت کامل ازز یراداره انسان وقدرت اقتصادی آنها خارج وبشکل آزاد آن وجود داشت. بعدا به یك تغییر ناگهانی مواجه گردید. احتراق انواع مختلف مواد سوخت بصورت منظم یك تزئید درمقدار ماده مضر کار بن دای اکساید رادر فضا همراه بانتایج تاثیرات گرین هوزویك تزئید در مقداردرجه حرارت سطح زمین راباعث گردید.

درممالك مختلف محققین ،میتودهای مختلف را ترجیع میدهند، تحقیقات میکنند ومحاسبه مینمایند تادریابند که به کدام سرعت کتله کاربن دای اکساید درفضاء تزئید می یابد وچطور همین کتله میتواند درسطح روی زمین نفوذو تماس حاصل نماید . در یافت گردیده است که اگراین کتله کاربن دای اکساید دوچند گردد، بصورت مجموع درجه حرارت طبقه پائین زمین شاید به سه درجه بلند برود. این واقعیت ها امکان آن را میدهد که ما بتوانیم درآینده نزدیك درجه حرارت رابصورت مجموع محاسبه ودریافت نمایم.

طبق محساسبات روی دست داشته یخبندان ها قسمت قطب شمال ،درجه حرارت آن قسمت را پائین می آورد البته درحدود پنج درجه در تابستان و۲۰ درجه درزمستان. حالت یخ بندانها به تشعشع قوی وهمچنان بدرجه حرارت فضا در مواسم گرم وسرد سال ارتباط میگیرد . معلومات درقسمت تغییر ناگهانی درجه حرارت مخصوصا در وقت گرمی یاگرم شدن نیم کره بصورت واضح ماراکمك مینماید. یخبندان های دایمی ساحه مرکزی قطب شمال در ابتداء یا اوایل زمستان کاهش می یابد وبعدا بصورت مکمل از این حالت خود گذشته وذوب میگردد. ساینس دانان معتقداند که یخبندان های ساحه قطب شمالی وقتیکه درجه حرارت نیم کره شمالی بصورت کامل به دودرجه بلند برود کاملا ذوب میگردد.

نظر به جدول دست داشته ذیل ساحة یخبدانها درساحل قطب شمال در سال ۲۰۰۰ کاملا برهم خورده خردمیشوند بعدا آن قسمت درسال ۲۰۲۵ کاملا ذوب میگردد.

تغییر درغلظت کاربن دای کساید و درجه حرارت فضا :

سال	۱۹۷۴	۲۰۰۰	۲۰۲۵
غلظت کاربن دای اکساید	۰۳۳ر۰	۰۳۸ر۰–۰۴۱ر۰	۰۵۲ر۰–۰۶۴ر۰

(فیصدی حجم و اتموسفیر)

تزئید در مجموع درجه حرارت

۰ر۳–۰ر۲ ۰ر۱–۵ر۱ ۰ر۵

(مقایسه با ۱۹۶۰)

اگر گرمی تمام کره ادامه پیداکند ، تزئید دردرجه حرارت درمساحه ها وارتفاعات مختلف قابل درك نخواهد بود زیرا اگر تاسال ۲۰۲۵ مجموع درجه حرارت درنیم کره شمالی تا ۳ر۰–۲ درجه سانتی گراد بلند برود ، درساحه های بلند ، درجه حرارت تابستان تابه ۱۰–۷ مثبت بلند خواهد رفت ودرجه حرارت زمستان آن از ۱۰–۵ درجه پائین نخواهد آمد.

چنین تغییرات در رژیم حرارتی یك واقعه دراماتیك را مخصوصا درمسافه های بلند وپائین درحالت طبیعی نشان میدهد . بسیار دلایل قانع کننده مبنی برذوب شدن تمام یخبندانهای دایمی ساحه قطب شمالی وجود دارد که دیگر حتی درزمستان هم یخبند انها درساحه، قطب شمال وجود نخواهد داشت.

چطور گرمی عمومی تاختم قرن بیست ربع اول قرن ۲۱ انکشاف وپیشرفت خواهدکرد.

بصورت آشکار ا، این مساله بصورت ناظم یکی پی دیگر تعقیب میگردد البته در ابتدا بصورت آهسته بعدا (درا ثنای ذوب شدن قسمت اعظم سواحل یخبندانها) بسیار به زودی صورت میگیرد وبعدا وقتیکه سر عت گرم شدن بصورت عمومی خود بخود به شکل آزاد عرض وجود نماید دوباره آزاد گردیده البته تاپیشرفت وتزئید کتله کاربن دای-اکساید مرحل دوباره بطی میگردد.

درآینده نزدیك این حادثه یك تغییرفوری رادراین رژیم حرارتی می آورد. در نتیجه گرمی عمومی منجربه تبخیر عظیم آب از سطح تمام سواحل وتزئید درمقدار یامجموع مواد جا مد درسطح زمین میگردد. طبق احصائیه ها ی دست داشته تزئید درکتله کاربن دای اکساید درفضا باعث تزئید درمقدار مجموعی تبخیرو ترسب میگردد.

گرمی عمومی یك تاثیر رادرقسمت تقسیم و ترسب نشان میدهد. مقدار آن درمسافه ها وارتفاعات متوسط خرد وکوچك میگردد. در اثنای گرمی عمومی، که قبلا اشاره گردیده، درجه حرارت درمسافه های بلند نسبت به مسافه های پائین بلند میرود تفاوت در درجه حرارت دربین مسافه یاساحه های بلند و پائین تنقیص میابد، دوران بسیار قوی اتموسفیر پا ئین می افتد، وهمراه باآن مقدار آب تبخیرشده در سطوح سواحل به قاره ها انتقال می یابد.

گرمی عمومی همچنان نتیجه یك تزئید در مقدار ترسب درسطح ابحار وتنقیص در زمین (در بالای ساحه ها ی مشخص سطح قاره ها) رامیدهد. این واقعیت مهم وعمده اهمیت بسیاری دره راحل طبیعی وفعالیت های اقتصادی اشخاص میدا ستة باشد.

احساس خطر در دوره اول گرمی عمومی مبنی برنم دار گردیدن خطوط قاره وی زمین بصورت غیر مقاوم متصورمیباشد،وجود دارد. موجودیت خشکی بسیار دوامدار منجربه تقسیم گردیدن مستعمره ها به ساحه های بزرگتر میشود. این واقعه درسال ۱۹۳۰ و ۱۹۷۶–۱۹۷۲ ، رخداد که یك خشکی دوام داریك ساحه کم رادراروپا، آسیاه وامریکای شمالی مشاهده نمودند. تغییر اوضاع جوی در صفحه اول گرمی عمومی (پیش ازذوب شدن یخبندان های ساحه قطب شمالی) میتواند متکی به تجارب ومشاهدات که توسط واقعیت های تغیرات جوی دورهٔ اخیر تقویه میگردد، باشد. بسیار مشکل است اگر گفته شود که دوره بی یخ به چه شکل خواهد بود. اقلیم یا اوضاع جوی از حالت فعلی بسیار متغیر خواهدبود.

بصورت آشکارا وقتیکه یخبندان ها ی دایمی ساحه قطب شمال نابود شوندوقله های بزرگ یخ ادامه خواهند داشت (آنهای که در گرین لند وآنتار کتیك هستند) یك اقلیم مشابه دوره ترژری (پلیوسین) درسیاره ما جاگزین خواهدشد. درشروع دوره پلیوسین (تقریبا دوتاهفت ملیون سال قبل)ساختمان وموقعیت قاره زمین وسواحل آن عینا مانند شکل فعلی بوده. این دوره توسط قله های بزرگ یخبندان دوره انتار کتیك اشاره گردیده است، ،همچنان ساختمان آن ومقدار آن بسیار کوچك نسبت به حالت فعلی بوده وهیچ یخبندانهای ساحه سواحل قطب شمالی وجود نداشت.

تضاد ریشه یی در بین حالت دورهٔ پیوسین وزمان فعلی ما موجود یت مقدار عظیم کاربن دای اکساید در فضا وهم چنان فکتور که تاثیرات گرین هوز را نشان ویا وا نمود ساخته است، می باشد .

واقعیت های پلیوکلاسمتیك نشان میدهد که در وسط دوره پلیوسین مجموع درجه حرارت در قسمت نیم کره شمالی ۳–٤ درجه بلندتر نسبت به حالت فعلی بوده درجه حرارت در سردترین ماه سال هیچ وقت کمتر از(۵) درجه سانتی گراد در اروپای شمالی وپایینتر از منفی پانزده درجه سانتی گراد در شمال شرق آسیا نبوده است این درجه حرارت بلندتر از درجه حرارت فعلی میباشد .

کیفیت وحالت درجه حرارت مواسم گرم سال در دوره پلیوسین همنوا با تنوعات مختلف کمتر نسبت به حالت فعلی بوده، بسیار بلند بوده است . مخصوصا در خط یا ساحه قطب شمال .

تقسیمات وترسبات در اروپا وآسیا در دوره پلیوین تقریبا مانند حالت فعلی بوده واقعا در مسافه های یاساحه های بلندتر ترسبات به مقدار اضافی وجود داشت . این نشان میدهد که اقلیم جوی دورهٔ پلیوسین چندان بدنبوده است. تغییر بسیار کم به چنین اقلیم جوی که قرن ها رادر بر میگیرد، تقریبا برای تمام مردم وفعالیت های اقتصادی شان خوب است .

بسیار مشکل خواهد بود که محاسبه یا نشان بدهیم که تغیرات جوی که اهمیت اقتصادی رادر قبال دارد. اگر بصورت فوری هم تعقیب گردد ، تقریبا چند سده رادربر میگیرد .

ساحه های یخبندان شاید خورد شوند و خاك های یخبندان دایمی ممکن ذوب شوند خطوط طبیعی شاید به ارتفاعات بلند تر با در نظر داشت تغیرات در میتود های زراعت وشعبات یا شاخه های دیگر اقتصادی تقسیم شوند . گرمی عمومی همنوای وبرابری سواحل جهان را چطور متأثیر ساخته میتوانند ؟

بصورت عموم تعهد گردیده است که ذوب شدن نهایی سواحل یخبندان ساحه قطب شمال (اگر درگرین لند و ، تاهنوز قابل اهمیت است ، بزرگترین قله های یخبندان آنتارکتیك سرچپه یا سر نگون شده ویااگر بصورت آهسته ذوب گردد) شاید بصورت عملی نشان داده شود که هیچ تاثیر سهو بالای نظم همنوا ی وبرابری سواحل جهان ندارد . با آنهم طبق نظر یکه درین اواخر پخش گردیده ، قسمت دفاعی یخبندانهای غربی آنتارکتیك قابل تغییراند وشاید بصورت پارچه خرد البته درچند سده تقسیم گردند (در موجودیت گرمی عمومی بصورت فوری). این تغییر درحدود پنج متر سطح ابحار را بلند تر خواهد ساخت .

چنین نوع معلومات ها در باره اقلیم جوی آینده توسط ساینس دانان اتحاد شوروی

بقیه در صفحه ۵۲

نویسنده الکسی تولستوی

طفولیت نیکیتا

مترجم : دوکتور خدایداد بشرل

ـنزدیك بیا ئید، ازما سرما و ر یزش خواهید گرفت، باید بگویم که جاده های شما خیلی گنده اند . این صدای انا ایولوسوفنا خواهر خواندهٔ مامی بود که در سامارا زندگی می کرد ، مامی دخترك خواب رفته را ازگادی ران گرفت ، روپوش پوستی اش رابرداشت از زیر آن زلفان طلائی ودرخشانش نمایان گشت وآنرا بوسید وگفت :

ـ «لیلچکا ! رسیدی ؟ ـ»

دخترك آهی کشید ، چشم های بزرگ‌آبی اش را باز کرد وموقعی که بیدار شد بار دیگر آهی کشید .

وکتور ولیلیا ...

نیکیتا ووکتور پسر انا ایولوسوفنا فردا صبح هردو ـ دراطاق نیکیتا از خواب بیدار شدند در حالیکه بر روی بستر شان نشسته بودند باابرو های کشیده بسوی همد یگر می‌دیدند .

ـ «من شما رابیاد آوردم .»نیکیتا گفت .

ـ «من هم شما را خیلی خوب بیاد دارم ،» وکتور بصورت فوری جواب داد ـ«زمانی شما به‌سامارا آمدید تامارا ببینید آنقدر مرغابی خوردی که‌خودت بالتهاب‌روده‌ها دچارشدی.»

«این رابیاد ندارم .» نیکیتا گفت .

«امامن بیاد دارم» » وکتور جواب داد:

همه آرام‌نشستند. وکتوربیباکانه فاژه‌کشید.

ـ «من‌یك معلم خصوصی دارم ـ ارکادی ایوا نوویچ!» نیکیتا مغرورانه‌گفت :

ـ او بسیار گیر است ـ او مرا علم می آموزاند ـ او هرنوع کتابی رادر مدت نیم ساعت می خواند .»

وکتور خندهٔ استهزا آمیزی کرد•

ـ «من به جمنازیوم می روم، صنف دوم ـ آنها آنقدر جدی اند که مرا تمام وقت بدون نان چاشت نگه می دارند .»

ـ«پس‌چه؟»ـ نیکیتا گفت:

ـ «این معنی دارد . اینکه اگر بخواهم یکهزار روز هم بدون صرف نان دوام داده می توانم .»

ـ«هو!» نیکیتا گفت ـ «آیاگاهی با ین کار مبادرت نموده ای ؟»

ـ «من به این کار اقدام نکرده‌ام، مادر مرا اجازه نمی دهد .»

نیکیتا فاژه کشید ودراز افتاد .

ـ «پریروز من سیتوپکارا شکست دادم .»

«وسیتوپکا کرنوشکین کیست ؟»

ـ«قوی ترین پنجه درده: اورا چنان یك ضربه‌زدم که بزمین افتاد . من باو چاقوی قلمی‌ام رابا چار تیغش دادم واومرایك دست‌ـ بند داد• بعدتر ترانشان خواهم داد•»

نیکیتا از بسترش برخاست و به آ هستگی به لباس پوشیدن آغاز نمود .

ـ «ومن دکشنری ماکاروف را با یك‌دستم بلند کرده می توانم •»

وکتور با صد ا ئیکه لرزان بود غرید۔ امافهمیده می شد که او قبلا تسلیم شده بود• نیکیتا به بخاری دیواری نزدیك شد بدون اینکه از دست هایش‌کمك گیرد یك پایش را بلند کرد وباپای دیگرش بزمین خیز زد .

ـ «اگر پاهایت را بسرعت کافی حرکت داده بتوانی خواهی پرید .» او در حالیکه با توجه بسوی وکتور می دید گفت :

«مشکل نیست، عده زیادی در صنف ما می‌توانند بپرند.»

بچه ها لباس هایشان را پوشیدند وباطاق نان رفتند که در آنجا بوی نان گرم و نان شیرین استشمام می شد و از سماواریکه جلادار بود بخار بهوابالامی شد وبطرف‌سقف می رفت، طوریکه کلکین هارا بخار گرفته بود مامی، ارکادی ودختر دیروز ، لیلی۔ جوانك نه ساله وخواهر وکتور، دور میز نشسته بودند ، از اطاق مجاور صدای بم‌آسای اناپولوسوفنا شنیده می شد :

ـ «لطفا یك دستمال بدهید .»

لیلیایك نیم تنهٔ سفید، با کمربندآبی‌کمال که برتن داشت ویك بوبرکمر بندش نصب بود وهم در موهای مجعدش یك بوی دیگری که آنهم رنگ آبی کمال داشت بشکل پروانه دیده می شد .

نیکیتا نزدش رفت وباو احترام کرد•

لیلیا برچوکی اش دور خورد ، دستش را دراز کرد وبا جدیت گفت :

ـ«صحبت خوش، پسر !»

وقتیکه او این کلمات را ادا کرد لب بالائی اش را بلند نمود .

به‌نیکیتا چنین معلوم می‌شد که او یك دختر حقیقی نبود ـ باوجودی که بسیار زیبا بود مخصوصا چشم های آبی وجلادارش و مژگان ابریشمین آن دلربایی خاص داشت ، لیلیا دیگر به‌نیکیتا توجه نکرد یك پیالهٔ چای کلانی را بادو دستش گرفت ورویش را درآن فرو برد، بچه هاباهم نشستند وکتور اینطور معلوم می‌شد که‌مانند یك طفل چای می نوشد ـ اوبالای پیاله خم شد وبالب‌های درازش چای را شب کرد. او مخفیا نه آنقدر بوره بچایش ریخت که چایش غلیظ شد وبعدا باآواز ضعیف خواست تا آب به آن علاوه شود .

ـ «آیا توخواهرم را دوست داری ؟» در حالیکه نیکیتا را بازانویش شور می داد به‌آهستگی گفت : نیکیتا جوابی نداد اماتنها سرخ شد .

«توبا او محتاط باش» وکتوربه آهستگی ادامه داد، «طفلك همیشه بمادر شکایت میکند .»

در عین زمان لیلیا چایش را تمام کرد، دهنش را با دستمال کاغذی پاك کرد و ز چوکی اش پایین شد ـ اوپیش الکزاندر ـ لیونتیفنا رفت .

«خاله جان، تشکر ..» او این جمله را با کمال احترام گفت . بعدا به کلکین رفت، در یك چوکی کلان بازودار نشست ، یك قطی سوزن وتار را از کدام جایی گرفت وبدوختن شروع کرد .

افکار نیکیتا نامیدانه پراگنده بود۔ او خواست به وکتور نشان دهد که چطور از پشت یك چوکی خیز بزند » اما لیلیا رویش را دور نداد ـ مادر گفت :

«بچه ها ! اگرمی خواهید غال مغال نمایید لطفا به خیابان بروید .»

بچه ها لباس پوشیدند و بیرون شدند ـ این یك روز غبار آلود وگرم بود ـ آفتاب گلگون بالای طبقات دراز توده های ابر ، که مانند خیابان هاه پربرف معلوم می شد شعاع خودرا می‌تابید • بوته های گلاب که باشبنم یخزده پوشیده بودند در باغ نظرربایی داشتند • معمولا خاموشی همه جارا فرا گرفته بود ـ یگانه صدائیکه بگوش می رسید صدای دوسگ بود : شاروك وکاتوك، که نزدیك دالان عقبی کنار هم ایستاده بودند ، سرشان بطرف یکدیگر دورمی خوردو عوعو می کردند، ناگاه خاموش شدند وهر طرف می دویدند تا زمانی که یکی از کارگران آمد ودستکش خودرا بسوی شان پرتاب کرد، بعدا با غضب سرفه کردند ، به پای عقبی شان ایستادند وتاوقتی جنگیدند که یکدیگر رازخمی ساختند ، از سگ های دیگر می ـ ترسیدند وگدا هارابدمی دیدند وشب‌هنگام در عوض اینکه از خانه نگهبانی کنند در گاراج می خوابیدند .

« چه میکنی ؟» وکتور پرسید :

نیکیتا بسوی یك زاغ ناراضی دید که ازانبار علف بالای طویله پرواز کرد۔ نیکیتا نمی خواست بازی کند وغمگین بود . اومی خواست پیشنهاد کند که باطاق پذیرایی بروند وچیزی بخوانند، اما وکتور گفت : «هو. من فهمیدم که توتنها با دختر ها می توانی بازی کنی .»

«چرا؟»نیکیتا ،درحالیکه سرخ شده بود پرسید .

«زیرا ـ توخودت میدانی که چرا ؟»

«تومرا آزارنده ، نمیدانم راجع به چه گپ می زنی ، بیاکه بسوی چاه برویم .»

بچه ها طرف چاه رفتند در مسافهٔ دورتر : ملیشکا کوریا یك چوب رامی شکستا ند • «بیان، بیان،» اودفعتا صدا کرد «ببین نیکیتا» نیکیتا به عقبش دید آنجا یك گاونر خاکی رنگ باشاخ های کوتاه خود بطرف بچه ها می دوید در حالیکه موهای مجعد بر پیشانی آویخته بود .

« مع-ع-ع-ع،» بیان بصورت متنا و ب می غرید ودمش رابه پهلوهایش جاروب می کرد .

«وکتور بدو!» نیکیتا فریاد زد واورا از آستین هایش گرفت وبطرف خانه دوید .

«گاودوان دوان در عقب بچه هارفت .

«مع-ع-ع.»

وکتور به عقب دید، چیغ زد ودر برف افتاد وسرش رابا بازوهایش پوشید، بیان از اوبیشتر ازپنج قد فاصله نداشت ـ نیکیتا ایستاد ـ ناگهان از قهر یك تکه آتش شد، کلاهش را کشیده بسوی گاودید ودررویش بزدن آغاز کرد .

«دور شو، دورشو !»

گاوخاموش ایستاد وشاخ هایش را پایین آورد ـ ملیشکا کوریا شونوك که چوب می شکستاند از آنسو دوید ـ بیان به آهستگی ام بع کرد، دور خورد وبطرف چاه رفت، لب های نیکیتا ازهیجان می‌لر زید ـ کلا هش رابر سرکرد ودور خورد۔ وکتور نزدیك خانه رسیده بود واز آنجا با دستش به ا و اشاره کرد ......

نیکیتا تصادفا بطرف کلکین به بالادید، از دالان کلکین سوم سمت چپ، دو چشم آ بی حیران کننده توجه آنرا بخود جلب کرد، این لیلیا بود که بسوی نیکیتا می دید و ناگهان خندید ، ناگهان بعقب بر گشت وباخشنودی فریاد زد :

ـ «وکتور، بیاکه ازتپه پایین شو یم ، عجله کن، »

تاوقت نان چاشت آنها را تپه هارا مرور کردند ، می خندیدند وجست وخیز میزدند.

نیکیتا دردل خود سودای دیگری داشت باخود می گفت :

ـ «وقتیکه خانه بروم واز برابر کلکین بگذرم، آیا بالا بطرف او ببینم‌ویا اینکه بسمت دیگری متوجه‌شوم ؟» مقصودش لیلیای جوان وزیبا بود .... «نی، هرگز من بسوی او نخواهم دید .»

صندوق درخت عید مسیح ...

دروقت نان چاشت، نیکیتا کوشید بسوی لیلیانه بیند واگر هم می خواست به بیند موفق شده نمی توانست زیرا۔ اناپولو سوفنا بین او وآن دختر دلر با باجاکت سرخ مخملی اش حایل بود، در حالیکه بازو هایش راحرکت می داد با صدای عمیق چنان بلند حرف می زدکه تمام اشیای شیشه ای که تحت چراغ قرار داشت جرنگ جرنگ می کردند .

«نی، نی، الکزاندرا لیوتیفنا،» او گفت ، «پسرت رادر خانه تدریس کن .. زیرا د ر ورزشگاه چنان بی نظمی نفرت آوری وجود دارد که آمر شان را با دست های خود می توانم بگیرم ویکطرف پرتاب‌کنم... وکتور!» او ناگهان گفت : «تو باید به چیز ها یکه مادرت راجع به بزرگان چیزی می گوید توجه نکنی وبه آمرین خوداحترام بگذاری،

معلمین ما، الکزاندرالیوتیفنا، احمق هـا ی زمخت اند. هریکی آنها از دیگری احمـق تراند ، ومعلم جغرافیای آنها ؟ وکتور! نام او چیست ؟!

«سینیشکن»

« برایت گفته ام که سینیشکن نیست‌بلکه سینیا فکین است، این معلم آ نقـدر ا حمـق است که یك روز در دهلیز، بعد از ینکـه مارا ملاقات کرد ومصافحه نمود، عوض اینکه کلاهش را برسر بگذارد او پشکی مرا که بالای چوکی خوابیده بود برداشت وبر سر گذاشت ...

وکتور ! تو چرا این چاقو وپنجه را در دست گرفته‌ای ؟ چپ چپ نکن .... چوکی‌ات رابمیزنزدیك کن ... چه می خواستم بشما بگویم، الکزاندرالیوتیفنا ! اوه، بلی، من‌یك خریطه پراز اشیای اضافی وملحقات (درخت عید) را با خود آورده ام ... فردا باید ما بچه هارا مصروف چسپاندن آنها نماییم .»

«من فکر می کنم که آنها باید همیـن امروز شروع کنند، » مامی گفت : « ورنه آنها آماده نخواهند شد .»

«خوب، همانطور که می دانی اجراآت‌کن. من‌می خواهم مکاتیبی بنویسم، تشکر رفیق! از نان چاشت .»

انا اپولو سوفنا لب های خودرا با دستمال کاغذی پاك کرد، چوکی اش را حرکت داد وباطاق خوابش بعزم نوشتن نامه ها رفت ، اما لحظهٔ بعد فنر های چپرکت چنان بشد ت صدا کرد که گویی فیلی بران بالا شده ، بعداز ینکه سر میزی میزکلان پاك شد، مامی چار جوره قیچی آورد و به تهیـه کـردن (سریش) پرداخت . او (سـریش) را چنیـن تهیه کرد: ازصندو قچهٔ که در کنج خا نـه گذاشته شده بودادویهٔ فامیلی درآن‌نگهداری می شد یك مرتبان نشایسته بیرون کـرد وباندازهٔ یك قاشق چای نشایسته در یـك شیشه ریخت، دو قاشق آب سرد هم در آن ریخت وآن را خوب شورداد تا سر یشناك شود، بعدا او آب جوش از سماوار در آن ریخت وتاوقتی آن را شورداد که به جلی صاف مبدل گشت واز آن یك سریش بسیار عالی بدست آمد .

بچه ها خریطهٔ چرمـی انا اپولو سوفنارا آوردند وبر میز گذاشتند ، مامی آنرا باز کرد ومحتویات آنرا بر روی میز ریخـت : ورقه های کاغذ طلایی، نازك وگلدار، ورقه های نقره ، آبی، سبز، نارنجی، تخته هـای برستول، قطی های شمع وشمع دان هــا ی درخت عید، قطی های ماهی های طلایی، و خروسك هــــای رنگه، قطی های پر ازتوپ های شیشه ای میان خالی که در تار آویخته بودند، قطی هادارای توپ های شیشه ای که چنگك های نقره یی با خود داشتند ویکتعداد قطی های دیگری که در میان آن فیته های طلایی ونقره ای پراز زرق وبرق دیده میشد وفانوس هاییکه دارای کلکین ها بوده واز شیشه های معدنی ساخته شده بودند ویـك ستارهٔ بزرگ درآن نصب بود وهم یکعده قطی های کاغذی مدور معطر که باکش‌نمودن عطر ازخود پخش میکرد دربین آن خریطه‌چرمی جـای داشت. اطـفال بادیــدن هـر شی جدید از خوشی فریاد می کشیدند و جیـر می زدند ....

«چیز های خوب دیگری نیز هست ..» مامی گفت ودستش را در خریطه فرو می برد . اماتمام آنها را فعلا بیرون نمی آ و ر یم . بیایید که به سریش کردن شروع کنیم .

وکتور بساختن زنجیر ها پرداخت ،نیکیتـا کاغذ های مخروطی برای شیرینی تهیه نمود درحالیکه مامی شخصا کاغذ ومقوا رامی‌برید.

«خاله زاشا! ، اجازه دارم صندوق کوچکی بسازم ؟» لیلیا احترام کارانه پرسید :

عزیزم! هرچه دلت می‌خواهد بساز. »

اطفال در خاموشی شروع به کار کردند . از بینی های شان نفس های عمیقی کشیده ودست های نشایسته آلود شان را در لباس های شان خشك می کردند، در حالیکه همه مصروف کار بودند مامی گفت‌که (در زمانه های قدیم مواد زینتی برای (درخـت عید) وجود نداشت وهمه چیز را مجبور بودند با دست شان بسازند ، بعضی ها بسیار ماهر بودند وآنها یك قصر کامل را با برج های آن وزینه های پیچاپیچ وپل های متحرك می ساختند ، من خودم آنها را دیده ام .)

لیلیا در حالیکه مصروف‌کاربود باخاموشی گوش می داد وسخنان مامی رامی شنید . گاه‌گاه با نوك زبانش خودرا کمك می کرد،

نیکیتا کاغذ های مخـروطی اش رابرداشت وبطرف او دید، مامی درین لحظه بیرون رفته بود ، وکتور تقریبا ده مترزنجیر های کاغذی راکه از رنگ های مختلف تهیه شده بـود بر چوکی ها آویخته بود .

نیکیتا پرسید: «خودت چـی می سازی ؟»

بدون اینکه لیلیا سرش را بالا کندتبسم کرد ویك ستاره را از کاغذ طلایی برید و آنرا بر سر پوش آبی صندوقچه نصـــب کرد .

«برای چه این بکس راجورمی‌کنی؟»

نیکیتا به‌نرمی پرسید:

«صندوقچه برای دستکش های گـــودی هاست ؟» لیلیا باجدیت جواب داد. «تویـــك بچه هستی واینطور چیز های را نمی دانی.» اوسرش را با لاکرد وبا چشمان آبی اش بسوی نیکیتا دیـــد. او سرخ‌شد، سرخ و داغ ترشد تا وقتیکه سراپایش مانند گـــل قرمز گردید .

تو چقدر سرخ هستی؟، لیلیا گفت:

«مانند یك لبلبو» .

او دوباره بر صندوقچه اش خمید . در چهره اش یك تبسم شیطنت آمیزی نمایان بود .

نیکیتا چنان نشسته بود که‌گویی برچوکی سریش شده باشد. او نمی توانست چیـز دیگری بگوید وهر قدر که کوشید اطاق را ترك گفته نوانست . دختر او را مسخره می کرد اما او نرنجید وقهر نبود تنها با و خیره شده بود. ناگهان لیلیا دو باره با او حرف زد . این بار با آواز متفاوت وبدون اینکه چشمانش رابالا نماید، چـنانکه رازی میــان هردو وجود داشته باشد .

«صندوقچه را دوست داری ؟» او گفت :

«بلی ازاو خوشم می‌آید. » نیکیتا جوابداد .

من هم دوستش دارم، بسیار خـو شم مـی آید،» اوگفت : در حالیکه سر خود را به جلووعقب حرکت می داد وبووزلف هایش در اهتزاز بود .. اومی خواست چیزی اضافه‌کند اما وکتور آمد وبین نیکیتا ولیلیا مخـــل واقع شد .

«کدام صندوق، کجاست صندوق ؟» ا و پرسید «هر چند یکه می خواهی برایـت می سازم» .

«وکتور، جریان رابه مامی خواهم گفت‌که تومرابه کارم نمی گـذاری،» لیلیا با آواز لرزان گفت : او کاغذ وسریش خود راگرفته بگوشهٔ دیگر میز رفت .

وکتور به نیکیتا چشمك زد .

من ترا گفتم که‌باید بااو محتاط بـــا شی، اوهمه چیز را برای ما در میگوید .»

تاوقت همان شب، هنگامیکه آنها دربستر. دراطاق تاریك دراز کشیدند نیکیتا در حالیکه روپوش برسرش بود، با آواز بلند از زیـر روپوش بسخن گفتن پرداخت .

«وکتور، آیا خوابیده ای ؟»

«تاحال نی ... من نمی دانم .... چه ؟»»

«گوش کن .... وکتور!.... من باید یك راز بزرگ را بتو بگویم .. وکتور .... نخواب .... وکتور .... گوش کن .. جواب داد :

پیشکش عجیب ومرموز ...

همینکه روز شد نیکیتا دیـــد شخصی در بخاری ها مصروف کار است بعدا یك دروازه در آخر راه رو با صدا بسته شد .

آن شخص بود که ازبخاری ها وارســـی می‌کرد ودسته های چوب سوخت را باپارچه های کود حیوانی می‌آورد . نیکیتا با یك‌دل خوشی بیدارشد ، صبح درخشانو سردی‌بود. کلکین هارا ـ یخ‌بندان بایك منظـره قشنگ گلدار پوشانیده بود ـ وکتور هنوز هم در خواب بود ـ نیکیتا پشتی را بسویش الداخت اما اوتنها ناله کرد وروجایی رابرسر خـــود کشید ـ نیکیتا بزودی از بستر بر خاست ، لباس پوشید ودر تشویش بود که کجابرود؟ ـاونخست نزد ارکادی رفت.

ارکادی ایوانوویـــچ بیدار شده بود وهمان نامه‌ای را که زیاده از سی بار مطالعه کرده بود باز می خواند ـ وقتیکه چشمش به‌نیکیتا افتاد پاهایش را باروجائی برسرش بالا برد وبشدت بر چپرکت کوبید وگفت :

«چطور غیر معمول ؟» اوصدا زد ،«تواولین کسی هستی که‌بیدار شده‌ای !.»

«ارکادی ! امروز بسیار روز خوبی‌است. » نیکیتا گفت .

«بلی پسرم ، این روز خوبی است ..»

«ارکادی ! چیزی رامی خـواهم از شمـــا بپرسم .» نیکیتا انگشتش را بامتداددروازه حرکت داد .

«آیا شما بابکن ها رابسیار زیاد دوست دارید ؟»

«مقصودت کدام یك ازبابکن هاست ؟؟»

«اطفال را ..»

«کدام یك ازاطفال رامی‌خواهی دوست‌داشته باشم ؟»

بااینکه ار کادی ایوانوویچ این جمله را بـــا صدای عادی گفت اما بسرعت گفت . اوآرنج هایش را برمتکا گذاشت وبدون خنده‌متوجه نیکیتا شد . این حقیقت دارد ، اما با توجه تام . معلوم‌بود که‌او همه چیز ی را میدانست نیکیتا آنآ دور خورد وبدویدن از اطاق خارج گردید، کمی تامل کرد و سپس بحو یلـــی رفت .

ستون های دود آبی از خانهٔ کارگران ، از حمام که در راهرو آب واقع بود بالامی‌شد. شب هنگام : شبنم یخ زده بردرخت ها هنوز هم ضخیم ترشده بود وشاخچه های بید کـه بر کنار حوض روئیده بودند ازوزن بــرف مانند (مجنون بید) خمیده شده بودند . برف جلا داشت وسردی بینی‌اش را می گزید ...

برتودهٔ خاکستر که هنوز هم بصورت‌خفیف دود ازآن بالا می‌شد شاروك وکاتوك ، آن‌دو سگ بریکدیگر می‌غریدنـ ملیتکا کور یـــا شونوك باعصای ضخیم خود خیزان وغلطان‌بر روی برف مستقیما بسوی نیکیتا آمد ـ اویك نوع بازی هاکی رابا توپ های برفی بازی‌می کرد . در همین لحظه یك قطار تخته های‌برفی که توسط اسپ هاکشیده می‌شد از جـانب راست ده پدیدار گشت ، یك یك از مجرای آب گنشتند ، این سو و آنسو در مقابـل برف می‌جنبیدند ، از تالاب پائین بطرف بند عبور کردند .

ملیشکا کوریا باانگشت کلان دستکش خود بینی اشی را فشار داد .

«تخته برفی ها این‌است که ازشهر باتحفه ها باز گشتند .» او گفت .

تخته برفی ها از زیر کمان های بید پـر برف در حال عبور بودند وبچه ها آواز میده شدن برف واشپلاق های رانندگان تخته‌برفی ها وتنفس عمیق اسپ ها را می‌توانستنـــد بشنوند .

اولین شخصی که طور معمول ، قطار تخته برفی ها را رهنمائی می‌کرد وبه خیابان داخل شد کارگر سال خورده بود کــــه بـــریـــك مادیان سرخ بزرگ «وبستانام» سوار بود. این کارگر پیر در کنار تخته برفی ها بابوت های نمدی‌اشی بسهولت‌راه می‌رفت ، پوستینی برتن داشت ، یخن پشمی‌اشی بطرف بالادور خورده بود ، کلاه وریششی از یخ سفید تر بود .ـ وبستا با مادیان او سراپا در عرق تر شده بود ـ کارگر سال خورده درینوقت بـــا آواز بلندی گفت :

«هی ، بسوی طویله ها دور بخورید وتخته برفی آخری باید داخل خانه شود .»

قطار از شانزده تخته برفی ترتیب یافته بود، اسپ‌هابا هوشیاری ومتانت‌آنها رامی‌کشیدند. بوی عرق اسپ بمشام می‌رسید ـ صـــدای شلاق ها شنیده می‌شد ، زمانیکه آخریـن تخته برفی از بندعبور کرد نیکیتا نمی‌توانست در اول بفهمد که برآن چه قرار دارد . چیز عجیبی بود۔کلان وسبز ویك‌نوار سرخ داشت ضربه های قلب نیکیتا سریعتر شدبرتخته‌برفی، یـــك کشتی دو چمچــه‌یی بانـــوك هـــای تیز می‌جنبیدوآواز می‌کشید۔ درپهلوی‌کشتی دوچمچهٔ سبز ویك دیرك که یك قبهٔ مسی در آخر خود داشت بنظر می‌رسید . پس همین بود تحفه ایکه‌در نامهٔ مرموزش وعده داده بود ...

ناتمام

مردم‌ما داوطلبانه‌از انقلاب‌ودولت انقلابی خوددفاع می کنند

مردم انقلا بی‌وزحمتکش افغا- نستان با در نظر دا شت گذا شته های تلخ وپر ز درد یکه از طرف سلطنت، عمال آن وطبقات حا کمه‌ای مر تجع برا یشان تحمیل‌شده‌است حالا دیگر کا ملا درك کرده اند که نباید آزموده هارا آزمود ودرمقا بـل دولت ، حزب وانقلاب بـلا تفا وت نشست ودست روی دست گذاشت.

انسان رنجبر وانقلا بی این وطن می داند که امروز ما مور به انجام رسا نیدن رسا لت تا ریخی خود است این‌آرمان یك آرمان بحق‌وروا می‌باشد. این آرمان آئینه دار آینده تابناك انسان‌امیدوار وزحمتکش‌این سر زمین‌است این آرمان دیگرآسوده خاطر سا ختن مشتی مفت خو ارو استثمار گر نه، بلکه آرمان همه‌ای کسا نی است که‌به‌سر نوشت خود، وطن خود ومردم خود علاقمند است.

مردم‌وطن‌ماديگر اينك به نيكی‌درك کرده اند که پیرو زی وسر بلندی نظام نو ین‌کشور پیرو زی وسر- بلندی آنهاست .

اگر در گذ شته ی‌نه چندان دور امین این فر زند دلبند امپر یالیزم امریکا، امیدمردم مارا با اعمال‌سفا- کانه وبی‌بند بار خود به یاس‌تبدیل نموده‌بود . اگر امیـن ایـن حافظمنا فـع امپر یا لیزم وار تجاع، توطئه آمیز انقلاب را ماسعت ما لـی نمود وچون طو طی دست پر ور د ه دشمنان وطن‌ومردم ما یعنی امپریا- لیزم امر یکا واژه های علما پـر- مفهوم ویـد یرفته شده را بیجا وبی مورد ودر حا لیکه در پشت این الفاظ مکر، حیله، ترور، اختناق،مصیبت‌و بد بختی وغل وزنجیر را پنهان کرده بود ومی کرد استعمال می نمودبرای آن‌نبود که‌وی‌معتقدبه آن‌بود ویاازدل وجان درراه تحقق آن مبا رزه مـی کرد بلکه بر عکس با داران امپر- یالیستی او برای بد نام سا ختن‌و قلب جلوه دادن آن واژه به ایـن نوکر خود یعنی امین دستور می داد که در پشت تربیوی ها، بیا نیـه خود را لفظا یك‌انقلا بی پرو پـا- قرص معر فی نماید ولی در اصـل عمل خود خلـق را از همه انواع‌و امکا نات‌زند گی محروم سازد‌مملکت را به یك وحشتگاه بی نظیر تبدیل نماید تابا این اعمال خود دو خدمت عمده به‌بادار ادا کرده با شد یکی قلب وبد نام سا ختن ایده هـای مترقی وا نقلا بی ودیگری منکـو ب وسر کوب سا ختن مردم افغانستان تاآز مبا رزات ضد امپر یا لیستی وضد ارتجا عی باز ما نند واین دو غول همچنان به تبهکا ریها ومظالـم خود دوام دهند .

ولی هما نطو ریکه دید یم ایـن نقشه های شوم وآز مندانه‌ی‌امپریا- لیزم وار تجاع به ارا ده‌ی مردم‌آزاده وسربلند افغا نستان نقشی بر آب شدوبا یور شی‌بی نظیری که ازطرف اردوی آزا دیبخش افغا نستان بـه تاریـخ ششم جدی پنجـاو هشت صورت گر فت امین وبا ند فا سدو غـلام منش وی به زبا له دان تاریخ سپرده شدندومرد م ما شانه ها ی خودرا از زیر بار گران سلطـه‌ی امین وامینی های جنا یت پیشه‌سبك کردند.

اینك مردم ما دیگر آزاد وتعییـن کننده ی سر نو شت خویش، خود شان هستند. اینك افغا نستان‌وطن عزیز ما، مردم شر یف وآزا دی‌پسند ماباپیروزی قیام ششم جدی وا رد مرحله‌ی نو ینی شده اندو انقلاب‌ثور نیز وارد مر حله‌ی تکا ملی ونو یـن خود شده است هیچ نیرو یی وهیچ کسی نمی توا ندبر مردم شر یف وبلاکشیده ی ما بتازد وبنا حق‌آنها را بیازارد هیچکس حق ندا رد که بااعتقادات مـذ هبی مردم ماخیره سرانه‌برخورد نمایدویاآنرا تجدیـد نماید .

آری انقـلاب ثور با دا خل شدن بمر حله نو ین وتکا ملی خود همه روزنه های امیدو آرا می وآزا دی‌را بروی خلق ما کشود و با اطمینان گفته میتوا نیم :با وجود آنکه‌کشور ومردم ما مراحل بسیار وحشتبا ری راپشت سر گـذا شته اند .حکمرایی نادر ودود ما نش ومظـا لم وسیاه- کاری های امین وبا ند شی . ولـی بااین همه‌امید وآرزوی کامل موجود است که خلـق ما ازین‌همه مشکلات ناشی ازین حکمرا نی های سفاکانه ازسر راه پیروزی خود دور خواهند کردوبه سر منزل مقصود خوا هند رسید. چنانچه درین مورد ببرك- کارمل منشی عمومی کمیته‌ی‌مر کزی حزب دمو کرا تیك خلـق افغانستان، رئیس شو رای‌انقلا بی وصدر اعظم جمهو ری دمو کرا تیك افغانستان طی‌بیانیه ی‌ملی‌و تاریخی خو یش که بتاریخ ششم جدی انتشار یا فـت منجمله چنین می‌فر مایند: «اکنون‌ما ایمان راسـخ داریم که انقلاب ما از عهده‌ی دشوار یهای عظیم فعلی‌بـر خواهدآمد . تا ریـخ مردم ما در ین لحظات یکی از بزرگترین وشگفت انگیز تر ین چرخشی را انجام‌میدهد که برای احراز آزا دی وزند گـی مستقل مردم ما اهمیت عظیم و بـی پایان دارد .این چر خشی است از ظـلم ووحشت بسوی خو شبختی، کار وزند گی صلـح آمیز .ایـن چر خشی است از مصا ئب‌وآلام‌بـی پایان . از استبداد ستمگران در نده خوی‌واستثمار گران خون خوار، از جامعه‌ی‌مصیبت زده‌ی طراز استبداد آسیا یی، بسوی آینده ی‌تا بناك‌دمو- کراسی وا قعی،آزا دی وبرا بری، ترقی وعدا لت وایجاد جا معه‌ی‌واقعا دمو کرا تیك،چر خشی‌است ازجنگ ونفاق داخلی بسوی صلـح، بسوی اعتـلای وحدت ملی‌و برا دری ملیت ها،اقوام وصا حبان مـذا هـب مختلف خلقهای ما، اعم از پښتون، تاجـك ،هزا ره ،از بك، تر کمن، بلـوچ ،نور ستا نی وغیره ومذا هب ما، اعم از اهل تسنن وتشیع‌ودیگر مـذا هب وقبا یل دلیر ما ....

بهمین اسا س است که نسـل امروز ماباید سازند گان آگاه زمان آینده‌باشند ونگـذار ند که‌دشمنان مردم ،انقـلاب ووطن ما که ناجو - انمردانه در کمین تو طئه ودسیسه نشسته اند این آئینه را مکدر سازد وفردای بهرو زی وبهز یستی ما را اخـلال نماید .

بلی حالا که مر حله ی نو یـن انقـلاب شکو همند ثور ما را بـه آینـده به فردای تا بناك‌وامیدبخش امید وار ومطمئن سا خته اسـت دشمنان رنگا رنگ مردم ، انقلاب‌و وطن ما باحیل‌ونیر نگ‌های‌گوناگون توطئه ودسیسه می کنند ومی خوا - هند که فضای صلح وآرامش مرد م مارابااخـلال گر یها، چور وچپاول، کار شکنی هاو ایجاد تر س ووحشت بر هم زند تا بااین اعمال خود از گل آلود سا ختن آب ما هی بگیرد.

چنا نچه‌حادثه اسفناك وتا ثر آور روز های سوم وچارم حوت بیا نگر این حقیقت است که دشمنان وطـن وانقلاب ما سخت در این کو شش است تا مانـع رشد سا لم وصلح- آمیز جا معه ومردم ما شو ند. ایـن دشمنان سو گند خو رده‌ی خلـق‌ما یکبار دیگر در عمل نشان داد نـد‌که برای رسیدن به اهداف‌شوم وکثیف خود از وسا یل‌شوم وکثیف استفاده می کنند .

همه مردم وطن مابخصو صـ باشند گان‌وهمشهر یان کا بل‌بـه خو بی شا هد تبهکا ریها واخـلال گر یهای دشمنان انقلاب‌نجات‌بخش ثور بودند، آنها دید ند که چگو نه این‌او با شان حتی از کشت وکشتار مردم بی گناه‌وشر یف وحتی اطفال صغیر ومعصوم در یـغ نکرد نـدو خوشنماتر اینکه برای پیاده‌سا ختن این اعمال‌خود به اغوا وفر یـب همو طنان ساده‌ی ما پر دا ختند وبه گفته‌ی خود این اخـلال گران، ایشان اطفال رابزور وا دار می سا ختندتا درجلو صفوف شان قرار گیر ندوبه اعمال‌دهشت افگنی دست بز نند.

بقیه در صفحه ۵۳

ویتامین ها

... تنهاباخوردن ویتامین ها،زندگی را نمیتوان پیش برد

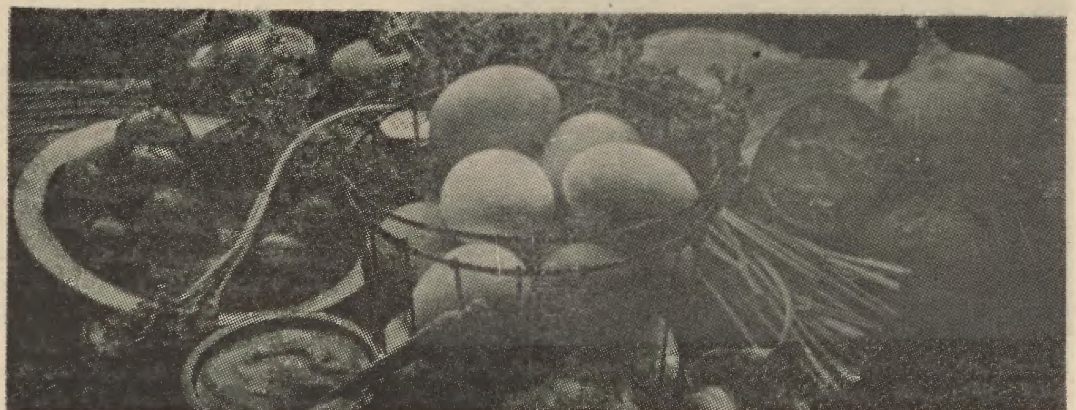
اگرمیخواهیدزیادعمر کنید وهمیشه جوان بمایند ، و یتامین ب را در برنامهٔ غذایی تان جا بدهید ؛

کمبود و یتامین (٦ ب) در بدن باعث نا توانی و بیخوابی وتنقیص وزن در اطفال میگردد ...

نخست با ید بدانیم که ویتا میـــن چیست ؟

ویتا مین ها مرکبات عضوی هستند که مو جودیت شان به اندازهٔ معین در جســم حیوان و یا نباتات ضروری بوده واز عدم موجودیت آنهـا عـوارض و اختــلالات نا ـ مطلو بی در جسم زنده بار می آید . فکر وجود ویتا مینها زمانی شروع شد که ملاحظه کردند اشخا صیکه مد ت ها ی طولانی غذای پخته و یکنوا خت صرف میکردند بـــه عوارض دچار شدند که هر گاه به آنها غذای تا زه یی داده میشد آن نوا قص رفع میگردید ، موضوع دیگری راکه بایددانست

اینست که ویتا مین هم مانند سا یر مواد ضروری بـدن مثل آبـ املاح ، نشایسته وغیره مورد احتیا ج بدن می با شد و لـــی هیچگاه به تنها یی خود سبب نمو وتقویه



جسما نی شده نمی تواند و نمیتوا ن تنها با ویتا مین ها زند گانی را به پیش برد.

ویتا مین ها نظر به حل شدن خود در آب وچر بی بدو دسته تقسیم می گر دنـــد دسته اول ویتا مین ها ی که در آب حل میشو ند و عبارت انداز : ویتا مین (ث) و و یتـا میـن ها ی مر بو ط به فامیل ویتا مین (ب) .

گروه دوم ویتا مین ها ی هستند که در چربی منحل می‌با شند ما نند : ویتا ، ویتامین «دی» ، ویتامین «کا» وویتامین «ای» .

برخی از ویتا مین های که برای انسانها لازم است در ذیل ذکر می گردند :

ویتـامین « آ » : وجود ایـن ویتامین در غـذای روزانه کـا مـلا ضـروریست چـــه کمبودی این ویتا مین دربدن مو جب‌بیماری نر می قر نیه چشم گردیده ودر حا لا ت و خیم باعث کوری چشم می گردد، همچنا ن فقدان فن باعـث شب کـــوری و امـــراض جلدی شده واز قدرت وتوا نا یی و دفا ع بدن درمقابل بیماریهای عفـو نی میکا هـــد.

منـابـع مهـم ویتـامین «آ» جگر، شیر، زردی تخم ، پنیر ، روغن ما هی ، زردك زردآلو سبز یجات تازه می با شد.

اگر در صورت تا ن دانه ها ی سیاه‌می با شد که دور آنرا بر جستگی ها ی سرخ رنگی احا طه کرده است و گا هی دانه های سفید رنگی که چرك دارند و در سینه‌وپشت شماهم ازاین بثورات (دانه های خردی کـه در پو ست بدن ظاهر میشود) دیده میشود، باید بیشتر از ویتامین «آ» استفـــاده کنید در وقت پختن غذا برای نگهداری ویتا مین «آ» لازم است که غذا در ظـروف سر بسته پخته شود زیرا در اثر عمل او کسید ی ، این ویتا مین از بین می رود .

احتیا ج روزانه بدن به ویتا مین بیش از ...۳ واحد است .

و یتـــــا میــــن کمپلـکس

از جمله تمام انواع ویتامیـــن «ب» تنهـا پنج عدد آن برای انسا نها اهمیت دارد که عبا رتند از (ویتا مین ها ی ۱ب، ۲ب،٦ب، ۱۲ب، (پپ) .این ویتا مین ها در آب‌منحل بوده و تما م شان بنام ویتا مین بـــــی کمپلکس یاد میشود .

اگر میخو اهید که زیاد عمر کنید و همیشه جوا ن بما نید این ویتا مین را

(ویتامین ب) از یاد نبرید و اگرمسیر شود بیشتر آنرا به شکل طبیعی اش مصر ف کنید .

شما برای اینکه یك قلب قوی دا شتـــه با شید ، برای اینکه دستگاه ها ضمه تان بصورت در ست کا ر کند و با لاخره‌برای اینکه اعصاب تا ن آرام با شد ، با یستی ویتا مین «ب» مصرف کنید .

دستجاب ویتا مین ب قرار ذیل تشر یح می شود :

ویتا مین اب : چون این ویتا مین در جسم انسا نها سا خته شده نمی توا نـــد باید بیشتر از طریق‌خوردن غذا وارد جسم گردد ، فقدان این ویتامین بموجب التهـــاب و توا م وبا عث مرض اعصا ب بنا م بر ی بری می شود ، موجودیت ویتا مین اب‌دربدن میتـــوانید فعالیت قلب، کنترو ل اعـصاب و عضلات را خوبتر انجام دهید .

خرا بی اعصا ب ، نفس کو تا هی وحس ما ند گی و ضعف نسبت به قلت ویتا مین اب است قشر برنج ، حبو با ت مخصو صا لـــو بیـا ، جگر ، کچا لـــو ، نخود وگوشت دارای مقدار زیادی ویتامین ا ب است .

ویتا مین ۲ب : عدم مو جودیت ایـــن ویتا مین در بد ن با عث کم شد ن وزن و پیدایش زخمهای جلـدی مخصوصـــا به اطراف گو شها و دهن می گردد و نیـــز نوعی مرضـــی را بار می آورد کـــه عـلایم آن التها ب پو ست ، اسها ل و کو د نی می با شد پس برای اینکه نواقص‌بالاراز وجود خود دور کرده با شید بیشتر از ماهی خمیرمایه ، گوشت ، لوبیا ، تخم مـــرغ ، ترکاری وشیر استفاده کنید .

ویتا مین ٦ب : این ویتا مین اهمیـــــت زیادی برای اشخا ص مضطرب ، عصبا نی‌و بیخوا ب دارد و با عث نموی حجرا ت می گر دد کمبودی ویتا مین ٦ب در بد ن‌باعث و مو جب به تعو یق افتا دن نمو یی جسمانی نا توا نی و بیخوا بی تنقیص وزن دراطفال میگردد اغذیه هـــا ی که این و یتـا مین را در خود دارند عبا رتند از : جگر ، تخم مر غ ، کا هو ، ما هی گندم وشیر .

ویتا مین ۱۲ب : منا بع مهم این ویتامین جگر ، گو شت گاو و خمیر ما یه است اگر میخوا هید به کم خونی دچا رنشوید در بر نا مه غذایی تـان ایـن و یتـا میـن را درج نما ئید و هم برای جلو گیری از مرض اسپرو (یکنو ع اسها ل کف دارباکم خو نی) همیش ویتا مین ۱۲ب مصر ف نما ئید .

و یتا مین پ پ : کـاستی این ویتـامـن مرض پلا گرا را با عث می شود که این مرض در کشور ها ی فقیر و اشخاصیکه جوا ری جزء عمدهٔ غذایی شانرا تشکیل مید هد بیشتر بروز می کند وعلا یم عمده این مرض عبارت از ضعف ، سؤ هاضمـه ، اسها ل ، کم وزنی و دانه ها ی جلـــدی می با شد . در جگر ، شیر ، تخم مر غ و ما هی بیشتر این ویتا مین یا فت مـــی شود .

ویتامین «ث» بـرای اینکــه جســم تان جوا نی وزیبا یی داشته با شد هر روز به اندازهٔ ...۱۵ تا ....۲ واحد از ویتا میـن ث مصرف کنید ، اگر میخوا هید و یروس ها و میکرو ب ها به وجود تا ن تها جـم نکنند روزانه تقر یبا ۲ملی گرا م ویتا مین ث‌بخورید با وجودیکه ویتا مین ث‌در غذای روزانه ما موجود است اما مقدار آن کا فی نمی با شد پس لازم است با خوردن لیمو، نا ریج ، ما لته ، جگر گو سا له ،سبزیجات تازه و شیر گاو این خلا را پر کنیم ،ولی اگر مقدار بیشتر و زیاده تر صرف‌نما ئیم تشو شا تی چو ن عصبا نیت ، بیخوا بـــی و تشنجات عضلا تی ایجاد می کند .سبزیجات و میوه جا ت و قتی پخته می شوند مقداری از ویتامین آنها در آب شـــان حل می شود که لازم است آب آن نیز مورد استفاده‌قرار گیرد قلت ویتا مین ، با عث امراض ذیـــل می گردد :

مرض سکو روی که علایم آن خستگی، پر ید گی رنگ و آما س دست و پا می با شد خو ن شد ن بیره ها ی دندا نولق شدن دندا نها ـپیر شدن قبل از و قت گریپ وسرما خوردگی ـ خونریزی لثه ها و وزیر جلد ـ سستی وخستگی در فصل بهار

بقیه در صفحه ۵۳

از گوشه های رنگارنگ جهان

موتررانی بدون کمك دست

موتر رانی حتی بدون کمك دستها ممکن است . **صنعت موتر سازی برای معیوبسان مو نر هسای بسه د یسزا یسن هسا ی** مخصوص ساخته است . تصور کنید موتری راکه میتوان بدون دست راهنمایی کسرد، **وقتی بواسطه زانو دکمهٔ را فشار دهیددروازه** های موتر باز میشود ، در حالیکه راننده به صورت اتوماتیك باکمربندی به چوکسی بسته میشود .

این یك اختراع برای دریوران تنبل‌نبوده، بلکه یك ضرورت غم انگیز برای گروهی از مردمان شدیدا معیوب است که از طفو لیت **بدون بازو ها یا پاها زندگی میکنند .**

این اشخاص جوان که دستهای شان به شانه های آنهاوصل اند یاپاهای شان مستقیما **از لگن خاصره نمو کرده، قربانیان مصیبت** صنعت دوا سازی هستند که یکی ازبزرگترین تکانهای عصبی بیست سال اخیر است اینها اطفال «تالید امید» هستند .

در جمهوری فسدرالی آلمان بیش ا ز پنجهزار طفل کانترگان وجود دارد اینها بعد از فروشی دوایی تحت نام تجارتی «تالیدامید» شناخته شده اند ودر دیگر نقاط جهان تقریبا یکهزار نفسر ازین قربانیان وجود دارد .

بعضی از آنها فعلا به حد اقل عمر موتر رانی رسیده اند وفقط فرصت دارند که حر کت قابل ملاحظه در آنها بوجود آید .

صنعت موتر سازی آنها را با دیزاین های مخصوص که به نوع معیوبیت آنها تطابق داده شده اماده ساخته اند .

بکار بردن طریقه های میخانیکی عملی، چیز هایی اند که این موتر هارا از مودلهای عادی امتیاز میدهد . برای یك دریور بیدست طور مثال یك استوانه را در جای پا ید ل عوض اشترنگ معمول قرار داده اند .

موتر با گیر های اتوماتیك مجهز شده به این ترتیب که وقتی پای راست طور معمول مصروف برك واکسلیتر میشود پا ی چسپ راهنمایی موتر را با دوردادن وفشار دادن آلهٔ که بجای اشترنگ است عملسی میکند .

«کانترگان» مثل دیگر «تالید امید»هادرسال ۱۹۵۷ به بازار آمد وبزودی منحیث یسك مسکن محبوبیت پیدا کرد .

تا چند سال اخیر معلوم نبود که این دوا برای جوانان نتیجه بد میدهد درین سالهای اخیر یقین حاصل شد که **استعمال آن‌سیستم** اعصاب را تخریب میکند .

مادرانی که در موقع حاملگی مخصوصادر **وقت حساس که اعضاء طفل در داخل رحم** در حال نمو میبودند از تالیدامیدها استفاده کرده بودند اطفال شان ناقص و معیو ب تولد شدند .

عدهٔ زیادی ازین نوع اطفال بزودی بعد از تولد وفات یافتند، تعدا دزیاد دیگر آنها فقط انتظار زندگی محدود را داشتند . درحالیکه یکتعداد قابل ملاحظه از آنها باقی میمانند که برای ادامه حیات خود به کمك دیگران احتیاج دارند .

در دهم مارچ ۱۹٦۷ بعد از شش سسال تحقیق نمایندگی های عمده ومهسم کمپنی **«گسرویین تال» کسه دوا را تسولید کسرده** بود مجبور به پرداخت جریمه شدند که در اثر دوا های تالیدامید ها یکعده انسانهاکشته شدند .

در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۰ این اقدامات از نگاه شرایط مغلق طبی به تعویق افتاده بود چسه علی الرغم یکتعداد راپور های متخصصین به میان آوردن سوال گناه در اینجا نا ممکن بود .

کمپنی گرینتال و حکومت فدرالی آلمان هریك صد ملیون مارك را بدسترس قربانیان این حادثه قرار دادند علاوتا یکصدو پنجاه ملیون مارك بالای آنها مصرف شده تابسیاری از آنها کمك شده وبه زندگی نسبتا نزدیك به زندگی طبیعی خود ادامه دهند .

سلسله تولید تالیدامید ها توجه تمسام جهان را بخود جلب نمود وبر پیمانه هسای **بیشتر سخت گیری کنترول بیمه بین‌المللی رابر صنایع دوا سازی مخصوصا به منا فع** مادرها خواستار شدند .



این قربانی دوای تالیدامیه ها باوجسودنداشتن دستها میتواند مثل هسر همسن و سالش موتر خودرا «ترایی» کند . موترش یك نوع مخصوص فلکس واگون گسلسف است .

ماهی ایکه‌در حال نابود یست

اگر مقر رات قوی بین المللسی اتخاذ نشود . این حیوا نات زیبسا که در سراسر هفت بحر جهان‌مورد شکار انسانها قرار دارد شاید به زودی از صفحهٔ گیتی نیست ونابود گردد .

ماهی گیرانیکه تو سط چنگسسك به گرفتن این نوع ما هیان مسی پر دازند اظهار میدارند که ایسن ماهی یعنی ما هی (تونا) یك ماهی خیلی زیبا ، شجاع و سپسور تسی میبا شد .

تونا شا هپر آبسی دارد و در اقیانو سها پیدا میشود و از نظر جسامت از همه ما هیان بزر گستر بوده و بیشس از یك هزار و چهار- صد پوند وزن دارد .

ماهی مذکور شصت میل فسی ساعت در میان بحر حرکت میکند و ازین نگاه در میان همه ماهیان‌ابحار ممتاز میباشد .

این ما هیان بزرگ در تمسسام ابحار با همنو عان شان به گردش می پردازند و از آن دسته ماهی ها محسوب میشو ند که بصورت‌خیلی وسیع و زیاد از طرف ماهی‌گیران جهان شکار میشو ند و در بازارها بفروش میر سند .

اما شاید شکار ماهی تونا بزودی انجام پذیردز یرا ما هیگیسران و متخصصین حیوان شناسی ابحسار اقتصا دیون و تجار همه متفقسسا میگویند که جمعیت ماهی تونا نوع بلوفن (دارای شهپر آبی) به‌سرعت

رو به نابودی میروند و اگراقدامی در این مورد صورت نگیرد دامن زندگی ما هی مو صوف بکلـی از میان آبهای جهان چیده میشود .

به مشکل میتوان اخطار نابودی این نوع ماهی بزرگ را قبول کرد زیرا در امریکا اعلانات ماهی تونا، به شدت پخش و خیلی زیاد درهمه جا دیده میشود و در بازار ها بـه پیمانه زیاد به فروش میر سد و مردم فکر میکنند که ماهی تونـا تمامی نخواهد داشت .

شعبات تجار تی امریکا باساس ارقام قابل قبـول سـال (۱۹۷۵) وانمود می سازند که مقدار (۵٦۸) مليون ماهی تونا در امریکا بدست آمده و ازین مقدار چهار و نیـم بلیون ساند ویچ ماهی نوع تونـا، تهیه گردیده است .

در سال (۱۹۷٤) طبق احصا ئیه ساز مان خورا که و زراعت جهـان بیشس از سه و نیم بلیون پونـد ماهی نوع بلوفن ، در تمام جهان توسط ماهی گیران شکار و بـه بازار ها عرضه گردیده است ، که زاید از چهل فیصد رقم مذکور از طرف ماهی گیران امریکا و جاپان بدست آمده است .

با وجود یکه ماهی گیران از یك قرن قبل باین طرف ما هیان عظیم ـ الجثه بلوفن، را، در خلیج میـن شکار میکنند و بیشس از هـزار سال است که برای گرفتن ماهیان یاد شده در سواحل اسپا نیـه بداخل ابحار ، دامهای گستـر ده شده است ، اما صرف طی یك ربع قرن اخیر است که کشتار جهانی ماهی نوع بلو فن به پیمانهٔ رسیده که زنگ خطر را ، برای ماهـی گیران ، متخصصین حیوان شناسی و مو سسات اقتصا دی و تجارتی به صدا در اورده است .

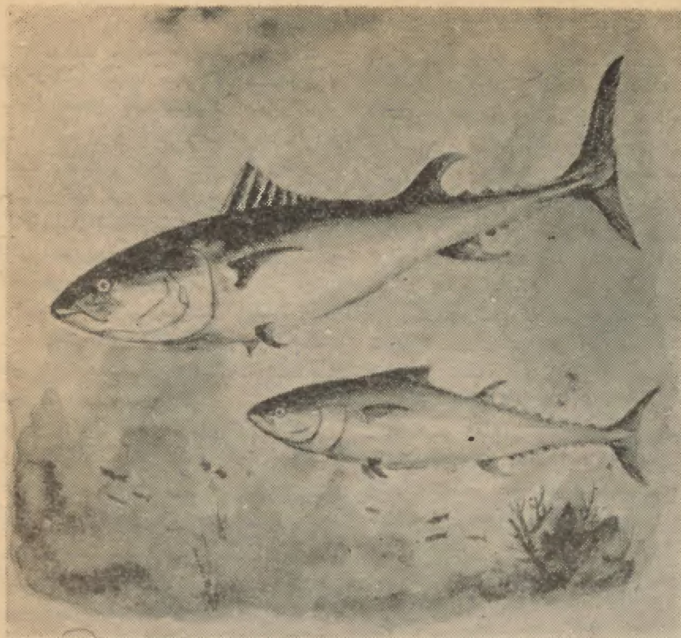
بعد از جنگ جهانی دوم بائـر رشد تکنا لوژی جدید کشتار ماهی تونا در حصص مختلـف ابحار ـ گسترش یافت . امروز کشتی های ماهی گیری مجهز با وسایـل الکترونیکی می‌باشندکه‌در هر نقطهٔاز بحر که لنگر اندازد میتواند دسته های ما هی توا نا را، در عمق پنجاه میل بحری نشان دهد .

در اواخر سال (۱۹۵۰) جا پانی اوقیانوس آرام فرستا دند وتاسال ها کشتی های خود را به بحـر ۱۹٦۰ تلاش جهانی برای شکـار ماهی بخصو ص ماهی تونا آغاز گردید .

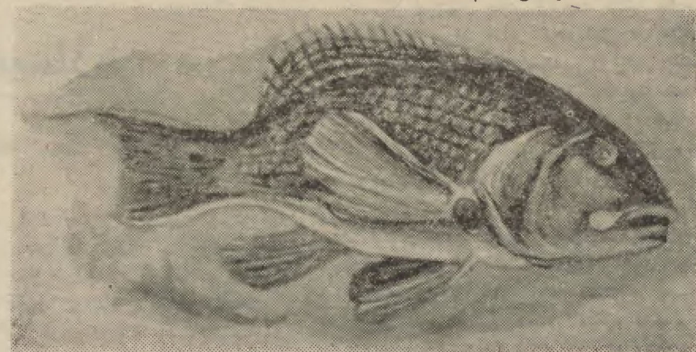
شکار ماهی تونا به چندیـن طریقه امکان پذیر میباشد . یکـی ازین طریقه ها که جا پانی ها ازآن استفا ده مینما یند عبارت ازقرار دادن ریسما نیست که در روی آب بحر به طول پنجاه میل کشیده می شود و ریسمان مذکور که در هر قسمت‌آن یکهزار وپنجصد چنگک طعمه دار وجود دارد به عمق دوصد فیت بداخل بحر فرو میرود وبدین تر تیب شکار ما هیان صـو رت میگیرد .

ماهی گیران امر یکایی ماهـی تونا را بادام های قسم عمـو دی بدست می اورند و کشتی هـای بزرگ ماهی گیری که قیمت هریك آن بیشس از پنج ملیون دالر مـی باشد ، بعضا ظر فیت گرفتن ، دو هزار تن ماهی تونا را دارنـد ، و دام های عمودی این کشتی هاکه از نیلون تیار میشود تقریبا یـك میل طول داشته و به اطراف‌گرویی ازما هیان تونا، انـدا خته‌میشو د و بدین ترتیب شکار اهی صو رت میگیرد .

در شکار ماهی از طیاره وکشتی های موتر دار نیز کار گرفتـه میشود ، باین ترتیب که توسـط آنها ما هیان تونا بصورت دستـه های بزرگ جمع گردیده و به طرف دام رانده میشو ند .



میگوند که جمعیت ما هی هـا ی‌تو نا روبه انقرا ض رفته است .



این ما هی ها شا هپر آبی رنگی دارد که به کثرت در او قیا نو س پیدا میشد .

طبق معلو مات دفتر ماهی گیری ملی در سال (۱۹۷۵) در حـدود دو صد ماهی گیر امر یکائی مجهز با دام های فوق الذکر در بحـر اقیا نوس و بحر الکاهل به ماهـی گیری مصروف بوده و از معلوماتی که بدست آمـده آنـها بـا ارزش تخمینی یکصدو پنجاه ملیون دالر ماهی بدست اورده اند که البتـه قیمت آن بعد از طی مراحل پـاك کاری، سورت ور سا ندن به سوپر مار کیت ها تا ر سیـد ن بـه دست مصرف کننده پنج چندقیمت متذکره بوده که باین صـو رت ارزش سا لا نه آن به بیش از یـك بلیون دالر میرسد .

وقتی این ار قام را ، در پهلوی تقا ضای روز افزون ، برای ماهـی تونا در نظر بگیریم فشاری که ،از جانب انسانها ، بر این نوع ماهی بخصو ص به نوع شا هپر آبـی آن ، وارد میگردد خیلی پـر تشو یشس خواهد بود کشور های که به شکار انواع مختلف ماهـی تونا ، مصروف اند شامل کشـور های شرق بحر الکا هل الی غـرب اقیا نوس بوده تقر یبا تمام اعضای کشور های ملل متحد را در بـر میگیرد و از نگاه تقسیمات جغرا ـ فیوی میتوان از کشرور های مانـند گو ستا ریکا ، سینگال ، کوریـا پیرو و هالند نام برد .

همچنا نکه دسته های کشتی‌های که ما هیگیری ، بادام های جدید و مدرن روز به روز زیاد می شونـد ساحه شکار ماهی های مذکوز نیز فراخ و فراخ تر شده میرود وتمام قسمت های ابحار را فرا میگیرد .

متخصصین پیشگو یی میکنند کـه تقا ضای مردم جهان برای خریدن ماهی تونا ، در سال (۱۹۹۰) بـه مقدار ده بلیون پوند خواهد رسید. همچنان متخصصین مذکور اظهـار میدارند که تا سال (۱۹۸۰) منابع ماهی نوع‌تونا ، خیلی محدودخواهد گردید و حتی بسوی نا بودی‌بیشس خواهد رفت .

این نوع ماهی در پنجاه سالگی به مرحلهٔ جوانی میرسد و یك‌ماهی ماده آن در حدود پنج ملیون تخم گذاشته میتواند ، باروری تخم‌های ماده توسط نطفه ما هی نـر چندان روشن نیست اما اینقدر معلـوم است که فعالیت های تجدید نسل بدو ساحل بحر او قیانوس وبحر د یترانه وجود دارد .

باو جو دیکه نوع ماهی تو نای بلو فن قسما باثر موا فقـات بین المللی و مقر رات دولتی ، حمایـه میشو ند اما این خیلی روشن است که تعداد نفوس آن رو به کم شدن است .

یکی از متخصصین این رشتـه میگو ید که شکار ماهی های بزرگ

بقیه درصفحه ۵۷

افتضاح امپریالیسم امریکا و متحدین

چپ‌نمای آن بیش از پیش چهره دوستان دروغین خلقهارا برملا میسازد

عطا راد مرد

با پیروزی مترقیت در اوایل قرن بیست و فرو ریختن شیرازه جهان کار مزدوری و پیروزی توده‌های زحمتکش، دوران‌نوین گذار از سرمایه داری به جهان رفاه‌وترقی‌وانسانی‌آغاز گشته ، سیستم جهانی مترقی بوجود آمده ، جنبش کار گری ومترقی جهانگیر شده ، کاخ سیستم استعماری کهن فرو ریخته‌وجنبش های آزادی بخش ملی وسعت واوج بیسابقه ای یافته است ، درین پیروزی های بزرگ توده های میلیونی زحمتکشان آسیا ، افریقا و امریکای لاتین نقش عظیمی داشته اند ، باپیروزی جنبشهای مترقی‌مفهوم‌وسیع‌کلمه جهان خود بدو قسمت مجرا گردید ، سیستم‌مترقی جهانی بوجود آمده، خلقهای آسیا، افریقا، وامریکای لاتین به تشکیل احزاب مترقی و گروههای سیاسی‌پرداختندوبامبارزات قهرمانانه خویش امپریالیسم را باکلیه متحدین آن‌به مقیاس جهانی به‌لب گور رسانده به اعمار جامعه خویش در جهت خوشکامی وبهروزی توده های میلیونی کشور های خویش همت گماشتند ، اکنون دیگر مبارزه بین جهان مترقی وجهان جنگ وظلمت به محور زندگی اجتماعی مبدل گردیده‌است، جنبش های آزادی خواهانه ومترقی در کشور های مختلف جهان بیش از پیش به جمع‌آوری قوا پرداخته وبا تجمع دریك جبهه مقدس بردژ سرمایه یورش برده وکاخهای سرمایه‌داران قصر نشین را یکسره ویران نموده بالای خرابه های‌آن اساس وبنیاد زندگی نو، مترقی وانسانی را میگذارند جهان درمجموع چنین میگردد .

در وضع کنونی که مبارزه بین دو سیستم جهانی، مبارزه ونبرد بین کار وسرمایه و مبارزه بین خلقهای کشور های در بندکشیده شده وامپریالیسم به مضمون عمده دوران ما مبدل گردیده است ، هر روز بیش از هروقت دیگر جنبش های آزادی بخش ملی درکشور های جهان سوم، جنبش طبقه کارگر درکشور های سرمایه داری وجنبش مترقی جهانی به پیروزی های شگرفی نایل گردیده و قدم بقدم امپریالیستان مرتجع را به شکست های پیهمی دچار میسازد ، امپریالیسم جهانی دیگر در حالت نزع است ، در هیچ عرصه ای اززندگی کاری را از پیش برده نخواهد توانست .

تشکل وتکامل پدیده ها بصورت فوری صورت نمیگیرد بلکه رشد کمی پدیده ها ، رشد ازمراحل سافل به‌مراحل عالی ومتکامل است ، سیرتکاملی پدیده هامسیریست مار-پیچی‌ومملوازموانع، بافرازونشیب، سیریست‌که نو وپدیده های مترقی باانواع موانع برمیخورد، به شکست مواجه میگردد . دوستان ومتحدین خویش را از دست میدهد اما باید گفت که این شکست هاهمه و همه گذرا وموقتی بوده وسر انجام پیروزی وفتح وظفر نصیب امر نو وهرآنچه مترقی ورشد یابنده است میگردد، پیروزی مرحله‌نوین تکامل‌انقلاب‌شکوهمندثور یکبار دیگر عملا باثبات رسانید که دشمنان ومدعیان سوگند خوردهٔ مترقیت وانسانیت به مفهوم وسیع کلمه بهر اندازه ایکه تلاشهای مذبوحانه بخرچ دهند، جلو رشد پیروزمند امرنو ومترقی موانع ایجاد نمایند ، از رشد روزافزون پدیده های مترقی ورشد یابنده جلوگیری نمیتوانند .

چه در هر جاییکه ارتجاع در صدد آن برآمده تا در قبال تکامل پدیده ها وامرنو موانع ایجاد نماید، رسوا گردیده وبیش از پیش چهره سیاه خویش را افشا نموده است. رسوایی هاییکه در این اواخر نصیب ارتجاع جهانی ودر راس آن نصیب امپریالیسم‌امریکا گردیده است ماهیت پلید ومنحوس آنرا بهمگان واضح وآشکارا نمود ویکبار دیگر عملا باثبات رسانیدکه امپریالیسم جهانی متجاوز است وغارتگر وهر آنچه مهر ترقی وارتقا را داشته باشد دشمن درجه اول غارتگران جهانی قرار میگیرد .

باشکست وناکامی نقشه های امپریالیستی وافشای جواسیس معلوم الحال چون امین یکبار دیگر عملا امپریالیسم مفتضح گردید، این افتضاح ورسوایی امین و باند جنایتکارش به آتش خشم وغضب امپریالیستان ودر راس آن خشم وغضب سرمایه داران ستمگر امریکایی افزوده وبیش از پیش‌متوجه افغانستان انقلابی گردیدند(!) وعملا ازحاکمیت امین وباند آدمکش وی دفاع کردند و ...

این باصطلاح سیاستمداران نمیدانند که در مقابل نیروی پرتوان وبزرگ توده های زحمتکش قرار دارند ودر قبال آنها یعنی در مقابل خلقهای‌رزمنده وقهرمان افغانستان‌انقلابی قرار گرفته اند ، آنها فراموش کرده اند که

این وسیع ترین توده های رنجبر وزحمتکش افغانستان بودکه سه بار امپریالیسم‌انگلیس رابه شکست مواجه نموده واز این وطن قهرمان الی لندن فراری ساخت ، مگر آنها نمیدانند که از بیست هزار عسکر مهاجم در خاك افغانستان صرف یکنفر داکتر بنام‌برایدن نیمه جان از این وطن جان بسلامت برد ، مگر فراموش کرده اند ، هرگاه در طول تاریخ کسی بخاك سرزمین مقدس ماافغانستان چشم طمع دوخته چشمانش را از حدقه درآورده‌ایم ، مگربخاطر ندارندکه امپریالیسم جهانی چندین بار به قصد عملی کردن نقشه های شوم خویش اقدام نموده اما این نقشه های شوم‌وشیطانی همه درنطفه خنثی گردیده است وقبل ازاینکه در عمل مورد تطبیق قرار گیرد رسوا و بد نام گردید .

امپریالیسم امریکا در مقابله ومبارزه بر ضد کشور های جدیدا به استقلال رسیده متحد دیگری نیز سراغ نموده وهردو باوحدت در یك جبهه نا مقدس بر ضد ترقی و آزادی توده های زحمتکش جهان جنایات بزرگی را مرتکب میشوند ، ماشین جنگی آدمکشان امپریالیستی در گوشه و کنار مختلف جهان کشتگان بیشماری از خود بجا گذاشته است ، خلقهای زحمتکش جهان‌شاهد بوده وخوب بخاطر دارند که این امپریالیسم بودکه در طول تاریخ به سرزمین کشورهای بیگانه تجاوز کرده وزن ومرد، جوان، پیر-مردان وپیره زنان را بخاك و خون کشید، اطفال بیگناه را زنده بگور نموده واز اجساد کشتگان پشته ها ساختند ، این امپریالیسم امریکا بود که قریب بیش از سی سال جنگ، ماشین جنگی خودرا در ویتنام قهرمان بحرکت درآورد، آبادی هارا ویران نموده وزنده هارا از زندگی وحیات محروم ساخت. این امپریالیسم امریکا نبود که‌خلق عرب فلسطین را از سرزمین پدری شان رانده وآنهارا آواره ساخت واین امپریالیسم امریکا نیست که از آسیا گرفته تا افریقا وامریکای لاتین زحمتکشان را به خاك وخون کشیده و از منابع سرشار طبیعی مناطق متذکره استفاده می برد، در جواب اینهمه سوالات مطرح شده باید گفت که بلی این‌امپریالیسم امریکا ستکه آنهمه جنایات را بر ضد بشریت و انسانیت و بر ضد ترقی انجام میدهد، این ارتجاع جهانی است که دو بار در اروپا جنگهای اول ودوم جهانی رابرخلقهای قاره ذکر شده تحمیل کرد که در نتیجه‌بیش ازبیست میلیون از انسان ها صرف در جنگ جهانگیر دوم فدای هوا وهوس وخواهشات شیطانی امپریالیسم جنگ افروز گردیدند .

همین اکنون ما شاهد فرو ریختن سیستم سیطره استعماری وپیروزی جنبش های رهایی-بخش ضد امپریالیستی بوده وناظر ایجاد حکومات ملی ودموکراتیك هستیم، ما عملا مشاهده مینماییم که با اتحاد سه نیروی‌عمده دوران یعنی جنبش جهانی مترقی ، جنبش‌طبقه کارگری درکشور های سرمایه داری وجنبش های آزادی بخش ملی در کشور های جهان سوم جبهه وسیع ضد امپریالیستی ایجاد شده وباضربات پیهمی که بر پیکره نیمه جان امپریالیسم جهانی وارد می آورند بیش ازهر وقت دیگر زمینهٔ شکست قطعی تجاوز گران امپریالیستی وزمینه پیروزی مترقیت را فراهم نموده وبا نیروی پرتوان وظفر آفرین موج به موج واز یك پیروزی به پیروزی دیگر گذشته وبرپیکرهٔ بی جان ارتجاع نفرین می فرستند.

نفرین برمتجاوزین وستمگران امپریالیستی!

افغانستان قهرمان وانقلابی وخلق پیروزمند این وطن گرانمایه چندین بار عملا باثبات رسانیده اند که هیچوقت و در هیچنوع‌شرایطی تحت اسارت وبندگی حیات بسر نبرده و هر آنکسیکه اقدام به اسارت آنها نموده ودست اندرکار شده تا خلقهای آزاده مارا در بند کشدمحو ونابود گردیده است وبحکم تاریخ وبه اراده رزمنده خلقها وتوده های زحمتکش جامعه خویش باغرور وسر بلندی اعلام می-نماییم که هیچ قدرت اهریمنی ارتجاع جهانی توانایی آنر اندارد تا در قبال اراده توده های میلیونی زحمتکشان ما اقدام نماید واصلا هیچ قدرت شیطانی واهریمنی جهان نیروی پایداری ومقاومت را در قبال پیشروی های سیل خروشان جنبش ونهضت خلقها ندارد .

مابه جرئت اظهار کرده ایم وبار دیگربا صراحت لهجه اعلام میکنیم که باسر بلندی در جاده نبرد اجتماعی وبه امید فردا های روشنتر وفروزان‌تر ، زندگی‌وطن و وطنداران عزیز خویش تا آخرین دقایق زندگی مبارز هوشیار وسرباز فداکار بوده و در این راه دشوار از هیچنوع فداکاری وقربانی های بیشمار دریغ ننماییم . این وعده ای بود ، سوگندی بود که فرد فرد اعضای صادق حزب دموکراتیك خلق افغانستان در همان روز های نخستین تشکیل کنگره موسس و ایجاد حزب دموکراتیك خلق افغانستان در مقابل خلق غیور وبا شهامت خویش اظهار کرده بودند وتاآخرین لحظه حیات خویش بدان وفادار وصادق اند، این وعده ، یعنی وعده آشتی ناپذیری با ارتجاع ومبارزه با اشکال وانواع ارتجاع در عمل تحقق پذیرفت . حزب دموکراتیك خلق افغانستان فشرده با خلقهای قهرمان ومردم زحمتکش افغانستان عزیز برمواضع ارتجاع، استعمار وامپریالیسم یورش برده وخوشکامی و آزادگی را با خود به ارمغان آوردند ، زندگی آزاد وسر بلند که ما اکنون بدان فخر نموده وبخود میبالیم تحفه وهدیه نیست بلکه محصول مبارزات قهرمانانه وشجاعانه خلق زحمتکش افغانستان است .

در این او اخر امپریالیسم با استفاده از حیل گوناگون در صدد آن برآمده تا با بکار بستن نقشه های شوم خویش بطرزملایم وظریفانه وبطور نامریی خلقها را د ر بند کشیده ومانع جنبش ونهضت آنها گردد، سردمداران امپریالیسم جهانی بکمك وهمکاری بیدریغ شوونیستان چینی در این بخش مشترکا وظایف خویش را انجام میدهند، از جمله آنها با فرستادن نمایندگان وجواسیس خریده شده به پوند ودالر امریکایی ورسوخ دادن آنها در دولت وپستهای مهم‌وعمده حکومتداری وبدین وسیله سرهم بندی کردن کودتا های ضدملی و ضد دموکراتیك امپریالیستی وارتجاعی از جمله اهم وظایف آنهارا تشکیل میدهد ، اما باید گفت که باتشکیل سیستم‌جهانی‌مترقی که تکیه گاه مطمئنی برای سایر نیروهای انقلابی ومترقی بوده ودر هرلحظه ودر سایر شرایط وهروضع با نیرو های انقلابی ، مترقی ووطنپرست بوده است وخواهد بود ، چه سیستم جهانی مترقی در جهان پاسدار صلح است ویگانه مدافع آزادی، انسانیت وشرف انسان وهر آنکسیکه برضد آزادی، انسانیت وشرف انسان قد علم نموده ویاصف آرایی نماید به شکست رقتباری محکوم میگردد، اینست قانون حتمی وعینی زندگی اجتماعی .

زندگی اجتماعی ومبارزه اجتماعی خوددارای عرصه ها وبخشهای مختلف وگوناگون است وطبعا در اینهمه عرصه های زندگی فاکت ها وحقایق بیشماری وجود دارند، آ نهمه فاکت هارا باید بشمار گرفته وموشگافانه آنهمه را مطالعه باید نمود، مطالعه وبررسی پدیده ها وفاکت ها نباید بشکل تجریدی صورت گیرد. قانون همیشگی وقبول شده برای مطالعه و بررسی فاکت ها وپدیده های اجتماعی چنین است که :

مجموع فاکت ها وپدیده هارا باید جمع ـ آوری نموده، بعد از جمع آوری آنهمه‌پدیده های جمع آوری شده را دسته بندی نموده، فاکت هاوپدیده های نامساعد را مساعدساخته وبه نفع روند تکامل از آنها استفاده برده وفاکت ها وپدیده های زشت، نابکار و ضد ترقی را یکی بعد دیگر از صحنه هستی نیست ونابود کرد .

مابار ها گفته ایم وباردیگر با صراحت لهجه اعلام میداریم که سبب اصلی همه‌آلام وبدبختی خلقهای زحمتکش در منطقه و جهان امپریالیسم ونوکران چاکر صفت آنها بوده واین امپریالیستان غارتگر انگریزی و امریکایی بودند که سرمایه های وطن راغارت کرده ودسترنج خلق زحمتکش مارا دزدیدند ودر بانکهای امریکا واروپا برای خود ویاران جنایتکار شان به امانت گذاشتند ، خلقهای زحمتکش وقهرمان جهان زحمت میکشند و عرق میریزند اما حاصل دسترنج آنان را دزدان جنایتکار امریکایی و انگریزی به جیب می ریزند ، کشور های آسیایی و افریقایی را تحت استیلا قرار میدهند اما از جهان آزاد دم میزنند ، هرروز هزاران نفر ازخلق های دربند کشیده شده را بطرز فجیعی بقتل میرسانند اما از انسانیت ودموکراسی د م میزنند، ثروت های مادی و معنوی خلقها را غارت میکنند اماز شرف وآزادی و مصونیت دم می زنند وجنبش بحق وعادلانه خلقها وتوده های زحمتکش را خائنانه وبنام های مختلف عنوان مینمایند جنگهای تجاوزکارانه ایکه در طول تاریخ ، امپریالیسم بر خلقها تحمیل ودر اثر آن هزاران ومیلیونها انسان بخاك وخون کشیده شده است، لکه های ننگیست بردامن امپریالیسم جهانی ودر راس بردامن امپریالیسم امریکا . اگربه مبارزات وتلاشهای مذبوحانه امپریالیسم امریکا ومتحدین چپ‌نمای چینی آن نظری انداخته شود وپس منظر آن موشگافانه بررسی ومطالعه گردد ، بخودی خود می رساند که امپریالیسم یعنی سرمایه‌داری در حال احتضار. چه شکست امپریالیسم امریکا در آسیا ونقش برآب گردیدن آنهمه نقشه های تهیه شده در زراد خانه پنتاگون و دست یابی کشور های قاره ذکر شده به استقلال ملی وتشکیل حکومات مستقل ملی ودموکراتیك تعیین وانتخاب راه رشدو گسستن پیوند هاباارتجاع وتشدید مبارزه این کشور ها بر ضد امپریالیسم و اشکال وانواع استعمار وتشکیل جبهه واحد ملی ، دموکراتیك وضد امپریالیستی در این کشور ها وتشکل خلقها وتوده های زحمتکش و در ضمن مبارزه بی امان، وسیع و گسترده ای به منظور دست یابی و حصول استقلال اقتصادی، جدو جهد ومبارزه بر ضد انواع واشکال فرهنگ استعماری و... همه و همه دال بر شکست امپریالیسم واستعمار بهر شکلی که باشد ، بوده وهیچ نیرویی ر ا قدرت وتوانایی فرار از این قانون عینی و جبری تکامل نیست .

اکنون که کشور های چندی بخصوص در آسیا وافریقا از قید ستم استعماری رها یی یافته اند با سوالهای زیرین مواجه اند، از کدام راه باید رفت ؟ باچه کسان متحد باید شد ؟ باچه نیرو های باید جنگید ... ویك سلسله سوالات متعدد دیگری که در قبال مبارزه وجنبش خلقها بعد از پیروزی عرض اندام مینماید، طرز قابل قبول وارزنده ارائه جواب به سوالات مطرح شده است که میتوان گفت باارائه جواب به‌آنهمه‌سوالات مطرح شده ، آنهم ارائه جواب قابل قبول و منطبق با واقعیات است که میتوان با انتخاب راه‌رشد قابل قبول شکل ارزنده در این بخش به‌ایفای رسالت واجرای وظایف بشکل ارزنده آن پرداخت ، در وظایف کنونی مبارزه علیه امپریالیسم وکلیه اشکال استعمار بایدگفت که در وضع کنونی با در نظر داشت خصوصیات وضع کنونی اهداف و در ضمن وظایف کنونی مبارزه علیه امپریالیسم جدا باید در نظرداشت که با استفاده از پیروزی های پی اندرپی مترقیت به مفهوم وسیع کلمه وشکست رقتبار امپریالیسم‌وارتجاع جهانی وتغییر توازن قوا بسویه جهانی بنفع ترقی‌و برضد ارتجاع ونیرو های امپریالیستی‌باید

بیش از پیش رزمندگان راه حق وعدالت وضد امپریالیسم را تقویت نمود وبهم فشرد وفشرده ومتحد باهم بر دژ دشمنا ن یورش برده ویکی بعد دیگر آنها را از صحنه زندگی وهستی معدوم ساخت .

سیر حوادث وطرز وتشکل تکامل وسیع‌شدن نیرو های مترقی و انقلابی وشکست و

اضمحلال سیستم استعماری و فنای هرآن چیزی که کهنه است بخودی خود می رساند که نیرو های ضد انقلابی وضد ترقی اجتماعی گر نعره سر دهند، زوزه کشند ، گلوپاره نمایند ودر این زمینه عرق افشانی نمایند که کاری را از پیش برده نخواهند توانست وبرخلاف امر تکامل وپیشروی ودر مقابل سیر رشد یابنده تکامل اقدام به عملی خود به فناومرگ مدعیان سوگندخورده امرتکامل اجتماعی تمام میشود واین روندیست که هیچ نیرویی را توان فرار وگریز ازآن نیست وهر آنکسیکه بر خلاف این مسیر پیروزمند وقانونمند اقدام نماید، در این راه گردن‌خود را خواهد شکستاند

وطنداران گرانقدر افغانستان عزیز !

بیش از پیش به محو نیروهای‌دشمن پرداخته ویکی پی دیگر شکست های پیهمی به آنها وارد نمایید !

امپریالیسم جهانی در راس آن امپریالیسم امریکا در نتیجه شکست های بزرگی که به وی تحمیل شده در این اواخر هار گردیده و بیش از پیش وحشی ودر اینجا وآنجا فعالیت های خرابکارانه و دور از انسانیت را انجام میدهد ، جدا توجه داشته باشیدکه

امپریالیستان زیرکانه در صدد تخریب همه‌ی تان کمر همت بسته وتلاشهای مذبوحانه وتب آلودی در این زمینه انجام میدهد .

امپریالیسم جهانی محکوم به شکست است .

پیروزی و خوشکامی خلقها آینده جنبش را تشکیل میدهد !

از سپوتنیك

ترجمه نصیر (ابوی)

یکبار دیگر کاربن‌فعال درخدمت انسان



از کاربن فعال درعمل‌پیونداعضاء وسم زدایی خون استفاده میشود .

زمانی که‌در اپریل ۱۹۱۵ مصادف باجنگ‌اول جهانی گاز های سمی مورد استفاده قرار گرفت تنها شش هزار نفر را به دیار عدم فرستاد. وبالین ابدی شان را احجار سیاه و سخت ـ گزید. گواینکه دانشمندان بعدها درهرکشوری باتب وتاب زیاد مصرانه در صدد بودند راهی بیابند تابدین روال یك ممانعت محافظه‌یی‌مقابل گازات سمی به میان آرند و وسایلی‌را انکشاف بدهند که‌بوسیله آن بتوانند سم هارا بزدایند طی‌مدت هااین درگیری وهمه پرسی در حلقه های علمی برای زدودن گازات سمی دربین کار۔ شناسان جریان‌داشت تااینکه یکتن‌از پروفیسران اتحاد شوروی نیکولای ولنسکی طرح وسیله‌ی‌را ریخت تابتوان‌حداقل بابکاربری آن‌سیم بالا۔ خص گازات سمی رازدوده اووسیله‌ای‌رابکاربرد که‌درآن تیوپ باماسك‌رابری جاسازی شده بود وکاربن فعال منحیث‌فلترخشك‌درآن‌عمل می کرد. نظیر وسایل بالابعد ها همه‌گیرترشدو حتی از داخل آزمایشگاه راهی به جوامع‌وحتی پیاده نمایی درشفاخانه ها بازکرد.

وبالاخره رل‌ارزندم این‌عنصرراه‌نورا برای پیشرفت درازمنه سال کشود.

درانکشاف تندوسریع صنعت کیمیایی‌وصعت فلزی‌ایکه استواری به‌خدمت گیری موادخام سلفر دار داشت منتج به یك افزا یش قابل توجه مقدار دای سلفاید دربرخی کشور ها گردید . و این مساله سلامتی جهانیان را به مخاطره وهوا را آلوده میساخت وقدمی‌بود در جهت آلودگی محیط ومیرفت زدایی وی رسیده تابا استعمال کاربن فعال تاجان عده ای را بگیرد. ولی امروز نوبت سم منحیث جاذب بتوان موادسمی‌رادفع‌ومهار کرد.

این سری فعالیت های کیمیایی استواری به تقطیر مواد با استفاده از کاربن فعال منحیث‌جاذب دارد جاذب های کره‌ای‌بیشتردرین راه‌مورد استعمال‌دارد. یك‌روشن برای تصفیه‌نمایی دود مناطق صنعتی بوسیله‌ی دانشمندان وکار آگاهان انستیتوت منرال شناسی اتحادشوروی انکشاف دادهشده‌است‌ویك‌چنین‌استفاده‌دیگراز کاربن فعال در تصفیه آب مشروب و آبجاری میباشد.

درین تازگی ها جایش رادر کنار مسایل طبی یافته است . دریك یادداشتی‌چنین‌گفته شده است . (مادری برای ربع ساعت کودك پنج

بقیه در صفحه ۳۷





پیانو ږغونکی اشمب (بیزو)

په انسا نی نړی کی دبیزوغوندی بل دا سی مخلوق نشته چی موږ ته دی‌دو مره زیات ور ته. او په کړو او وړوکی دی مو کټ مټ پیښنی وکړی. هغه وخت چی سړی دوا- لنتین ایوانوف او وانداد شوروی- اتحاد دسرکس هنر مندانو لــه خوادشمپا زیا تو دتر بیه شوی ډلی نندا ره له نژدی ښخه وو ینی، رښتیا

هم‌یو ځل بیا هغه پخوا نی او لر- غونی حقیقت ور ته دا په زړه کوی. نو هغه وخته چیّ ایوا نوف پــه ۱۹۶۰ کی دسرکس په ســاحه کی بیزو،لوبغاړوته‌تشکل ورکړ،دانترو- پاید اپز دنورو روزل شوو حیواناتو په ګډووډلو کی دا ځر ګندی شــوی لەهغه نه راورو سته ایوا نوف او شمپانو یی په سرا سر رو سیه کی سفر وکړ او په بلغا ریا، فنلیند ، آستر لیا او جا پان کی یی دمهمانی پەزړه پو ری ننداری ور ته تمثیل

کړی .

داسی ښکا ری چی ګوا کــی شمپانزی کټ مټ دسر کس دننداړو لەپاره پیدا شوی وی . هو مــره

ځیرك، ګړندی او فعا لیتو نو تــه چمتو وی . دحیوا نا تو متمرکزول یوسا ده او آسا نه کار نه دی، ځکه

له شاو ډوا ښخه یی یوخورا خفیف آواز هم ددوی تو جه ګډ و ډ وی او

دتربیه کوونکی امر ته غوږ نەږدی نا ری ور با ندی وهل او یا سر-

زنش ور کول کو مه ګټه ور ته نه لری. شمپ خوراژر خپه کیږی چی‌په دی ډول دکار کو لو ښخه مخ اړ وی او تښتی .

البته دا پیښنه تصا د فی نه ده‌چی یوازی نن دی تر کار لاندی نیــول شوی‌وی. او سر کس همیشه ددو ډولو حیوا ناتو سره چلند کوی . چی‌یو ډول یی دژوند کو لو سره په

اړخ کی کار هم کوی . خو بله ډله یی بیا دکار سره دومره علاقــه نه‌ښیی او یوازی دژوندی پا تــی کیدو دپاره لاس او پښی وهی . چی په‌پای کی تر بیه کوو نکی دحیواناتو ښخه خورا لږ هغه خپل حیوا نی‌خوی او‌بوی له منځه وړی دی خو پــه هر ځای او هر ننداړ تون کی چــی نو مو ړی حیو نات عمـلا کار کوی واقعا ډیر په زړه پوری وی سا ری په‌توګه :هغه وخت چی یو فیــل پرغت توب (ګیند باندی خپله موازنه سا تی ، یو اېر دلمر دوړا نګــی سره سم کتیږی او یا یو زمری ویوی لوړی نه یو ددو موا زی دسیا نــو باندی خیژی .

دایوا نوف شیمپو نه هم (خولی تریوی او سخت کار کوی) په یوه وحشی سر ګر می سره دجاز پــه بانډ کی مو سیقی آلات ږ غو ی.ډول وهو نکی یی خپل غیر بشری پاك احسا سات ښرګند وی. سکسوفون سلو یست دمو سیقی آ لاتو دږغو نو هم‌آهنګی ساتی.ډبل ،باس‌بیاتارونه

ږغوی. په داسی حال کی‌چی پیا نو- یست زړه وړو نکو نغمو ته لوړوالی

او ټیت وا لی ور کوی . ننداړ ه‌چیان ددی وینستان لرو نکو مو سیقی‌پو- هــانو هیجان را وړو نکی کنسـرت له کبله په لوړو خندا او چکچکــو

یوزوږ جوړ کړی وی . بیانو ښلـور بیزو ګانی ، ویتا ، شاپا او کپتـا او یکور کا دا کړو با تیټ‌ننداړ ری بیل کړی . واړه آسان ښغلوی، پسر خادو با ندی لاسو نه ټینګوی، پر- کړیو سر کنډی وهـی مو ترسا یکل، بایسکل او موتر ان چلوی ....



ښولی شا میپا نی دخپلو پر لـه پسی لو بو ته پا یښت ور کوی. خو په مها رت با ندی دهغوی دزده شوو لوبوڅخه څر گند یږی چی د هغوی دهری لو بی په زړه کړه باندی څومره کو ښښس ، زیار، او حوصله سر ته رسید لی دی . ځکه نا آرا می شمپانی باید دلو مړی خورا آسا نه اوورته شیان زده کړی . دا هـــم دو ی ته ډیره وی چی یـــوا زی د لس ، پنځلس دقیقو پو ری په‌چوکی

باندی آرا می کښینی دسر کســ درسایی څخه دباندی شمپانی دیـو وړو ما شو ما نو په څیر وی.بایـد ترښی‌څار نی لاندی ونیول شی یعنی په‌یوه داسی هوا کی وسا تل‌شی‌چی ډیروچ او تیز بد لون پکښی نه‌راځی. او معمولا د اته لس‌او شل‌سانتی گرادو در جو په شا وخوا کی وی. چی حتی په دو بی کی لاهم ، دشمپی له‌خوا په‌ځینو تودو شپ یا نـــو وړو ښل شی . وتا زه میوی ،سا بو توتو ته‌دکال په هر موسم کی اړ تیا لری. خپله اشتها دنورو ما شو مانو غوندی وخت ناو خته سو یی. له دی کبله تر بیه کوو نکی یی بایـــد ډول،ډول‌چلو نه‌زده‌کړی څو هغو ی‌په خوراك را وړی . خود شکل څخـه چی یی تیر شو په خوی کی کت مت وماشو ما نو ته ور ته دی.شاپاچی یی شپیته کیلو څخه زیات وزن‌نه‌لری

جکوا لی یی‌و ۱۳۰ سا نتی مترو ته رسیږی نو مو ړی (ماشو مان) دخپلو کپسو نو سیمان ماتوی ، خو واندا او والنتین اوا نوف ، له دی سره‌بیا هم‌ښه چال‌چلند کوی . اودیاد شوو شمپ ، هنرمندانو هره لوبه‌دننداره چیانو له خوا په خورا زیات‌تودوالی او چکچکو سره سر ته رسیږی.

اسمعیل صخره

دانګلستان دنولسمی پیړی نامتو لیکواله‌ښځه :

اتل لیلیان وینیچ او دهغی نامتو انقلابی رمان گدفلای (خرمگس)

اتل لیلیان واینچ دانګلستان دستر ښوه (جرج بول) په کورنی کی د ۱۸۸٤ کال‌دمی میاشتی په یوولسمه نیټه وزیږیده، د هغی پلار دریاضیاتو پروفیسور و او مور یـی د ټولنیزو موضوعاتو په شاوخـواکـی مقا لـی لیکلی. دهغی دمورآکا (جرجی ایورست) ډیر نامتو جغرافیا پوه وه او دنړی ډیره جگه قله دهمالیا دغرونو ۸۸۸۰ متریزه قلة دده نه خوا فتح او نوم یی پر هغی باندی ایښودل شوی دی .

(اتل) دکوچنیوالی څخه اړتیا او بی وزلـی سره آشنا شوه ، لا یونیم کلنه شوی و ، چی پلاریی مړشو . پس له دی نه چی پلاریی جهان څخه ستر گی‌پټی کړی ددی اونوروځلور خو یند و پا لنه او روزنـه د مـور پـه غاړه ولویده . موریی هم دغه لویه کورنی دریاضیاتودښوونکی په توگه په مشکل سره پاللہ . خو دراتلونکی ستره لیکواله ځلانده استعداد ډیرژر وځلید، هغی دفلسفی، ادبیاتو او موسیقی زده کولو باندی بوخته شوه.

دادغو ټولو علومو په منځ کی یی موسیقـی سره ډیره مینه ښودله اوخپل زیات وخت‌یی موسیقی په زده کړه تیروله په ادبیاتو کی لومړی دانگلیسی ستر شاعر (ویلیام بلیك) اشعارو سره مینه پیداکړه او وروسته بیاد انگلستان دستر لیکوال (ویلیام شکسپیر) او چارلز دیکنز) له آثارو سره آشنا شوه .

په کال ۱۸۸۲ کی ډیره لږ • ارثیه ورته رسیده او هغی ددغی ارثیی په اخستلو سره په بیره برلین ته لاړه او ددریو کلونو زده کړی څخه وروسته یی د پیانو ځانگـه کـی بری لیك تر لاسه کړ ، په همدغو کلونو کی وه چی دادبیاتو او ټولنیزو علومو سره مینه پیدا کړه ، او ددی په زړه‌کی دهغو انسانانو مبارزی چی دخلکو او خپلواکی په لاره کی یی کولی ستر شور او زوږ پیدا کـړ . او وروسته له دی نه دامریکـی دستر شاعر (والت ویتمن) شعرونه به یی تل ژبه باندی وه : والت ویتمن دآزادی تر عنوان لانـدی داسی وایی : (ای خپلواکی ! پریږده چی نورکسان تاته ایمان ونلری ! خوزه تر وروستی سلگی پوری په تاایمان لرم اوو‌به یی لرم ...)

اتل لیلیان وینیچ د ۱۸۸۷ کال په پسرلی کی روسیی ته سفر وکړ او هیواد ته د بیرته راستنیدو په وخت کی یی د (میخائیل‌وینیچ) سره چی دلهستان یوستر‌انقلابی و اوانگلستان ته تښتیدلی و، واده وکړ . په‌کال ۱۸۹۳ کی دکاشین، کوگول داستایوسکی، سچدرین، اوسپنسکی او نورو روسی لیکوالو دآثاروپه ژباړولو لاس پوری کړه .

په کال ۱۸۹۷ کی یی دگدفلای (لوی‌مچ) نامتو اثر ولیکه او خپور یی کړ دا داتـــل لیلیان‌لومړی زمان و. دگدفلالی دمتو اثرڅخه دری کاله وروسته دوهم رمان یی چی (جك‌ـ دیموند) نومیږی ولیکل شواو خپور شـو . اتل لیلیان پخپله دغه زمان کی هم دکلیسا دخادمانو قساوت او ریا کاری څرگندوی اوپه گوته کوی او دغـه دانسانانـو صـادق !؟ خدمت گاران رسوا کوی .

په کال ۱۹۰٤ کـی (الیو یالتام) نومـی اثر یی‌له چاپ څخه ووت . داد اتل لیلیان‌دریم نامتو کتاب دی . په کال ۱۹۱۰ کی یی د (شلیدلی مینی) تر عنوان لاندی رمان ولیکه او خپور یی کړ ، دغه رمان په‌جنوبی امریکه کی دگدفلای دژوندانه په باره کی دی ، به کال ۱۹۱۱ او وروسته کلونو کی داوکرائینی ستر شاعر(لرمانتوف) شعرونه‌یی په‌انگلیسی ژبه واړوله او خپاره یی کړه .

اتل لیلیان وینیچ دموسیقی څخه هم غافله پاتی نشوه او څو سمفونی گانی یی تصنیف کړی ده چی دهغی (بابیلون) نومی‌اوراتوریو ډیره په‌زړه پوری ده. دلهستان دسترموسیقی پوه شوپن (لیکونه)، دهغی دنورو کارونوڅخه شمیرل کیږی .

په کال ۱۹٤٤ کی چی اتل لیلیان وینیچ اتیاکلنه وه خپل بل رمان چی (بوټونه دی وباسه) نومیږی ولیکله او خپره یی کړه . پدغه اثرکی هم یو ځل بیا د (گـــدفلای) فعالیتونه او مبارزی ښیئی . د غــه رمـان دگدفلای دمورنی کورنی په شاوخوا بانـدی لیکل شویدی . او اوس راځو د (گدفلای) (لوی مچ) نامتو رمان باندی :

گد فلای چی ددغی انگلیسی لیکوالی ډیر پیاوړی اثردی دلومړی ځل لپاره په کـــال ۱۹۸۷ په انگلستان او امریکه‌کی خپـــو ر شو .

پس له هغه نه هرڅوك چی دکتاب سـره مینه لرله دارمان به یی لوستل، اوبیالوستل اوبیا ... ځنی کسان به ډیری شپی ددغه اثر دلوستلو څخه وروسته په زوره زوره ژړل او سهار له خوبه‌یو سترگو اوبه ډیرزړه ورتیا سره پداسی حال‌کی چی دخپل هیواد اوملت دآزادی په لاره کی هررازسرښندنی ته چمتو وو، په ورځنی ژوندانه به بوختیدی .

د (گدفلای) په رمان کی دنولسمی پیړی ددریم او څلور مولسیزو به په اوږدو کـــی د (ځوان ایطالیا) دسازمان ـوطن پالونکـــی فعالیتونه ښودل شوی دی .

پدغه وخت کی دایطالیا دولت دناپلئـون دپوځونو دړړی وړی کیدلو نه وروسته په‌اتو بیلوبیلو ایالتونو باندی ویشل شوی و اود اتریش دپوځ په لاس کی و. دروم د پاپ (دکاتولیکی کلیسارئیس) داتریشی یرغلگرو پلوی‌کوله . دایطالیاملت هم ددغو دووغلیمانو تر فشا ر لاندی ژوند کـــاوه او کـــړیدل . دایطالیی پرمختلونکی قوتونه او خلك ددغو اته گونو هیوادونو په یووالی او دیو واحـــد دولت دتاسیس ضرورت باندی ټینگار کـول اوداطریشی فرمانروا یانو پر ضد د مـــلی خپلواکی لپاره مبارزه روانه وه .

(ژوزف مازینی) دایطالیی نامتو انقلابی چی دخپل هیواد څخه شړل شوی وپه‌کال ۱۸۳۱ د (ځوان ایطالیا) دپټ سازمان بنسټ کیښود. (ځوان ایطالیا) چی هیڅکله دپولیسو دتعقیب څخه خوندی نه‌وه دایطالیی دملت په مبارزاتو کی یی ډیره ونډه دراوده اوپه پای کـــی همدغه جنگیالی سازمان بریالی شو چی‌هیواد یوموټی او متحد کړی . درمان پیل د ۱۸۳۳ کال پوری اړه لری . پدغه کال کی خلـك دایطالیی په بیلوبیلوسیمو کی په وسله‌والو قیامونولاس پوری‌کول او اطریشیان دکورنیو مرتجعینو په مرسته دغه قیامونه په کلکه‌سره ټکول . پدغو ټکـونو کـــی به غلیـم ډیـره بیرحمانه کارونه سرته رسول .

د (گدفلای) په نامتو اثر کی موږ د ټـــول ملت په قیامونو او وسله والو پاڅونونو پـــه شاوخوا کی ډیر مطالب نه مینده کوو . سره له دی چی دایطالیی دتاریخ دغه‌مرحله دسترو پاڅونونو اووسله والو مقاومتونو څخه ډکـــه وه .

دلیکوال ټوله ځیرتیا درمان داتل داتل‌والیو اودهغه د کرکتر دتصویرلو په شاوخوا کی څرخی . او لیکوال دیوفرد اتل والی تشریح کوی .

دکتاب داتل (گدفلای) ستره اتل والی‌هغه وخت ښه ښکاری چی دی دژاندارمو ســره مخامخ کیږی . دلته لیکوال په ډیر ښه شان دهغه فرد اتل والی چی یواځی پاته دی او د خپلو ملگرو دمرستی څخه محروم پاتی شوی دی، ښیئی . دغه اتل فرد نورهیڅوك او هیڅ شی نلری پرته له ایمان څخه کله چی یو مبارز دمبارزی په اوږدوکی دخپلو ملگــرو مرسته احساسوی دغه احساس دهغه د عمل اوزړه ورتیا باندی اغیزه اچوی اوهغه مبارزی ته هڅوی خوکله چی یو مبارز یوازی پاتی شی اویاپه‌جیل‌کی واچول‌شی دهغه دآزموینی ډیره ښه وسیله ده اوهلته ده چی ددغه مبارز زړه ورتیا او د ځـــان څخه تیریدنه ښــــه معلومیدلای شی، پدغه وخت‌کی دی چی مبارز بی له دی څخه چی پاداش وغواړی او دهغه زړه ورتیا اوسر ښندنی څوك ووینی پدغو اتل والیو لاس پوری کوی او له خپل ایمان څخه دفاع کوی .

اتل لیلیان وینیچ په ډیر مهـــارت سره دهمداسی یواتل مبارز ځیره ترسیموی اوپه عین حال کی‌دکلیسا ددرواغجنو خادمینـــو د ځیری څخه نقاب بیرته کوی . د (گدفلای) درمان لیکوال خپل دغه نامتو رمان دجرایدو او خبرونو پر بنسټ نه جوړوی بلکی دځلاندو او ژوندیو ځیرو په خلقـول لاس پـــوری کوی . رمان دسر نه تر پایه پوری انسان‌ته د عشق او ډیری ژوری مینی څخه ډکه ده . د مبارز (گدفلای) ځیره د نړی په ادبیاتـــو کی ترټولونه ځلانده‌مبارزه ځیره‌ده اوهمداسی هم یو ربښتینی ځیره ده اتل لیلیان وینیچ د یوی پوهی ښځی په‌توگه او همدا رنگه دیوی ستری لیکوالی په توگه ۹۶ کاله ژوند وکړه او په کال ۱۹٦۰ دژوندیی په ۲۸ نیټه دنړی څخه ستر گی پټی کړه .

د (گدفلای) رمان تر اوسه پوری د نړی په دیرشو ژوندی ژبواړول شوی دی او پـه هره ژبه کی څو څو ځلی بیا چاپ شوی اوبیا هم له بازار څخه ورك شوی دی . دا ځکه چی دغه ستر اثر ډیر مینه وال درلود او اوس هم لری اوبه راتلونکی کی به هم ولری .



ستوری

په کلتوري انقلاب کې دځوانانو ونډه

زموږ عصر چې د کار کري جنبشونو او انقلابي نهضتونو دوران او پانګوالو نظامونو څخه سوسیالیستي ټولنو ته دودې او تکامل زمانه ده او دغيري پانګوالي ودې له لارې دبې طبقاتو ټولنو دجوړښت محتوی لري نو دغه حالت دبل هر وخت څخه زيات دمنورو ځوانانو پراوږو باندې يولړ درانده مسئوليتونه او ټولنيز رسالتونه ايږدي چې موږ يې اوس يوازې دکلتوري انقلاب په برخه کې ددوی په رسالت او مسئوليت باندې رڼغيږو :

منور ځوانان دټولنې هغه روښانه قشر او ستر قوت دی چې دنورو طبقو او قشرونو په پرتله ډير ژر کولی شي چې کارګري ايډيالوژي زده کړي . لکه دشوروی اتحاد دعلومو داکاډمی رئيس چه په ۱۹۳٦ کال په دغه هکله ويلي دي :

«زموږ منورين دسوسياليستي انقلاب د ټولسو کلونو په اوږدو کې په بشپړه توګه نوی‌نړی ته‌راغله ... اوس موږ نوی خلاق او زحمتکش منورين لرو چې دبشپړه نوی لرو حياتو لرونکی او دنړی سره نوی اړيکی لري داهغه منورين دي چې دکارګري طبقې دايډيالوژۍ الرژی ځالته پيچکاري کوي» .

ځوانان له يوازې دټولنې دمادي نعمتونو توليدونکی قوت دی بلکې معنوی او فرهنګي پانګه هم ده له همدې امله دسوسياليستي فرهنګ دودې په برخه کې دځوانانو فرهنګي او هنري روزنه هم دخاص ارزښت وړ ده . چې دغه مسئله په ښوونځيو کورنيو دځوانانو په مخکښه سازمانونو دهنرمندانو په اتحاديو او نورو اجتماعي قوتونو پوری اړه لري سوسيا ليستي مضمون لرونکی هنر کولی شي چې په ځوانانوکې دسوسياليستي وطنپالنې روحيه پياوړی کړي او ځوانانو ته د ټولنې او ژوند په برخه کې دعلمي نړی ليدځلانده اصول ور زده کړي . شك نشته چې دسوسياليستي ټولنې ودانول پرته دکلتوري بدلون څخه امکان نه لري اولکه څنګه چې دزير بنا او روبنا دمتقابلو اغيزو او دروبنا دنسبي استقلال څخه پوهيږو په ټولنه کې داجتماعي ژوربدلون دمينځ ته‌راتګ سره سم دهغې ټولنې زړه روبنا په بشپړه توګه بدلون نه مومي بلکې دغه روبنا دخپل نسبي‌استقلال له مخې يولړهغه مسايل چې دنوی ټولنې سره سمون ولري پرخپل حال پريږدي اوهغه موضوعات چې دنوی مترقي ټولنې سره په تضاد او ټکر کې وی له مينځه وړی او دخلکو دنوی‌کلتورپه پروسه کې پرولتاريا دبورژوازۍ کلتور په بشپړه توګه نه ردوی . دغه راز سوسياليستي کلتور هم دهيڅ څخه منځ ته نه راځي بلکې دهغو ټولو شيانو چې‌استثماري ټولنو په شرايطو کې منځ ته راغلي وی رښتني ادامه لکه داکتوبر دستر انقلاب مؤسس چې په دغه هکله ويلي دي :

«موږ بايد هغه ټول کلتور چې کپيتاليزم راپری ايښې دی واخلو اوسو سياليزم ورڅخه ودان کړو. موږ بايد ټول ساينس تکنالوژي معرفت او هنر واخلو . بې له دغه څخه موږ په کمونيستي ټولنه کې ژوند نشوودانولای» .

دنړۍ دکارګرانو دغه ستر لارښود بەتل دهغه نظرياتو په ضد مبارزه کوله چې ويل به يې پرولتري کلتور بايد دنوی سره جوړ شي او دتير کلتور سره هيڅ ډول اړيکی ونه لري . ده ددې موضوع په ارتباط څرګنده کړې ده چې :

«پرولتري کلتور بايد دهغې ذ خيري منطقي تکامل وی چې بشريت دکپيتاليست ملاك او بيرو کراتيکی ټولنې ږغ لاندې ټول کړی دی » .

رښتيا هم دنن ورځې ځوانان بايد دې ټکې ته جدی پاملرنه راداړوی چې کلتوری‌انقلاب پدې مفهوم نه دی چې دسوسياليستي ټولنې دجوړښت په مقصد تير کلتور په بشپړه توګه ردشي او دله مينځه وړلو لپاره يې کار وشي بلکې حقيقت دادی چې دنوی مترقي ټولنې دجوړښت لپاره داسې کلتوري انقلاب لازم‌دی چې دتير کلتوري زيرمې څخه تر هغه و خته استفاده وشي چې دنوی سوسياليستي ټولنې دودې اوانکشاف په مخ کې يې خنډاو خنډ نه‌وی راوستلی تاريخ ثابته کړې ده چې حتی‌دطبقاتي ټولنو يو لړ کلتوري اړخونه دبې طبقو ټولنو داجتماعي، اقتصادي جوړښت سره نه يوازې تطابق کوی بلکې دهغه په نوره وده کې اغيزه ناکه رول لوبوی .

شك نشته چې په‌طبقاتي ټولنوکې دکلتوری انقلاب ضرورت ډير زيات احساس دی څکه چې په دغه راز ټولنو کې زحمتکښان دمعنوی او ذهني کارونو څخه محروم اوبې برخې وی او اکثريت زيار ايستونکی ددرندو جسمي کارونو سره سرو کارلري چې دغه کار په خپل ذات کې ددې سبب کيږي چې ددوی کلتوري برخه‌محدوده پاتې شي. دلته داخبره ديادولوړو ده چې کلتوري انقلاب هم يوفوري عمل نه دی بلکې دايوه تدريجي داوم لرونکې پروسه ده او دبشپړه عملي کيدو امکان يې هغه وخت موجود دی چې خلك هغه ته اړتيا پيدا کوی اويوازې فرمانونه او الفاظ نشي کړای‌چې په‌ټولنه کی‌کلتوري زور بدلون منځ ته‌راوړي لاکن ددغه اړتيا بنسټ هم بايد دخلکو پرمادی ضرورت باندې تکيه وی زموږ زيار يستونکی ځوانان بايد دادرك کړی چې په کلتوري انقلاب کې بايد دهر څخه لومړی دټولو کلتوري موسسو لکه تلويزيون راډيو سينما موزيمونه مطبوعات او نورو دملي کولو او زحمت کښانو په واك کې ورکولو لپاره هڅه وکړی څو ددغو وسايلو په مرسته دکلتوري انقلاب دبشپړ تطبيق لپاره اصولي کامونه واخلي .

په فلسفي ډکشنری کې کلتوري انقلاب داسې تعريف شوی دی : «کلتوري انقلاب دسوسياليستي انقلاب يوماهيوی عنصر د ی چې په يوه معقول لنډوخت کی دننه ډيو هنی او روزنی دټول سيستم دبيا ودانولو ضرورت ښيي او دخلکو دپرګنو لپاره دکلتور ترټولو عالي موفقيتونه مسير کوی له دې لاری داقتصادي ، اجتماعي او سياسي ژوندانه په تنظيمولو کی دخلکو دپرګنو مستقيم ګډون تامينوی سوسياليستي انتيلجينسيا راپيداکوی اويونوی سوسياليستي کلتور جوړوی)) .

که‌څه هم ددوهم انترناسيونال اپورتونيستانو به تل په دې خبره ټينګار کاوه چې کارګره طبقه بايد ترهغه وخته پوری دقدرت دترلاسه کولو لپاره هڅه ونه کړی چې کلتوري سطحه يې نه وی پيا وړې شوی اوپه کافي اندازه منورين ونه لری . لاکن داکتوبردستر انقلاب مؤسس دنوموړی نظريې او ادعا پوچ والی ثبوت کړ اوپه ډاګه يې اعلام کړه چې کارګره طبقه بايد دهرڅه نه لومړی سياسي قدرت ترلاسه کړی او بيا ددغه قدرت په مرسته دخلکو دکلتوري ودې په برخه کې نه ستړی کيدونکی مبارزې وکړی . لکه دشوروی اتحاد اونورو هيوادو کار ګرانو چې همداسې وکړه رښتيا هم که دوی دپورتنيو اپرچونستانو دنظر له مخې دنامعلو مې مودې لپاره دکارګرانو دفرهنګي سطحې دلوړيدو په انتظار پاتــه شوی وای نوبه کارګری انقلابونه کلونه کلونه شاته لويدلی وای څکه چې استثمارچيان او دطبقاتي ټولنې حاکمه طبقات هيڅ وخت نه غواړی چې دزحمتکښانو ذهنونه روښانه او کلتوري سطحه يې جګه شي داهم په دې خاطر چې دلوست ليك څخه دمحرو مو کسا نو استثمارول ډير اسانه کاردی .

له‌نيکه مرغه چې دنن ورځې‌انقلابي ځوانانو دعلمي نړی ليد داصولو له مخې دغه حقا يق درك کړی او دزحمتکښانو دقدرت دتر لاسه کولو سره سم دخلکو دمادی اړتياو د پوره کولو ترڅنګ دمعنوی فرهنګي ودې ته هم نه يوازې خاص ارزښت ورکوی بلکې عملا دخپلو ټولنو دعيني او ذهني شرايطو د په نظرکی نيوپه اساس يې دفرهنګي ژوربدلـون لپاره په نه ستړی کيدونکـــو مبارزو لاس پوری کړ دی .

جوانان وطن پرست :

از تاریخ باید آموخت

مبارزه میان خلق وباطل ، اهریمن هاوآهورا مزداها، ضحاك هاوکاوه ها وبالاخره سیاهی و سپیدی درطول تاریخ جریان داشته و تاریخ بشری مشحون ازین مبارزات‌ورنگین از یــن حماسه آفرینی هاست .

مردم قهرمان افغانستان بحیث جزء جامعه‌ی بشری واما بمثابه انسان های سلحشور وحق طلب درین حماسه آفرینی وسپیدی آفرینــی سهم بسزا وقابل ستایش ادا کرده‌است و می‌کند.

بر جو ا نـان ما ست تا تاریخ کشور خویش ومردم خویش را بدقت مطالعه نمایندو این مطالعه ی دقیــق وژرف تاریخ‌نه‌تنها آنها ا ز چـگـو نـگـی تـــا ر یـــخ وطن ومردم آگاه می‌سازد بلکه بحیث‌غنی‌ترین وآموزنده ترین منبع وعبرت وآموزش نیزاست.

جوانان بااین مطالعه‌ی خود به‌نیکی درك‌خواهند کردکه چگونه اسلاف شان ازسرزمین قهرمان یعنی وطن محبوب شان دفاع کــرده است، چگونه تجاوز گران رابرجایشان نشانده اندو هکــذا بااین مطالعه می‌توان به‌نیکی درك‌نمود که‌در گذشته مردم ماچگونه می‌زیستند چگونه علیه ظلم واستبداد واستعمار وبی عدالتــی می‌جنگیدند .

درزمانه های بسیار قدیم آوانیکه اسکندر مقدونی باتجاوز خودآرام مردم مارا بر هم‌زدو برحریم خاك مقدس ماتجاوز نمود بخــوبــی می‌بینیم که‌همه مردم ازتمام اقشار و طبــقات وازتمام ملیت هاونقاط کشور یکدست شد ند وبرعلیه متجاوز جنگیدند واین متجاوز که‌امیدو خیال تسخیر آسان کشور مارا حدس زده بود

بقیه‌در صفحه ۳٤

اقتصاد اصل مهم زندگی خانواده

اگریك روز همسرتان معاش را که باهزاررنج ومشکل ت وزحمت بدست می آورید خــــرچ مصارف بی جانماید چه خواهید کرد؟

آیا جاروجنجال رابرپا خواهید کرد، یاهیچ چیز نمی گوئید وهمینطور دست روی دست میگذارید وبه رویش می‌خندید؟

فکر میکنم وقتی که‌یك ماه زحمت‌میکشیدتـا پولی بغرض‌خرچ و خوراك خود وخانه‌تــــان بدست می آورید اگرآن راهمسرتان یاشخص دیگر که‌مسوو لیت پیشبرد امور منز لتان را بعهده دارد بیهوده مصرف نماید زیادهم‌برایتان خوش آیند نخواهد بود وشاید هم‌عصبانـی شویدو..

ویژهٔ است که اقتصاد خانواده را استحکـــام می‌بخشد وباعث پیشرفت‌آن میگردد.خانواده‌یکه ازاین امر استفاده می‌برند بدون شك زندگی ایده‌آلی خواهند داشت.

متاسفانه یك عده خانواد ه ها ازروی بـی توجهی ویا ازروی بی تفاوتی کمتر در مسایل اقتصاد خانواده فکر میکنند وهمین امر باعث میگردد که‌این خانواده ها بامشکلات مسا یـل اقتصادی دست وگریبان باشند وکمتر مو فق به زندگی‌خانواده گــــی گردند. اقتصادکــه رکن اساسی زندگی امروزی راتشکیل میدهـد بایك سلسله تدابیر میشود این پدیدهٔ مهـم زندگی وحیات خانوادگی را بصورت درست و



معقول آن پی‌ریزی کردوتطبیق‌نمود.

مهمترین اصل دراین زمینه حساب نمودن عاید ومصرف است. وقتیکه یك خانواده بین مصرف وعاید شان نوع توازن رابرقرارسازند بدون شك اقتصاد شان متضرر ومتزلزل‌نخواهد شد.

امروز اقتصاد دانان بزرگ به‌این عقیـــده هستند که‌هسته اقتصاد عمومی را اقتصادفردی وخانوادگـی میسازد حقیقت هـــم‌همین است. بنابر این ملحوظ توجه کردن به اموراقتصادی وظیفه‌هر فرد خانواده بوده وهریك از اعضای خانواده درراه پیشبرد این هدف وظیفه عمده‌و خطیری رابعهده دارد. زیاده روی در مصارف منزل‌هیچ نوع مزیت وبرتری رانشان نمیدهد، آنانیکه باخرچ کردن بی جاوبی مورد و بــه اصطلاح‌سیالی وشریکی نمودن ها اقتصـــاد خانوادهٔ خودرا متزلزل وضعیف میسازنـــد در حقیقت اقتصاد عمومـی را صد مــه مـی ز ننـد.

بنابراین برجوانان است تابافهم و درایتی که دارند نگذارند کدااقتصاد خانواده های‌شان که ارتباط مستقیم به اقتصاد عمومی داردصدمه ببینند واین مامول وقتی برآورده می‌شود که‌از مصارف بی‌جاجلوگیری بعمل آید وتوازنی‌معقول بین عاید ومصرف ایجاد گردد.

امابهتر است قبل ازاین که‌عصبانی شویدویا جاروجانجال رابرپا دارید موضوع مصارف و خرچ‌منزل راکنترول کنید. البته این امروقتی امکان پذیر وقابل تطبیق است که‌زن وشوهر ویاهرکس که‌مسوولیت پیشبرد امور منزل را بعهده دارد تا اندازه به اقتصادواردوآشنـــا باشد. ضرور نیست که هرزن وشوهر حتمـــا مقتصد باشندواین‌علـــم‌رادرفاکولته ویامدرسه فرا گرفته باشند . بلکه برعکس بهتر یـــن مدرسه دراین زمینه خود خانواده وخانه‌است. اگر زن وشوهر بتوانند خر چودخل خانواده را منظم سازند وبین این دو توازن و بیـــلانسی بوجود بیاورند بدون شك آن خانواده ، ازنظر اقتصادی به‌مشکلاتی روبرو نخواهند شدواین امر گفتگو هاوجاروجنجال های خانوادگی‌راکــه بیشتر آن ناشی ازعدم اقتصاد ناسالم بـروز میکند پدید نخواهد شد. وقتیکه بیـــن زن وشوهر دراین زمینه تفاهم وجود داشته باشد هریك بنوبه خود میتوانند وظایف محوله رابه بهترین شکل آن ایفانمایند.

یك نکته رابابد یاد آورشد که اقتصادیــك مملکت و یك ملت بستگی به اقتصادخانواده‌ها دارد. وهمین اقتصاد خانوده هاست که‌اقتصاد ملت‌ومملکت رامیسازد.

صرفه جویی در امورمنزل‌یکی از خصوصیات

سخنی چند باخوانندگان این صفحه

خوانندگان ارجمند وگرا می این صفحه بارها خواهش ما از شما این بوده که بامجله خود بامجله خانواده ها ومخصوص به صفحه مورد علاقه تان همکاری نمایید . یك عـده دوستان این خواهش مارا پذیرفته اند وبـا نبشته های با ارزش وزیبای شان منت بر ما گذاشته اند . ولی یکعده دیگر کمتر علاقه گرفته واگر هم دلچسپی نشان داده‌اند ومطالبی فرستاده اند که کمتر بدرد بخور مجله و مخصوص این صفحه بوده است .

توقع ما از خوانندگان این صفحه اینستکه باارسال مطالب متنوع دلچسپ وخواندنی بیشتر مارا در این راه یاری دهند .

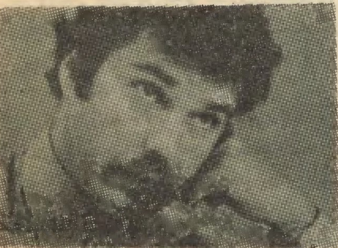
مطالب خواندنی وانقلابی، ترجمه‌های دلچسپ وجالب از جمله مطالبی است که بیشترجوانان مابه آن علاقه مندی نشان میدهند حالا کــه باختم همین شماره پادر آستانه سال نــو میگذاریم ونشرات تازه سال ۱۳۵۹ را آغاز میکنیم با مجله محبوب تان همکاری بیشتر وبر ثمر تر نمایید .

در ایـن جـای شکـی نیست‌که دراثر ظلم او استبداد امین وباند فاشیست‌وی یکعده‌زیاد از جوانان ماقلم برزمین گذاشتند اما امروز مخصوصا پس از تحول مرحله نوین تکا مل انقلاب ثور زمینه های پیشرفت و تبـــارز استعداد ها در همه ساحات زندگی فراهـم گردیده است بااستفاده از موقـع و آزادی های که داده شده‌است دوباره قلم بگیریـــد وآنچه راکه مردم واجتماع مابدان نیاز دارند بنویسید .

زیرا این آثار کتبی است که میتوانـد اذهان راروشن بسازد وازحقایق زندگی آگاهی لازم حاصل بدارند . پس در خواست ما و خواهش ما از شما جوانان بادرد اینستکه بافرستادن مطالب متنوع بیشتر با مجله‌تان همکاری نمایید تا از این راه بتوانیم مجله‌که بتواند ذوق خوانندگان ارجمند را ارضـــاء نماید تقدیم آنها بداریم بامیدهمکـاری های تان .

آیا تلفون برای رفع مشکلات است یاقصه گویی و پُرحرفی؟





عصری‌که ما زندگی میکنیم عصر تکنالوژی وماشین‌است وانسان این عصرتوانسته ماشین رادر خدمت خویش قرار بدهد واز آن استفاده برد . امابعضی هااین وسایل طوری استفاده می‌برند بجای اینکه سهو لت های را فراهـم سازد برعکس باعث آزار واذیت یکعـــده میشود . مثلا یکی از این وسایل تیلفو ن است . این وسیله ارتباطی که سالها مورد استفاده عام وخاص قرار گرفته و میگیرد و شکل معقول و مثبت آن اینستکه تا از این وسیله در مواقع عاجل، وزمانیکه دسترسی وتماس باطرف مقابل وقت وزمان زیادی را میگیرد به زودترین فرصت ارتباط قایم‌گردد ومشکلات انسان ها ازاین راه مرفوع گردد.

اما بدبختانه یکعده آگاه وناخود آ گــاه از این وسیله بشکل نا معقول آن استفاده می برند . که بیشتر باعث ناراحتی و مزاحمت دیگران میگردد .

طبق آمار واحصائیه های بدست آمـــده بیشترکسانیکه به تیلفون صحبت میکنند و



زیند پرحرفی می نمایند زنان اند . ولی این شکل عمومیت ندارد هستند مردانیکه تیلفون را گرفتند دیگر خدا میداند که چه وقت آنرا سرجایش میگذارند امـــا بصورت نسبی مـی گویند که زنها بیشتر پر حرف تراند تـــا مردان . وعلت این پر حرفی هم بخاطر یست که زنها نسبت به مردان کمتر مصروفیـــت دارند .

بقیه در صفحه ۳۷



فاطمه .د .نیرو

امین جاسوس با زنان شرافتمند و پیکارجوی کشورما خصومت میورزید

وقتیکه بیانات تفننی ، عوام فریبانه و به ظا هر انقلابی امین جلاد را از نظربگذرانیم ملاحظه خواهیم کردکه اودر هیچ بیانیه خودسخنی در بارهٔ زن ونقش آن در حیات اجتما عـی وبخصوص در باب کار وپیکار زنـان رزمجـو ووطن پـرست مـا در جر یـان پانزده سال مبا رزات طبقاتی حزب دموکرا تیك خلـــق افغانستان ، برزبان نیاورده است ۰ ایـــن امر خود موید آنست که امین عمیقا بازنـــان آگاه وپیکار جوی ما خصو مت ورزیدهوبااین هم اکتفا نکرد، او ودستیاران جنایتکـــار او هر روز زنان را جوقه جوقه به سوی زندان پل چرخی میکشا نید . زیرا امین از تشکل ونیرو ی رزمنده زنان آگاه کشور هرا س داشت تامبادا همانند مردان ودیـــگراقـشار زحمتکش جا معه ، روزی پرده از جنا یات او بر داشته و به زعم این جاسو س زنـــان نیز برای او وباند تروریستی او درد ســـر گردند .

بلی : امین هما نطوریکه باوطن ، خلق وانقلاب ما دشمنی عمیق داشت زنان را نیز نمیگذاشت که در راه اعتلای وطن و سـر فرازی خلق وتکامل انقلاب شان متحدا نـه برزمند ۰اما این ادعای خاص من نیست کـــه در مورد امین وامینیان خاین می کنم، بلکـــه اعمال ضد ملی وضد دموکرا تیك او ، بخصو ص اعما ل وحشیا نه او در برابرزنان نجیب کشور ما است که در آتیه قضاو ت تا ریخ وتوده های زحمتکش افغانستان عزیز برین ادعای من صحه میزند . امین ازتبعید وشکنجه ولت وکوب وزندانی سا ختن زنان هد فمند و چیز فهم جامعه ما هیچگو نه دریغ نکرده است . هرروز می دید یم که زنان را از خانه ومحل کار وحتی از روی سرکها جوقه جوقه سوی شکنجه گاه‌ها وزندان ها قرون وسطا ئی خود می فرستاد .

همو طنان شریف مابا وجود یکه هر یك خود در بساط سو گ نشسته وبیاد یکی از وابستگا ن خو یش اشك می ریزند، قضاوت کنند که در کدام دوره یی از جبارتریـــن امراء وسلاطین کشور ما چنین عمل وحشیانه صورت گرفته ا ست که کودکان و زنا ن با خشم وخشو نت باشکنجه وتهد یدبـــا تحو یق وتحقیر با توهین وناسزا ازکانون های گرم خانواده های آنان به صوب شکنجه گاه های حیات سوز وزندان های هستــی افگن کشانیده شده باشـــد ۰ کـــدام امیرو سلطان جابر وخونریز مانند سلطان امـــین جلاد ،تا این حدو حشیانه ،زنان شریف،پیکار جو ووطن پرست راکه تازه پادر عرصه کـــار زار زندگی سیاسی نهاده بودند تبعیدوزندانی سا خته اند باید به صراحت گفت : کـــه امین در شکنجه وتهدید وتوهین وتبعید و زندانی سا ختن زنان روی همه جلا دان و دشمنان صلح و آزادی را به اصطلاح شستشو کرده و سفید ساخت .

زنان شرا فتمند ماچه گناه داشتند که هر روز در چنگال خون آشام امین قرار میگرفتند؟ بجواب باید گفـــت : که گناه ایـــن زنان جز مبارزه در راه نجات کامل خلق ما ازانواع اسارت مادی ومعنوی جزوطن پرستی ، جـز وفا داری وعشق ورزیدن به وطن و مرد م بالا خره جز پیکار علیه نظام فیو دالیـــزم و بقا یا ی آن وعلیه استعمار وامپر یالیز م دیگر هیچ گنا هی ندا شتند . امین نیـــز از آن جهت بازنان شریف کشور خصومت می‌ورزید که فرزندان صد یق، پیکار جووطن پرست وانقلابی به جامعه خویش تقدیم کـــرده بودند واز دیرزمان به این طرف درفش کا رو پیکار انقلابی را برافراشته بودند . ایــــن بود گناه زنان مبارز ووطن پر ست کشورما که امین بنابر همین گناه شان آنها را از آغوش گرم خانواده‌ها واطفال شـــــــان دردخمه های زندان می فرستاد .

امین گر چه به ظا هر از خلق وانقلاب سخن می زد اما اوبه هیچ وجه به خلـــق وانقلاب ایمان نداشت او از سنگر انقلا ب واز تحت درفش اید یالوژی انقلاب علیه انقلاب وآرمانهای انقلاب ما خصمانه مبـــا رزه میکـــرد آیا میتوان او راحتی در لفظ هم انقلا بـــی خواند؟ نه هر گز !زیرا امـــــین هر کـــجاکـــه انقلابی را سراغ میکرد به زندان می‌انداخت وترور میکرد ۰ لکه ننگیـــــــــن تـــرور هزاران انقلابی وحتی کسی راکه خودهمواره بهترین آموز- گار انقلا بـــی می گفت به شـــکل فجیعانـــه به شهادت رسانید میتوانـــد ازدامن سبـــا وخون آلود امین پاك شود ؟ آیا خاطرات دوران کشت و خون بی‌سا بقه امین از یاد خلق زدوده خواهد شد هرگز:

بلی امین از جلادان دوران بردگی واز خونخوار قرون و سطـــی واز تـــروریستان دوران امپر یالیزم کاملا پیشی گرفته وپـــا فرا تر نهاده بود. او روی همه جلادان راسفید ساخت .شما برادران وخواهران قضاوت کنید، در عصر یکه هرکجادر فش استقلال ملی ، دموکرا سی، صلح وعدالت اجتما عی در اهتزاز است ودر هرگو شه جها ن زنـــان در راه حقوق وآزادی خویش می رزمند .

اما در افغانستان در دوران امیـــن جـــلاد اسیر وزندانی میگر دیدند . زنان از راه مبارزه ساقط میشد ند ۰ وبالاخره زنان دربرابر بدترین فحش و دشنام، تو هین وتحقیربا نـــد امین قرار میگر فتند ،نفر ین برامین وامینیان خاین .

امین غافل از آن بودکه نمیتوان خلق ، منجمله زنان رابرای همیش در بند اسارت نگهدا شت بخصو ص در دوران ماکه عصر رهایی خلق عنـــوان گـــر فته است ۰ امـــا امین چنان دروفاداری به فـــرمان واوامـــر- امپر یالیزم امریکا وسازمان خرابکار سی- آی -ای غرق شده بود کـــه از هرگونه اندیشه و تفکر در مورد انسا نهای بلا کشیده جامعه ما دست گر فته وفقط دلش بسته به دا لر وچشمش به امریکا وگو شش به فر ما ن کار تر بود .

امین درطول رژیم فاشیستی خود ملـــیون ها افراد واشخا ص زحمتکش جامعهٔ ما را از هستی ساقط کرد، از وطن تبعید و فرار نمود . ملیون ها خانواده را سرد وماتمزده سا خت اند یشه های انقلابی را درذها ن توده ها جلوهٔ منتفی داد ، مبارزه ووطن‌پرستی را قلب ماهیت دا د وسر انجام در نتیجه اعمال خاینا نه امین بود که هم اکنون دهل تبلیغا تی امپر یالیزم علیه افغانستا ن انقلابی و دوستان صلح پسند آن بیش از حدبصدا در آمده است .

ارزش های حیاتی شیرمادر در زندگی و صحت اطفال



شیر مادر یگـــانه مخلوط غـــذای عـــالی و مکمل است که دارای همه ای موادضروری زند گی و عوامل مقاومت دهنده بوده رایگان بد سترس مادران است ، پاك عاری از مکروب و مفید است لطفا به همه مادران دنیا بخصو ص در کشور های عقب نگهدا شتـــه شده ابلاغ فر مائید که هیچگاه طفلك زیـــبا ودو ست داشتنی از شیـــــر خود محـــروم نسا زند چه بزرگتر ین وظیفه مادر و شرط اصلی واسا سی مادر بودن هما نا شیـــر دادن اوست مادر یکه به طفل خود شیـــر خود را نمی دهد ممکن خا نم خوب ،عضو خوب اجتما ع وبانوی باسلیقه با شد امـــا بهیچو جه نمی توان آنرا مادر خو بی نامید

بقیه در صفحه ۵۸

ترجمه : ع، س

چرا زنها ریمل میزنند؟

بعضی ها مزاح کنان میگویند : آرا یشس از روز اول بد نیا آمدن انسان بوجود آمده است . اما اگر به واقعیت بر گرد یم دیده میشود که زنها از زمان های بسیارقد یم به آرا یشس تو جه خا صی را مبذ ول میداشتند وتا ریخچه آن بسیارطولانی میبا شد .

درحال حاضر لوا زم آرا یشی کشف شده است که به زمان بسیار قد یم تعلق داردبا این میله کو چك زنها برای آرا یشس لبهای شان استفاده میکرد ندهمچنین مردم در مصر قد یم ویو نان از آرا یشس بدور نمیر فتند وازوسایل دست داشته اسفا دهمیکرد ند. این نکته نیز اتفا قی نیست که درمجسمه های که سا بقه چند ین هزار سا له دارند الفاظ (اگر مقبول هستی خو شس باشس) حك شده است .

در حال حا ضر روان شنا سان بد ین معتقد ند زنها بعداز ینکه از خواب بر خا ستند در مقا بل آیینه می ایستند وبه آرا یشس سروصورت شان آغاز میکنند . این عمل برای زنها یکنوع تمر ین است که اعصاب



آنها را نور مال میسا زد .

همینکه زن به صو رتشس درآیینه نگاه کرد ومتو جه شد که هنوز جذا بیت را از دست ندا ده یکنوع احسا سس روا نی نموده که این حادثه در کار های روز مره اشس کمك فراوانی مینماید .

یکتعداد زنها حتی اعتراف می کنند که تا و قتی ریمل نز نند نمی توا نند به کارروز مره آغاز نما یند. بطور مثال متو جه شده با شید همینکه زنی عصبی شد بکس دستی اشس را باز کرده وازپود ر وغیره مواد در دست داشته استفا ده مینما ید. بعد از ینکه به سوی آیینه نگاه کرد در فکر شس سوال خطور میکند : «چطور است!» وبا خود جواب میگو ید(همه در جا یشس قرار دارد) .

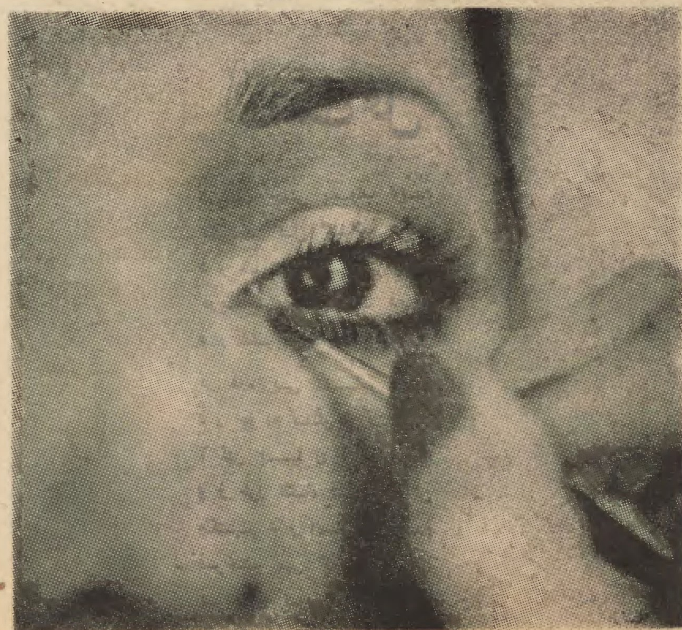
ـ فقط این مرد ها ست که به این اسرار پی نمیبر ند وگا هی سوال میکنند «چرا زنها آرا یشس میکنند؟»

امروز در جهان آرایش بسیا ر مروج است . این هم اتفا قی نیست زما نی که مسا بقات در ین قسمت بر گزار میشود صالون از علاقمندان مملو میبا شد . این مسا بقات علاوه از داشتن جنبه کلام نشان دهنده هنر فن مذکور میبا شد.

بطور مثال زما نی که مسا بقه جریان دارد تما شا چی فکر میکندکه شخص مورد نظر شس حتما نمره عالی را تصا حب خوا هد کرد اما برعکس حکم مسا بقه آنرا نا چیز ار زیا بی میکند .

در یکی ازاین نوع نما یشات که در مسکو صو رت گر فت حکم قضاوت دقیق وعا دلانه خود را به تماشاچیان به اثبات رسا نید . قسمیکه تما شا چیان بعدا متو جه شدندواقعا در بعضی قسمت ها نقا یص آشکار وجود داشت . طور مثال آرا یشس بطر یقی صو رت گر فته بود فکر میشد که یك چشم نظر به چشم دومی بز رگتر به نظر میر سد .

این مسا بقات بسیار جدی ومشکل اند. حکم مجبور است تا تمام نقایص راآشکار سا خته وطو ری که خود شان مزاح کنان میگویند : مژه ها باید محاسبه شوند .این نوع مسابقات توجه یکتعداد زیاد مردم را جلب می نماید وهمگان به ذوق وعلاقه در آن اشتراك می ورزند .



مقام زن

۱ـ زدن زن با شا خه گلی هم سزا وار نیست .

مانو

۲ـ وظیفه یك زن درست نمودن اخلاق وتهذ یب شو هرشس می باشد.

نا پلیون

۳ـ زن نیمی از پیکر اجتماع است ...

«...»

٤ـ عشق مر ض است ولی زن پرستار این مر ض .

«...»

۵ـ تمام افکار وتعلیمات یك مردبه محبت وصدا قت زن نمی ارزد.

ولتر

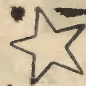
فر ستنده : عبدالملك شرف



شعر زیرین ، بنام «وصیت خزانی» رابزرگترین شاعر عصرمـا پابلونرودا سروده ولوئی آرا گو ن شاعر ونویسند ۀبزرگ‌معا صر فرانسوی ، دو ستش ، پس ازمرگ غم انگیز نرودا، چند ماه بعد از فا جعـه‌کودتای چلی ، درباره آن «سو گنا مه‌نرودا» را تحت عنوان «محبت شعر» ساخته "ست‌کـه هـر دو از شهـرت فـرا وانـی بر خور دارند . زنـدگـی نرودا ، زنـدگـی‌شا عری در دوران درد ونبرد بود. به گفته خود او :

بعد پهناوری نیست جز رنج ، جهانی نیست‌جز خون
هر اندازه هم که دورتر بروی ، چیـزی‌تغییر نمی کند .

ترجمه ومقدمه از احسان طبری



وصیت خزانی

بین مردن ونمردن
من بر گزیده ام سازرا
ودر این چرخهٔ پرکار
دلم را درنگی نیست
زیرا ، آنجا که کمتر چشم براه منند
من با گروه خو یش فرا میر سم
برای درو نخستین شراب
در کلاههای سبدین پالیز

بدرون میروم ، حتی اگر در رابه بندند
ولی اگر نپذیر ندم ، دور میشوم
من از آن دریا پیما یان نیستم
که در بیابان یخین گم می شوند

مانند باد، ساز گارم
با زود ترین برگها
بافصل های منسو خ
چشمان تند یس ها

واگر هم‌گوشه ای بیارمم
در درون گر دوی آتش است
در آنچه متشنج و منفجر است
وسپس بی سرنوشت سفر می کنم

در در ازنای این سطور
تو بایدکه نام خویش را بیا بی
تاسف اندکی دارم

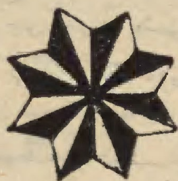
مطلب دیگری در میان نبود
اگر نه از بسیاری چیز ها
از آنجا که «هستی» واز آنجا که «نیستی»
واین برای همه روی میدهد
احدی نیست که‌از همه چیز سردر آورد
وزما نیکه اعداد را جمع می بند ند
همه ما دولتمندان دروغین بودیم
واینك مستمندان نوین هستیم

اموال زمینی خویش را بخشوده ام
به میهن خود و مردم خویش
اکنون مطالب دیگری در میا ن است
چنان تیره وچنان روشن
که با اینهمه یکی هستند

آنسان که کار انگور هاست
و دو فرزند توانا یش
شراب سفید و شراب سرخ
هر روشنی تیره است
وهمه چیز خاك وآجر نیست

در مرده ریگ من سایه هاورو یاهاست
به کینه واگذاشته ام

نعل های خود را
جا مه کشتیبا نی خود را
کفش ها ی سفر خود را
قلب درود گری خود را
آنچه که میتوانستم بکنم
وآنچه بمن یاری رساند که رنج بـبـرم
وآنچه که سر سخت وتاب‌داشته ام
حل ناشدنی وهجرت ناپذیر
تادر جهان بیا موزند
که آنچه می نوشتند آب روان ،
میتوا ند ببرد و سیر و سفر کند
میتوا ند برود وباز گردد
میتوا ند رنج ببرد ودوست بدارد
میتوا ند با شد ویا دوام یا بد
میتوا ند فرو شکندیا بمیرد
میتواند بسیط وتا ریك باشد
میتواند بدون گوشی باشد
میتوا ند شور بختی را تحمل کند .
میتوا ند چشم براه یاری باشد
گرچه گروهی از قلتبانان
زندگی ما را نپسند ند .
سر انجام ، مامی توانیم وجودداشته باشیم
ای چه بسیار بارکه زاده شدم
تا همچون آفر یده ای در پی
آزمونی نمکسود گرد آورم
بسوی رجعت های لاهو تی
بسوی منازل ناسوتی
وبد ینسان منتقل میشوم بی آنکه‌بما نم
بکدام جهان باز میگردم
واگر به زیستن ادامه مید هم
در حالیکه امور حل میشو ند
من گوا هی خود را اینجا با قی گذاشتم
سر گشتگی سر گردان خویش را
تا بابسیار خواندن
کس نتواند چیز دیگر بیا موزد
مگر جنبش جا ودانه را
از کسی که روشن است و گمراه
وبا را نی است و شا دان
وکوشا ست وخزان زده
واکنون در پس این برگ
میروم ونا پدید میشوم
جهشی در شفا فیت
مانند شنا وری آسمانی
وسپس باردیگر به بزرگ شدن می‌آغازم
تا آنکه روزی چنان کوچك شوم
که‌باد مرا بروبد
ودیگر آنکس نخوا هم بود که نام‌دارم
وآنکس نیستم که هر با مداد بیدارمیشوم
وآن زمان نغمه را در خمو شی میخوانم



دشت گل

د یشب چمنی بخـواب دیـدم
یکدشت گـل گـلاب دیـدم
د ر سا غـر چشم نیم مستش
دریـا دریـا شـراب دیـدم
د ر قطـر ه محیـط بیکـرانی
در ذره یـی آفتـاب دیـدم
د ر جا مه نیلگو ن لنش ر ا
آ تش بمـیا ن آ ب دیـدم
و ز طرز نگـاه فتنه با ر ش
یکشهـر د ر اضطـراب دیـدم
فـرخنده مهی که شامگـاهان
بـر روی تـو مـاهتاب دیـدم
(حیدری پنجشیری)

از گلستان برچیده ایم



شلغم پخته

هرگز از دور زمان نناليده بودم وروى ازگردش آسمان درهم نكشيده مگر وقتى كه پايم برهنه مانده بود واستطاعت پاى پوشى نداشتم ، بجامع كوفه درآمدم دلتنگ، يكى را ديدم كه پاى نداشت ، سپاس نعمت حق‌بجاى آوردم وبر بى كفشى صبر كردم .

مرغ بريان بچشم مـــردم سير
كمتر از برگ تره بر خوانست
و آنكه را دستگاه و قوت نيست
شلغم پخته ، مرغ بر يا نست

چشم دنیادار

بازرگانى را شنيدم كه صدوپنجاه شتر ،بارداشت وچهل بندهٔ خدمتگـار . شبى د ر جزيرهٔ كيش مرا به حجرهٔ خويش درآورد .همه شب نيارميد از سخنهاى پريشان گفتن، كه فلان انبارم به تركستان وفلان بضاعت‌بهندوستانست و ايـن قبالـهٔ فـلان زمينست وفلان چيزرا فلان، ضمين ، گـاه گفـتى :خاطر اسكندريه دارم كه هوايى خوشست . باز گفتى : نه،كه درياى مغرب مشوشست .سعديا ، سفرى ديگرم در پيشست ، اگر آن كرده شود بقيمت عمر خويش بگوشه بنشينم. گفتم : آن كدام سفراست ؟ گفت : گوگرد پارسى خواهم بردن به چين كه شنيدم قيمتى‌عظيم دارد واز آنجا كاسهٔ چينى بروم آرم وديباى رومى بهند وفولاد هندى بحلـب وآبگينهٔ حلبى بيمن وبرديمانى بپارس وزان پس ترك تجارت كنم وبـدكـانى بنشينم .انصاف، ازاين ماخوليا چندان فرو گفت كه بيش طاقت گفتنش نماند . گفت : اى‌سعدى،توهم سخنى بگوى از آنها كه ديده اى و شنيده . گفتم :

آن شنيدستى كه در اقصاى غور
بـــار سالارى بيفتاد ز ستـــور
گفت : چشم تنگ دنيـا دار را
يا قناعت پر كند يا خـاك گـور

گربهٔ بوهریره

مالدارى را شنيدم كه ببخل چنان معروف‌بود كه حاتم طايى در كرم . ظاهر حالشـــ بنعمت دنيا آراسته وخست نفس جبلى دروى‌همچنان‌متمكن، تابجايى كه‌نانى بجائى ازدست ندادى وگربهٔ بوهريره را بلقمه‌يى ننواختى‌وسگ اصحاب الكهف را استخوانى نينداختى. فى‌الجمله ، خانهٔ او را كس نديدى درگشاده‌وسفرهٔ اورا سر گشاده .

درويش بجز بوى طعامش نشنيـــدى
مرغ‌ازپس نان خوردن‌او ، ريزه‌نچيدى

شنيدم كه بدرياى مغرب اندر ، راه مصربر گرفته بود وخيال فرعونى در سر ، حتى اذا ادركه‌الغرق ، بادى مخالف كشتى برآمد.

با طبع ملولت چكند ، هركه نسازد
شرطه همه‌وقتى نبود لايق كشتى

دست دعا برآورد وفرياد بى فايده خواندن‌گرفت ،واذار كبوافى‌الفلك دعوالله مخلصين له الذين .

دست‌تضرع چسود بندهٔ محتاج را
وقت‌دعا برخداى ، وقت‌كرم‌دربغل؟
از زرو سيم ، را حتى بر ســـان
خو يشتن هـــم تمتعى بـــر گير
وآنگه اين‌خانه كزتو خواهد ماند
خشتى ازسيم وخشتى از زر گير

آورده اند كه در مصر اقارب درويشـــ‌داشت ، ببقيت مال او توانگر شدند وجامهاى كهن بمرگ او بدريدند وخزود مياطى‌بريدند.هم در آن هفته يكى را ديدم از ايشان برباد پايى روان ، غلامى در پى دوان .

وه كـــه گر مرده باز گرديدى
بميان قبيلـــه و پيـــو نـد
رد ميراث سخت تـــر بـــودى
وار ثـان را ز مرگ خويشا وند

بسابقهٔ معرفتى كه ميان ما بود ، آستينش‌گرفتم و گفتم :
بخور ، اى نيك سيرت سره مرد
كان نگون‌بخت‌گرد كرد ونخورد
سعدى



شعر د: زرغون سحر

دافغان بچی

اى بچيه دافغانه ! قهرمان دمعر كونى
چه بچى نى ددى خا ورى، كلك مين په دنگو غرولى

اى بچيه دافغانه! ته دخپل‌بابا بچى نى
ته ترتيرو هم لاكـسلك نى،چه لوى شوى په ميرو نى
ته عقاب نى ته شا هين نى،داوطن دى زالكى دى
په پرواز شه اى عقابه ، چه‌بچى دجگو غرو نى
ته سيلاب نى يو تو فا ن‌نى،ځكه له قهره اوله زوره
كلك منگول لرى زړه وريى‌ته بچى دشنوزمرو نى
سمندر دغير توني تا څوك‌نشى‌گر څولى
تامات كړى قفسونه، سترهرگى دزنځيرو نى
ته لوى شوى نى آزاده ،اسارت نشى منلى
ته قفس نشى منلى ، چه‌بچى‌دسر ښرونى
ته بچى دخپل وطن نى، كانى،بو تى نى واره ستا دى
ته دخپلو شتو واكدار نى،ته‌خا وند دسپينو سروني

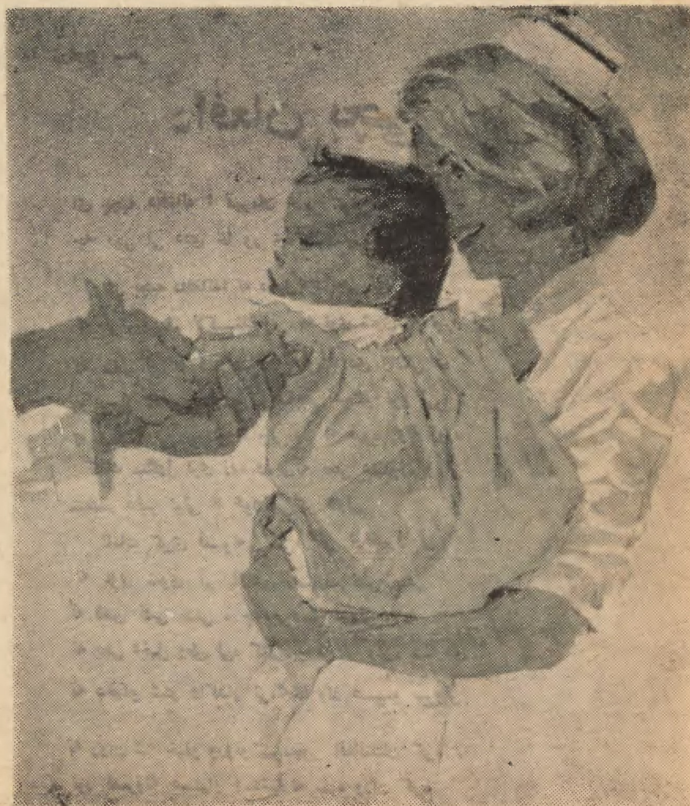
ته روان شه خپلو ورونو سره‌جوړ افغانستان كړه .
تور قصرونه دستمگرو استثمارله سره وران كړه



از منابع ساز ما ن صحی جها ن

ترجمهٔ : دوکتور عبدالسبحا ن هاتفی

مراقبت بهتر طفل



مراقبت های صحی وا کسینا سیون های به مو قع طفل را از بسیاری امرا ض وقایه میکند .

در جهان متر قی امروز تسهیلات وقایو ی درمقابل امرا ض برا ی اطفا ل فرا هم گردید ه زیرا آنها می دانند که یگا نه کلید محو امرا ض وقایه آنست در پهلو ی آن دردنیای رو به انکشا ف عصر حا ضر سالا نه در حدو د پنج ملیو ن اطفال توسط امرا ض انتا نی که و قایه از آنها میسر می باشد از بین میرو ند در حالیکه میلیو ن هاافراد دیگر توسط امرا ض از قبیل ملاریا امرا ض معد ه معا یی که میتو ا ن امکانا ت و قایه آنها را از طریق غیر از معا فیت (واکسینا سیو ن) میسر گردانید جا ن خو یشس ر ا از دست مید هند حتی انقلا ب تکنالو ژ جی عصر حا ضر که ساحه مخابرا ت ووسایل تفا هم با ظهو ر دور ه استفاد ه از تلویز یو ن یکجا با تسهیلات رادیو یی و مستندفلمی وحکا یا ت متصور مجلات نتوانسته است این واقعیت مسلم را به سمع همکان . درحالی می رسا نـد در صور تیکه صحت اطفال از طر یقه های مختلف مخصو صا وا کسین وقایه می گردد . ملیو ن ها اطفا ل که همه سا له جانشا نرا بشکل درد نا کی از دست مید هند حفظ شده میتوانست .

تقریبا در حدو د هشتاد ملیون اطفال در نقا ط فقیر تر جهان همه ساله چشم بدینا می گشایند که حتی ده فیصد ازین اطفا ل‌ازخدمات يك نفر کار مند صحی به منظو ر حصول مصوو نیت در مقا بل یکی ازین امرا ض مهلك دور ه طفو لیت بر خور دار شده نمیتوا نند درحالی که بر عکس نود فیصد اطفا ل دنیا ی متر قی در مقابل امرا ض مانند دفتری ، سیا ه سر فه ، تیتا نوس فلج و سر خکا ن و قایه می گردند .

با تعجب باید یاد آور گر دید که موفقیت پرو گرا مهای و قا یو ی‌در ممالك متر قی جها ن در ظـر ف بیست سا ل اخیر بعضا هرا س یا ترس و قا یه اطفا ل را در مقابل امرا ض آنقد ر از میا ن بردا شته است که حتی اسما و علا یم شا ن اغلبا از خاطر ه ها فرا موش گردید ه و یا با امرا ض دیگر ی‌در محل مورد اشتبا ه قرار گر فته است .

مشکل واقعی را میتوا ن در جای دیگر سرا غ نمود باین معنی که ارقا م درد نا ك نود و هفت فیصد کلید و فیا ت اطفا ل دارا ی سنین کمتر از پنجسا لگی را در ممالکت رو به انکشا ف وانمود میسازد در



کمبود مواد غذایی وبعضی از امراض کوك رابه چنین حا لتی سرد چار میسا زد .

اسباب سؤ تغذی اطفال و تدابیر جلوگیری از آن

خوانندگان گرامی وخا نواده های محترم چنانکه میدانند غذا و چگونگی صرف آن در نمو و پرورش اطفال و همچنان در تامین صحت انسان تاثیر بسزا دارد برای اینکه اهمیت این موضوع راخوبتر روشن وتوضیح نموده باشیم مصاحبه یی را باپوهنمل دوکتورسید حسام مل رئیس شفاخانه حمایه طفل ومادر انجام داده ایم که ذیلا تقدیم میشود :

سوال-آیا سو تغذی اطفال یك پرابلم عمدهٔ صحی مملکت عزیز ما محسوب میشود و یا خیر ؟

جواب: سوء تغذی نه تنها پرابلم عمده صحی اطفال مملکت عزیز ما محسوب میشود ،بلکه پرابلم مهم اکثر ممالك جهان روبه انکشاف می با شد ، یعنی بیشتر در آسیا - افریقا و امریکا ی لاتین مشکل فوق العاده عمده بشمار میرود . و همه ساله اطفا ل مصا ب به سوء تغذی یافقرمواد غذایی به شفاخانه ها مرا جعه می نما یند .

نا گفته نما ند که اکثریت اطفا ل که به امراض متعدد وگوناگون به شفاخانه ها و یا مراکز صحی چه در مملکت عزیز ما و یا در کشور ها ی روبه انکشا ف مراجعه می نما یند، ضمنا مصا ب درجا ت مختلفه سوء تغذی نیز می باشند • و طوری که تخمین گردیده است. ٤٠ فیصد واقعات مرگ ومیر اطفال با آنکه شاید ظاهرا سبب عمده مریضی شان توضیح نگردیده باشد مربوط سوء تغذی می باشد • باید علاوه کرد که اطفال مصا ب به سو تغذی برعلاوه که پرابلم صحی یك کشور روبه انکشاف محسو ب میگر دد ، پرا بلم های اجتما عی، اقتصادی وسیا سی را نیز بوجود می آورد که اگر با لای هر کدام آن بحث و مشاجره صورت گیرد سا عت ها را در بر خواهد گر فت . آنچه را که با ید یاد آور شد اینست ،که اولا شاید اطفال مصا ب به سو تغذی اگر در جا ت پیشر فته آن قرار داشته باشند بمیرند ویا اگر دراثر کمك ها ی به موقع مراکز صحی وتعلیمات صحی شفایاب گردند بازهم مانندیك طفل سالم نشوو نما کرده نتوانسته ،بطائت وتوقف ، گاه در نشو ونمای او بوجود می آید ویا اینکه وجود این طفل برای تها جم مکرو ب ها فوق العاده مساعد می باشد که اگر این موضوع رابصورت مفصل تحت مطالعه خویش قرار دهیم وقت زیادما را در بر خواهد گرفت ، بنا لازم نمیدا نیم که موضوع متذکره فوق رابصورت مفصل مورد ارزیابی ومشاجره قراربدهیم بهتر است این موضوع را کار کنان مراکز صحی ودوکتوران جوان اطفال بصورت مفصل بخاطر داشته باشند وبرای حل قطعی این پرابلم عمدهٔ صحی مملکت عزیز خود راه ها ی در ست واقتصادی آنرا جستجو نمایند • وآرزوی جمهوری دموکراتیك افغانستان نیز در برآورده شدن حل این پرابلم میبا شد •

سوال-گفته می توانید که سوء تغذی بیشتر در کدا م سنین اطفال دیده میشود؟

جواب:بیشتر در سنین کمتر از (٥)سالگی واقعات آن تصادف میکند • که ٣٤،٥ فیصد در سینن ٢سالگی و٩ر١٧فیصد درسینن ٣ سا لگی تثبیت گر دیده است لاکن نا گفته نباید گذاشت که سن مساعد درجوامع مختلفه نظر به تغذی اطفال متفاوت می با شد . مثلا در بعضی از فا میل ها ما درا ن طفل شا ن را زود تر از شیر جدا میساز ند ، و یا اینکه اگر جدا نمی سازند غذ ا ها ی متممه ضر و ر ی را برای طفل شان نمید هند و با داد نشیر اکتفا می ورزند ، ویا اگر غذاها ی متممه را به طفل شان میدهند وقت دادن غذا را نمیدا نند ،این فکتور ها ویك عده فکتور های دیگر جمعا با عث میشود که طفل شان مصا ب سو تغذی گر دد . برای انکه چنین اطفال مصاب سو تغذ ی نشو ند بهتر است به مادران تعلیما ت صحی داده شود تا در مورد شیر مادر و غذاها ی متممه و منا بع پروتینی اطلاعات لازم داشته باشند به یاد آوری است که شیر مادر غذایی مکمل ودارای مواد غذایی بهتری است ولی صرف برای سه ویاچهار ماه طفل را اقناع میتوا ند به همین منظور که بعد از سن چهار ماهگی برعلاوه شیر مادر غذاهای متممه دیگر نیز به طفل داده شود• اگر ما در مورد فواید شیر مادر وغذا ها ی متممه دیگر وشروع بموقع این غذاها صحبت نماییم سا عت ها را در برخواهد گر فت و مارا از مو ضو ع مشخص فعلی ما به طرف دیگر خواهد برد، لا زم میدانم که این موضوع رابه قسم یك پروگرام جدا گانه دروقت دیگرمورد بحث ومشاجره قرار داد• تا ما درا ن بصورت مشخص تنو یر گر دیده ومراقبت سلامت طفل شان باشند•

سوال :لطفا اگر درمورد اینکه چطور یك طفل مصاب به سوء تغذی میشود تشریحات بدهید ، بهتر میشود

جواب: باید گفت که سوء تغذی دو علت مشخص نداشته بلکه نتیجه عوامل مختلفه می با شد که عبارت اند از :

١-کمبود مواد غذائی ویا عدم دسترسی به آن .

٢-تشوش در جذب وامتصاص موادغذائی در طفل

٣-ضرورت نسبتا بیشتر اطفال به مواد غذائی چون در حالت نشوونمای سر یع می با شند .

لاکن باید گفت که ازجمله عوامل فو ق تنها فکتور اول به سو یه مملکتی مهم بوده وپرابلم صحی اطفال جهان سوم را تشکیل داده که در خور توجه باید قرار گیرد• ز یرا کمبود مواد غذائی ویاعدم دسترسی به آن باحقایق آن استوار می باشد .

اول: شرا یط اقتصادی : مثلا :

١-فقر:

٢-قحطی:

٣-صعود قیم موادغذا ئی مخصوصا پروتین حیوا نی (گوشت) .

٤- مادرانیکه برای تامین اقتصادخانواده اجبارا به انجام کارهای شاقه دوامدار خارج ازخانه مصروف اند مثلا در (فابریکه - مزرعه-اعمار منازل وغیره)•

٥- تعداد اطفال واعضای فامیل•

دوم :شرایط اجتما عی :- مثلا

١-عنعنات مختلفه مضر در خانواده ها، و محدودیت در دادن بعضی غذا ها مثلا بعضی از فا میل ها به اطفال شان تخم نمید هند وچنین وانمود می سا زند که اگر تخم به طفل داده شود ، طفلش زود حرف نمیزندیا بعضی از فا میل های اند که اصلا ازنظر مذهبی گوشت نمی خورند وغیره•

٢- شرایط جداکردن از شیر مادر:بعضی از مادران وقتی که طفل شا نرا از شیر جدا کردند او را یا غذائی درست نمیدهند ویااگر میدهند یکنواخت بوده و یا اینکه او را قبلا به خوردن غذا عادت نداده اندویا اینکه او را بخانه والده کلان ، خا له،ویا عمه اش اعزام میدارند ، تا ازنظر مادر دور باشد وبه این ترتیب او دیگر آ رزوی شیر مادر را نکند • در حالیکه همه این فکتور ها بذات خود هر کدام آن در جدائی طفل ازشیر مادر جدی تلقی شود • وبه مادران تعلیما ت و تلقیا ت صحی داده شود تا در هنگا م جدا ئی طفل شان در شیر اورا به خانه اقارب اعزام ندارند . زیراوقتی چشم او از مادر دور گردد دریك فضایی قرارمیگیرد که محروم از عواطف مادری گردیده اشتهای اوسقوط کرده ودر نتیجه یك سلسله فکتور های دیگر نیز بسان علاوه شده طفل را مصاب سوء تغذی میسازد .

٤ نوعیت غذا :: اکثریت مادران دادن شیر قطعی را نظر به شیر خو یش تر جیح میدهند وآنراحتی علامه پرستیژ وحیثیت میدا نند، لاکن شرا یط تهیه شیر ، توان خر ید ،و مقدا ریکه باید به طفل داده شود ، درچنین جوا مع مشکل بوده و هم چنا ن شرا یط حفظ الصحه و نگهداشت آن اسیر نیست خلاصه یك آب سفید رنگ است که به طفلش میدهد • وتدریجا تراژیدی سوء تغذی را بار می‌آورد .

٥- عدم آگاهی والدین از ارزش های مواد معدنی مثلا آهن واملاح وغیره •

٦- ولادت های شیر به شیر : که صحت مادروطفل را متضرر میسازد•

سوال- لطفا اگر در مورد اینکه سو تغذی در اطفال چه نوع اعراض وعلایم را با ر می آورد معلو ما ت بد هید ؟

جواب: اعراض سوء تغذی نظر به شدت وپیشرفت حادثه متفاوت بوده و اشکال مختلفه را از کمبود خالص کالوری کمبود کا لوری و پرو تین که دو حاد ثه مشخص وجدا گا نه است بو جود می آورد واز هم تفاوت دارند .

با نهم بصورت کل گفته می توا نیم که اعراض اساسی و غیر اساسی ذیل در نزد اطفال مصاب سوء تغذی دیده میشود که عبارت انداز:

١-توقف وبطائت نشو ونما ی فزیکی، یعنی کمبود وزن وقا مت .

٢-ازبین رفتن وکمبود مواد شحمی تحت الجلدی

٣- ذوب شدن عضلات نواحی مختلفه•

٤-تغییر رنگ موهاوریختن آن•

٥-تجمع مایعات وپندید گی درنهایات ووجه

٦-یك حالت بی تفاوتی روحی بدین معنی که طفل لاقید بوده وبامحیط خود آمیزش ندارد .

٧-تغییرات جلدی : یعنی پیداشدن بعضی لکه ها در جلد ویا تراکم صبا غا ت درجلد ویاتغییر رنگ جلد•

٨-سقوط اشتها :

٩-اعراض متراقعه مثلا وقوعات زیاد اسها ل .

در سوال ٥شمااز اعراض متراقعه مخصوصا اسهال یاد آورشد ید لطفااگر این موضوع را کمی بیشتر تو ضیح دهید ؟

جواب : مر یضان مصاب سوء تغذی به حملات بیشتر وشدید اسهال معمولا مواجه میبا شند که حتی از اعرا ض آن شمرده میشود• وهرزمانیکه حالت سوء تغذی بهبود کسب نماید ، وقوعات وحملات اسهال نیز کمتر میگردد علت مساعد بودن چنین اطفا ل به اسها ل عبارت انداز :

١-تناقص قوای مدافعوی مقابل امراض گو نا گون در چنین اطفا ل .

٢-خمو دو خرابی غشای مخاطی امعا که درجذب وامتصاص مواد غذائی دول دارد .

٣-زمینه مساعد نشو ونمای میکروبی درامعای چنین اطفال.

سوال-لطفا اگر در موردسر نوشت وعواقب اطفال مصاب به سوء تغذی کمی معلو ما ت بدهید ؟

جواب : مرگ ومیر در اطفا ل مصا ب به سو تغذی مخصو صا در دو سا ل اول

بقیه‌در صفحه ٥٧

نویسنده ماری کویک

ترجمه‌ی میرمن پښتون

آیینهٔ آینده

قیافه شما آیینه آینده شما است و باید از همین اکنون متوجه چهره خویش باشید. دانستن چگونگی آرایش صورت، بـرای دختران و زنـان جوان خیلی پراهمیت است زیرا اگر او روش نیکو وعلمی آراستن قیافـه خود را بداند همیشه دارای چهره ای، روشن، پاکیزه وبی چین وچروك خواهد بود .

بعضی از دوشیزگان جوان، تصورمینمایند که آرایش چهره وسیله‌ای است که میتوان باآن، لکه های صورت را پنهان کـرد . اما آنها اشتباه میکنند هیچکس بخصوص دخترتازه جوان ، نباید درحالی‌بی تجربگی وندانستن شیوه علمی آراستن قیافه، بزیب وزینت قیافه خویش بپردازند .

همچنین نبایست صورت خودرا در حـال ناپاك بودن جلد آرایش نماید . یك دختر تازه جوان شاید از طرف مادر خود بشنودكه نباید به آرایش صورت خویش بپردازد زیرا هنوز او برای این کار خیلی جوان است . این دختر باید طبق دستور مادرش عمل کند زیرا دستور مادر درین موضوع به سود دختر است ودختر تازه جوانی، که خود بخود از شادابی وجذابیت صورت و جلد، برخوردار میباشد . اگر قیافه اش را آرایش مینماید جزآنکه صدمه‌ی بزیبایی صورتش واردنماید، کارسودمندی را انجام نخواهد داد .

یك دختر، شاید برای استعمال لبسرین خیلی جوان باشد اما برای آراستن موی سر جوان نباشد . واگر این دختر از همین‌اکنون طوری‌عمل کند که در جستجـوی شکل‌دادن بهتر موهای خود میباشد ، هرگز در آینده ازاین ناحیه بمشکلی مواجه نخواهد شد و همیشه موهایش طوری مرتب خواهد بود که قیافه‌اش را زیبا ودل انگیز بنمایاند .

پس باید ازهمین امروز عادت بگیرید که چهره تان را «بشمول گردن» طوری که لازم است، ستره وشاداب نگهدارید و این ر ا فراموش نکنید وحتما در نظر داشته باشیدكه اقـلا روز دو بار روی را بـا آ ب گـرم شستشو بدهید ودر هنگام شستن کو شش کنید کـه با انگشتان دست تان، صابون را، بروی پوست صورت تان مالش دهـید . حرکت انگشتان تان در این مالش دادن باید دورانی باشد. بکوشید حصص مختلف‌صورت خویش‌را، صابون بزنید وهیچ جای آنرابدون زدن نگذارید وآن قسمت های قیافه تان را که بیشتر چربی دارد «مانند زیرلب واطراف بینی» مورد توجـه خـاصی قرار دهید . بعداز آنکه روی تان راخوب باآب شستید، بادستمال آنرا محتاطانه خشك کنید .

برعلاوه شستن روی، در موقع صبح وشب، بکوشید ، در طول روز نیز باری آنرابشویید وپاکیزه گردانید بخصوص اگر چهره شما چربی دارد .

در رخسار اکثر از دوشیزگان همسن و سال شما، دانه های پیدا میشود اگر شمانیز یکی از همین دسته دختران جوان میباشید باید درین مورد، برخی از حقایق را بدانید . بعضی دوکتورن بدرستی حقیقت پیدایش این دانه ها را نمیدانند . امـا رهنمایی ها ی مناسبی در قسمت تحت کنترول قرار دادن آنها، نموده میتوانند . سپس درین فرصت مراجعه بـه دو کـتوران بـاتجـربه عـملی خوب است .

عموما، زمانی‌که ، شما به سن بیسـت سالگی می رسید این دانه ها، خود بخود از بین میروند ولی، اقداماتی وجود دارند کـه باعملی نمودن آنها میتوانید حتی در سن‌پیش. از رسیدن به بیست سالگی، از بروز آنـها جلوگیری نمایید .

نخستین اقدامی که میتوانید درین مـورد انجام بدهید این است که دستهای خویش‌را، از صورت خود، دور نگهدارید وجدا متو جه این نکته باشید که کندن دانه های صورت منجربه لکه های همیشگی می‌شود وبایدهرگز صورت خویش را، در حالیکه دارای دانه ها میباشد نخارانید .

توصیه ما این است که چهره خـود را همیشه پاك وستره نگهدارید، آنرا خـوب بشویید وبرای این کار از صابون های طبی وبامحلول های تجویز شده استفاده و برای خشك نمودن آن، از دستمال های پاك ونرم کار بگیرید. موهای خود را ، از قیافه تا ن دور نگهدارید وبخاطر داشته باشید که مو های شما نیز باید پاك ومرتب باشد وسبوسك سرومو های چرب فایده ای به دانه های روی نمی رساند .

غذای شما، نقش مهمی در زیبایی صورت شما، بازی میکند واین منکوره که باید از خوردن زیاد چاکلیت ، شیرینی باب، مغزباب وغذا های چرب صرف نظرکردیك فکر خیلی خوب است .

خوردن سبزیجات پربرگ ونوشیدن آ ب زیاد وسایر مایعات خیلی مفیـد اسـت . این یك مساله روشن است که هر اندازه‌ای که صرف غذای شما بهتر وخوبتر باشد به همان اندازه جلد شما پر درخشش و شاداب خواهد بود .

هنگامیکه ، بمرحله ای رسیدید که‌چهره تان را باید آرایش نمایید بایداز آرایش‌های ساده استفاده نمایید واکثر اوقات تنها ا ز لبسرین کار بگیرید وبس .

استعمال زیاد مواد کیمیاوی وآرایش قبل ازسن بیست سالگی از یکطرف مسامات جلد تان را مسدود ودر اضافه شدن دانه های روی شما کمك میکند از جانبی شخصیت شما را درانظار، کوچك جلوه میدهد .

نکته دیگری که باید بخاطر داشته باشید عبارت از استراحت است . البته شما باید بدانیدکه‌شستن زیاد،هرگز لکه‌های اطراف چشمهای‌شمارا ، دور نـمـوده‌نمیتـواند خودرا عادت بدهید که هر شب هشت تا ده ساعت خواب کنید .

تطبیق دستور های، داشتن یك قیافه جذاب وپاکیزه وشاداب خیلی ساده وآسان میبا شد وهرگاه خویش را به آن عادت بدهید ازنتیجه آن خیلی مسرور وشادمان خواهید گـردید وازداشتن یك جلـد زیبا ودوستداشتنی و صورتی قشنگ وجذاب، در طول زندگـی، مباهات خواهید نمود .

بلی !

ازهمین اکنون متوجه چهره تان باشـیدو فراموش نکنید که قیافه شما، آئینه، آینده تان است .

بقیه صفحه ۳۶

از تاریخ باید...

درعمل ودرنتیجه‌ی پایمردی مردم افغا نستان دید که غلط حدس زده‌بود واین کشور قهرمان تسخیر ناپذ یر است. مردم غیور وسلحشور افغانستان این کشور گشای نامدار را چارسال تمام درکشور خـویش به اصطلاح به‌کاسه‌ی سرآب دادوحتی خودش ویك قوماندانش بنام بطلیموس زخم برداشتند.

این رویداد کلاسیك تاریخی درس بزرگـی برای جوانان وطن پرافتخار ما‌می‌آموزد کـه چگونه اتحاد ویکپارچگی آنان کشور ومردم‌مارا ازچنگال متجاوزین واستعمار گـران رهایـی می بخشد.

بازهم تاریخ افـغانستان باستان راورق می‌زنیم درقرن دوازدهم میلادی هنگامیکه بـر سرزمین ما امیری تدبیروترسوئی حکمر وایی می‌کرد ودرپهلوی سرحدات کشور ما(البته‌در همان زمان) صاعقه‌ی بوقوع پیوسته بـود درکنار سرحدات شرقی وجنوبی ما چنگیزاین سفاك ترین موجود بشری بقدرت رسیده بود وباوجود آنکه عظمت وقدرت کشور مـا اورا واداشته بود تاا‌ز دردوستی پیش آید ولـی خیره سری هیات حاکمه ((کـه‌سوا مـردم زحمتکش بودند)) این پلنگ خونخـوار را بخشم آورد. این امیر (سلطان‌محمدخوارزم‌شاه) باوجود آنکه سرزمین وسیعی را ازسیحون تا عراق اداره می‌کرد وچهار صدهزار سوارمجهز داشت وتمام راههای تجارتی رانیز در دست داشت یعنی همه راههای تجارتی آنوقت تـا سواحل مدیترانه ازقلمرو خوارزمشاه‌میگذشت. وهنگامیکه هیات حسن نیت چنگیز خان ازطرف این امیر خیره سرودرباریان‌همانندش بابرخورد غیر دوستانه استقبال گردید وتارومارشدنـد، چنگیز خان به‌همین بهانه وبرای اخذ انتقام‌با عساکر خویش به‌کشور ما یورش بردند. امیر ترسووبی مقدار بعوض اینکه بانیروی عظیمی که‌داشت بادشمن بمقابله برخیزد راه فـرار درپیش گرفت وهرقدر وطن پرستان اورا بـه مقاومت ترغیب کردند، گم شنید وسر انجام کشور را درمعرض تباهی قرار داده خودفرار نمود. همه میدانند که چنگیز واخلافش چـه تبهکار یها وویرا نگریهایی در افـغـانستان کردند وچقدر هموطن مارا ازتیغ‌کشیدندوشهرها وقصبات معمور وطن مارا باخاك یکسان‌کردند.

با وجود آنکه مردم افغانستان بدون پادشاهو سرپرست بزرگترین حماسه هارا درین حادثه ثبت تاریخ نمودندولی ویرانگری و سفاکی دشمن بی اندازه بود.

ازین حادثه ی المناك چنین باید آموخت‌که این مردم وزحمتکشان اند که‌ازمام‌وطن و از حیثیت آن دفاع می‌کنند وهروقت که سلاطین ومفت خواران اندکترین خطری را متوجه خـود دیده اندوطن رادر معرض بلا گذاشته وخودرا ازمرگ نجات داده اند درمقابل وطن پرستان ومردم افغانستان ازهمه امکانات وسر بازی‌های امکانات وسربازی های خود برای دفع‌دشمـن استفاده کرده اند وجان ومال خودرا در مقابل وطن قیمت نداده اند وهکذا درطول تاریخ‌این مردم افغانستان بوده که‌وطن خودرا از چنگ دشمن نجات داده وویرانی های ناشی از کینه توزی دشمنان وطن را باعرق ریزی وفداکاری جبران کرده اند.

طلا سلطان فلزات

نویسنده : ارنست هورز

ترجمه‌ی : داود «زهدی»

طلا این ماده گرانبها وپرارزش از شش هزار سال قبل باینطرف افکار انسان را، به سوی خود جذب نموده است .

طلاماده عجیبی است که زمیـــــنه‌سعادت‌و خورسندی بشر را مساعد میگرداند .

طلا بحیث معیار ارزش، مقامی والا دارد واین فلز نجیب با زیبایی مختص بخود ، در سراسر جهان ، بصورت میله های زردرنگـــك ولشم در جریان قرار دارد . قیمت رسمی هر اونس آن در گذشته سی وپنج دالر بود و چند سال قبل فی اونس به سی وهشت دالر بفروش می رسید اما این نرخ نیز بسرعت تغییر کرد ،وامروز هر انس آن به بیش از شش صد دالر ارزش پیدا نموده است .

درامریکا وبرخی از کشور های دیگرجهان طی چندین سال قونونا نگهداری طلا بصورت انفرادی ، باستثنای استفاده آن بصـــورت جواهرات زینتی ، ممنوع بوده است .

بانکهای مرکزی ممالك، طلا رادر سیـــف های خویش بحیـث‌ذخیره وپشتوانه نگـهداری می نمایـــند و کشور هـا در معـا مـــلا ت امور حسابی خویش از آن استفاده مینمایـند.

طلا زمانی بحیث اساس پولی ما واکنون بصفت ستون سیستم صندوق پولی‌بین‌المللی نزد اکثر کشور های جهان ما، حیثیت‌یگانه فلز محبوت را دارد .

اما طلا چیز دیگری هم است . یعنی این فلز سلطان فلزات بوده وبدون آن تمد ن ماشکل موجود را نخواهد داشت .

سمبول علمی طلا که شاخص عشق وعلاقه که ما در ینجا حرف از آنها مختصرتذکری انسانها با این فلزاست از قرن ها باین‌طرف، همانا، تصویر آفتاب بود اما اکنون سمبول آن (ای . یو) می باشد .

طلانه از گذشت زمان متاثر می شود ونه ازهوای نامساعدضردی می بیند• آب‌واکـــثر محلول های مخرب نیز، روی آن تاثیـــری ندارند از این روست که تصاویر و مجسمه طلایی جاودان باقی می مانند .

طلا را آب کرده واز آن قالب گرفته اند واین کار در طول زمان بقدری تکرارگردیده است که شاید انگشتر کلك شما، روز ی گردنبند ملکه ای «شیوا» بوده باشد .

استعمال طلا مورد زیاد داشته از نوك قلم گرفته تاه طلانمودن بشقاب ها وریسمان‌های کیهان نوردان، از طلامی باشد .

طلا رنگ روشن دارد، زیاد سنگین است وقدرت سیم ساختن وورق گردانیدن آن از همه فلزات زیاد تر می باشد . در ورق‌سازی میتوان ، یك ورق طلا را، یك بردوصدوپنجاه هزار یك انچ نازك ساخت واز یك اونس طلا سیمی بطول سی وپنج میل بدون آنکه بشکند ساخت .

اگر طلا با سایر فلزات مخلوط گـــردد سخت تر می شود وخواص ظاهری خودرا تغییر میدهد . مخلوط کردن نقره باطلا رنگ آنرا مایل به سفید میسازداما مخـــلوطمـــس آنرا سرخ میگرداند . رنگ های زیبـــای دیگر مانند سبز، نارنجی، یاقوتی و غیره را نیز میتوان بدین ترتیب یعنی با مخلوط نمودن طلا با سایر فلزات بدست آورد .

حینیکه که شما زیورات طلایی را خریداری مینمایید اگر بخواهید کـــه اندازه‌طلای‌خالـــص آنرا معلوم کنید میتوانید آنرا به محـــك بزنید . وبدانید که چقدر طلا درآن بکار رفته است . حصه ای طلای خالص، در هر چیز، به قیراط تعیین میشود، بیست و چهار قیراط بمفهوم طلای خالص است . پس یـــك انگشتر هجده قیراط عبارت است از هجـــده حصه طلا وشش حصه مخلوط فلز دیگر .

زرگرهای عصر جدید، معلومات تخنیکی زیادی از زرگر های سابق در مورد طلاکسب نکرده اند .

از شاهان گذشته، گلدنها، وتاج هـا ی طلایی بری ما باقی مانده است . همچنـــان از «ترس کن ها» که شاید زرگر های ماهر زمان باستان بوده باشند کاسه کـــوچکـی بدست ما رسیده که درآن یکصدوسی وهفت هزار نگین کوچك ومدور طلایی، بکار رفته وباصطلاح دانه نشان گردیده‌اســت و ایـــن دانه نشانی طوری صورت گرفته که شکـل شگوفه ای را نشان میدهد .

طلا از نگاه فشرده بودن ذخیره معقولـی را بار می آورد . زیرا یك «کیوبك» فت‌طلا، یعنی یك توته طلابطول، عرض وبلندی یـك فت بیش ازنیم تن وزن ودرحدود هفـــت – صدوچهل هزار دالر باساس نرخ قـــدیم، ارزش دارد . هرگاه تمام ذخایر طلای روی زمین را، آب کنیم، ارزش آن نـــودوشش بلیون دالر شده وعبارت ازیك خشت طلا ی عظیم باندازه یك خانه بزرگ خواهد شد .

طلا رادر همه موارد از اشیای ناچیزگرفته تا اشیای گرانبها بکار برده اند. یك تزار روسی بایك مجسمه طلایی بازی وساعت‌تیری می کرد .

شهر با عظمت آتن در زمان «اکوپولیس» مجسمه بزرگ وطویل، «آتینا» راکه لباس آن، بیش از یك تن وزن داشت حایـــز گردید .

اکثر از عجایب طلایی جهان باستان اکنون نابود گردیده اند اما موزیم های قاهره هنوز هم تابوت های پادشاهان قدیم خودرا که ا ز طلای خالص ساخته شده اند در خود دارند. هریك از این تابوت هاشش فت ودو انچ‌طول ودو هزار وچهار صدو پنجاه پوند وزن دارد.

در سال ٦٥٠ قبل از میلاد پادشاه «لیدیا» بنام «گی‌گز» نخستین سکه طلایی را ضرب زدکه دارای نشان شاهی همان زمان بـود . از سکه پادشاه مذکور همین امروز نیز چند سکه، موجود است که هرسکه آن به بیش از سی وهشت هزار دالر خرید و فـــروش میشود .

دربین تحایف ونمونه های که کـرستوف کلمبوس در اولین مسافرت خود از امریکابه هسپانیا، فرستاد چند پارچه طلاهم موجودبود. حینی که هسپانوی ها وارد دنیاجدیدگردیدند این حقیقت برای آنها روشن گردید کـــه آنها به «الدورادو» رسیده اند .

«ارناندوکارتس» وقتی که در مکسیکوپیاده شد کمربند خویش رابه هندی های بو می آنجا داد تا آنرا باخاکه طلا آغشته سازند .

«فرانسکوپیزارو» با یکصدو هشتاد نفر از همراهانش وارد دنیای طلایی «پیرو گردیدند زیرادر آن زمان در این سرزمین بقدری طلا فراوان بودکه اکثر اشیا را از طلا سا خته شده بود .

چشمان این هسپانوی هااز نگریستن آن همه طلا خیره گردید و تا امکانش برای‌آنها میسر بود ، خودرا صاحب طلا ساختند .

این بیگانگان تا یك صد سال بطور منظم‌وارد امریکا شده و کشتی های مملو ازطلاونقره ربه اروپا رسانیدند . همین ثروت ســرشـار در اروپا منجر به انقلابی گردید که سیستم تبادله جنس به جنس را واقتصاد تبـادلـــه جنس به پول را در صنایع رویکار آورد .

طلا تقریبا در هر سرزمینی پیدا میشود . مس، زغال‌سنگ‌وخاك هـــای زردی‌کـــه‌ماازان جهت آبادی عمارات خویش کارمی گیریـم شاید دارای یکمقدار طلا باشند .

در هریك «تریلیون» آب شور بحر نیز یك فیصدی معین طلا وجود دارد .

طلا از نگاه استخراج اقتصادی بدو طریق بدست می آید .

یکی بصورت رگها ودیگر بطور پاشان و پراگنده . رگهای طلا عموما در سنگ لاخ های کوه‌ها وجودداردکه عموما با ســنـــگ «کوارتز» از داخل زمین، طی دهها ملیون سال قبل، بیرون انداخته شده اند .

خاکه پاشان وریزه های طلانیز دربیـــن همین سنگها وجود داشته تا آنکه تخریبات جوی با آن مصادف گردیده وپارچه هـــای ریزوکوچك طلا در طول مسیر دریا ها ذریعه آب حرکت داده شده ودر برخی ممالك د ر کنار دریا ها انتقال یافته ومردم ازآن‌استفاده میکنند .

امروز تقریبا تمام نقاط طـــلا دارگیتی‌کشف شده است . استخراج معادن طلای کلیفورنیا در سال ١٨٤٨ توسط جیمز مارشال آغـــاز گردید . یك سال بعد ازاین تاریخ هشتاد هزار نفر در جستجوی طلا بطرف غرب سرازیر شدند .

معادن طلای افریقای جنوبی تقریبا هشتاد سال پیش از امروز مورد استخراج قـــرار گرفت . ازاین معادن سالانه تقریبا دو هزار تن طلا معادل نصف طلای جهان استخـــراج میشود .

روسیه شوروی در تولید بیست وپنج‌فیصد طلای جهان در بین کشور های طلادار جهان مقام دوم را دارد .

امریکا چهار فیصد طلای جهان را تولید میکند وبا این تولید سهمی در تولید طـــلای دنیا دارد .

طلابدرجه ١٩٤٥٫٤ فارنهایت ذوب میگردد اما اگر بصورت مایع در درایه تغییر رنگ نمیدهد . تماشای طلای مایع در فابریکـــات ذوب طلا. خیلی دلچسپ‌است ،طـــلای ذوب شده از ظرف های کوچك دارای دسته ای آهنی به قالب های آن میریزد . دسته های این ظرف، برای ریختن طلای مایع باید خیلی محکم باشد .

زیرا اگر یك قطره کوچك هم از آ ن بیرون افتد شاید در حدود یك اونس وزن داشته باشد . میله های‌که از قالب هابدست می آیند دارای نمرات مسلسل میباشند تـا میله های مذکور از هنگامیکه توسط مو تر های مسلح از فابریکه خارج میشوند تاوقتی که بجا های مطلوب میرسند تعقیب شـــده بتوانند .

میله های طلا بعد از خروج از فابریکه ، ممکن است دچار حوادث گوناگون گردند. زیرا قرار تجاربی که بعمل آمده از هرهفت میله طلایی که از فابریکه خارج می گردد با آنکه حمل آن بطور خیلی مصئون ومنظم صورت می گیرد یك میله آن، از مسیرخود خارج شده اطراف واکناف جهان را می گردد.

در همه نقاط جهان بازار سیاه طلا وجـود دارد مارکیت های عمده طلاکه در شهر های چون بیروت، داکار، هانکانگ وبمبئی‌موقعیت دارند مقادیر زیاد طلا را بفروش میرسانند. کسی‌که به‌خرید وفروش یك میله طلامیپـــردازد در حدود یکهزار دالر سودمی برد .

امروز هیچیك از کشور های جهان، طلارا بحیث پول رایج خویش در دادوستد بکـا ر نمی برد. امابعضی ممالك برای فراهم نمودن قناعت افراد ذوقمند طلا، طلای مسکوك نیـــز دارند . چنانچه در بریتانیا مسکوك طلایی را ضرب می زنند ودربازار های آسیا به قیمت زیاد بفروش میرسانند .

همچنان طی سالهای اخیر سکه های بیست دالری امریکایی‌که در ایتالیا ویا لبنان ا ز طلای بهترضرب زده میشود واردبازارگردیده وبالای توریست هابه قیمت فی سکه شصـــت پوند بفروش میرسد در حالیکه ارزش آ ن چهل دالر میباشد .

مردم فرانسه میتوانند که سکه های طلایی را قانونا از هربانك کشور شـا ن خریداری نمایند زیرا آنها طلا را بهترین تضمین در



میله های طلادارای نمرات مسلسل‌میباشد

مقابل هرگونه خطر میدانند . از این ر و فرانسوی ها یك برچهار حصه طلای انفرادی جهان راکه در حدود پانزده بلیون دالرمیشود درخانه هایشان دارند .

ساینسدانان از قرن ها باینطرف ، ادعـا

بقیه‌درصفحه۵۲

باشتراك در روز نامه‌ها ومجلات کشور بر آگاهی تان بیفزایید.

اطلا عات وکلتوربا فرو ریختن‌مرز تفاوت وجه اشتراك شهر وده در خدمت بیشتر علاقمندان روز نا مه‌ها جراید ومجلات است .

بخا طر اینکه در سال نو کلیه روزنا مه ها، جرا یدومجلات بتوانند در واژه های‌تملم مشتر کین راصرف نظر از شهری ورو ستا یی یکسان بکوبد ، مد یر یت عمو تو زیع روزنامه ها ومجلات وجه اشتراك علاقمندان را در کلیه نقاط کشور یکسان میپذ یرد .

دستدا ران روزنا مه‌ها ،جرا یدو مجلات :

شما که بر قلل شا مخ وپر برف زند گی میکنید ویا در دشت های گسترده ووسیع حیات بسر می برید ....

شما که در کابل هستید ویا در دره های پر خم وپیچ میتوا نید با پردا خت وجه اشتراك یکسان در جمله مشتر کین روز نا مه ها،جراید ومجلات مابا شید از داغ تر ین رویداد ها، خبر ها ، حوا دث آگاهی بیابید وسا عت هاسر گرم شو ید.

روز نامه حقیقت انقلاب ثور:

اگر خواهان روز نا مه حقیقت انقلاب‌ثور میبا شید در هر جای کشور که هستید در بدل دو صد افغا نی واگر شا گرد ویا محصل **باشید با ارا ئه تصد یق در بدل** یکصدو پنجاه افغا نی یکسال بشما روزنامه میفر ستیم .

انیس:

اگر انیس میخواهید در هر گو شه میهن‌که با شیدباپرداخت دو صد وبیست افغا نی واگر شا گرد ومحصل هستید باپردا خت **یکصدو پنجاه وپنج افغانی‌یکسال روزنامه‌رسان درب منزل شمارا** میکو بد .

هیواد:

اگر روز نا مه هیواد را بخوا هید در هر کنار وطن که‌هستید دربدل یکصد افغا نی واگر شا گرد ومحصل باشید در بدل هفتاو پنج افغا نی یکسال روز نا مه درخدمت شمااست .

کابل نیو تایمز:

اگر روز نا مه کابل نیو تا یمز را انتخا ب کنید در هر نقطه کشور که با شید با پردا خت یکهزارو ششصد افغا نی واگر شاگرد ومحصل هستید با ارائه تصدیق‌و پردا خت دو صدو پنجاه افغا نی یکسال شما مشترك ما هستید .

مجلات وجرا ید ما نیز حسب زیر یکسال درخد مت شما خوا هد بود.

مجله ژوندون:

سا لانه پنجصد افغا نی برای متعلمین ومحصلین با ارئه تصدیق چهار صد افغا نی .

کمکیانو انیس:

سالانه یکصدو بیست وپنج‌افغا نی. مجلات پکتیا ، کندهار ، ننگرهار، بلخ ،کهول ،آواز ، فرهنگ خلق هنر، کتاب ،کو شا نی وجرا ید یو لدوز ، گورا شی وسوب دردا خل کشور سالانه شصت افغا نی برای متعلمین ومحصلین با ارا ئه‌تصد یق چهل‌و پنج افغا نی .

مجله آر یانا بز بان انگلیسی:

سا لانه یکصدو شصت افغا نی برای متعلمین ومحصلین با ارائه تصد یق یکصدو سی افغا نی. شمامیتوا نید در مر کز همه روزه از اول‌تا اخیر حوت بمد یریت عمو می توزیع روز نامه هاو مجلات در جوار عمارت مطا بع دو لتی ، انصا ری‌وات مراجعه واشتراك نمایید ویا وجه اشتراك تا نراز مر کز وو لایات به حساب (۶۰۰۱) وا ردات دولت تحو یل و آو یز آنرا مستقیما عنوانی مد یریت عمو می تو زیع روزنا مه هاو مجلات انصا ری وات کابل بفر ستید .

شرح اشتراك روز نامه‌ها: ومجله در خارج کشور :

وجه اشتراك روز نامه حقیقت‌ انقلاب ثور ، انیس ، هیواد وکابل‌ نیوتایمز در خارج کشور ،هوا یی صد دالر وزمینی سی دالر .

برای محصلین ،هوا یی هفتاوپنج دالر زمینی بیست‌و سه دالر .

وجه اشتراك مجله ژو ندون در خارج کشور هوایی صددالر ، زمینی سی دالر برای محصلین ، هوا یی هفتا وپنج دا لر ، زمینی بیست‌و سه دالروجه اشتراك مجله کمکیا نوانیس درخارج کشور ، هوا یی پنجاه‌دالر، زمینی بیست وپنج دالر .

وجه اشتراك مجلات‌پکتیا، کندهار، ننگرهار ، بلخ ،کهول،آواز ،فرهنگ خلق ، هنر ،کتاب ، کو شا نی‌و جراید یو لد وز ، گو را شی وسوب درخارج کشور هوا یی پا نزده دالر، زمینی پنج دالر ،برای محصلین، هوایی دوا زده دا لر وزمینی چهار دالر .

وجه اشتراك مجله آر یانا درخارج کشور، هوا یی دوا زده دا لر،زمینی پنج‌دالر برای محصلین ، هوا یی نه دالر زمینی چهار دالر .

مد یر یت عمو می توزیع رو زنامه هاومجلات‌از آغاز سال نو با وسایل بیشتر وجدی تردرخد مت‌علاقمندان روزنامه هاو مجلات است تا آخر ین اطلاعات روز وداغ تر ین حوا دث‌روز رابشما برسا ند ومجلات وجرا ید محبوب خانوا ده ها را در مو قعش برای‌آگا هی‌وسر گر می تان تقد یم کند .

وقت گرا نبها ست ، از زود ترین فرصت استفا ده نمایید تا کلکسیون تان از آغاز مر تب باشد . زیراباختم سال جاری میعاد اشتراك پا یان میبا بد .

مرجع اشتراك :

مدیر یت عمو می‌تو زیع‌روزنامه‌ها ومجلات .



بقیه صفحه ۷

چشم اندازی بر پهنای...

ءکا لبو یومادمیلوا «طراح رقص با لت،هنرمند ورزیده قر غیز ستان دو سال‌در «اولان با تور» پایتخت مغو لستان تعلیم با لت را فرامیداد ودر جنوری ۱۹٤۷ بنابر تقا ضا ی رفقای ویتنا می به «هانوی «پایتخت‌جمهوریت دمو کراتیك ویتنام رفت و در مکتب رقص بالت شهر هانوی هنربالت را میا مو خت و «رو برت اراز کلد یف «از سا ل ۱۹۷۲ تا بعد از سال ۱۹۷٤ درتیا تر قاهره‌پایتخت جمهوریت عربی مصر شا گردان‌زیادی رادر رشتهٔ با لت تعلیم وتربیت‌آ مو خت.

در آذر بایجان شوروی :

بطور نمونهٔ از پیشر فت هنر با لــت‌در حوزهٔ قفقار (سر زمین پریان کوه قاف) ، جمهوریت سوسیالستی آذر بایجان شوروی را درینجا مثال میز نیم . از ورای معلومات دستداشته واضح میگر دد‌که قبل از انقلاب اکتوبر (۱۹۱۷) در آذر بایجان هنرمسلکی با لت وجود ندا شت ولی حالا در تیا تــر او پراو بالت «باکو «پایتخت آذربایجان‌دسته بالت‌طراز اول‌مشغول فعالیت است• یکی از بز رگتر ین اسا س گذاران مو سیقــــی بالت آذربایجان وکمپوزیتورمستعد«قراقرایف» شاگرد «دیمتری شا ستا کوویچ «میبا شد که طا هر صلاحوف نقا ش آذر بایجانــــی تصو یر او را کشیده وتا بلوی مرسو می او در یکی از سالو نهای گالری نقا شــی ــ«ترتیا کوف»باکو آویخته میبا شـــد . از بالتهای مشهور «قــراقــرایف» کـــه بیشتر شهر ت و محبو بیت دارد میتوا ن «هفت‌زیبا روی «و «باکوره راه رعد «رانام برد که در مسکو ، لیننگراد وبسیا ری شهر ها ی دیگر اتحاد شوروی و همچنا ن در کشور های خارجی از هرکدام آن بخوبی استقبال شده ومیشود .

همچنان در پایان این مبحث قابل تذ کر است که دریکی از مسابقات، هنرمنـــدان با لت کل شوروی ، پیغله «نا دیژداپاولوا» متعلمه صنف ششم مکتب خور یو گرافی‌شهر «پرم» برنده گردید . موصوفه در آنوقـــت شانزده ساله بود و حالا بیست و دو سال دارد و یکی از با شند گا ن‌شهر«چبوکسار» پا یتخت جمهوری خـــو د مختار شوروی سو سیا لستی «چو واشیا «در جمهوری‌شوروی فدراتیف سوسیا لستی روسیه میبا شد .

این مو فقیتها ی فزایندهٔهنری مظهر ی‌از مظا هر فر هنگی اتحاد شوروی وروشنگر نیرو ی ابداعی پایان نا پذیر وجوا نی هنر با لت آن سر زمین پهناور میبا شد کـــه پدیده ها ی پر مایه آن روز تا روزمراحل متکا ملتر خود را در حلقه های هنر روان و مردم هنر پرورش بیش از پیش میپیما ید.

«ختم»

بقیه صفحه۲۷

آیا تیلفون برای...

چندی قبل نامه به ادارهٔ مجله رسید و نویسنده نامه از پر حرفی همسرش درتیلفون شکایت نمود .

ونوشته شده است که :... خدامیداندکه چقدر این وضع ناراحت‌کننده‌است برای‌کسی که بخواهد به منزلش تیلفون نماید ، اما ساعت ها انتظار بکشد تا لین تیلفو ن فارغ گردد. این نویسندهٔ محترم نوشته است : چندی قبل می خواستم به منزل خود تیلفون کنم چون کار خیلی ضروری داشتم و نمی توانستم که با دیگر وسیلهٔ خودرا بخا نه برسانم زیرا وقت زیادی را در بر میگرفت از این روبه منزل خویش تیلفون کردم اما هرقدر کوشیدم موفق نشدم که تماس حاصل کنم زیرا هر دفعه که‌نمره رادایل میکردم لین مصروف بود خلاصه اینکه بیش از یك ساعت انتظار کشیدم تا بالاخره موفق شدم‌که بامنزل خویش‌تماس‌حاصل نمایــم.اما بدبختانه دیگر وقت گذشته بود زیرا آنقد ر معطل شده بودم که کار از کار گذشته بود وموفق نشدم که آن کار را به موقعش‌انجام دهم . زمانیکه با عصبانیت علت مصر و ف شدن لین تیلفون را پرسیدم زنم به من گفت که تیلفون به چه کار می آید که انسان نتواند خانه دوست وقوم خویشش تیلفون‌کند بعد ها دانستم که همسرم با یکی از خواهر خوانده هایش قصه فلمی راکه شبی‌قبـــل‌در تلویزیون دیده بود به دوستش می نمود .

بلی قصه فلم از راه تیلفون، این هم‌شد راه استفاده از تیلفون !

خوب شما قضاوت کنید که آیا این کار منظورم این طور استفاده از تیلفون کـــار عاقلانه ومعقول است ؟

بدون شك شما هم با ماهم عقیده هستیدکه تیلفون وسیله ارتبا طی برای آسان‌سا ختن خانوده ها است ونباید از ا ین راه ســوء استفاده شود .

یکی دیگر از مزاحمین تیلفونی ، استفاده از تیلفون های عامه است که بدون درنظر داشت موقعیت ومشکلات دیگران همینکـــه گوشی تیلفون را گرفتند دیگر خدا بدادآنان برسد تاگوشی تیلفون را بگذارند ، گاهی اتفاق افتادم که‌در پشت غرفه‌تیلفون عمومی صف طویلی از مردم تشکیل گردد تـانوبت بیابند . و این امــر تــاز گـــی ند ا ر د نه تنها در کشور ما بلکه در بسیاری ازکشور ها از این نوع استفاده های نا معقول صورت میگیرد .

هدف از این تذکر اینست که آنعده ا ز همشهریان محترم باید رعایت یك سلسلـه نزاکت هارا بنمایند وبا تیلفون های بی موقع وطولانی شان باعث ضیاع وقت دیگــــران نگردند .

خوشبختانه با پیروزی مرحله نوین تکامل انقلاب ثور زمینه های کار ، مصروفیت‌درتمام شقوق حیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی مهیا گردیده وبا این احیا در زمینه های مختلف حیات، دیگر موقع آن باقی نمی ماند تا با پرحرفی ها ووراجی ها وقت خودو دیگران را ضایع سازند .

در جوامعی که زمینه کاروفعا لیت وجــود داشته باشد به همان اندازه مصروفیت هـــا خلق میگردد واین امر باعث میگردد که‌وقت وزمان که در امر سازندگی زندگی‌حیات‌نوین مانقش ارزندهٔ دارد بیهوده بهدر نرود .

بقیه صفحه ۲۳

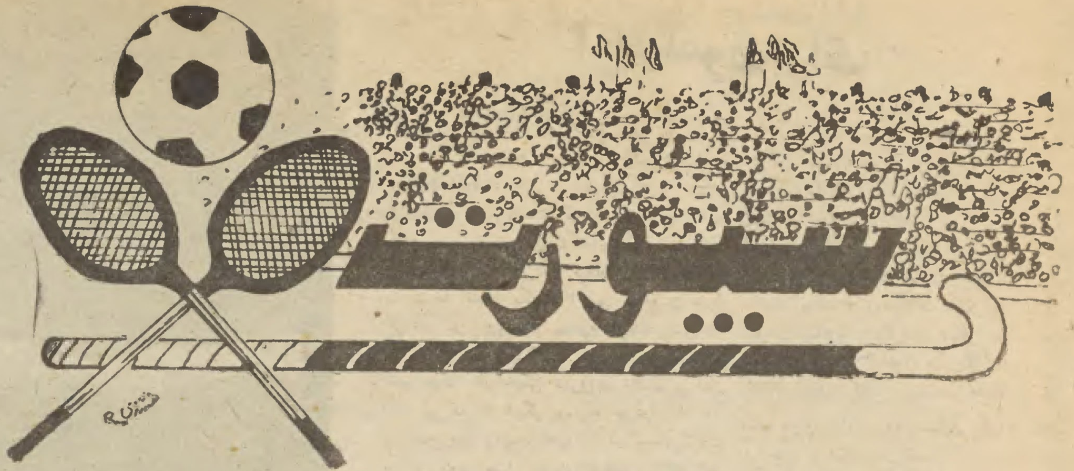
یکبار دیگر...

ساله اش رادر خانه تنها گذاشت ، دخترك‌وقت کافی داشت تابه قرص های خواب آور رسیده وآنها را ببلعد • زیرا او فکر می‌کرد دواهاباید نوعی از شیرنی باشند اما دخترك به‌معجزه‌آسا استفاده وعمل کاربن فعال از کام مرگ‌نجات یافت •)

سال ها قبل دست اندر کاران طب ، مانند بیوشیمی ، معافیت و ایمنی شناسی و خون شناسی انستیتوت ثانوی طب اتحاد شوروی تحت نظر اکادمیسین یوری لوپوخین‌بر پرابلمی مبنی برسم زدایی موارسمی خون بر خوردند • این قدم بزرگی بودکه امروزبازده اش رامیتوان در خدمت مردم جهان به مشاهده گرفت • به صورت عمده خون محتوی مواد وسلول های تفاوتی است وشامل دو بخش جامد ومایع است وبر خلاف تصور بخش زیاد خون آب نیست• ووی باید بامحافظه استثنایی فلتر بشود • درین صورت خون باید یك تسمت عمده از ترکیب خویش راواز دست میدهد • در حالیکه سعی می‌شود با شیوه‌های نوازین کار جلوگیری گردد •

کاربن فعال به صورت خیلی جدی خون راواز توکسین ها ؛(سم ـزهر)تصفیه می نمایدکاهش میکانیکی برخی از تناسبات سلول های خون درین عمل مطرح بحث نیست برای کناره جویی ازین کار دانشمندان میخواهند کره‌های ازکاربن فعال رابا ماده مخصوص بپوشانند • تامانع انتقال آن به سلول های خون‌گردد •تابه آسانی اجسامك های زهری را رد نماید• درهمه‌مراحل تصفیه اساسا خون بیمار باایجاد یك کانال ارتباطی به وسایل مغلق میکانیکی میرود وبعد زیر عملیه رفته تادر جریان تعاملات حساس‌و مطمین تری‌تصفیه بشود •اینکار ناراحت کننده نبوده و حداقل نیم ساعت رادر شفاخانه دربر خواهد گرفت •

کاربن فعال در جریان عمل پیوند اعضا در دنیای جراحی نقش شایانی دارد •



در کلپ ورزشی تعلیم و تربیه در حدود ۴۵۰ شاگرد همه روزه تمرین می نمایند

علاقمندان محترم ورزش باکلپ‌ورزشی تعلیم وتربیه آشنایی زیادی دارند ، این هفته سری به آن کلپ زدم تا ببینم شاگردان این کلپ در کدام رشته تربیه می‌شوند وچه گفتنی هایی دارند . ابتداباسر- پرست کلپ که خودش هم یك ورزشکار خوش اندام به نظر می‌خورد به گفتگو می پردازم ، تا معلوماتی در باره چگونگی کلپ حاصل وبه شما خوانندگان صفحه ورزش تقدیم نمایم بعد از جور هستی وبخیر ... خود را چنین معرفی می‌کند :

اسمم محمدسلیم تخلصم ایوبی و فعلاسر- پرست کلپ ورزشی تعلیم وتربیه می‌باشم .
از محترم‌ایوبی می‌پرسم،بطور عموم‌شاگردان کلپ چه چیز تمرین می‌کنند ؟

- شاگردانیکه درین کلپ تربیه می‌شوند وتمرین می‌نمایند در رشته های پهلوانی ، بوکسینگ ، وزنه برداری ، جمناستیك وپینگپانگ می باشد .

- شاگردیکه بخواهد عضویت کلپ را حاصل نماید چطور می تواند شامل کلپ شود ؟.

-چون کلپ تعلیم وتربیه یك کلپ رسمی می‌باشد ، شاگردیکه بخواهد شامل کلپ شود به ریاست تربیت بدنی وزارت تعلیم وتربیه در خواست می‌دهد که بعد از موافقه ریاست مذکور ومعاینه دکتوران وزارت‌تعلیم وتربیه در صورتیکه وجود شاگرد سالم و صحت باشد به امریت کلپ معرفی میگردد، نظربه ذوق شاگرد درهر رشته ایکه‌خواسته باشد به ترینر همان رشته معرفی میگردد که ترینر همان رشته مدت یك الی دو هفته‌تعلیم تخنیکی وتکتیکی اش میدهد وبعد از معلوم نمودن استعداد، پابندی‌به حاضری وتمرینات اخلاق خوب سپورتی به حیث‌عضوکلپ شناخته می‌شود . نامبرده افزود :

درسابق شاگردان کلپ تا وقتی عضویت کلپ را می داشتند که شاگرد مکتب می بودند اما بعد از پیروزی انقلاب ظفرمند ثور شاگردان با استعداد ، در صورت موافقه ریاست تربیت بدنی تا هروقتیکه خواسته باشندمی توانند عضوکلپ باشندوبه تمرینات خود ادامه دهند . همچنان در مورد تمرینات شاگردان باید گفته شودکه تعداد شاگردان این کلپ نظربه گنجایش خود کلپ زیاد بوده وروز افزون می باشد بخاطر جذب زیادتر

شاگردان، تمام ورزشکاران به گروپهای مختلف تحت یك پروگرام منظم در هفته سه روز تمرین می نمایند .

حال داخل اطاق تمرین کلپ‌می‌شوم تا ببینم‌شاگردان در چه حال اند؟

اوهو، این چه حالست در حدود دو صد شاگرد به تمرین پرداخته می ترسم زیرمشت ولگد ورزشکاران خرد وخمیر نشوم تا چشم دید خودرا به ورزش دوستان ژوندون حکایه نمایم درحدود سی نفر بوکسر داخل رینگ

بوکس روبروی هم قرار دارند و مشت های به یکدیگر حوالت می کنند این طرف رینگ بوکس دوشك پهلوانی هموار است ودر حدود پنجاه پهلوان خردوبزرگ زور آزمایی دارند ودرتلاش اندکه ، که کسی‌راچت می‌کندتا یاسینش تیز وپخته شود ودر میدان مسابقه‌هم

حریف را چار پلاق به دوشك بزند ومدال را نصیب خود گرداند . آهسته آهسته بیش می روم وهمچنان در هراسم که مبادا یکی از پهلوانان حریفش را غلط نکند ومن لنگ وردار نشوم به هر صورت خود را به تربنر شاگردان بوکس می رسانم وبعد از معرفی واحوال پرسی به صحبت می نشینیم. وی‌خود را چنین معرفی می کند :

نامم عبدالقیوم ونیرو لطیف تخلص می‌کنم مدت ۱۵ سال می شودترینر بوکس درین‌کلپ می باشم وفعلا ٤٥ سال عمر دارم .

- چه میشود اگر از سابقه ورزشی خود چیزی بگویید ! .

- تقریباً ۳۵ سال می شود ورزش می‌کنم، از صنف هفت الی صنف دوازده در سپورت های اجتماعی دیگر مانند هند بال ، باسکتبال ودوش کار میکردم البته در پهلوی آن کم- کم بوکس هم میکردم وبعد از صنف ۱۲ زیاد تر در رشته بوکس کار کرده ام باید بگویم که در مسابقات زیاد داخلی شرکت نموده وموفقیت هایی نصیبم گردیده است‌که درنتیجه‌تمام مسابقاتم به شمول بوکس ۱۳ کپ ۲ مجسمه بوکس و ۲۵ مدال به یاد- گار گرفته‌ام واینکه‌علاقه زیادم‌به بوکسینگ بوده خواستم تا آخرین قدرت و یاری

حیات به‌این رشته قدم‌زنم‌و شاگردانی تربیه نمایم . ازجمله شاگرد های شناخته شده‌ام که فعلا هم در همین کلپ به تمرینات خود ادامه میدهند ودر پهلوی تمرینات خود با شاگردان نو آموز نیز کار می کنند می توانم از عبدالعلیم قهرمان وزن نهم فریداحمد قهرمان وزن ۱۰ وحمیدالله که هر سه‌افتخار عضویت تیم ملی را نیز دارند نام ببرم ، در پهلوی اینها چهره های شناخته شده‌یی دیگر

نیز می‌باشند که خود شان فعلا استادان‌کلپ های آزاد هستند که در همین کلپ تربیه شده اند اینکه خود انها فعلاء استادان کلپ خود می‌باشند نمیگویم که شاگرد من می باشند چرا که ... هستند شاگرد انیکه‌بعد از دو سه ماه تمرین یك اندازه ورزیده می شوند بعداءاین کلپ را برادر خوانده و به کلپ های آزاد متوصل می شوند ویا اینکه خود کلپ ساخته ومی‌شوند استاد کلپ (!)

به پاسخ سوالی‌می گوید: به‌پیشنهاداستاد



عبدالقیوم «نیرولطیف»: دروقت تمرین به‌حد توان دقت می‌کنم تاشاگردان به سر وروی‌یکدیگر حواله نکنند .



اعضای کلپ میگویند: ورزش بوکس هر وورزشکار را قوی‌پنجه، دلیر وخونسرد بار میاورد نه بدمعاش .

کلپ (خودش) وتائید ریاست تربیت بدنی در بهار سال نو که سال فرخنده خواهدبود مسابقات عمومی بین تمام شاگردان بوکس تعلیم وتربیه دایر میگردد که در نتیجه آن شاگردان تیم منتخب انتخاب ودر پهلوی‌دیگر تیم‌های منتخب‌به‌تمرینات خودادامه خواهندداد نامبرده افزود : فعلادر حدود هشتادشاگردو یا بالاتر ازآن درین‌کلپ مصروف تمرینات‌مداوم هستند که در جریان سالهای تعلیمی بــــه تعداد شان همه ساله افزود میگردد کــــه میتوان این‌جارا کلپ‌نه بلکه فابریکه‌بوکسر سازی نامید (!)وباید بگویم‌شاگردان بوکس وهم چنان‌همه اعضای‌کلپ چنان تربیه‌میشوند مثلیکه در مکتب درس می خو ا نند یعنی لحظه به لحظه به هر یك از شاگردان درس داده می شود که چه گونه بزند و چطور دفاع نماید که هر شاگرد این کلپ تا جای امکان برخوردار از هر گونه تخنیك وتکتیك بوکس می‌باشد البته تاجائیکه خودم یــاد دارم .

ـ از نظر من بازی بوکس یك‌بازی خطر ناك می‌باشد چرا که بوکسر ها در وقت تمرین ومسابقه به سر وروی یکدیگر چنان حوالت می کنند که اگر دفاع نشود از نور چشم و کله وماغ بی بهره اش خواهد سا خـــت همینطور نیست ؟ قسمیکه شما فکر کرده‌اید غلط است بوکس کردن تنها حواله کردن مشت به سر وکله نیست بلکه بوکس هر ورزشکار را قوی پنجه ، دلاور وخونسرد می سازد . بر عکس اینکه به کله ودماغ‌نقصی برساند ورزشکار را ذکی وتیز هوشی مــی سازد . اما هستند استادانیکه شاگرد رابه عوض اینکه ورزشکار تربیه کند با حیاتش بازی می کند . مثلا وقتیکه شاگرد جدید عضو کلپ شان گردید دستکش رابدستش کرده ودر میدان تمرین رهایش می‌کند در عوض اینکه تخنیك وتکتیك رایادش بدهد می‌گوید به روی یکدیگر بزنید تا پختــــه شود (!) روی چه پختگی دارد ؟ نازك ترین جای روی انسان است پر از رشته هـــای اعصاب . چنانچه به پیکر درختـــی اگر روز ها زده شود روزی میرسد که درخت بدون تبربه زمین می افتد، همین طور اگر بوکسر هاهم در ابتدای آموزش به روی یکدیگـر بزنند رشته های اعصاب تکان خورده و کله راپوچ می سازد اگر خواسته باشند دست هاراقوی بسازند خریطه های چرمی ای است که‌بنام (زننك) یا مشك ریگ یاد می شود ویا اینکه کور توپ های فوتبال را از ریگ پرمی کنند وبرای پخته شدن دست از آ ن کارمی‌گیرند نه اینکه به‌کله وروی‌یکدیگر. چنانچه خودمی بینید که درین جا مشك های چرمی پر ازریك وجود دارد ومن شاگردان را میگویم به مشك بزنید تا دست تان پخته شود ، ولی هرآن مراقب هستم که شاگردان به سر وروی یك دیگر حواله نشوند چنانچه درین مدت پانزده سال حتی بینی یك‌شاگردم خون هم نشده، موفق باشید استاد .!

بعد از استاد با سید یعقوب محصل‌پوهنځی پولیتخنیك که عضو این کلپ می‌باشد بــه صحبت می پردازم ، نامبرده به پـــا ســـخ سوالهایم میگوید :

سه سال می شود که در کلپ ورزشـی تعلیم وتربیه به تمرینات بوکس ادامه داده‌ام وآرزو دارم تاآخرین وقتیکه بوکس میکنم عضو همین کلپ باشم، چرا کسانیکه وضع اقتصادی شان نسبتا خوب نیست می توانند تا هروقتیکه بخواهند درین کلپ تمرین نمایند البته تمام لوازم سپورتی از طرف ریاســـت تربیت بدنی تهیه وبه‌دسترس ورزشکاران‌قرار میگیرد در پهلوی آن بعد از ختم تمرین به همه ورزشکاران فعلا یك گیلاس شیر داده میشود، اما در کلپ های شخصی مصـر ف زیادتری به کار است که هر عضو کلپ در کلپ های شخصی باید مخارج کــلـپ را بپردازد ، گرچه ورزش بوکس یك سپورت ثقیله است‌که یك گیلاس شیر بعد ازتمرین چندان انرژی ای برای ورزشکار نمیدهد اما اینکه عاید هیچ نباشد ومصرف به خروار ولوگنج قارون هم‌باشد به افلاس رو بـــرو می شود . نامبرده به سخنان خود چنین ادامه داد : در مورد تربیه شاگردان باید بگویم که‌هر استاد می‌تواند شاگرد خوب ویاخراب تربیه کند . اگر استاد خشن وتند خوباشد وبا شاگرد به تند خویی رفتار کند شاگردش هم پنجاه فیصد تنـــد خـــویـــی استـــاد را جذب می کند. به هر صورت ورزشکاران به صورت عموم وبخصوص هر بوکسر بایددارای اخلاق نیکوی اجتماعی بوده وبرخورد انسانی ومردمی داشته باشد نه مانند کسانیکه ما و شما به چشم سردیده ایم چند روزی بوکس می‌کنند بعددر بازار ویا راه های مکاتب ...

به ناحق بهانه گرفته این ویا آن را مشك ریگ خیال کرده ودست های خودرابالایش پخته می سازند که این گونه اعمال خلاف نزاکت های سپورتی وانسانی می باشد . وی گفت : حال که مرحله نوین تکامل انقلاب ظفرمند ثوربه موفقیت رسیده امیدوارم گام های هرچه فراختر در ساحه ورزش درجامعه مابرداشته شود .

صحبت را با بوکسر ها ختم و با استـــاد پهلوانی از سر میگیرم .

ـ قسمیکه دیده می شود شما ترینر رشته پهلوانی می باشید، اگر خود رابه خوانندگان محترم ژوندون معرفی کنید ممنون میشوم!

ـ اسمم سیدمومن متخلص به ساداتـــی می باشم، تقریبا مدت دو سال میشود ترینر تیم پهلوانی کلپ تعلیم وتربیه می باشم .

ـ فعلا در حدود چند نفر شاگرد درین‌کلپ تمرین میکنند ؟

ـ در طول سال تعلیمی که مکاتب شروع میشود تعداد شاگردان پهلوانی در حـــدود سه صدنفر میرسد اما در ایام زمستان تعدادی ازشاگـردان نسبت مشکـلات راه وسردی هو آمده نمیتوانند . وتعداد شان تقلیل یافته که فعلا در حدود صد نفر ویا بالاتر از آن مصروف‌تمرین‌اند . امااعضای تیم‌الف‌کلپ‌همه روزتمرین می‌کنند که تمرینات آنها تحت نظر ترینران خارجی در جمنازیوم پولیتخنیك صورت میگیرد .

شاگردیکه به این کلپ جذب می شـــود برای یك ویا دو هفته تخنیك وتکتیك می آموزد بعدا با یکی از شاگردان نوجذب‌دیگر که اندکی سابقه دارتر می باشد مسابقـــه میدهد درهمین وقت است که استعداد شاگرد برای پهلوانی معلوم می‌شود البته شاگردیکه نوجذب می شود مدت زیادی به کار دارد تا یك اندازه از تخنیك وتکتیك های خـــو ب برخوردار گردد .

ـ خوب استاد، ورزشکاران پهلوانی ازیـــن طریق چـــه کمکی به جامعه خود کـــرده می توانند ؟

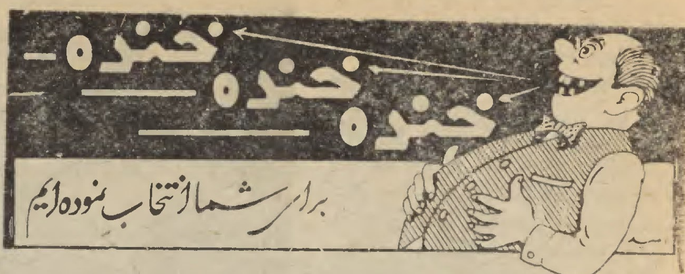
ـ در قدم اول در مسابقات داخلی وخارجی همین پهلوانان است که د رفش افغانستـــان عزیز را در پهلوی تمام ورزشکاران جهـان بلندکرده ومی کند ودوم اینکه از عایدات سپورتی شان میتوانند به ناتوانان جامعه‌کمك ناچیز اقتصادی کنند .

حال بایکی از اعضای کلپ که زیادخسته به نظر میرسد به گفت وشنود می پردازم :

ـ برادر شما چرا اینقدر خسته ومانده به نظرمیرسید ، همچنان خودرا به خوانندگان صفحه ورزش معرفی کنید ؟



صرف تخنیک وتکتیک می‌آموزیم وبعد با حریف در میدان مسابقه زور آزمایی می‌کنیم



انتقام

زن وشوهر وارد اتاق شدند وزن رو بهشوهرش کرد :
ـ عزیزم ... فردا هفتمین سالگرد ازدواج‌من وتواست ... پس تصمیم گرفته ام به‌این مناسبت یکی از مرغهای خود را که تخم می‌گذارد بکشیم !
شوهر سری تکانداد و گفت :
ـحالت بکش زن ... برای چه ؟ مـی‌خواهی انتقامت را از مرغ بیچاره بگیری ؟..
ـ من اگر به جای تو می بودم گردن‌برادرت را که باعث آشنایی ما شد مـی شکستم !؟

استمداد

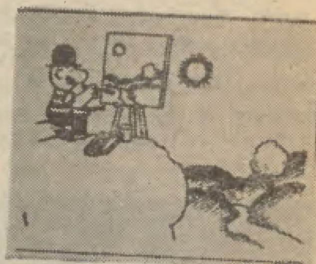
زنگ تلیفون اداره پولیس یکی از شهر های امریکا بصدا در آمد وبین دختری از آنطرف التماس کنان گفت :
ـ بکمکم بیایید ، دو مردناشناس بخانه‌ام آمده اند یکی پیر ودیگرش جوان . امید است هرچه زودتر یك پولیس بفرستیدکه مرد پیر را از خانه من بیرون کنند !

مردمست

آقا نصفه شب مست بخانه برگشت ولی آرام وبا احتیاط وارد خانه شد که خانم‌بیدار نشود اما متاسفانه پایش به کدام چیـــزی بند شد ودستگیردروازه صورت وی رامجروح کرد . بازهم با احتیاط از جایش بلند شد و نزدیك آیینه رفت وصورت خودرا پانسمان کرد وخوابید . صبح خانم اورا با عصبانیت بیدار کرد که :
ـ باز دیشب مست آمدی به‌خانه ، اختیار داری يك قطره هم مشروب نخورده بودم .
خانم نگاهی بصورت زخم شده او کرده گفت :
ـ عجب است : پس ممکن است بگویی برای چه روی آیینه را با این دقت پانسمان کرده ای ؟

دلیل آوردن یکجا

مادر از بچه اش پرسید :
ـ ببینم مربای آلوبالو را توخورده ای ؟
ـ نه بخدا .
ـ پس چرا خسته هایش روی زمین ریخته!
بچه باسر بلندی جوابداد :
ـ همین دلیلش است . برای آنکه مـــن هرچه خوردم خسته هایش راهم قرت‌کردم .









بدون شرح

وزن

داکتر روبه مریضی کرده گفت :
ـ وزن شما چقدر است .
ـ هفتادو پنج کیلو گرام .
ـ حداکثر وزنتان چقدر بود ؟
ـ نودوهفت کیلو گرام .
ـ حداقل وزنتان چه حد بود ؟
ـ سه کیلو یکصد گرام .
داکتر با حیرت فریاد کشید :
ـ چه گفتید سه کیلو ...؟
مریض جواب داد :
ـبلی داکتر ! روز تولدم ؟



بدون شرح

بدون شرح

پسر هوشیار

پسر کانگستر معروف از جلسه امتحان به منزل بر گشت وپدر با اشتیاق بسوی پسرش رفته پرسید :
ـبسرم بگو امتحان خوب بود پسر باغرور جواب داد :
ـعالی بود پدر جان ! آنها سه‌متمنی بودند دو ساعت تمام از من سوال کردند ولی یـك کلمه نتوانستند از من جواب بگیرند !



بدون شرح

اعتراف

تازه عروس باخجالت رو به شوهر جوان خود کرده گفت :
ـعزیزم حالا که زن وشوهر شده ایم و هیچ چیز را نباید از هم پنهان کنیم من‌ناچارم بتو بگویم که موهای من عاریه است :
داماد جوان با خونسردی جواب داد ناراحت نباش عزیزم انگشتر قسمتی را که من دادم هم بدلی داشت .

در دیوانه‌خانه

دو دیوانه گرم گفتگو بودند ... یکی ازآنها گفت :

ـ آه ... من با تو شرط می‌بندم کـــه ازطبقه دهم این منزل خودم را در بین حـــوض آب که برای مرغ آبی ها ساخته باندازم وهم آسیبی نبینم !

دیوانه دومی جواب داد :

ـ من هم حاضرم شرط ببندم که تونمیتوانی!پنج دقیقه بعد دیوانه اولی را به طبقه آخر ساختمان رساند واز پشت بام به بیرون خم‌شد وبدون تامل خود را در فضا رها کرد .

دیوانه دومی که از این عمل فوق العاده‌به حیرت افتاده بود بسرعت از آنجا فـــرار کرد وباخود گفت :

ـ ممکن است خودش روی آن حوض‌غرق شود وآن وقت همه تقصیرش را به‌گردن من اندازد !!



بدون شرح

بهانه یی برای زن

زن جوان ، در حالیکه دستش پراز انواع بسته ها بود ، از فروشگاهی بیرون آمد وبه یکی از دوستانش بر خورد کرد وبا نگرانی گفت :

ـ او ، خواهر ... نمیدانم از بابت ایـــن جنس ها که خریده ام به شوهرم چی بگویم ... امید وارم بتوانم بهانه ای پیدا کنم .

روز بعد دوستش به او تلیفون کـرد و پرسید :

ـ جریان خرید چطور شد ... بالاخره‌بهانه یی پیدا کردی ؟

ـ بلی ... آن هم چه طور .

خوب چی بود ؟

یك‌تارموی طلایی‌بودروی‌یخن پیراهن‌شوهرم!!





از بالا به پائین ـ بدون شرح

فاصله‌عقل وابلهی

جـــوان پرگـــویی در بـــرابـــر و لتـــر قرار گرفت که از آغاز مجلس همه راازپرگویی وگفته های باطل وبیهوده خویش خسته کرده بود. ولتر از پرگویی اوبجان آمده بود ، ولی نمیدانست چه کند تادهان آن جوان یاوه گورا ببندد . ناگهان جوان از او پرسید : راستی بفرمایید بدانیم که‌فاصله بین‌عقل شخص‌خردمند وعقل آدم ابله چه اندازه است؟

ولتر بیدر نگ جواب داد: کاملا به اندازه این میزی که میان من وشما فاصله است.

اعتصاب

دو نفر مرد در باره زنهای خود صحبت میکردند ... یکی از آنها گفت :

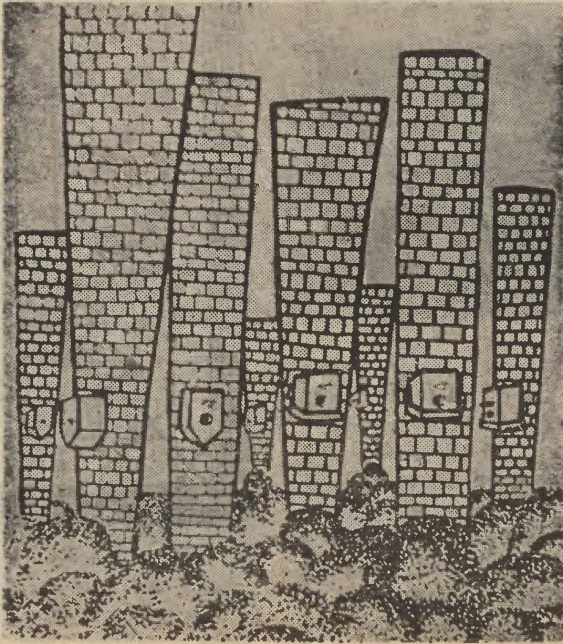
ـ من تقریباً دو سال است که بازنم اصلا حرف نزده ام .

دوست دیگر با تعجب پرسید :

ـ عجیب است ... مگر با هم در این مدت قهر بودید ؟

مرد اولی آهی کشید وگفت :

ـ نه ... چون من نمیخواهم میان حرف او حرفی زد ، باشم . !!



بدون شرح

سن خانم

خانم بعد از آنکه از حمام بیرون آمد و سر وروی خود را بدقت تمام آراسته ساخت وبه اتاق دیگر که شوهرش در آن مشغول روز نامه خواندن بود رفت وباو گفت :

ـ عزیزم ... سوال از تو میکنم که دلـــم میخواهد جواب آنرا آنطور که واقعاً فکـــر میکنی بدهی ... بگو بنظر تو قیافه من چند ساله نشان میدهد ؟

شوهر نگاهی به‌قدوبالای او انداخت وبعد فکر کوتاهی کرد وگفت :

ـ صبر کن بریت بگویم از طرز راه‌رفتنت بیست‌و پنج سال ...

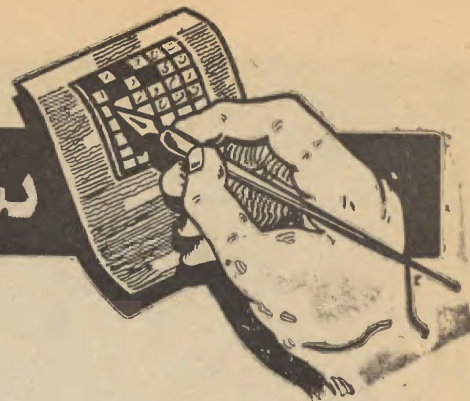
از رنگ پوستت تقریبـــاً بیست سال ...

از موهایت در حدود هجده سال ... لبخند رضایت آمیزی چهره زن را روشن کرد وبا عشوه گفت :

ـ راستی میگوئی . یا فقط برای خوشحالی من این حرف را می‌زنی ؟

شوهر جواب داد :

ـ اوه ... ابداً عزیزم ... صبر کنی همه این اعداد را باهم جمع کنم تا بگویم بنظر من چند سال داری !!



سرگرمی ها ومسابقات

تهیه و تنظیم از صالح محمد کهسار

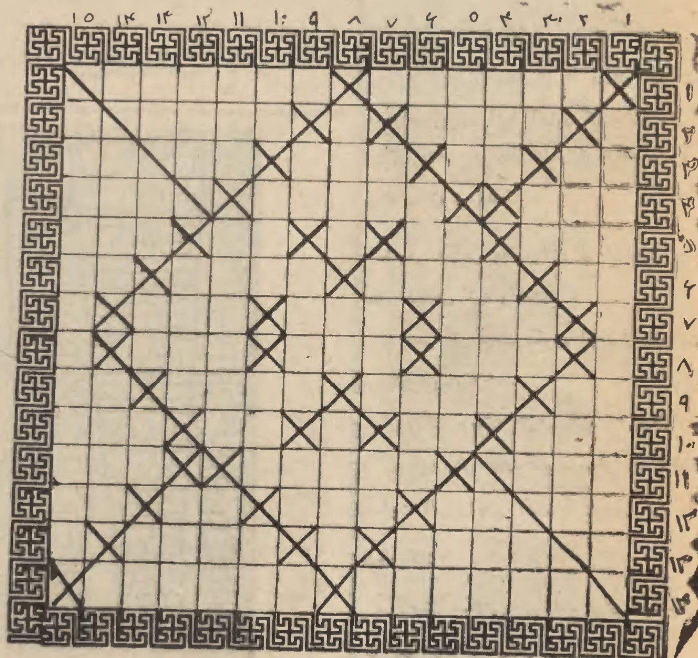
جدول کلمات متقاطع

افقی :-

۱- اثر بر جسته از نویسنده مشهور (جك لندن) ، این کتاب را نویسنده مشهور (ناتیل ماثورن) نوشته است -۲- آنرا گهواره انقلاب نامیده اند ، یکی از مناطق زیبای کشور ماکه به آن یك ضرب المثل نیز ساخته اند ۳۰- از آنطرف کلمه ثبت بپښتو، رعد نا تمام ، از خزندگان ، خودما، ازحیوانات وفادار ۰ ٤-از آلات نجاری ، ازابر پائین می آید، ماشین آنرا مور اختراع نمود. گردنبند ، این به پښتو ، آغاز وپایان ولایت هرات ، آواز غیبی -٦- ازآن طرف خشك نیست ، شعر را می گوید ، بزرگترین آن در کشور ما آمو است ، نصف دیدن است۰

۷-از گندم بدست می‌آید، وداع نکرده ،ازآهن آنرامی سازند،۸- وقت بزبان عوام، شوخ بود مغشوش هم شد ، از سامان موتر،

۹- از آن طرف بالای دریا ساخته میشود ،منظم آن به پښتو محبت است ، آخرش را حذف کنید درس است ، خود ماست ۱۰-مادر بزبان عوام ، مار دم بریده ، عدد بیگانه، معدن هم ردیف آن ست ۰ ۱۱-هسته ناتمام،اثر یکی از نویسنده گان جهان ، عادت که آغاز نداشت جدایی ۱۲-آغازوانجام رول، پروانه خود را به آن میسوزاند ، میازار که۰ ۰۰۰ دانه کش است ، مات شده اما بی آغاز ،نصف بحری ، ۱۳- یکی از فصول سال ، جدای است -١٤- اثری ازولتر نویسندهٔ فرانسوی ، اثری از یك نویسنده مشهور شوروی .



عمودی:

۱- یکی از رهبران بزرگ شرق که برای آزادی کشور خود تا آخرین لحظه کوشید .
۲-سر زمین میناتور وسیاه موو جلالی،شاید در دستتان باشد ۰ ۳- عکه دم بریده، کلمه ربط ، دو چهارونیم ، در بین بهتر قراردارد، حرف ربط ۰ ٤-رفیق سوزن ، ازآلات دهقانی است ، حاصل زنبور ، ٥- چهارم حصه به عربی ، بدون حرف آخر نویسنده کتاب بی‌بی پیك ، سی روز است ، ٦- الف ناتمام ، بایك نقطه جای گل وبلبل میشود ، آزآنطرف درجم شهرت دارد ، مسترد کردن ۷۰-نصف ماشه ، آفتاب بسیار است ، هستم به پښتو ، ۸- دارنده ، پنجه وریشه درخت ، صبر کننده -۹- راه کوتاه ، قبل از انقلاب ثور این آدمکش بر کشور ما حکمروائی داشت، ثمر ۱۰- چاك سر بریده، جای عبور ومرور آب، برادربه پښتو ، هنر ۰ ۱۱-گندم بزبان پښتو ، بدون حرف آخر نویسنده آن نتوان چخوف است ، اکثریت. ۱۲- خیر، یکی از روز نامه های کشور ما ، در ردیف چهارم عمودی۰ ۱۳-ازآن طرف ضد مرداست: دویك ، رول میان تهی ، کار ناتمام ، نصف قادر۰ ١٤- خط بین کشور ها، اثربرجسته ماکسیم گورکی -١٥- او رئیس جمهور کشوریست که مساحت ٦٧١٠٨ میل مربع و ۱۸۸۰۷۰۰۰ نفوس دارد وواحد پول آن پیاستر است .

یک امتحان کامل خودشناسی

خوانندگان نهایت گرامی صفحه سرگرمی‌ها ومسابقات! مااین قسم تست‌ها را تا حدود امکان نشر مینمائیم واز شما هم تمنا داریم این قسم تست هارا برای ما ارسال دارید که با اسم ویك قطعه عکس تان آنرا چاپ بنمائیم درینجا از شما میخواهیم که تست پائین را که با عکسهای آن بچاپ رسیده است به هر کدام جواب ارائه نموده وبری ما ارسال دارید - تا بعداً برای تان بگوئیم کی هستید ؟این هم تست ما:

الف :- به این تابلو خوب متوجه شوید او چه میکند ؟

۱:- آیا به همسایگان خود متوجه میباشد؟
۲:- به تماشای اسپ دوانی مشغول است ؟
۳:- عسکری است که انتظار حمله دشمن را دارد ؟
٤:- آیا میخواهد بدون آنکه کسی متوجه او شود مردم را تماشا کند ؟



ب:- به این تابلو متوجه شوید وبگوئید او به چه فکر میکند ؟

۱:- به ناامیدی وناکامی خویش ، چون این مرد شوهر اوست ؟
۲:- حسرت این زن وشوهر را میخورد که این قدر همدیگر را دوست دارند ؟
۳:- از دیدن این زن وشوهر که همدیگر را دوست دارند حسرت می‌برد؟
٤:- به خود میگوید :«این وضع عدت زیادی دوام نخواهد داشت . بزودی محبت ما بپایان میرسد ؟



ج:- به این تابلو خوب متوجه شوید میان این دو چه میگذرد ؟

۱- او میخواهد به این زن بگوید که دیگر دوستش ندارد ۰ منتها نه‌میداند این راز چطور افشا کند ؟
۲-البته برای زندگی آینده خود نقشه‌یی را طرح میکنند ؟
۳- زن میخواهد مرد را ترك کرده و از نزدش برود ولی جرآت ندارد؟
٤-این دو، زن وشوهری هستند که مدتی از عروسی شان گذشته ودیگر چیزی ندارند که برای یك دیگر بگویند ؟



د:-خوب حالا به این تابلوی دیگر متوجه شوید وفکر کنید میان این دوچه میگذرد ؟

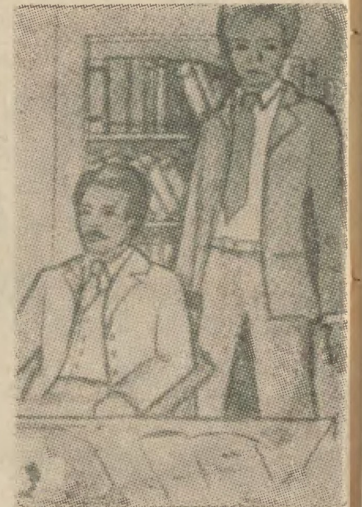
۱- شخصی که ایستاده یك کارگر ونشسته کار فرما است که کار گر اخطاری دیده که

بموجب آن از وظیفه اخراج میگردد ؟

۲ـ شخصی که ایستاده یك کارگر بوده ومستحق پاداشی گردیده است ؟

۳ـ این دو باهم دوست صمیمی بوده که بملاقات دوستش آمده وحالا میخواهد از او خدا حافظی کند وبرود ؟

٤ـ شخصی که ایستاده است برای انجام کاری ، وارد دفتر کارفرما گردیده است ؟



هـ: ـ به این تابلو نگاه کنید و بگوئید که این نگاه چه حالتی را بیان میکند ؟

۱ـ اضطراب و وحشت در مقابل یك منظره نا راحت کننده ؟

۲ـ استهزا ویا تمسخر ؟

۳ـ درستی و امانت ؟

٤ـ بی تفاوتی ؟



و: ـ خوب حالابگوئید این دختر جوان چه میکند ؟

۱ـ آیا میخواهد از خطری فرار کند ؟

۲ـ مانند آهوی بیابان آزاده وبدون غم میدود ؟

۳ـ یا اینکه بوعده گاهی که برایش اهمیت دارد خود را میرساند ؟

٤ـ آیا برای دیدن وگفتگو باکسی که او را دوست دارد میشتابد ؟



بعد از اینکه به تمام سوالات ما جواب گفتید نتیجهٔ جوابات را به آدرس ژوندون صفحه مسابقات وسرگرمی ها مطبعه دولتی انصاری وات کابل بفرستید امید است که در ضمن یك یك قطعه فوتو های خویش را نیز ارسال دارید .

کدام پرنده ؟



این تابلو را یکی از رسامان ترسیم نموده است آیامیدانید که منظور از ترسیم تابلویش چیست وکدام پرنده رادرین جا ترسیم نموده است اسمای آنرا برای مابنویسید .

حل کنند گان

کسانیکه به سوالات ما جواب گفته اند .

اندر پال سنگ «جنبش» ، حمیده ثمر متعلمه صنف یازدهم ج اجتماعیات لیسه زرغونه ، شیر محمد هوتکیار ، معروفه علی‌زاده از یکه توت ، نادر ننگیالی علی‌زاده متعلم صنف هشتم مکتب یکه توت ، احمد فواد دامع متعلم صنف نهم ب مکتب‌متوسطه محمدایوب‌خان ، عبدالقیوم دانشام ، از ننگرهار ، نادره شریفی ازصنف یازدهم لیسه رابعه بلخی ، محمدکبیر میرحیدری ، نفیسه محبوب متعلمه صنف یازدهم لیسه مسلکی جمهوریت ، عبدالحی «غروب» از میرویس میدان ، محمود هنرمل از پوهنځی اکادمی څارندوی جمیله ، سلما رابعه، هما، کرام‌الدین ، عبدالمتین ، لطیف ، سید عبدالواحد ، شادولا ، فضل الرحیم ، شاه‌مین ، نصراله ، عبدالحمید ، مهمند ، «وفادار» اکبر ، یوسف ، قادر ، نعمت‌الله شهناز ، گل‌جان ، بسم‌الله ، شیرین‌آغا

کدام صحنه ؟

در جهان یکی برای عظمت طلبی وبعضی ها برای آزادی خود می جنگند ماهم میدانیم کسانیکه برای آزادی کشور خود میجنگد هیچ گاه تاریخ آزادی آنها را فراموش نمیکند ماصحنه یکی ازاین جنگها را برای شماچاپ کردیم تنها شما بگوئید که این سرباز که به این حالت در آمده است از کدام کشور جهان میباشد



نگاه ؟

مادر هر شماره راجع به نگاه ویا کدام مطلب دلچسپ دیگر با شما حرف میزنم و از شما در باره آن طالب مضامین نیز شدیم به این عکس متوجه شوید که‌به چه نگاه میکند ؟ به آینده خود ؟ به صحنه کدام وحشت خوشی ویا ...؟ حالا از شما میخواهیم که راجع به نگاه او هر چیزی که مینویسید بنویسید وبرای ما ارسال دارید



این ستاره کیست ؟



یکی از ستارگان سینمای غرب میباشد او در بسیاری از فلمهای غربی اشتراك نموده است شاید یکی از فلمهایش را شما دیده باشید . مااین بار هم از ستاره های سینمائی عکسی را بچاپ رسانیدیم لطفاً برای ما بنویسید که اسم این ستاره غرب چیست ؟

این دختر زیبارا می شناسید ؟



او از زیبا ترین ستاره سینمای غرب‌میباشد شاید او را در بسیاری از فلمهای غربی رول های را به عهده داشت حالا از شما اسم فلمهای او را ویا کشورش را نه میخواهیم بلکه آرزو داریم که تنها اسم این زیباروی سینما را برای ما بنویسید ویایك قطعه‌فوتوی خویش برای ما ارسال دارید ـ



اولین روز های عشق، آتشین می باشد

ترجمه : ع . س

اگر میخواهید ایدیال تان را از دست ندهید

اگر خواهیم ویانه، اما این یك واقعیت است که پرابلم های خانوادگی و ازدواج در ممالك پیشرفته بسیار حاد شده است . وقت‌آن فرا رسیده تا از توضیحات اضافی مبنی بر اینکه خانواده در اثر اتخاذ روش سطحی درقسمت ازدواج وشرایط مسکونی ناشی میشود بپرهیزیم . بطور مثال در ممالك متعددی شرایط مسکونی نظربه سابق بمراتب بهتر شده اما تعداد نابسامانی های فامیلی روبه افزایش است .

هویداست که باز گشت به عقب یعنی به زمانهایی که زن از حقوق ناچیز بهره مند بود امکان پذیر نیست . امادرمقابل مناسبات فامیلی واشکال آنها در کدام دفتر ساختمانی طرح ویا توسط «متخصصین در رشته دوستی وازدواج» ایجاد شود .

مناسبات مذکور را پراکتیك اجتماعی ملیون ها وآنهم توسط یگانه طریقه ممکنه یعنی آز مایش واشتباه بمیان می آورد . ملیون هاآزمایش وملیون‌ها اشتباهات‌صورت میگیرد .

از تعداد اشتباهات وعمق آن تاحدی‌میتوان کاست اما کار چندان ساده نیست . اینکار زمانی تحقق می یا بد که انسان در مورد «میخانیزم های» مناسبات فامیلی از دانش کافی بهره مند باشد .

یکی از خصوصیات بارز سیستم های حیه قابلیت آنها غرض بوجود آوردن نوع شان هست . اگرمردم علاقه شان را در قسمت باصطلاح «زندگی شخصی» از دست میداد آنجا بود که در اثر محو بشریت تولید ، سیاست، علم، هنر، ایدیالوژی و همه اشیا بطور مطلق مفهوم شان را می باختند . اینها تازمانی از مفهوم برخوردار اند که عشق ودوستی بین زن وشوهر موجود باشد . عشقی که معمولا آنرا «مقصر» مینامند .

ممکن است این حقیقت افسانوی شمرده شود که (۹۵) فیصد بالاخره به هدف خود نایل میشوند یعنی اولین وآخرینی راکه می خواستند بدست می آرند . اما حقیقت‌اینست که طبیعت در چنین موضوع جدی نمیتواند به معجزه متکی شود . همه امور بشکل تنظیم شده وبدون وقفه به پیش میروند .

این نکته که زن ویا مرد اعتراف میکنند محبوبش را به خاطر کدام خصوصیتش دوست میدارد در حقیقت خودرا فریب میدهد. این کار بسیار مثمر اما خودرا فریب دادن است . عشق گرچه از نخستین دیدار نباشد به شبکه اتصالی شباهت دارد وفلتر سرخ رنگی را بکار می اندازد که با تقویت کننده مجهز میباشد . جهات مثبت محبوب به بسیار شور و هیجان مورد قبول قرار داده شده و جهات منفی زیر پا میشوند .

اگر عشق ازنقطه نظراطلاعاتی مدنظرگرفته شود ناموزونی های زیادی را در بر دارد . فلتر سرخ نیز بعدازسپری‌شدن مدتی تااندازه از کار وفعالیت بازمانده واز آن اطلاعاتی فلتر میشود که از نقایص محبوب شهادت میدهند. اشخاصیکه (اقلا بکمك حس درونی) طرز وقوع پروسه ها را تصور کرده میتواند در مقابل از خود عکس العمل نشان داده وجدو جهد را بکار می برند .

ضرور است تا فلتر به حا لت اولی باقی مانده (تاجاییکه ممکن باشد) یعنی هرحرکت مثبت‌روانی‌دوست خوبتر ارزیابی واز هیجان وقهر پرهیز شود . یا بعباره دیگر انسان از لطف ومرحمتی برخوردار باشد وقتا فوقتا مکمل تر شود . بدون داشتن این همه صفات فامیل مانند موتری که گریس کاری وترمیم شود یگانگی وصحت خودرا از دست خواهد داد .

به تاسف باید گفت از برهم خوردن عشق ودوستی از حد واندازه آن اضافه تربرداشت تراژیدی میشود . این حالت طبعا با برداشت عینی مساله مطابقت نمیکند . برداشت درین وقت مانند اوایل عشق آتشین مطلق یکجانبه میباشد . اما فلتر درین نوبت رنگ سیاه را بخود گرفته، نکات مثبت را زیر پا گذاشته

واز اطلاعاتی که جوانب منفی داشته میباشند هرچه بیشتر ویاقیل وقال یادآوری میشود .

بصورت عموم انسان طبیعتا سعی میکند تاحتی از زعم باطل خویش تا آخرین مرحله دفاع کند زیرا طوری تصورمیکندکه گفتارش روی واقعیت تام استوار است . این اوهام در ساحه مناسبات بین زن ومرد بخصوص مستحکم بوده ونمیتوانیم آنرا حتی به مرمی قوی ازبین بریم . اما لازم است تا بکلی محو شود .

در همه جا وهمه احوال زمانیکه از علل جدایی وبرهم خوردن فامیلی از زن و مرد پرسش بعمل می آید واقعیت را اظهار نمی کنند وتمام گفتار آنها انعکاسات مغرضانه در خفاء داشته میباشد .

ناسازگاری های روحی یعنی چه ؟

در موارد زیادی ازین لغت چنین برداشت میشود : «رضایت شهوانی دربین ما وجود ندارد .»

در نتیجه حالاتی ایجاد میشود که معمو لا آنرا «جنگ دوجنس» مینامند . این جنگ بالای رشد وکردار بعدی اطفال شان تاثیر منفی بسزایی دارد .

اغلبا تا اندازهٔ معین جدایی وناساز گاری هارا به ارث می بریم . سوسیولوجست ها از قدیم به این نکته متوجه شده اند : اگر یك عضو جفت در فامیل ناقص تربیه شده باشد احتمال وقوع جدایی افزایش می یابد .

اغلبا از اطفال حتی بعد از جدایی منحیث وسیله انتقام گیری استفاده مینمایند .

نابسامانی هایی راکه در ینصورت اطفال در نتیجه جر وبحث زن وشوهر به ارث می برند بسیار خطرناك ودر ضمن در خور توجه است .

پرهیز از سوبژکتویسم (بی طرف نماندن) شدید وتعصبات در زمان توافق امکان پذیر نیست . این حس در انسان در اثر ضرورت احیای مجدد زندگی بطور مستحکم تنظیم شده است . لازم هم نیست زیرا از برکت این تعصبات انسان به عالی ترین نیك ومثبت دست می یابد .

اما روحیه بی طرف نماندن در زمان جدایی غرض احیای مجدد زندگی بسیار ضعیف‌بوده وتنها احساسات منفی را هدیه ما می کند . به این لحاظ مبارزه با سوبژکتویسم یکی از ضروریات زندگی شمرده میشود وموفقیت بالای آن از جمله ممکنات است سعی شود تاهمه الفاظ بی غرضانه ادا شود و در ضمن از تصدیق بلا تصور بپرهیزید .

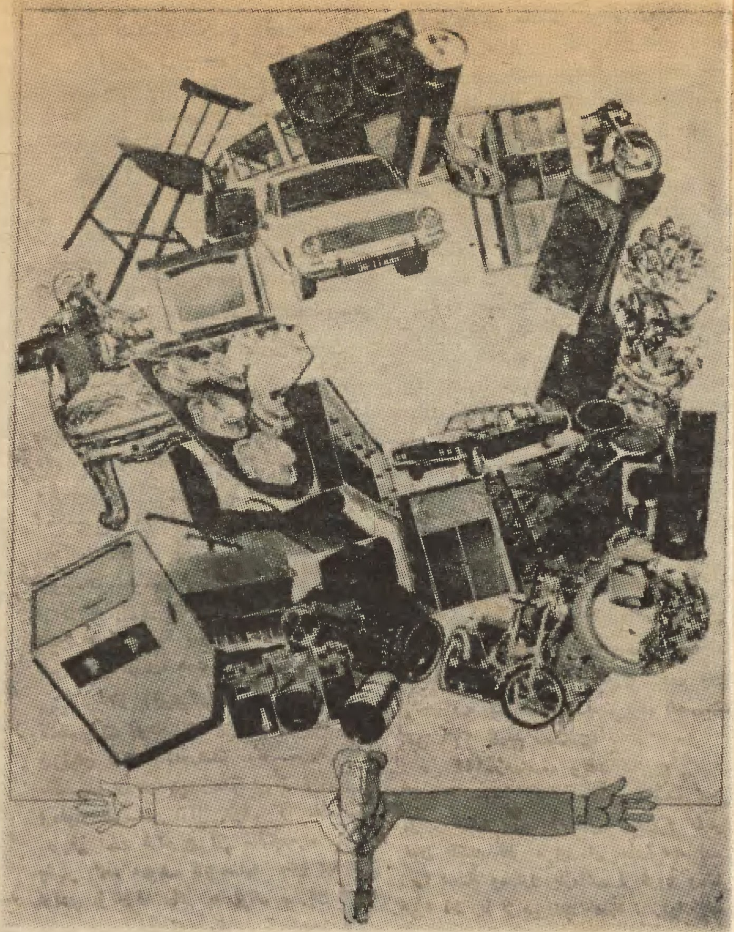
محققین درین موارد معمولا از زنها جانب‌داری میکنند تا در «فضای همزیستی مسالمت‌آمیز» در مقابل زنان از حوصله کار گرفته شود زیرا تا زمانی که خیال های مشترك و در ضمن باطل محو میگردند زنها نسبتارنج های فراوان را متحمل میشوند . علاوتا زنها وجود نازك وزود شکن دارند ومرد ها بایست در مقابل آنها از لطف ومهربانی کارگیرند .



بازهم«سکوت»

تاثیر روانی افزایش لوازم منزل بالای انسان

ترجمه : عبدالله



انیا سهولت ایجاد مینمایند اما جنبه صنفی نیز دارند .

مابه اشیای ماحول خود خو گرفته ایم . اینها شرایطمستریح زندگی‌رافراهم می‌کنند. تعداد اشیای مانند موتر ، تلویزیون ، یخچال ماشین رخت شوئی وغیره روبه افزایش‌اند. امابیایید لحظه توقف کنیم . انجام کاربالاخره به چه منجر خواهد شد ؟ ممکن است این همه مردم را تحت شعاع خود قرار دهد !

ضرب المثل معروفی است که میگویند «با اشیای خوب حتی در «کلبه محقر» زندگی آرام می‌گذرد .» ایا این ضرب‌المثل درعصر حاضر قابل تطبیق است ؟ به احتمال زیادنی . فامیل امروزه بااین همه اشیا زندگی را به بسیار مشکلات در «کلبه محقر» پیش خواهد برد . اشیا وباز هم اشیا به حدی افزایش یافته اند که علما در حال حاضر در کنار «فضای طبیعی ماحول» از «فضای اشیای‌ماحول» نیز نام می‌برند . این اشیا بطور بطی اما بتدریج فضای طبعی را تنگ تر میسازند . انسان در فضای طبیعی فقط در اثنای تفریح در کنار دریا ویا جنگل قرار میگیرد وآنهم بایك عالم اشیای دیگر مانند موتر ، رادیو رخت خواب وغیره .

به‌این ترتیب مردم ازسلطه طبیعت خارج شده ودر تحت‌شعاع اشیائی قرار میگیرد که خود آنها را ایجاد کرده است . آیا این کار خوب است ؟

چندان عمل بدی نیست اگر ..... کلمه «اگر» بسیار وتقریباً در همه احوال ذکر میشود . یکی از آن اگر انسان از اشیای‌در دست داشته طوری استفاده کند که برای اجرای همان عمل تخصیص داده شده باشد بهتر خواهد بود نه اینکه بمقاصد مختلف . بطور عموم در بعضی جاها معمول این است که اشخاص توسط اشیای متعلق بـه خودشس دیگران را از موقعیت اجتماعی خود با خبر میسازد .

در بکتعداد جوامع مرکز ثقل این نوع های روز مره خانه ایجاد میکنیم . اگر این کار همزمان منحیث هدف غائی قرار داده‌شود وقت گرانبهای ما را می بلعد .

طبق اظهار یکی از اقتصاد دانان امریکائی هلبر ایت در حال حاضر در بعضی جوامع غرض باز رسی از وسایل خانه لازم است تا کدام نفر مخصوص گماشته شود . ایااشیا ارزش اینقدر زحمت ومشقت را دارند ؟

نکته‌عمده که درینجا قابل تذکر پنداشته میشود اینست که بموقع از خریداری بیشتر اشیا جلو گیری شود ویا حتی صرف نظر شود . زیرا اشیای مصرفی دارای قابلیت‌اضافه شدن عجیب وغریب میباشند . همینکه یکی را خریدی دومی را باید نیز بدست آری (مالکین موتراین نکته‌را زودتر درك‌میکنند). بالاخره اشیا بعضی اوقات برای صحت‌وزندگی مردم مضر تمام میشوند . در بعضی ممالك پیشرفته پرابلم صدمه ترانسپورتی ومسکونی بامسأله امراض‌قلبی دریك‌ردیف قرارمیگیرد. اما بلند رفتن مصرف انرژی در منزل در اثر استعمال اشیای پیشرفته ، ترانسپورت شخصی، نمایشات بسوی اشیای متعلق وقیمت بهـا انحراف مینماید . این اشیا یکی از عمده ترین معیار های تعیین موقعیت اجتماعی درین جوامع شمرده میشود .

در جوامع دومی مردم نه به اشیا همدیگر را ارزیابی میکنند وپوتنسیال مصرفی منحیث معیار موقعیت اجتماعی شمرده نمیشود . ایا این بدان معنی نیست که موثریت نمایشی درین جوامع بکلی محو است واشیا را کمتر از آنها ارزیابی میکنند ؟ درین جوامع نیز اشخاصی وجود دارند که در قسمت بدست آوردن اشیا با همدیگر مسابقه میدهند . لازم است تا سطح زندگی مردم بلند رود اما در پهلوی این همه امکانات باید سطح فرهنگی واخلاقی جامعه نیز بلند رود . اگر این‌عملیات همزمان صورت نگیرند سیکالوجی هرزه در جامعه مترقی عودت خواهد کرد .

این مساله عجیب نیست‌که اشخاص توسط پول های کمایی کرده‌شه ان میخواهند اشیائی بدست آورند که نظر به اشیای سابقه در دست داشته شان مکمل تر وبهتر باشند .

عمده این‌نیست که چرا این نوع کار ها صورت می‌گیرند بلکه مهم اینست که بکدام هدف پیش برده میشوند . اشخاصی که تصور میکنند اگر در خانه اشیای مجلل و قیمت بها داشته باشند از دیگران فوقیت‌دارند اشتباه بزرگ رامرتکب میشوند زیرا اشیا انسان رانه‌کدام شخصیت ونه‌کدام فهمیدگی می‌بخشند . حال جنبه دیگر پرابلم را مطالعه میکنیم .

این یك واقعیت است که بکمك اشیای در دست داشته فضای مستریح وسهولت درکار تلویزیون از قوای جسمانی بالای ارگانیزم انسان بطور قابل ملاحظه می کاهد (باید تذکر داده شود که پروسه کاهش مشابه قوای جسمانی وافزایش قوای روانی در فعالیت تولیدی انسان نیز بمشاهده میرسد) حتی اشیایی که وظیفه خود را انجام داده و غیر قابل استفاده میشوند نیز خطراتی را مواجه ما میسازد . پروسه های طبیعی اکسیده‌شدن کیمیاوی وبیولوژیکی در مقابل اینقدرفلزات، پولیمر ها ، ومواد پلاستیکی عاجز میمانند . مواد مستحکم در مقابل جنبه های مثبت خود از جوانب منفی نیز خالی نمیباشند . پرابلم استفاده از اشیائی که دارای اندازه های زیاد اند در همین حال در بعضی از ممالك مانند امریکا ، کانادا ، جمهوریت فدرالی المان و جاپان بسیار حاد میباشد . درین ممالك سالانه به ملیون‌ها موتر ، یخچال ، ماشین رخت شوئی ، تلویزیون از کار بازمی‌افتند .و کلام هائی که درین قسمت صورت می‌گیرد مشتری را مشتاق میسازد ، تاکالاهای هرچه جدیدتر ومدرن تربدست آرد . اما قیمت تمام شد محو اشیای سابقه یا بدست آوردن اشیای جدید در یك خط قرار میگیرد زیرا قوای طبیعی خود قادر نیست تا اشیای سابقه را به کلی محو نابود نماید . ضرورت می افتد تا انسان نیز دست بکار شود .

راه چاره چیست ؟ چطور میتوان از عهده این کار موفقانه بدر آمد ؟ اشخاصی که بدین نظر اند گویا احتیاجات بشری تنها به طریقی رفع گردیده میتواندکه در دو راهی قرارگیرد: یااینکه‌ازشخصیت معنوی بی‌بهره شده وکیش سرکش خریدن وبدست آوردن بوجود آید ویا اینکه از رفاه ونعمت بخاطر رسیدن به تکامل موازین اخلاقی منصرف شود. این دوراهی در شرایطی صورت می گیردکه جامعه از عهده پرابلم حیاتی خود موفق بدر نیاید . درین جوامع شرایطی‌ایجاد میشود که انسان میتواند یخچال ویا موتررا تحت شرایط سهل بدست آورد . اما در مقابل نمیتوان اطفال را از نعمت سواد به آسانی بهره مند ساخت .

جوامع دومی ترك دنیارا تبلیغ نمی کنند ونمیخواهند که تولید اشیا به حالت اولی‌اش باقی بمانند بلکه میخواهند آنرا افزایش دهند .

هدف اینست که مناسبات احترامانه نسبت به اشیاداشته باشندوسعی شودتااینها منحیث هدف نهایی ویگانه هدف قرار نگیرند و فقط منحیث وسایل کمکی از آنها غرض رشد همه جانبه‌انسان استفاده شود .

جهان اشیا سریعا در حال تغییر است . اسلاف ما در جهان دیگری زندگی میکردند. جهان اشیای مابه جهان اشیای اخلاف ما ممکن است شباهت نداشته باشد . احتمال میرود بعد از بیست وپنج سال (۹۰) فیصد کالاهای مصرفی را اشیایی تشکیل خواهند دادکه مابا آنها هیچ آشنایی نداریم . سعی کنیم تا اطفال اشتباهاتی را که ما مرتکب شده ایم تکرار نه کنند .

نیلاب رحیمی

نگرشی بر کتاب نور و ظلمت

قسمت اخیر

صفحه ۸۱ «در واقع وضع شاعران رقت بار بود. ودرست همان حاکمی که آنها را به اوج افتخار و بهـزیستی رسانده بـود یك آن رأیش دگرمی گشت وایشان را به محبس می انداخت یا بدست جلاد می سپرد.» این ادعا را نمیتوان به حال همه شاعـران صادق دانست زیرا در گروه مداحان سلاطین قرون وسطی ، شاعرانی بودند که از صلات- گران ممدوحان خـــویش در اوج ثروتمندی وعزت زندگی میکردند وهمین طرز زندگی راتاپای مرگـــادامه دادند ۰ کـهمیتوان از رودکی ، عنصری ، فرخی ، منوچهـری، عسجدی ، امیر معزی وطواط، ظهیرفاریابیوغیره

که ازین همه شاعران تنها گریـــبان آرامش مسعود سعد ، درجنگ حوادث زمان با یك مشت اندك از شاعران دیگر وبس در حالیکه عزت وثروت مداحان تاآن اندازه بود کـه زبان زد خاص وعام گردید و حتی سبب رشك خاقانی شد که در باره عنصری ندادرداد :

به ده بیت صد بدره وبرده یافت
ز یك فتح هندوستان عنصـــری
شنیدم کـــه ازنقره زددیگـدان
ز زر ساخت آلات خـوان عنصری

گزیده اشعار خاقانی ص ۳۸۹ بکـوشش سجادی (طبع تهران ۱۳۵۱) و همچنـــا ن غضائری از بخشش گران سلطان محمود بـه فغان آمده گفت :

بس ای میکده جهانرا بشبهت افگندی
که از زوسرخشت این یاشکسته‌تنگ وسفال
بس ای مکتب که ضیاع من عقاد مرا
نه آفتاب مساحـــت نه باد شمـــا ل
بی‌ای‌مکتب‌که من ازبس‌عطاب سیدشد)
نه زانکه نعمت برمن حرام‌گشت ووبال

(دیوان عنصری ص ۱۶۲، بکوشش دبیر سیاقی‌طبع‌تهران ۱۳۴۲ وحال فرخی ومعـــزی وسایر شعرا نیزبدین منوال بودکه ممدوحان برای جلوه دادن نام خویش، ایشانـــرا در دربارگرد آورده وبه کمك صلات گران بـه گفتن مدیحه های بلند بالا در قالب قصاید غرا تشویق شان میکردند .

ص ۹۲ «... دست آخر دردهکده یمگان از توابع پامیر متوطن شد ...» ومدفن ناصر خسرو هم در همین دهکده است . وتاامروز مورد احترام خاص وعام میباشد . مردم‌قبرش راکه بنام شاه ناصر معروف است زیارت میکنند . ودهه یمگان از توابع بدخشان است

نه پامیر وپامیر عبارت از سلسله کوهی است در شمال شرق بدخشان کـــه از طرفی بـه پشتونستان چین و تاجکستان شوروی محدود گردیده ومربوط حکومت‌واخان‌ولایت بدخشان میباشد .

ص ۱۱۶ «نخستین قســـمت «خمسه» او (نظامی مخزن الاسرار ـ ظـــاهرادرســـال ۵۶۹ھ نوشته شده است .» ـ «شاعر دومین مثنوی بزرگ خود ـ خسرو شرین- را در حدود۵۷۷ هنـــیزبیادگرامی همسرش‌اهداکرد۰» در سال ۵۹۴ھ پنجمین مثنوی خود هفت پیکر را سروده به طور تقریب در سال ۵۹۸ ھ خمسه ر ابا سکندرنامه خود تکمیل کرد ۰» مولف در تعیین تاریخ‌های درســـت‌منظومـــه های پنجگانه نظامی اشتباهاتی کرده است وگذشته از آن هفت پیکر را پنجمین مثنوی شاعر نامیده است که از هر لحاظ قابـــل توضیح میباشد . نظامی نخستین مثنوی خـود مغزن الاسرار را بنابه تحقیق جعفر محجوب شر ۵۷۳ھ (رساله هشت بهشت وهفت پیکر

ص ۵ از انتشارات هنر ومردم سال ۱۳۵٤) واز نظر (هرمان راته) در سال ۵۷٤ یا ۵۷۵ به رشته نظم کشیده است (ص ۷۲ تاریخ ادبیات فارسی) دومین مثنوی خودرا نظامی

باتفاق نظر محجوب واته ص ۷۳ تاریـخ) در سال ۵۷٦ منظوم کرده است . سال نظم هفت پیکر چهارمین مثنوی نظامی باتفاق‌نظر هر دو مولف وجعفر محجوب وهرمان اتــه ـ تاریخ ادبیات فارس ص ۷٤) سنه ۵۹۳ ھ است اسکندر نامه که پنجمین منظومه‌نظامی میباشد ، که با سرودن آن خمسه خـــود را تکمیل کرد دو قسمت دارد . قسمت اول را شرفنامه میگویند که بقول اته ، در ۵۹۷ ھ وقسمت دوم که به اقبالنامه معروف است در ۵۹۹ ھ ختم میشود . (رك تـاریخ ادبیات فارسی، تالیف : هر مان اته ، ترجمه :رضـا- زاده شفق طبع تهران سال ۱۳۵۱) وص ۵ هشت بهشت وهفت پیکر ، نوشته محمدجعفر محجوب طبع سال ۱۳۵٤) وموالف که هفت پیکر را «پنجمین مثنوی» مینامد اشتباه‌بزرگی کرده است زیرا نظامی خود در دیپاچه‌اسکندر نامه از خمسه خویش چنین یاد میکند :

بسی گنجهای کهـن ساختـــم
درو نکته هـــای نو انـــدا ختـم
ســـوی مخزن آوردم اول بسیج
کـــه سستی نکردم‌درآن کارهیچ
وزو چـرب و شـیرین انگیختــم
به شیرین و خســـرو در آمیختم
وز آنجا سرا پرده بیـــرون زدم
در عشق لیلـــی و مجنـون زدم
وزین قصـه چون باز پـرداختم
سوی هفت پیکر فرس تاختـــم
کنون بـــر بساط ســـخن پروری
زنـــم کوس اقبال اسکـــندری

(شرفنامه نظامی ص ۸۷ بکوشش وحید دستگردی طبع تهران ۱۳۳۵ ھ چاپ دوم)

باتو جه‌بگفتار حکیم نظامـــی‌گنجوی‌سخن سالار شعرای عراق ، اشکالی در ترتیب‌خمسه او باقی نمی ماند .

ص ۱۳٤ـ«تاآنجاکه میدانیم نخستـــین نمونه این گونه داستان ها. در اوایل سال ٤۷۵ھ نوشته شده است .» منظور مؤلـــف قابوسنامه . عنصر المعالی کیکاوس. بـــن اسکندر از شهزادگان آل زیار میباشد .

اما این نکته را بایست ایضاح کرد کـــه قابوسنامه نخستین کتابی نیست که مؤلـف درآن به تدوین داستانهای اخلاقی وعبرت ـ اندوز جهت تقویه سجایای اخلاقی و تزکیه نفس پند آموزان، همت گمارده باشد ، بلکه پیش از آن آثاری دیگری هم باین شیوه تالیف شده بودند که از آنجمله میتوان از «مرزبان نامه» یادآورشد، مولف مرزبان نامه «اصفهبده رزبان بن رستم بن شروین پریم ازملوك طبرستان ازآل باوند که سلسلـــه معروفی است درتاریخ آن مملکت» ، میباشد وقرار گفته ٔمولف قابوسنامه، وی پیونـــد نژادی از طرف مادر به مولف مرزبان نامـه داشته است چنانکه میگوید : «وجدة مادرم دختر ملك زاده مرزبان بن رستم بن شروین که مصنف مرزبان نامه است ...» پس دشوار است که قابوسنامه را نخستین کتاب درین شیوه قلمداد نماییم .

(رك مرزبان نامه، مقدمه . تصحیح علامه قزوینی طبع لندن) ناگفته نماند که مرزبان نامه را مولف آن بزبان طبری تالیف کرده بود که در قرن هفتم هجری که بزبان دری بر گر دانده شد . صاحب چهار مقـــالـه‌پسر نظامی ص ۱۳۵ «احمد بن نظامی» ـ نظامی عروضی ثمرقندی، صاحب چارمقاله. پسرنظامی نیست بلکه نسب او در چار مقاله طبع معین «احمد بن عمربن علی نظامی سمرقندی» آمده است .

«... عیار سیاری بوده است به نام سمك که در سده۳هجری بـــــه گــروهی‌دزدبی- خانمان که در سیستان فعالیت داشته و نوع خاصی از مزدوران قرون وسطایی بوده انـد سرکرده‌گی می کرده ست .)

جملات بالا روشنگر این حقیقت اند که مولف ـ نور وظلمت ... در شناخت جنبش عیاران وجوانمردان سخت به خطا رفته است زیرا ایشان را «نوع خاصی از مزدوران قرون وسطایی ...» گفته است . تا آنجا که ا ز لابلای اسناد ومدارك دست داشته استنبـاط میشود روشن میگردد که جنبش های مبارزات ضدفیودالی وضد استبدادی ، بیشتر ازوجود عیاران وجوانمردان مایه داشته و مبـارزات شهامت بار ایشان بود که کمر فیـــودالان غارتگـــررا می‌شکـــستند وجلوی خونخواری حکام مستبد را میگرفت . ایشان گذشته از آنکه مزدور نبودند خود علیه مزدوران می ـ جنگیدند . زیرا این فرقه هیچنوع پیونـــد باطبقات وافشار ستمگر وفوقانی زمان خـــرد نداشتند . که بهترین مثال آن همان یعقوب لیث صفار، درخشان ترین چهره انسانـــی قرون وسطا ـ از هرجهت بحساب می آید . او زیر بار بیگانه نرفت جـــواب مزدوران . خواجه پرست را با شمشیر داد و شمشیـــر خودرا بجای فرمان خلیفه عباسی قرار داد.. وسایر جوانمردان دیگر، میتوان درین باره به مروج الذهب مسعودی، تاریخ طبری را تکامل بن اشیرگردیزی ، تاریخ سیستان . تاریخ بیهقی‌و‌تاریخ‌نامه‌هرات‌وغیره‌وغیره آثار مورداعتمادقرون وسطایی مراجعه‌کرد وحقایق مقتضی را دستیاب نمود .

د ر سده سوم هجری از «عیار سیاری بنام سمك» مورخان نام نبرده اند . واگر محتـلا چنین کسی بوده، پیشتر از سده سوم هجری بوده. از نحوه بیان مولف این مطلب مستفاد میشود که این. عیار ساده، یا یعقوب لیث ویاکسی از هم ردیفان ویاران او میباشد . این برداشت نادرست وغلط است و مولـــف بکلی تاریخ سیستان که از دو فر قه بنام «سمکی وصدقی» ذکری‌دارد ، خود علت‌بمیان آمدن این دونام ودو فرقه را بیان میـــدارد، که دشوار است از آن شرح چنین نتیجه گرفت کـــه بنام سمك کـــسی‌بوده اســـت. (ص ۲۷٦ تاریخ سیستان) .

ص ١٤٤ـ «منصب مرشدغالباموروثی بود. اگر از موروثی بودن منصب مرشد، منظور مولف همان پیوند بلافصل نژادی و اشتراك خون باشد، نظر مزبور در خورتردید است. زیرا اسناد ومدارك بازمانده از قرون وسطی. دررد نظر با لا صراحت ندارد . زیرا ازنحوه بیان وسیاق تحلیل آن آثار موروثی‌بـــودن منصب مرشد، استنباط نمیشود .

در سلسله های طریقت چارگـــانه رایج خراسان وماورالشهر ونیم قاره هند وفارس وبغداد وشام ومصر وترکیه مثل : قادریه . نقشبند یه، چشتیه، سروردیه، که‌سلسله‌هریك آن به یکی از خلفای راشدین منتهی میشود مرشد موروثی اصلا وجود ندارد۰ هـــر گاه تصوف را در روند تکامل عرفانی موردپژوهش قرار دهیم، خواهیم دیدکه موروثی بـــودن اصولا، در دوران آن‌دیده نمی‌شود۰

اسنادومدارکی از تالیفات متصوفان بزرگ خراسان و ماورالنهر و نیم قاره هند وفارس ما باقیمانده مثل : تذکرة الاولیا، کشف ـ المحجوب، رساله قشیریه وطبقات الصوفیه، شرح تعریف، خزینته الاولیانفحات الانس وغیره هیچکدام پیرامون موروثی بودن مرشد مطلبی ندارد تنها این قدر میتوان ازمحتوای آثار متذکره در یافت که حبیب عجمی رادر آستانه حسن بصری میبابیم وابوالحسن خرقـــانی را در سر گور بایـــزید بسطایی یعقوب چرخی را صاحب الذن از طـــرف بهاوالدین نقشبند ... ونظایر دیگر ازین قبیل که ذکر کردیم، که هیچ یك ازین عرفا پیوند نژادی وموروثی ندارند اما ایـــن ارشاد را از طرف مرشد خود یافته اند که پس از مرگ مرشد مسند نشین اوشده‌اند کسانی که بیشتر، علاقه مند به داشتـــن معلومات مزید راجع به سلسله های تصوف باشند میتوانند به کتاب «خزینته الاصفیا ـ تصنیف وتالف غلام سرور لاهـــوری طبع لکنهو ـ ج اول و دوم» مراجعه نمایند .

بقیه در صفحه ۵۲



صحنه یی از عملیات جرا حی

تر جمه: عبدالله

مریض شدن و یا معالجه کردن، کدام یک بهتر است؟

تصور کنید طفل شما مر یضــ شد، عطسه زد وسرفه کرد، خلاصه ینکه به ریز شس مبتــلا شد،ریزشس ا در حال حا ضر بنام پر معمای یضی شد ید سیستم تنفسی نیز اد میکنند .

کرمیشود که هیچکدام وا قعه خطر- ك رخ نداده است . ستون‌سیما بی ر مو متر چندان بالا نمیرود ووضع لفل مانند دیفتیری ومخملك‌چندان خیم نمی با شد .اما طبــق اظهار تخصصین ریز شس بسیار خطر ناك‌و جات از آن چندان کار سا ده نیست. ه این لحاظ به تا سف با ید گفته سود که غرض نجات از ین مریضی ز آن‌وسا یل کار نمیگیر ند چیزهای اکه پدر کلان های ما مورد استفا ده رار میدا دند . گر چه در حال‌حاضر ر طبا بت از چای با مر با گــرم‌و راب‌های پشمی استفاده میشــو د ما دا کتران اغلبا برای معا لجه‌مر- یضان ازدوا های قوی حتی‌از انتی- بیو تیك ها کار میگیر ند .

شما فکر نکنید که فقط غر ض معا لجه ریز شس از ین دوا ها کار میگیر ند بلکه غر ض تدا وی بعضی از مر یضی های معد وی نیزاستفاده میشوند. مریضی های که سا بــق بکمك شور با برنج «شور ویابرنج» سوپ گو شت مرغ رفع میگر دنــد در حال حا ضر بعضی او قات بکمك دوا های مقوی نیز معا لجه نمــی شو ند .

تغیرا تی که درعلم طبا بت رخ‌می دهد تا اندازه نا گز یر است ، کــه بالای جهان بینی طبی دا کتران نه تنها تا ثیرات مثبت بلکه منفی نیز وارد مینما ید.

اعلا نات مختلف که در قسمت‌دوا های تو لید شده صو رت می گیرد داکتران را تحریك میکند تا هر چه بیشتر از وسا یل‌معا لجوی عصری تراستفا ده کنند .

در جهانبینی طبی دا کتــران پیشر فت های مهم‌عملیات جرا حی تاثیر مستقیم وارد میکند زیرامر- یضا نی‌که از مر گ چند قد مــی بیشس فا صله دا شته نمیبا شنــد به حا لت نور مال باز میگرد ند. همه اینها خوا هی نخوا هی عقیده‌داکتران رادر قسمت وسا یل عصری‌معالجوی را ســخ تر سا خته وقوه محا فظوی ارگا نیزم انسان را روز بروز زیــاد فرا موشی می سپا رند (هدف از قوه‌محا فظوی مقا ومت عضو یــت انسان است) .

تما یلات فوق با لای وا لد ینــی که از طفل مر یض پر ستا ری مــی کنند . نیز تا ثیر مستقیم مینما ید. به تا سف باید گفت که وا لد ین زیاد مخصو صا وا لد ین جوان‌هنر پرستا ری از طفل مر یض را فرا ـ موشس کرده اند . اینها فکر می‌کنند هیچکدام تشو یشس‌آ را با ید بــه خود راه نداد، رژیم غــذا یی اطفال را مرا عات ننمو ده از دوا های‌مقوی وانتی بیو تیك ها استفا ده میکنند وخود را تسلی مید هند که همــه کار هاوبشکل‌منظم آنهاپیش‌میروند،

به این تر تیب سطــح انکشاف طبا بت به مر حله رسیده که‌پرابلم محدود یت طرق معا لجه در مقا بل‌ما ظاهر میشود . در ین صو رت بــا حواد ثی مقا بل میشو یم که‌تااندازه مارابه حوادث در سرك های عصری مو تر رو می اندا زد . از یك طرف مو تر هایی سا خته شده است که سر عت‌را تایکصدو پنجاه‌کیلو متــر واضا فه تر از آن با لا برده مــی توا نند واز سوی دیگر قوا عدی وضــع گرد یده است که نــظر بــه آنها سر عت های مو ترهادر بعضی شهر های جهان از شصت کیلو متر تجا وز نکند .

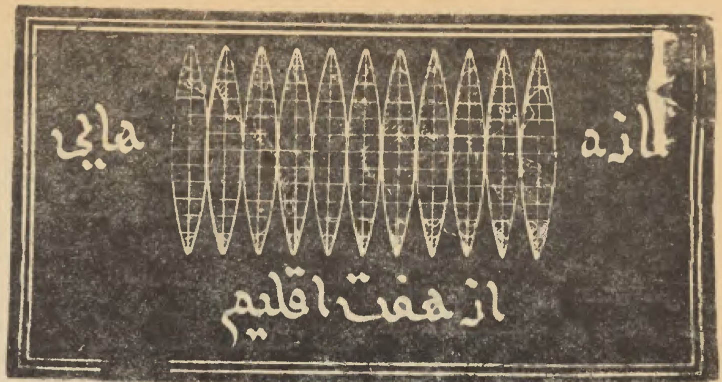
چرا از محدو دیت‌ها در طبا بت سخن گفته میشود ؟ این عمل‌دوعلت دارد . اول اینکه روز بروز ازگانیزم انسان قوه های کیمیا وی زیاد تــر رادر اثر پیشر فت علم‌و تخنیــك متحمل میشود . این قوه ها نه‌تنها در اثراستعمال ادو یه جات طبی به وجود بلکه مواد کیمیا وی که‌روزمره درتو لیــدات ومنــا زل از آن استفا ده میشود نیز با عث‌ایجــاد قوه های فوق میگر دند. دوم اینکه میکرو ارگانیزم ها بیمار ی زا خود روز بروز به دوا ها عادت گر فته‌ودر مقا بل آنها مقا وم میشو ند. پس برای اینکه میکرو ار گا نیزم هــای فوق منهدم شوند باید از وسا یــل معا لجوی تکا مل یافته‌استفاده‌شود. بعبا ره دیگر دایره یی تشکیل مــی شود که خروج ازآن بدون ضایعات همیشه امکان پذیر نمیبا شد امکان خو گر فتن انسان در ین مورد گرچه زیاد است اما تا لایتنا هی ادا مه‌پیدا نمیکند . در مقا بل عوا مل متعد دی که‌بالای ار گا نیزم انسان عمل می کنند فقطسیستم محدود دفاعی‌مقاو- مت میکند . یکی از سیستم های‌عمده وقایه است . این سیستم نه تنهــا در مقا بل میکرو ار گا نیزم های بیما ری زا مقا ومت نما ید بلکه‌انسان رادر مقا بل مواد کیمیا وی مصنوعی وهمچنین مواد ی که به مقاصد معا- لجوی تطبیــق میشو ند . حفا ظــه نماید قسمیکه دیده میشود دو عامل اخیر در اثــر پیشر فت علم وتخنیك بو جود می آید که طبا بت نیز در همین مجرا انکشاف میکند .اینجا- ست که یك حا لت عمده دیگر ایجاد میشود . اگر سخن از موا دی گفتــه شد که باوجود انسان‌بیگا نگی دارد پس در قسمت تلقیــح حفظ ما تقد م چطور عمل کرد وطور یکه هویداست در تعداد آنها در نیم قرن اخیــــر افزایشس قا بل ملا حظه بیمان آمده است ؟.

بطور مثال پیشر فت سر یع‌طب وقا یوی در اتحاد شو روی ایــن امکان را بوجود آورد تا امراض‌خطر- ناك‌اپید میلو ژیکی بکلی محوگردد. در ین جا ازبعضی امرا ض اطفــال مانند دیفتری‌میتوان نام‌برد، تجاربی که علمای اتحاد شوروی در یــن قسمت بد ست دا رند ایــن امکان را بو جود آورد تا سیستم مو ثــر وقایوی ومعا لجه امرا ض ایجادشود.

بقیه در صفحه ۸۵



بهتر است از دوا های او لیــه استفاده شود .



تنظیم و ترجمه : میرحسام الدین برومند

مساعی لازمه درزمینهٔ رام ساختن طبیعت

سر زمین «کالمکیشس» امروز دیگر آن سر زمین کوچی ها نیست ، مترو پول آن که بنام «مترو پول الیستا» یاد میگردد به‌معجزهٔ ممبز کوچك مشهور است ، نمای منظرهٔ آن براستی هم معجزه میکند . در واقع این سر زمین از نوتولد یافته است . بار اول این‌شهر پنجاه سال قبل تغییر قیافه داد وبه جای آن سر زمین مهاجر نشین ، یك منطقهٔ کاملا گوارا ، خوش منظر ومعمور عرض وجود نمود . این سر زمین در جریان سال های جنگ جهانی دوم به ویرانه‌یی مبدل گردید . پس از سالیان جنگ در «الیستا» فقط یك عمارت تخریب ناشده مانده بود واین زیاد دل انگیز است که در کالمیکش در اطراف عمارت نو وجدیداً اعمار شده که زمین های آن سوخته بود ، اینك درختان پر برگ وسبز دیده میشود . الیستا اکنون یك سر زمین قشنگ آسیایی است که سر حدات‌آن را بترتیب از طرف شرق ولگا ، غرب توسط دون ودر جنوب بحیرهٔ کسپین تشکیل داده است ، مردمان آن به لسان منگولیایی‌بلدیت داشت وباران درینجا یك چیز نایاب میباشد، در واقع عوامل طبیعی بیشتر سرزمین مزبور را متضرر گردانیده ، بترتیبی‌که قلت باران وکمی آب ، توفان های شدید یکه گرد و خاك را معمولا به طراف شهر می چرخاند ، شیشه های عمارات راباخاك یکسان میگرداند. تابستان ها حرارت درینجا به (۷۰) درجه سانتی گرید بالا میرود حالانکه زمستان های بی برف آن نیز خنك شدید با خود همراه دارد اما از آنجاییکه زندگی در «کالمیکش» کاملا خوب وانسانی است ، مسکونین آن‌با جدوجهد کار نموده وبا اطمینان به خاك‌میهن مقدس خویش می اندیشند که اغلباً مشاغل باشند گان آنرا تربیهٔ مواشی میسازد . در کالمیکش نزده فیصد زمین زراعتی است ، در متباقی حصص آن گوسفندان می چرند . با تغییرات عمیقی که بخاطر بهبودی مردمان کالمیکش صورت گرفته ، کانال های آبی ساخته شده وقرار تازه ترین گزارش درسال ۱۹۸۰ سطح هموار آبیاری شده درین نقطهٔ کاملا خشك به (۱۱۰۰۰۰) هکتار زمین بالغ میگردد که (۷۰۰۰۰۰) هکتار چرا گاه هانیز تحت آبیاری گرفته شده که این چراگاه ها برای تربیهٔ گوسفندان اختصاص داده شده است انستیتوت بر رسی وتحقیقات در الیستا در پهلوی سایر فعالیت های عمرانی که در زمینه های تاریخ ادبیات زبان یك دسپلین تازه برای غنای امور اقتصادی نیز رویدست گرفته شده که شاخه های کوچك قدیسم اقتصادی را انکشاف میدهد . تربیهٔ گوسفندو گندم کاری در مزرعه از مشاغل دلچسپ و عمدهٔ باشند گان آن بشمار می آید . درهر ده روز تروپ های حفر کننده در جلگه ها خود شانرا رسانیده وبخاطرزیبایی وسرسبزی سرزمین مزبور بذل مساعی مینمایند . تپهٔ که شهر را محاط نموده زیاد تماشایی است. وظیفهٔ این تپه محافظت جلگه های الیستاء از تابش گرمای شدید آفتاب کاسته و د ر تقلیل بخشیدن گرمان آن رول ارزنده دارد چه از فرط گرمای سوزنده معمولا دریا های آن می خشکند ورفع مشکلات زندگی سی تا پنجاه هزار نفر سکنه در ینجا مدنظر گرفته شده بود حالانکه شمار سکنه کنونی آن به شصت هزار نفر میرسد چونکه محیط زیست کاملا مساعد گردانیده شده . «دورس هییف» یکی از معماران فعال این سرزمین میباشد که وی بدون شك همیشه طرح های ساختمانی خوبی برای این سر زمیـــن داشته است . عمارات دوازده الی شانزده طبقه یی بسان یك کریستال بزرگ جلب توجه میکند . عمارات ورزشی بس جالب از هنر معمارچیره دست وی حکایت میکند. نا راحتی، وواقعاتی که ازناحیهٔ حرارت قوی، توفان های حرارت‌زا قلت آب وامثال این‌که متوجه مردم گردیده، استقامت وپشتکار ایشانرا بیشتر آشکارا می سازد . درین شهر تمام زیکلام ها با چراغ نیون میدرخشند . در قصر کلتوری آنجایك سالون رقص وجود دارد در تیاتر با شکوه آن شام ها نمایشات جالب نشانداده میشود. چندین سال قبل بیولوژست ها برای محافظت گیاهان ونباتات پس از مطالعات دامنه داری درینجا در صدد یافتن طرقی برای رشد و محافظت نباتات درین سرزمین گردیدند .

اگر امروز گوشت های ملایم و اعلی در مغازه های آن بخشم می خورد بخاطرتوجه عمیقی‌است‌که به تربیهٔ مواشی خاصتاگوسفند در آنجا بعمل آمده که باید مرهون تدابیر محافظوی بود بعلاوه برای حل تمامی معضله ها درین جا معه یونیورستی هاوانستیتوت های مختلف به بررسی وتحقیق شان بلاوقفه وسعت بخشیده وتمدن صنعتی را بیشتر در خدمت مسکونین «کالمیکش» قرار داده اند امروز درین نقطهٔ ازجهان به آلات تزئینی زیادتوجه شده، دیوار هاهمه مزین ومنقوش رنگ - آمیزی شده وصنعتگران وسازندگان هنر اینجا بیشتر بوظیفهٔ شان علاقمندی نشانداده وعلاقمندی ثابت کرده اند، سالون های هنری همواره محل تجمع و هنر نمایی شاعران و آوازخوانان بشمار آمده‌که چیره دست ترین شاعران حضور بهم میرسانند که انسامبل مشهور بنام «تولپان» که رقص های چندین قرنه وباستانی را نشان میدهد بر غنای هنری (الیستا) افزوده است . امروز فرزند هزاران چوپان، ماهی گیر ، میخانیکر، کارگر ساختمانی از اطراف به الیستا آمده و در یونیورستی آن مصروف فراگیری تحصیل‌اند تا از اندوخته های فزیکدانان ، بیولوژست ها فلاسفه ، مربیون پیداگوژی وکیمیادان ها چیزی اندوخته ومستفید گردند . در واقع زندگی در کالمیکش یك الهام خوبی است برای ایمان به پیشرفت بشر ، چه کالمیکش که تانیم قرن قبل سرزمین خشك، فاقد آب ومحل زندگی مردمان آواره وکوچی ها بود امروز در اثر مساعی زیاد آنجا به‌یك مرکز بزرگ زندگی ، معرفت وعلوم مبدل گردیده است .



این تصویر زندگی چادرنشینان کالمیکش‌رانشان میدهد .

مبارزات پیگیر بخاطر رهایی از سطلهٔ رژیم فاشستی وضدانسانی پنوچت درچیلی

چرخش های عظیم انقلابی وسازنده د ر امریکای لاتین ، خاصتا در بیست سال اخیر زیاد چشمگیر ودر خور یادآوری است چه درطول این زمان تحولات عمیقی در عرصه های حیاتی وسیاسی مردم آن رونما گردیده است ، البته بیست سال اخیر از نگاه ناظرین سیاسی درین قاره ، سه مرحله را احتوا می نماید . انقلابی که در کیوبا به پیروزی رسید در واقع پیروزی نیرو ها ی مترقی وتحقق بخشیدن سیستم پسندیده و گزیدهٔ جهانی یعنی سوسیالیزم بجـا ی مناسبات پوسیده بخصوص به‌عوض سیستم‌کاپیتالیستی درین قسمتی از جهان بود که این خود به منزلهٔ پیروزی بی همای خلق مبارز و انقلابی کیوبا ورهنمونی ایشان در جهت برقراری مناسبات صلح در روند تکامل جوامع بشری بحساب می آید . تلاش ها ی اهریمنانه امپریالیست ها هر چند که در سال ۱۹۷۳ منجر به استقرار رژیم فاشیستی در چلی گردید ، لاکن مردم چلی دیر یا زود به‌نیات وآمال نیك، انسانی وبشر دوستانهٔ خود دست یافته ویکبار دیگر به امپریالیزم و ارتجاع جهانی خواهند فهماند که دیگردوران آقائیت وبادارى بسررسیده وتوده های تحت ستم هرآن در صدد گریز از سیطره های ضد مردمی وفاشیستی اند چه مردم خود میخواهند در فضای آگنده از آزادی ، دموکراسی و صلح ، فارغ از هرنوع ستم و استثمارزیست بدارند . یکی از مراحل ظفرمند دیگر د ر امریکای لاتین همانا پیروزی انقلاب در۱۹۷۹ در نیکاراگوا میباشد، این پیروزی بحیث یك جنبش دینامیکی تاریخی در جهت پیشرفت سیاسی واجتماعی واقتصادی، امریکای لاتین رادر مسیر نهضت های پیروزمندانه ترانقلابی قرار داد . این پیروزی وپیروزی های نظیر آن در امریکای لاتین به جهانیان بر ملا ساخت که هرکجا دیکتاتور ومستبدی است، سلطه اش خواهی نخواهی روبزوال است که مثال واضح آن واهمهٔ دیکتاتوری که در قسمت جنوبی «ریوگراندی» حکمروایی دارد، از نیرو های مترقی است چه نیرو های آزادی بخش ومترقی بیهم زور گویان ودر بندکشان راتحت فشار درآورده ومجال نخواهند دادکه مستبدی ناتوان ها را دربند بکشد . مگر ممکنست پنوچت مادام العمر وجاودانه خواهد توانست به دیکتاتوری اش در چلی ادامه بخشد؟ خیر، مبارزات برحق و رهایی بخش برای پایان دادن به مظالم اجتماعی، علیه رژیم خونین پنوچت با جدیت تمام روز تا روز اوج میگیرد . بیقین در برابر جبهه واحد و دموکراتیك مردم، پنوچت بزودی بزانو خواهد درآمد واین خلق چلی خواهد بود که وی را از مسند اش بدور افگنند . مخصوصا در سالیان اخیر گروپ هاییکه خواهان آرامش صلح ودموکراسی برای چلی اند، روز تا روز متشکل تر میگردند . مساعی این نیرو ها زیاد تر، در قدم اول در جهت پایان بخشیدن به‌عمال ننگین‌امپریالیست‌هاست تاباشدکه‌دستان

آغشته بخون هزاران بیگناه را از دامـــان زحمتکشان ورنجبران در چلی، کوتاه سازند، تا باشد که با ایدیالوژی مترقی و کامـــلا دموکراتیك وبشر دوستانه خویش، قاطعانهٔ برامپریالیزم پیروزی حاصل بدارند . باز هم این کشور های سوسیالیستی و دول مترقی اند که همبستگی شانرا با چلی اعــــلام و ایشانرا در راه طرد نیرو های ارتجاعی و امپریالیستی تا آخرین سرحد آن، همراهی ومساعدت خواهند کرد . مخصوصا از سال ۱۹۷۶ بدینطرف با مساعی وجدیت های کاملا انقلابی طرح هـای اساسی برای پایان دادن به رژیم فاشیستی وضد انسانی پنوچت دنبال میشود که مرام اصلی همانا رسیدن چلی به یك جامعهٔ ضد فاشیستی میباشد. جنبش های انتی‌فاشیستی درچیلی، برای‌خلق چیلی بیشتر این امیدواری را می بخشد که رژیم فاشیستی پنوچت روبزوال است هر چند زمامداران فاشیست چلی یك آن از مقاومت دســـت نکشیده ودر راه‌مغلوب ساختن نیروهای ترقی وصلح سخت میکوشند و دست و پا میزنند غافل ازینکه ایـــن اصنـاف زحمتکشان ، کارگران، دهقانان وسایر نیرو های پیشرو ومترقی اند که باهم متحد شده اند ومحققاً سرانجام پیروزی بااقتدارمتذکره خواهد بود واین کارگران، دهقانان و تمام زحمتکشان خواهند بود که با مشت های پولادیـــن و کوبنده، بدهن امپریالیست ها و مرتجعیـــن خواهند کوبید . از قرار معلوم نیرو هــای مترقی در چلی به رسیدن به پیروزی نزدیك گردیده اند . گرچه یکتعداد از همکـاران حزبی از طرف رژیم پنوچت سربـــه نیست گردیده اند، لاکن مبارزین راه آزادی انسان در چلی که با ایدیولوژی مترقـــی مجهـز میباشند .

با درك اشتباهات قبلی، بزودی به سیطره فاشیستی پنوچت پایان خواهند داد . مردمان وطنپرست چلی مدعی اند که آنان سراسر زندگی را علیه امپریالیزم ، نیوکلونیالیزم، راسیزم، اکسپانزیونیزم وسایردشمنان آزادی می رزمند . میهن پرستان چلی میگویند که ماعاشق استقلال وآزادی هستیم وتلاش مـــا آنست تا مزایای دگرگونی های شگـــرف سیاسی را که در اثر سوسیالیزم در اتحاد شوروی وسایر کشور های متر قـــی بوجود آمده، بمردم توضیح بداریم .

نتایج کار محققین در زمینهٔ دهکده کوهستانی گوسالت یا دهکدهٔ جواهرات

در ینجا مطالب تازه یی را درمورد دهکدهٔ گوسالت گزارش میدهیم ، دهکدهٔ که‌دامنه های بلند کوه های داگستان که در قسمت جنوب کوه‌های قفقازموقیعت دارد . دراطراف این دهکده گردنه ها وتنگه هـــای عمیق ، مناظر فریبنده ای ساخته . دریاهای خروشان کناره های این‌کوه از شهکاری های دیگـر طبیعت است که بردیدنی هایی این منطقهٔ تماشایی می‌افزاید . سرك های که به اطراف خانه های سنگی تراس مانند کشیده شده، راه مسکونین آنجا را بهمدیگر وصل ونزدیك میسازد . یك بخش دیگر این منطقه که بنام «بازالت» شهرت داشته‌وقلب دهکده‌رامیسازد، همه از سنگ شکسته ودرز یافته ساخته شده که با اینهم در میان آن سکنه آن بزندگی پرداخته واین خانه ها بسان یك بلاك درانظار جلوه میدارد . این دهکدهٔ کوهستانی بـــه استنادتحقیقات مورخین معاصر دراعصارقدیم توسط سه‌معمارزبدهٔ آنروزگار، ساختمان‌منازل مذکور طرح شده بود . هدف ایشان تشکیل دادن بلاك های طبیعی سنگی یعنی در آوردن یعنی در آوردن سنگ ها ومغاره ها و در مجموع فرو رفتگی های کوه بشکل منـــازل بمنظور بقا وادامه حیات شان در آنجا بود و آرزو داشتند مسکونین بلاك های طبیعی را

امتداد داده وتاقله های کوه مستقر گردند. گفته میشود که این مردمان ، مردمان‌فرهنگ دوست بودند که میخواستند خود ایجاد گر کلتور بخصوص وصنایع مختص بخودباشند. مسلما همین علاقمندی های ایشان بود که مسکونین آن بخاطر دریافت فلزات قیمتی ودرآوردن آن به اشکال تازه رفته رفته‌کسب شهرت نمودند ، عدهٔ دیگر، دهکده گوسالت را دهکدهٔ دیگ ها مینامند ، شاید بجهت آنکه خانه های مسکونی طبیعی که با اندکی تغفییرات طرف بود وباش قرار گرفته، آنجا را بدین اسم یاد کرده اند وهم بجهت آنکه معمولا فلزات قیمتی خویش را دردیگ هـــا میگذاشتند ، دیگ هاییکه خود آنرا ازنقره وغیره درست میکردند .

بهمین منوال دهکدهٔ گوسالت را بنام های دهکده زرگران ودهکده جواهرات نیزمینامند که علت این نامگذاری آشکاراوهویداست . در منازل هریك از باشندگان این دهکدهٔ واقع شده دردامنه های مرتفع و حواشـــی وکنج وکنار کوه ها، لوازم و سامان آلات کاملا ناب وساخته شده از فلزات وناب که عبارت میشد از لوازم طعامخوری وچایخوری بازوبند ها وحلقه هایی طلایی، سگك هـای کمربند، بشقاب های تزئینی نصب شده در دیوار ها که از نقره ومرکبات آن درست میگردد، از داشته های مردمان آن محسوب میگردید که اغلب لوازم طرف ضرورت‌فامیل ها. بعلاوهٔ فلزات گرانقیمت ما قبـــل الـذکر از فلزاتی چون نیلو وفلیگران نیز ساخته میشود . جواهرات دانه نشان دهکده، جای

این امر است که مسکونین دهکدهٔ مزبـور مردم باکلتور وبا فرهنگ بوده اند و قرنها قبل توانست اند ، سطح ونحوه وچگونگی زندگی خویش را در آثار خو د که بجـا گذاشته اند ، انعکاس داده وخود وسیله یی گردند برای انتقال چگونگی زیست خویش به نسل های مابعد . در دهکدهٔ «گوسالت» به فواید گیاهان توجه میشد وبرای طبابت نظافت ولطیف ساختن جلد از گل ها ونباتات کوهی استفاده بعمل می آ مد . ا ز ینکه بگذریم مطلب درخور توجه در بارهٔ مسکونین مذکور همانا دسترسی ایشان به صنـــعت ، بخصوص صنایع ظریفه است حس ابتکار و ژرفنگری در آثار ایشان نیز، توجه آدمی رابخود میکشد . بطور مثال یکی از قطعی های چای آنها که بتازگی بدست آمـده، کاملا نقره یی بوده، بطور خاص دیزایـــن یافته . نتایج کار وزحمات وخلاقیت هنر ی



این اشیا از دهکدهٔ «گوسالت» کشــف گردیده است .

خاصی در میان مسکونین آنروز گارداشت .

مردمان آن از شاخها جام های آب نوشی ساخته وآنرا مرصع نیز میکردند . خم ها وکوزه های خرد وکلان که همه با دیزاین خاصی از برنج ونقره تهیه میگردید، بیانگر این واقعیت است که آنان از نگاه داشتن فلزات قیمتی غنی بودند . از قرار معلوم روی هریك از لوازم مذکور یکماه وحتی بیشتر از آن کار میکردند که از نگاه محققین معاصر بدون شك جواهر فروشان، زرگران،معماران وصنعتگران دهکدهٔ «گوسالت» با خلاقیــت ابتکاری که داشتند ، بیقین معجزه میکردند واشیایی با آنهمه زیبایی ونفاست درست میکردند . مدارك قسمت زیاد این‌گزارش ها که پس از کاوش ها تثبیت گردیده، گواه این دهکده بوده که امروز بر غنای بسیاری از موزیم های کشور ی که موزیم مذکـور آنجا موقیعت دارد، افزوده است . کنون نه تنها اینکه اشیای دهکده برای نمایشگاه و موزیم هاطرف مشاهده قرار گرفته، دهکدهٔ مذکور خود نیز ارزش تاریخی یافته که هر قسمت وبخش آن مبین کلتور وفرهنگ و هنرخاص میباشد که در ینمورد با بجـاب سپردن تصویری از اشیاییکه بتازگی هاازین دهکدهٔ کوهستانی بدست آمده وفعلا دریکی از موزیم های جهان قرار دارد ، بسنده‌میکنیم ومنتظر تحقیقات بعدی می باشیم .

هغوی چې ژوندی دي

ژان لافایت

«دپیښونه ډکه سریزه»

په یو گرد چاپیر یا ل کې او دیـوی نمی پرسر باندی چې یوی تنگـی دری تـه مخامخ واقع شوی دی ، دکاج و نـسی بی غوڅی کړی دی تر څو چې د حاضـری لپاره ځای جوړ کړی ، په هر ی خوا کې

دونی پری شوی ټوټې او دودانو لو سا مـان پرا ته دي چې دسړی پښې پکښې بندیږي.

ددغه ځای په گرد چاپیر کې اوږ ده ودانۍ چې دیوی لویې ذوذنقی بڼـه لـر ی ځنگله ته مخامخ پرته ده د ځنگله له مینځه دنورو ودانیو بڼه‌بڼه لیدلی شـو• موږتـه مخامخ په دری سوه متر یزه واټن کـی یو غر چې مخ په آسما ن جگ شوی دی ښکا ری . زموږ په دوه کیلو متر ی‌واټن کی د بید یا هغه خوا ته چې موږ ته ښه ښکا ری یو شمیر نور غرو نه وا قع شوی دی چې دهمد غه غر سره یو ځای کیږ ی او یوه کـړی جوړوی . اوموتـږوزن د تیری

کار ځای ته ډیره ورته ده• دغه نوی ځـای دمو تـږوزن په پر تله ډیره ار ته ده د..۱۳ مترو په اوږ دوالی دیوا ل زموږ په گـرد چاپیر کی جوړ شوی دی اوله همد یاملهژ ی ته د (ژول ورن) حیرا نو نکی‌تاریخی کیسی را په یاد وی •

زموږ تر پښو لانـدی د واوری پـر مخ څو انسا نی جسدو نه پراته دي . جسدو نه لو څ لپړ دی او دهر یوه پر ټټر با ند ی دخوډ کا ر قلم سره یو عدد لیکل شوی دی ما او (پل) وروستی جسد راوړل ددی لپاره چـی جسدو نـه مو پریو بړستن با نـدی

ایښو دل او هغه مو کش کو ل ډیـــر ستړی شو داځـــکه چې دایومشکل کـارو هغه (کاپو) چې موږ باندی مـو ظـف د ی داطلا عا تو دلاس ته‌راو ستلو لپاره تللی

دی• اوس موږ یواځی ددغه میدان ژ و نـدی مو جوړ دات یو . بیا هم زموږ تر پښولاندی شمیر جسدو نه چې ستر گی یی خلا صی‌دی اوآسمان ته گـــوری پراتـه دی دهـــغوی

ځنگ ته شمیر تا بو تونه چې تختی یی یو دبل نه لری لری میخ شوی دی دبند یا نو دا جسا دو ځخه ډک دی . (پل)یی له دی نه چې متا ثر وی خپلی ستر گی یـی بنې‌نیولی دی او وایی:

ـسوچ کوم چې په څه حالـــویدلـــی یو ؟ .

ـهوکی . څو سره له دی با ید ووا یم چې او س مو ږ ته هغې منظری عا دی ښه لری کو م چې پخوا تردی زموږ دو حشت او ویری سبب کید ل ...

ـښا یی داخبره ددی لپاره وی چې موږ په هم یوه ورځ یا ممکن دی سبا ددوی په سر نو شت اخته شو او ددوی په څیر.. همد لته و لو یږو .

ـښا یی .

ـهغه ده ، کاپو موږ ته غږ کوی .

کا پو پدا سی حا ل کی چې نږ د ی کیږی . یو شمیر سامان او آلات زموږ په وړاندی گوزاروی او دستور را کوی چـی

تا بو تونه خلاص کړو . داکو م سخت‌کار ندی . تختی دځلورو دانو میخو نو سره پر تا بو ت با ند ی نښلی شوی دی . پـــل ماته وا یی .

ـآخر دوی څنگه غواړی چې یو بل جسد هم دغه تا بو ت کی ځای کړی ؟ دلتـــه خو دیوی گو تی په اندازه ځای نشته .

خود کا پو چر ت خرا به نده او موږ ته امر کوی چې په هغو تا بوتونو کی‌چی پخوا مو دوه جسدو نه ځای کړی و یوبل جسد هم ځای کړو . ددغه کار نه‌وروسته دتا بو ت سر نه ټینگیده نو ځکه دغه سړی (کاپو)دخپلو بوټونه سره تا بو ت با ندی پورته شو او دهغه تر پښو لاند ی دمړ و دهډوکود ما تیدو غږ پورته کیده...

مو ږ ته کوم بل مهم کار پا تی نه و ه پر ته له دی نه چې تا بوتونه میخ کړو.

ـشنل ، شنل .

یوه لاری موټر زموږ ډلی ته نږدی‌درېږی داهغه لاری ده چې هره ورځ یی موږ‌ته دخواړه دراوړ لو لپاره مو ظفه‌وه او پـه

عین حال دهمدغی لاری‌نه انـــسان‌ســو‌ځوو نکو کوره (کر ماتوریوم) ته دجسدونو داپیږ لو لپاره یی هم گټه اخستل .

اما او پل هره ورځ مو ما موریت درلود چې‌دهغو نا روغا نو جسدو نه چې پرو نشپه په رو غتون کی مړه کید ل دغه ځای ته را وړو . دا پنځلس ورځی کیږی چـــی موږ پد غه کا ر بو خت یو .

نن د ۱۹٤٤ کال دآوریل لسمه نیټه ده .

روغتو ن ته ننو تل کوم آسا ن‌کار نه و دهغی ورځی په سبا چی (ابنسی) تـــه را غلو ټول هغه فرا نسو یا نو چې دموتږوزن ځخه را غلی وو دلواز ما تو دوړ لږ راوړلو په کا ر و گما رل شول او یوه ورځ‌وروسته موږ یی په بیلو بیلو (کما ندو)کـــی وویشلو . هغه ار دو گاه چې موږ او س پکی یو ، نوی جوړه شوی ده . ددغـــه اردوگاه و دانی دیوه څلور سوه کسیـزی بند یانو دډلی په واسطه په تیر نوا مبر میا شت کی پیل شوی او لاتر اوسه پو ری

دو دانو لو کا ریی په بیړه سره جر یا ن لری . نوی کو ټی او خوب ځا یو نه جوړی شوی دی . داردوگاه غولی لو ټیږی داوبو دو تلو لاری کیند ل کیږی او دبر ښښنا

بر جو نه نو ی جو ړ یږی . په ډیر ه بیړه یو ه دهوډی پخولو او یو انسا ن سوځونکــــی کوره (کـــره ماتوار)دجوړیدو په حال کی ده . دغه اردوگاه با ید د می دمیاشتی‌ی ترلسمی‌نیټـــــی پوری دلسوزرو کسو بند یا نو لپاره جوړه شی . مو ږاوس او س یوا ځی دری زره تنه یا ستو .

خو دغه ار دو گا ه یواځی دبند یا نـــو دسا تلو لپاره نه جو ړ یږی ، بلکه د هغوی دبد نی قو ت او کا ر ځخه هم گټه‌اخستل کیږی . دهمدغه منظور لپاره ددغه کا ر سر یزه داردو گاه په‌یوه کیلو متر ی‌واټن کی په یوه سیمه کـــی چې (اشتاین بروك) نو میږی پیل شوی دی . پد غه سیمه کـــی دبند یا نو ستری ډلی شپه او ورځ دنقب کیند لو په کا ر بو خت دی او په هغـــه تو نل کی چې دغره په منځنی برخه کـــی کیند ل کیږی په هرو څلور و یشتوساعتونو کی یوا ځې شپږ متره پر مخ ځی دا یوستر ربړونکی او تصور نه منو نکی کا ر دی، چې نو ی پیل شوی دی . (سیمون) چـــی هلته تللی و دهغو لکو مو تیفو نو ، ماشینو نو او سامان ځخه کیسه کو له‌کوم چې په موقتی پټ ځایونو کی زیرمه شـــوی دی . او دهغه ځخه هره ورځ یو ټك موټر دلته راوړل کیږی . دکا ر پر مختك دهغو و اورو د اوریدلو له امله چې زموږ دراتگ ځخه را پد یخوا شیبه په شیبه اوری ، ځندیږی او دکا ر ځنډ مخ په زیاتیدو ده .

په ار دو گا ه کی داونی درخصتی خبره نشته . دادی دوی او نی کیږی چې پرله‌پسی

کار کوو او یوا ځی دری اونی وروسته دیکشنبی په ورځ موږته رخصتی را کړ ی خودکلمی په واقعی مفهو م په (ابنسی)کی

رخصتی نشته . ددغه وخت په اوږ دو کـــی بند یا ن با ید دغو لی و اوره پا کی کړ ی او هره شپه د ورځنی کار دپای ته رسیدلو ځخه ورو سته دپروژ کتو ر نو درڼا په مرـ

اید دهغو ونو ریښی او پا تی شو ی ځانگ تی دار دو گا ه دغو لی په مخ کی پرا دی‌بهر‌ته ویسی•

کار دجریان‌ځخه پرته په بل و خت ک لیدنی کتنی امکان‌نـــلری . زه (دلته‌بـــــه المانیانو باندی ښه تیره شی)دجـــــملی

ه یاد ولو ید م او متو جه شدم چې هغ ممیر فرا نسو یا نو چې مخکی له موږ دلته را غلی وه ، ورووړو مړه کیږی ا

لازمه ده چې پد ی هکله سو چ وکړو .

نور کا ر وانونه به ډیر ژر راورسیږی دکو ماندو گا نی او نورو ساز ما نو نـ شمیر به ډیر شی .د پخوا نیو بند یا نو لپاره د ژغورنی یوا ځنی لاره داده چـــی خپلو ځانونو ته مناسبت ځــــای ترلاســـه کړی تر څو چې په را تلو نکی وخت کی‌د خطر سره مخا مخ نشی او موږ هم دهمدغی نقشی د تنظیمو لو ځخه وروسته په فعا لیت پیل وکړ .

(ما ینو س) داردو گاه رئیس یو آلمانی دی‌دهغه نه چې تیرشو • داردو گـــــاه‌منشی (آلبر ت) نو میږی او اصلا دلو کزا مبورگ او سیدو نکی دی خو په فرا نسو ی ژ به غږ یږی او پخوا هم دمو تږوزن په پنځـم

نمبر بلاك کی مو ږ سره یو ځای و .ښایی چې دهغه ځخه مر سته تر لاسه کړو .اوس اوس دوه تنه فرا نسو یا نو د (کاپو) به توگه دنده سرته رسوی یو یی (ما ر سل) نو میږی او پخوا په‌یوه سودا گر ی‌شرکت کی مد یرو او بل یی یو کمو نیست کارگر دی او (ژوزف)نو میږی . دغه ورو ستی سړی ددی لپاره چې دالزاس اوسیدونکـی و او په آلمانی ژبه پو هیده دغه دنده یی تر لاسه کړی دی .درو غتو ن داکتر هم یوه فرا نسوی دی چـــــی (رنه)نو میږی هغه هم کمو نیست دی او دلو مړی کا ر وا ن سره دلته را غلی دی او دخپلو فدا کا ریو او زحمتو نو له بر کته ډیر محبو بیـــت

لری . او په وروستی پړاوکی ښا یی چـــی (با با هانری)او دهغه دگا ونډی (امیل)به هکلـه وغـږیږو ، د ی د (اشتـاین بروك) په یوه کا ر ځای کی کا ر کوی دو ی دواړه کمو نیستان دی . دهمد غو دواړو په مرسته موږ وکولای شو ل چې خپل ډ یـر

ملگری په هما غو لومړیو پنځلسو ورځو کی په آسا نو کو ماندو ګا نو کی ځای په ځای کړو .

ویلی ،ژول او سیمون دژوزف په‌کوماندو کسی کار کـــوی،د«پل» یوه ملگری‌چــی لوسین نومیږی د ۱٦ نمـــبر بـــلاك نـــه موږ سره راغلی و ، دالکتریـــسینانـــــوپه بلاك کی کا ر کوی . زه، پل او پتی‌لوئی دډاکتـــر رنه پـــه غو ښتنه په روغتـــون کـــی په کار ګمارل شوی یو . یواځـــی «انداره» په اشتا ین بروك کی کار کوی او تراوسه پوری مو ږ و نشو کړای چی دی دهغـــه ځای څخه وبا سو .

داسی بر یښی چی موږ به مقاومت وکړو خودغه کاربه ډیـــر آسان نــــه‌وی.

* * *

ما اوپل خپل ورځنی کا رونه سرتــــه رسو لی دی ، په روغتون کی یو ، او د کړ کی څخه دواورو او ریدو ته ګورو . پل وایی :فرق‌نه کوی په هـــــر صورت‌داشتاین بروك په پر تله آرام یو .

ـهو کی زموږ هره ورځ چی تیر یږ ی یو نوی بریا لیتو ب ترلاسه کوو ...

پل دیو جا روب پر دسته با ندی تکیه کـړ ی وی او مـاتـه ګوری زه هم‌یوه صافی په لاس کی لرم . دلته هم با ید د موتهوزن په څیر سړی دکار یو افزار په لاس کی ولری تر څو چی داس اس له خواغافلګیره نشی . په همد غه وخت کی زموږ اس‌ـ اس هم پیدا کیږی . پل خپل جا رو ب ســره ځان بو ختوی اوزه هم پـه‌بیړه‌سره‌خپل‌صافی ښښیښی پر مخ موښم پل بیا وایی :

ـهو کی په‌هر صورت دلته ښه ده .

ـآهای ، زه تاسو پسی ګر ځیدم .

ډا کتر (رنه) دخپل سپین چپن سره‌زموږ په‌شاولاړ دی . هغه په ربښتیا سره یو پـــه‌ـ زړه پوری سړی دی دهغه اخلاق او مینـــی له امله چی ټولـــو نارو غانو سره یی لـــری یره په زړه پوری ده . دی خپل ټول قوت او ټول وخت دنا روغانو د سلامتیا په‌لاره‌کی مصر فوی .. (رنه) دخپلی جګی و نـــی او بزرګ منشا نه کړه وړه سره په‌ربښتیا سره ددغه چا پیریال واکداردی په دا سی حال کی چی هغه په‌واقعی توګه هیڅ کاره و موږ غوندی یو بندی سړی دی. دی‌داسی یو بندی دی چی پوهه او عملی تجر بی یی پل داس ـاس د ملنډ ی سره مخا مـــــخ کیږی .

ډاکتر په پسته ژبه موږ ته وایی .

ـښه کار مو وکړه !تا سو دواړو تـه وایم .

ـڅنګه ؟

ـسره له دی چی څوو اری می تا سوته ویلی و بیا مو هم نن سها ر دکټا فا تو ډیلی دبلاك تر څنګه خا لی کړی دی پداسی حال کی چی ما تل تا سو ته سپار ښتنـه کړی ده چی دغه شیان و سو ځوی. له همدی امله اس‌ـ اس عصبا نی شوی اووایی چی دروغتون ټول کار کوونکی به‌وځکوی.

ـخو ته ډاډه واو سیږه چی دغه کـــــار زموږ له خوا نده شوی .

ـ نـــو هر و مرو بـــه دپټـــی لویی کــــار دی .

دهغه کار هـــــم نده څــــکه چی ما سره یی مړی کش کول .

په همد غه وخت کی اس‌ـ اس تا لاړ ته دننه را ځی ، منشی هم ورسره دی او خبری یی ژبا ړوی .

ـښا غلی رئیس غواړی چی پوه شی چی دکټافا تو ډیلی نن چا تش کړی دی.

ـموږ ندی تش کړی .

ـښا غلی رئیس وایی چی که تر پنځوـ دقیقو پوری ګنا هکار ځان معر فی نکړ ی دروغتو ن ټول فرا نسوی کار کو نکی بـه دمترو کو پنځه ویشت ضربی وخوری .

پل مخ ته ځی او وایی : که هرو مــــرو باید یو سړی ځان معر فی کړی زه‌حاضریم چی‌پنځه ویشت مترو کی وز غمم .

ډاکتر چغه کوی او وایی : هغه ګنـــاه نلری !

ـاوس به څه وکړو ؟

اس ـاس (پتی لوئی)ته غږ کوی . دا غـــو څـــه خبره ده چی هغه هم ګناه نــلری. هغه اسپانوی سړی چی زموږ په څیر داطاـ قونو مسوول دی هم ګناه نلری . اس‌ـ اس موږته وایی :

ـډیر ښه . اوس چی هیڅوك نه غوا ړی اعترا ف وکړی تا سی څلور واړه با یـــد وتکول شی .

ـڅلور واړه دلیك څخه بهر را څو. په را هروکی یو کټ‌ایښودل شوی دی .هغـــه پتی لوئی ته اشاره کوی چی پرکټ‌بـــاندی پر یوزی . یو لهستا نی پر ستا ر غو اړی چی دپتی لوئی اوږه ټینګ ونیسی او دوه‌کسه نور چی دمځکی پر مخ ناست دی غوا ړی‌چی پښی یی ټینګی ونیسی . خو پتی لوئی‌هغوی پو هوی چی مر ستی ته اړ ندی اس‌ـاس کمری‌ته ځی‌او یو کائـــــو چو یی‌متروکـــــه چی یوه او سپنیزه مزی یی هم په زبا نه کی لری له ځانه سره راوړی . دی‌دملنډی نه ډکه بڼه لری . موږ دری کســـه نـــور دخپل وار انتظار با سو او پینبی ته ګورو ډاکتر (رنه) ددی لپاره چی دغه صحنه ونه ګوری زموږ دډلی څخه لیری کیږی ،پداسی حال کی چی پو هیږی چی دده دغه عمـــل به هغه دجزا وړو ګر ځوی .

اس ـاس ټوپ وهی او دخپل ټول قو ت سره دمترو کو پنځه ویشت ضربی دپتی‌لوئی پر کو نا ټی باند ی حوا له کوی . هغـه دخپل مترو کی سره ښه نښه نیسی او هغه پر هد ف با ند ی حواله کوی .

پتی لویی خپـــــل لاسونه دکټ‌په پایـــو با ند ی ټینګ نیسی خو خپل ځا نتـــه ټکان نه ور کوی دجزاد تطبیق څــــخه‌وروسته کپ کپ . جګیږی او ګړ ګړ ځی‌اولیری کیږی .

زما واردی . زه هم دهغه په څیر اجا زه نه ور کوم چی څوك را سره مر سته وکړی یواځی‌په هماغه بڼـــه ځان نیسم اوخـــپل سر لږ شا ته ټیت نیسم اس ـاس چـــی ستړی شوی دی یو چکو سلواکی پر ستار را غواړی . مترو که یی په لاس کی‌ورکوی او ورته د ستور ور کوی چی دهغه پر ځای ما وو هی . دغه سړی په لو مه کی‌لویدلی حیوا ن په څیر ما ته ګوری ، خو بله‌چاره نشته با ید دستور اجرا شی (داس‌ـ اس دد ستو رنه اجرا کول په هره وجه چی وی داعدام جز الری)٠ زه انتـــظار باسم ٠هغــه په وهلو پیل کو ی او دهری ضر بی څخه وروسته په آلما نی ژبه وایی .

ـیو !

لومړنی ضر به ډیره کلکه نه وه .

اس ـاس بو غاری وهی

ـپزوره یی ووهه !

ـدوه !

دا واری مترو که پرځان باندی مـــــی ونښلید . ډیر زیات درد احسا سو م.

اس‌ـاس دګوانښ نه پـــه ډګ غــږ سره وایی : په زوره ، لاهم په زوره !

ـدری ! ... څلور !... پنځه !...

دپتی لو ئی په شان د درد له زوره خپل لاسو نه دکټ پر پایو با ندی ټینګو مدرد زغم نه منو نکی کیږی .

(نوربیا)

بقیه صفحه ۱۲

کنترول توبرکلوز ...

برای ششماه دارای ذخیره میباشد.

رئیس انستیتوت ملی کنترول توبرکلوز در مورد فعالیت کنترول توبرکلوز چنیـــن معلومات داد :

اول : وقایه ذریعه واکسین بی‌سی‌جی .

دوم : کشف واقعه توبرکلوز در قدم اول بواسطه معاینه مستقیم بلغم ودر حوزه هـا بوسیله مکروفلم .

سوم : در تداوی مریضان توبرکلوز حق اولیت به مریضان بلغم مثبت داده میشـو د وبعضا مریضان بلغم منفی که از نگاه رادیوـ گرافی فعال میباشد وتداوی مریضان خا رج ریوی درصورت ادویه کافی وبعد از تشخیص قطعی از طرف متخصص مربوط تحت تـداوی قرار گرفته می شود .

چهارم : تمام پرسونل که در پروگـــرام توبرکلوز فعالیت میکنند باید تحت ترینینگ در داخل وخارج گرفته شود وهمچنان ا ز نگاه تبلیغات از وسایل مفاهمه جمعی مانند روزنامه ها ، رادیو، تلویزیون، جـــراید، پامفلت، کنفرانس ها وغیره استفاده گردد .

پنجم : تعقیب مـــریضان غیر حـاضـــر ، مریضان دارای بلغم مثبت در صور تیکــه تداوی خودرا ناقص وبدون هدایت داکترقطع کنند باید از طرف شعبه مربوط مـــر یـضان را جهت دوام تداوی تشویق وکمك کنند .

همچنان تحقیق وریسرچ تنها در انستیتوت ملی توبرکلوز از نگاه نوع مکروب وغیره صورت می گیرد .

در ولایات فعالیت ازنگاه واکسین‌بی‌سی‌جی که توسط تیم سیار آمریت معافیت کتلـــوی صورت می گیرد وهمچنان واکسیناسیون در خود حوزه ها از طرف واکسیناسیون به اطفال نوزاد واشخاصیکه واکسین نشده اند اجـرا می گردد .

فعالیت کشف محراق توبر کلوز جهت بر آورده شدن این مرض همکاری تمــام شعبات صحی‌وپرسونل صحی،شعبه توبرکلوز میباشد یعنی تمام اشخاصیکه دارای سرفـه بیشتر از چهارده روز میباشد ویا علام دیگر توبرکلوز در آنها مشا هده می گردد بـــه شعبه لابرا توار معرفی وبلغم آنها بصـورت مستقیم معاینه میگردد ودر صورتیکه بلغم مثبت داشته باشد تحت تداوی گرفته‌می‌شوند

تمام حوزه های توبر کلوز دارای دستگاه مکمل رادیو مکروفلم میباشد اشخاصیکـــه دارای بلغم منفی واز نگاه توبر کلوزمشکوك میباشد باید رادیو گرافی از آنها گر فته شود که البته تشخیص آن تنها مربوط بـــه آمرحوزه توبرکلوز می‌باشد.

در قسمت تداوی مریضان دارای بلغــم مثبت برای یك الی سه ماه استرپتو ماسیبن روزانه یك گرام همراه بایك تابلیت‌تی‌بی‌یك (ایزو نیازید سه‌صد ملی گرام‌بایـکصدو ـ پنجاه ملی‌گرام تیاسیـد ازون بعـدا جهـت دوام تداوی آن از نوع تداوی روزانه استفاده می‌شوند دارای مراحل ذیل را بایدبپیما یند عبارت از تداوی مقطع یا تداوی مراقبتی نبز کویند بالای مریضان تطبیق می گـــردد . (استرپتو ماسیبن هفته دو گرام ایزونیازید هفته دوازده صد گرام بادو تابلیت ویتامین بی ششم.

داکتر خیرخواه گفت :

ـ تمام مریضان که تحت تداوی گـر فته می شوند دارای نقاط ذیل می باشند .

۱ـ راجستر عمومی : مریضان توبرکـلوز دارای نمبر مسلسل می باشند

۲ـ کارت تداوی که از طرف انستیتـوت تربیت داده شده واز نگاه نوع تداوی، معاینه بلغم ، تشخیص وشهرت مکمله خانه پـری گردد تداوی برای یکسال می باشد یعنـی چهار بار بلغم آنها بفاصله سه ماه منفـی باشد .

۳ـ مریضان غیر حاضر به هر شکلی که باشد جهت تداوی جذب گردد و وسایـــل ترانسپورتی در اختیار شان گذاشته شود .

٤ـ به‌نزدیکان مریضان‌بلغم مثبت واکسین بی‌سی جی تطبیق گردد.

ازوی پرسیده شد که‌در ساختمان انستیتوت ملی کنترول کدام کشور بـاشما همکـــاری نموده است گفت :

ساختمان مجهز ومدرن انستیتوت ملـــی کنترول توبر کلوز در ساحه بیست جریب اعمار گردیده کمك بلاعوض حکومت جا پـان می‌باشد بمبلغ ۱٥۰ ملیون دالر که‌شامل‌سامان ووسایل اکسر یـز ، لا بـراتوار شعبــات اپیدیو لوژی و شعبات تعلیمات صحی دفتر، وسامان ولوازم دفتر وترانسپورت را شامـــل ترانسپورت می‌باشد

علاوه بر کمك های سامان ولوازم ، تربیه پرسونل فنی به سویه های مختلف تحـت پروگرام فیلو شپ راهم مساعدت نموده وهم متخصصین راجهت کمك فرستاده‌اند.

بقیه صفحه ٤٦

کتاب نور وظلمت

ص ٤٦ـ «خواجه‌عبدالله‌انصاری، بزرگترین وبقول خودش مهمترین تصنیف خودرا بـــه لهجه قدیم هراتی نوشته است» منظور مولف ازین تصنیف مهم همان، **طبقات صو فـیه،** میباشد این کتاب مستقیما اثر پیر هر ا ت نیست : «گویا شیخ الاسلام مطالب آن‌کتاب را بحذف اسناد وعنعنه در مجالس تذکیر و تدریس خنیش املا فرموده ویکی از شاگردان آنرا مینوشت بنابران این کتاب مستقیما اثر خامه ونگاشته شیخ الاسلام نیست و مانند بما کتب ورسایل دیگر از امالی شیخ است که ابن وجب آنرا بعبارت «مجالس التذکیر بالفارسیه الحسنه»ستورده است . » (ازمقدمه پوهاند حبیبی بر طبقات الصوفیه ص ۱۲) واز صفحه اول متن کتاب هم بخوبی پیـدا است که کتاب، نوشته کس دیگر است نه از شیخ الاسلام زیرا مولف هیچگاه عباراتی راکه درین صفحه درج است راجع به خود نمی نویسد «رك طبقات الصوفیه بکو شش پوهاند عبدالحی حبیبی ـ طبع کابل ۱۳٤۱)

ص ـ ۱٤۸ـ بهرامشاه غز نوی ـ٥۱۱ـ٥۱۲ه این تاریخ درباره دوره سلطنت بهـــرامشاه اخرین پادشاه مقتدال نـا صر در غزنـین از خطاهای سخت مشهود ونادرست است‌بهرامشاه نظربه‌قول منهاج السراج جوز جـــانی مـدت چهل ویك سال سلطنت کرد . (طبقات‌ناصری ج ا ص بکو شش حبیبی طبع کـابل ۱۳٤۱) وگذشته ازآن حکیم غزنوی حدیقه را درسال ٥۱۱ ویا ٥۱۲ ه ، برای‌بهرامشاه اهدا نکرده است بلکه بروفق تحقیقاتی که اخیراء صورت

گرفته ودر سیمینار سنایی در کابـــل اظهار گردید ، سال فوت حکیم غزنوی حوالی٥٤٥ هجری روی احتمال نزدیك به یقین تعیـــن گردید . بنا براین براهمین مولف نـور و ظلمت در ضبط تاریخ مزبور مرتکب خـــطا شده است که‌بایست تصحیح گردد.

ص ۱٥۰ ـ «وحتی‌عده کثیری از این شعـرا کاملا مجنوب‌این اندیشه ها بودند بنا براین

پابه پابدنبال سنایی وعطار واوحد الدین‌کرمانی متوفی به سال ٦۹۸ هجری در شعر خـــود «مصباح الارواح» خوانده را به سیر وسیاحت

تمثیلی عرفانی در جهانهای نا شناخته‌ترغیب میکند .» ـدر جملات بین هلالین مابه نارسائی مترجم در روشن کردن مفاهیم خوبتر پـــی

میبریم . زیرا مترجم در جمله به دزدی‌های که‌ز موده نه پیشوایان ودنباله روان رامشخص کرده است. جمله از .«اوحد الدین کر مانـــی

از لحاظ مفهوم ، پیوند دارد وگذشته از آن به‌بعد دیگر جملات قبلی نه‌از نظرشکل ونه

مولف محترم درسال وفات «اوحدالدین» سنه‌نا درستی را درج‌کرده است . او سال ٦۹۸ را سال وفات شاعر مزبور دانسته در حالیکه‌این

سنه نظر به‌قول «ذکریا قزوینی»ـ در آثـــار البلادـ (ص ۲٤۸ طبع بیروت‌سال ۱۹٦۰ م) سال فوت اوحدالدین کرمانی نیست ســـال فوت او سنه ٦۳٥ میباشد که در بغداد بوقوع پیوست وعلی اصغر حکمت نیز سال ٦۳٥ ه را سال وفات اوحدالدین کرمانی دانسته‌است.

(اك حاشیه ص ۱۸۳ـ از سعدی تا جامی ـ تالیف بروان ترجمه علی اصغر حکمت طبع المان ۱۳۳۹ هشی) بنابه اسناد دست داشته ومدارك متذکره سال ٦۹۸ سنه ایست‌نادرست ونمیتواند سال وفات (اوحدالدین کرمانـی) باشد .

ص ۱٥۳ـ بنابر افسانه او پس از مدتها سر گشتگی عاقبت به شهر قونیه در آسیـا صغیر روی آورد .» اقوال مذکور در باره‌پدر مولانا جلال‌الدین محمد بلخی صاحب مثنوی گفته شده است که قرار دادن شرح زندگی او را به‌مبنای افسانه سخت نا درست ودرخور تنقید است . زیرا اسناد ومدارکی که پیراـ مون زندگی آن عارف وواعظ معروف که‌صیت شهرتش در فضای سر زمین پهناوری ازبلخ تاقونیه طنین انداخته بـود معلـــو مـــا ت میدهند همه موثق محکم واستوار اند . بدین معنا که مولنان‌آن اثار از معاصران ومریدان سلطان العلما بهاوالدین محمد بـن حسیـــن خطیبی بلخی وفرزندش مولانا جلال الدیـن محمد بلخی بوده اند از آنر و شرح حال و جریان زندگی موصوف مبتنی بر اسناد موثق تاریخی است **که‌محال‌است‌آن‌حقایق‌انکارناپذیررا** افسانه پنداشت. کسانی که میخواهنـد در زمینه معلومات مبسوط داشته باشند میتوانند به‌کتب ذیل . «**مناقب العارفین افلاکی ج اـ** چاپ انقره بکوشش تحسین یازیجی ـسال ۱۹٦۱ م» ـ «ولد نامه انشاه بهاوالدین بـن مولانا جلال‌الدین بکوشش حسین اقبال طبع تهران »ـورساله سپهسالار ـ تالیف .فریدون معروف به‌سپهسالار چاپ‌کانپورسال ۱۳۱۹ه» مراجعه فرمایند . تابین تاریخ وافسانه فرقی بگذارند .

ص ۱۸۲ «اودرشهر کوچك جام درنزدیکـــی نیشابور دیده بجهان کشود.» منظور مولف ازین دیده کشوده مولانانورالدین عبدالرحمن جامی شاعر معروف قرون نهم هجری است محل تولد اوجام در نزدیکی نیشاپور نیست بلکه نزدیك هرات ودرآن روزگاران خـود از نوابغ هرات بود. وحالا بین هرات ومشهد واقع شده است که از نیشاپور نه تنها امروز بلکه درزمان تولد جامی هم بسیار فاصلـه داشت .

علی الرغم آنچه گفته شد جام در عصر تیموریان وآنهم دوران حیات عرفانی وهنری مولانا جامی‌از توابح ومربوطات هرات بود وبنام جام هرات شهرت داشت بعد ها مرز های که درائر تشبث ناجوانمردانه وغارتگرانه استعمار غرب بین ممالك تعیین گردید . در پیکر سـرزمین ما نیز تاثیرد کرد .

امادر مطالعه حوزه های فرهنگی در نظر گرفتن این مرز های تحمیل شده مشکلاتی را ایجاد میکنند بایست این موانع را نادیده انگاشت وساحه پژوهش را گسترش داد .

بقیه صفحه ٥

عشق زناشویی ...

انسان کار های روز مره خود را به بسیار سهو لت انجام داده میتواند مگر درعین حال حس میکند که تا کدام اندازه انکشاف رو حی او ففیر است .

پرا بلمهای موا زین اخلا قی بـا خوا ندن کتا بها ومجلات مخصو ص حل شده نمیتواند. ضرورت است‌تا جا معه بطور مکمل نیروی خود را دزین مورد بسیج نماید .

زمانی که ازدواج فقط اکمال‌مناـ سبات اقتصا دی‌را ارا ئه میکردنو جو نان حتی به ایجاب وقبول‌والدین به ازدواج آماده میشد ند .

این نوع ازدواج نظـر به ازدواج های عصر حا ضر مثال گا دی یـك اسبه را دارد . عشق ودو ستی‌ضرور است تا سا زما ند هی شود.عشق‌و محبت بدون جدو جهد ساز ما ندهی مفهوم ندارد .

یکی ازعلمای مشهور از پیرز نی پرسید : آیا خود را خو شبخـــت احساس می کند ؟ پیرزن جواب‌داد: خوشوقت‌در صورتی مــــی بـودم که‌شو هرم تاا‌کنون زنده‌می بوددرین موارد در مما لك پیشرفته کلچر ها ترتیب داده میشود مشوره های مفید در موارد مختلـف بـه اشخا صـــ داده می شود که تازه عرو سی کرده اند. سعی میشود تا دو نفر را به فرهنگ مناسبات در ازدواج آماده سا زند .

بطور مثال بعضی ها نزد اشخاص مجرب مرا جعه کرده وسوال مـــی کنند : نمیدا نیم‌چرا با هم منا قشه میکیم. مسله بسیار سا ده است‌اینها تا حدی رسیده اند اما از نکات‌روانی یکد یگر هیـــچ اطلا عی نیا فته اند.

اینهمه از مسا یل بسیار ابتدا یی شروع میشود .شو هر بدون اینکه متو جه شود از بعضی لطا فـــت هایش‌در مقا بل خانم می کا هـــد . خانم اگر در ین صو رت انتظار‌بدنیا آمدن طفل را دا شته باشد بسیار کم حو صله میبا شد . اگر شو هر در اینصورت از صبر وتحمل کار نگیرد مسله‌به‌جا های دیگرکشانیده میشود .زنها به نو به خود نیز به این نکته متو جه شوند که‌شو هربه فا میل وپدر شدن بزو دی‌عا دت‌نمی گیرد واز بعضی وظایفش با خبـــر نمیباشد . پس وظیفه به سبك واسلوب مخصو ص‌شوهران شا نرا بـــو ظایف مر بوطه ملتفـت سا زند. اینجا ست که زند گـــی مشترك دو تن ممکن است به بسیاز خو شی وآرا می سپری شود واز مزا یای زند گی لـــذت‌ببرند.

بقیه صفحه ۳٥

طلا سلطان فلزات

می کردند که میتوانند طلای مصنوعی بسازند اما هیچکس بانجام این‌کار قدرت نیافت و سوال چگونگـی ساختن آن لاینحل باقـــی ماند .

«الکمسیت» ها از زمانهای قدیم، درصدد آن بودند تا سنگی را پیدا کنند که بتوانند فلزات رابه طلا تبدیل کنند .

امروز که با داشتن وسایل عصری مـی توانیم از نیروی اتمی کار بگیریم بـــازهم ساختن طلای مصنوعی ساده نیست . زیرافزیك دانان وکیمیادانان، باید برای ساختن طـلای مصنوعی ازیك مقدار سرب وپلاتین کــــار بگیرند ومدت هارا صرف نمایند تابه اندازه یك نوك قلم خودکـــار طلا بدست آورند . اما ارزش همین طلای ناچیز معادل با چندین تن طلای طبیعی خواهد بود .

به‌هرحال این کـــار باهمه دشواری کـــ دارد خیلی دلچسپ وجالب است زیر ا این طلای ساخت دست بشر نتیجه یك سلسله کارها وتجارب طولانی است .

زمین شناسان بما اطمینان میدهند که در معادن موجوده طلای کره ارض یك مقدار کافی طلا وجود دارد . بهر صورت خواه‌تولید طلا بلند برود ویا نزول کند . یا قیمت هر اونس آن بلند برود ویا بگذارند که پا یین بیاید ، تقاضای طلاهمیشه نسبت به عرضه‌اش بیشتر وانسانها همیشه مجذوب رنگ زردابن فلز بوده وخواهد بود چنانکه طی شش هزار سال بوده اند .

بقیه صفحه ۱٥

اقلم آینده...

پیش بینی گردیده است .

مطالعات مشابه توسط کونتر بارت هـــای شان در دیگر ممالك هم تماس حاصل‌گردیده است . در سال ۱۹۷۷ یك کاغذ تحقیقاتـی به عنوان انرژی واقلیم جوی ، در امریکـا طبع گردیده است . جمع کننده های مقالات این را هم نشان داده اند که ممکن گرمی عمومی منحصر به تزئید در کتله کاربن‌دایـ اکساید درقناء باشند . علمائی امریکامعتقدند که گرمی عمومی شاید خود بخود در قرن۲۱ احساس کردند ویك نتیجه (یا همیت)جدائی عظیم در قرن ۲۲ دارد . بس اینطور نتیجه گرفته میتوانیم که محدود ساختن انکشاف قدرت صنایع یك امر مسلم وضروری بشمار میرود که خود منحصر ووابسته به احتراق فوسیل های مواد سوخت میباشد .

زیرا بصورت آشکارا یك چیزی غیر قابل استفاده است . بسیاری از علماء در کوشش هستند تا راه حل برای تهیه‌وسایل محافظوی اقلیم جوی که فعلاء همین طور است پیـدا کند این هم یك وظیفهٔ مغلق است . هیـچ کدام گرانتی در قسمت وقوع آن وجودندارد.

مردم ماداو طلبانه ...

ولی هما نطور یکه مردم ما باز بردن حفیظ الله امین وبا نـــد سد شی‌در عمل ثابت سا ختندکه یچ اجنت ودست پرورد، استعمار ستبداد را تحمل کرده نمی‌توانند این تبهکا ران نیز در عمل ثابت ا ختند که برای اخلال گری هاو جاد فضای ترور واختناق شان‌فر- ت نخوا هند داد وآنها را نیزچون لف خاین شان از بین میبرند و واهند برد، صدق این حقیقت در کا ری های مردم وشهر یـــان بل با دو لت انقلا بی شان در ریان حوا دث اوا یل حوت وبعـد آن بخو بی مشهود است و به‌مثابه ست محکمی است بد هان همـــه خوا هان ودشمنان انقلاب وپیشر- ت صلـح آمیز کشور ما. وا فعیت ر هم‌اینست که دشمنان حالادیکر املا نا امید شده اند واز آخر ین به‌های بی‌تاثیر وبی نتیجه که در انته های‌شان با قی ما نده اسـت ای سنگ اندا زی در راه‌پیرو زی ردم‌ما استفا ده می کنندواین حر به ماناهمان حر به‌ی کهنه ورنگ‌ورو فته ی دهها سال قبل است که‌بـا نگ ورو غـن دادن آنرا می‌خواهند ردیگر برعلیه کشور ومردم مـــا ستعمال‌نما یند یعنی می خوا هنـد زیر پرده‌ی دفاع از دین وآیین‌مقد- ی مردم ما(که هر گز صا دقانـه ین کار را نمی کنند) امیال خود‌رابر رده سازند ولی طور یکه قبـــلا فتیم این حر به نیز کار گرنیافتاد نمی افتد زیرا مردم مادر عمل مـی بینند که دو لت از خود آنهـــا در خد مت خود شان است واین ولت انقلا بی ما است که بحیـــث ا دق‌تر ین حمایه کننده ی‌همـــه عتقادات وسنن پاك مردم کشور در مل وفا داری خود را ثا بت‌سا خته ست.هکـذا دو لت انسان دو ست هیوما نیست ، یعنی دو لـــت موزی‌دموکراتیك افغانستان بامردمی‌که اآگاهانه فر یب این‌اخلال گران و ما شتگان استعمار وامپر یا لیزم عناصر یکه بد ستور امپر یا لیزم ار تجاع منطقه حوا دث شوم اوایل وت را بمیان آورد ند) را خورده بودند با مدارا وگذ شت بر خورد نمود وکسا نی را که سند و دلیـل قاطـع مبنی بر سو نظـر وعمل‌شان موجود نبود فورا از حبس رهـــا سا خت‌چنا نچه تا حال ۹۹۲نـفراز کسا نیکه فر یب دشمنان مـردم‌و انقـلاب افغا نستان را خورده‌بودند وناآگاهانه آله ی‌دست اجنبی شـده بودند از حبس رهاشده اندوقـرار گفته های عده از ین‌فریب‌خورده‌هادر جریان تحقیق ومدت قلیل حبس‌بـا ایشان بر خورد کا ملا انسا نـی‌و شرا فتمندا نه صو رت گر فتـــه است وهکـذا عده‌ی از آنها به نما- یندگی‌دیگر هم قطاران خود پس از اظهار ندا مت همبستگی کا مل‌شانرا از دو لت وانقلاب ملی‌ودمو کرا تیك افغا نستان ابراز دا شته اند.

از ینجا ست که می گو یم: دولت ماامروز از مردم است واین حقیقت راخود مردم نیز به نیکی درك کرده اند وحا ضرند با نثار جان ومـــال خود از آن‌دفاع وپشیبا نی‌نمایند.

مر حله ی دوم تکا ملی انقلاب‌ثور که کینه ودشمنی امپر یا لیزم ودر را س امپر یا لیزم‌امر یکا،منحرفین وخائنین چینی وار تجاع سیاه منطقه منوجه آنست واین کینه تو زی آنها درا‌عمالی منعکس است که در قبال دولت مردم وانقلاب مر دمی مـــا روامیدارند.این‌اعمال پلید شا مـــل چور وچپاول ،کشتار دسته جمعی کشتار پیر زنان وپیر مردان‌واطفال صغیر نیز است‌و علا وتـا نیروهای امپریا لیستی وار تجا عی به این‌هم بسنده نشده ومزدوران ورهز نـان زر خر یدخود را با مقا دیری زیـــاد ســح ناریه وجا ر حه سا خـــت زراد خانه‌های‌پنتاگون، پیکنگ‌ولندن بکشور ،صادر می نما یند تـــا ان نقشه های شوم شا نرا عملی سازند ولی‌امروز وطن وانقلاب مادیگرپـا- سدا ری‌دارد شکست نا پذ یـــرو دلیر وسلحشور آری‌مردم ، اینجـا -ودانه صخره ی شکست نا پـذ یـر مد افع وطن وانقلاب ما ست وچون به شهادت تا ریـخ مردم معد وم‌نا شد نی وشکست نا پـذ یرارست انقــلاب ثور نیز چون از دفـــاع وپشتیبانی مردم ما بـر خور داراست شکست ناپـذ یر وجا ودان است.

بهتر ین نمایا نگراین‌دفاع‌وپشتیبانی تشکیل دسته های داو طلب دفاع‌از انقلاب ووطن می باشد که بشکـــل رضا کارا نه‌وبا شورو شوق فرا وان از طرف مردم وطنپر ست وآزا دی دوست ما صو رت می گیرد .

حزب دمو کرا تیك خلق‌افغانستان که عا مل اصلی وگر دان‌پیش‌آهنگ این عمل انقلابی است در طول‌مو- جودیت پر افتخار خود وبخصو ص بعد از پیرو زی انقلاب ظفر آفر ین ثور در عمل ثابت سا خته است‌کـه می توا ند مردم وطن را بد نبال‌خود بکشاند تا از وطن ،انقلاب ودســت آورد های انقلاب‌با شهها مت‌ودلیری دفـــاع نمایند .

زند ه‌باد مردم افغا نستان ایـــن حماسه آفر ینان تا ریـخ منطقه

بقیه صفحه ۱۹

و یتامین ها

و کم شدن قوای تدافعی بدن در مقا بـل بیما ر یها ی عفو نی .

چه کسانیکه .بایدبیشتر ویتامین‌سی صرف کنند ؟

اشخا صیکه د خا نیات دود می کنند به پیمانه‌زیاد به ویتامین سی‌ضرورت‌دا رنـــد چه طبق آزما یش های که صورت گر فته ، بد ن این قبیل اشخا ص ویتا مین را زود تر ازبین می‌برد.

کسا نیکه بیشتر خنك وسردی احسا س می‌کنند و یابه بیماریهای کـــبدی د چـار اند مقدار بیشتر ی از این ویتا مین‌ضرورت دارند .

آنها ئیکه وجود شان در مقا بل امراض مقا و مت ندارد و نیز کسا نیکه در دورهٔ نقاهت بسر می بــرند وهمچنان اشخا صیکه فعا لیت دما غی شان زیاد است با یـــد بیشتر از ویـــتامین سی استـــفاده کـنـند

ویتا مین د : برای دا شتن دندا نها ی خوب ، اعصاب کا ملا را حت ویك خواب آرام از این ویتا مین لازم دارید . اگروجود تا ن فا قد و یتا مین د با شد کلیسم و فسفر دربدن تا ن جذب نمی شود و از بیماری نرمی استخوان (را ستیسم)رنـج می برید ، کمبودی این ویتا مین در اطفال مرض ریکتن ودر اشخاص بـــالـغ مرض اوستو مالیسارا بوجـــود آوردکـــه‌دراثر این امراض استخوانها شکنـــنده و تـــاب خورده به نظر ی آیند . زنان با ر دارکه نما می ذخیرهٔ ویتامین (د) خود را به جنین مید هند باید در دوره حا ملگی ویتا مین‌د بیشتر صرف کنند و اطفـال باید بیشتـ به این ویتا مین تو جه داشته با شند .

در منا بع که این ویتا مین را جستج و کرده میتوا نید : اشعهٔ آفتاب ، جگر ،ماهی زردی تخم، رو غـن ، مسکه و شیر مـــی با شد .

ویتا مین ك : این ویتامین زیاد تر برای لخته شد ن خو ن در بد ن ضرور است زیرا قلت آن خطر نا ك بوده واگر نا حیه از بد ن قطع ویا پاره شود خو ن بمقدار زیاد فواره می کند که با ختن و ضا یع شد ن مقدار زیاد خو ن سبب مرگ می گر دد .

ویتا مین ك تو سط محیط رودهٔ انسا ن تو لید شده می تواند و کبد بدو ن این ویتا مین قادر به تولید پرو ترو مبین‌نیست منا بع مهم ویتا مین ك با دنجان رو می قسمت سبز گیا ها ن، تر کاری و زرد ی تخم می با شد .

ویتا مین ای : یکی از ویتا مین ها ی محلو ل در چر بی ومو ثر در اعما ل بد نی است بهتر یـــن غذا های که ویتامین ای ، دارد کاهـــو ، روغن هـــای نباتی ونطفـه گند م است این ویتا مین برا ی تکا مل حجرات بصورت نورمال ضرور یست .

اگـــر غذای یو میه شما حـــاوی‌ویتامیـــن ای ، باشد عضـلات شمـا ضعیـف و لاغـر نخوا هد شد وهر گز از عدم تزا نا یی جنسی مفهوم نخواهید بود .

ویتا مین پ : اگر بد ن شما فا قداین ویتا مین با شد ، خطر پاره شدن، وریدها، خونریزی و کمی فشار شما را تهد ید می کند پس جهت رفع خطر لازم است از پوست نارنج ولیمو استفاده کنید . این ویتا مین برای بر قراری فشار طبیعی شر یا نها و جلو گیری از حملا ت فشار نا منظم آنها ضرور است .

ویتامین ها وپوست :ویتامین هـــا جزء دارای ویتا مین ها ی مختلفه می با شند اما اکثرا شا مل ویتا مین، هستند چنانچه میوه ها ی تر ش وآبدار اکثرا حا مل ویتا مین می با شند مثل لیمو ترش ،نارنج گیلاس ، انگور ، تو ت زمینی .

ویتا مین ها و پوست : ویتا مین هاجزء مهم تند رستی بد ن است ، طوریکه تما م اعضای بدن ووظا یف آن تحت تا ثیرویتامین ها قرار گرفته و کمبود آن با عث بروزبیمار یهای گونا گون می شود . مادر پا یین مفید بت ویتا مین ها را در امر اض‌جلد ی ذکر می کنیم :

اگر دانه ها ی سیاه کو چك در قسمت عر یا ن بد ن شما مثلا در صورت ودستهای نان بروز می کند از و یتا مین (پ،پ)علاج آنرا جستجو کنید .

اگر مبتلا به بشورا ت سرخ که رو ی آنها را فلس سفیدی پو شا نیده و بیشتر در قسمت خا رجی مفا صل آرنج قرار دارد ، برای درمان آن از ویتا مین ۲ب کمك بخوا هید .

در صور تیکه مبتلا به سر خی دایم در رخسار مخصوصا در گونه ها وبـینی هستید از ویتا مین (پ) استفاده کنید .

اگر مو ها ی شما زود سفید می شو د ویتا مین (اچ) را از یاد نبر ید و آنرا از غذا ها ی چو ن جگر وحبو با ت بد ست آورید .

ارزوستان

دوستان عزیز !
با ما مکاتبه نمائید
شعر ، داستان و مطالب دلچسپ
و خواندنی بفرستید

پر همت خورشید

گاهی بنشین ، بنگر
در لحظه‌ی مقدسی که کوشش جاری است
رویش زرد ، بینور ، بیرنگ میاید
درو یك نقطه ـ نقطه‌ی متمرکز (ایمان) میجنبد
با قامت نحیف وپاهای لاغرهم که‌شده لنگر
میاندازد
کوشش مقدس ـ کوشش برحق جاری‌است
میخواهد ، میکوشد ـ میخواهد ، میکوشد
بیرون میتابد ـ میاید
پر همت خورشید

از غ . ح . چولی پای

امشب!!!

خدا را ! سخت سرگردانم امشب
شبیخون زد غمش ، بر جانم امشب
چـونی ، خیزد فغا ن از بند بندم
ز هجـر آن گـل ریحـانم امشب
زدست این‌دل خو شبا ور خـود
به حسر ت د ید ۀ گریانم امشب
بهـار حسن او بنمـوده تو فا ن
اسیر پنجـه‌ی تـو فا نم ا مشب
شگفته غنچـه اش ، در عین مستی

چـو بلبل خسته و نا لا نم امشب
شنیدم با ر قیـب سفله آ میخت
شکسته از جـفا پیما نـم ا مشب
ز رشك افتاده ام د ر بستر تـب
چه باشد ، چاری و درمـانم امشب
بـرفت از من قـراررو صبرو آرام

نیاید خواب در چشمانـم امشب
زبس بارید اشك ار غـوانـی
بخون غلتان بود ، مژ گانـم امشب
توان یکبارگی از من شده سـلب
خلیده در جگر پیکانـم امشب
چه نقصانی رسد در دولت حسـن
شود گر از وفا ، مهمانـم امشب
جفای گلرخان عمـری کشیـدم
فگنده از نظر خـوبـانـم امشب
به گرداب عمیق عشق ، غـرقـم
«نصیب» از بخت خود حیرانم امشب

از : محمد ناصر «نصیب»

از عبدالرحیم احمد پروانی

دوبیتی‌ها آیینهٔ تمام آرمان‌های مردم ما

کسی نیست که دو بیتی نشنیده ویانخوانده باشد . چراکه دو بیتی ها آیینه تمام نمای آرمان های مردم ماست وبه این علت مردم مابه این گوهرهای پرارزش فلکلور یك‌و ملی علاقه فراوان دارند .

دوبیتی ها دارای چهار مصرع می باشند **که دو مصرع آن به قسم یك بیت تفهیـم** گردیده . اما بعضی آنرا چهار بیتی هـم میگو ند . در بعضی دوبیتی ها دو مصرع اول دارای یك وزن وقافیه میباشد و بـر خلاف دو مصرع دوم دارای وزن و قـافیـه علیحده می باشد . وبدین علت آنرا دوبیتی یاد می کنند مثل.

سرم درد میکند از غم جانان
نیست سون مارحم جانان
الا یار جان تویار بی وفاستی
بد گرا یار وبه مابی اعتنا ستی

دوبیتی هابه‌زبان جاری نشده بلـکـه در اثر واقعه یا پیش آمدی قریحه ذا تـی **گوینده بجوش آمده و دوبیتی ایـن فی‌ـ** البداهه سروده وبه این علت اکثر دوبیتـی ها موضوعات تاریخی وعشقی را احتـوا میکند .

واین دوبیتی ها منعکس کننده احساسات وطنپرستی ـنفرت، بدبینی ویابر عکس‌نشانه دوستی ومحبت گوینده میبا شد . در اینجا نا گفته نباید گذاشت که این دو بیتی‌هـا تنها احسا سات خاص یك نفر نیست .بلکه احسا سات عقاید و مرام های یك ملـت میبا شد .

درینجا بطور مثال میتوا نیم از واقعـه جنگ های انگلیس وافغان نام ببریم طوریکه میدانیم فرنگیان سه باربه خطه مقدس مـا حمله نموده اند اما با جواب دندان شکـن مردم افغانستان رو برو شده اندو این مردم با جنگ های غیورانه احسا سا ت‌وطن‌پرستی خود را به تجاوز گران خا رجی فهما ند ه اند . درین دوبیتی ذیل ازربان یك افغان و طرز فکر افغانیان را مقیاس بزنیم .

از زبان یك افغان طرز فکر افغا نیان را

صدایی توپ وآواز تفنگ است
جوانای غیور مشغو ل جنگ است
خدا سرخ روی‌بسازیشان به‌انگریز
که‌پاچایشان‌امان بانام وننگ‌است

در دوبیتی دگر ناز جانان بر گو ینـده گران تمام شده وهم چنان از خونخوا ری واز ظلم بی حد فرنگیان بتنگ آمده و بـه این وحشی گری چنین نفرت نشان مید هد که ناز جانان راچون ظلم فرنگ میدا ندو می گوید :

ای یار چقدر قشنگی تـــو
با ما دایم به جنگی تـــو
بسی ظلم کر دی بر مـــا
گما نم از ملك فر نگی تـــو

ویا عاشقی که در عشق شکست خو رده ویا جوا نی که عاشق شده در کو ی‌جانان دوبیتی ها ی دلکش میسرود. وحال دل را بوی تفهیم میکرد مثلا :

برو بایار بگو یارت غریب‌است

پشت در گای مردم‌هردم‌شهیداست
برای بیرون که دیدار ت ببینم
نکو بهانه که مسکین وفقیر است

جای تعجب اینجاست که این دو بیتـی اکثر توسط اشخاصی سروده شده که‌از نعمت سواد بی بهره بودند ما چنان ظـرافیـت‌ـ بلاغت وفصاحت وخصوصا صنایع بـدیعی

بقیه درصفحه۵۸

کارگر

ای کار گر دلیر !
ای که تو‌ئی افتخار خلق هـا
ای که تویی جرس کاروان هـا
ای که تویی موج پشیتاز طوفان ها
عزم تو بود آهنین
رزم تو بود خشم گین
قهر تو بود مواج وخرو شان
خشم تو بود غرنده چون رعد شتابان
عزم تو بگسلد تاروپود بندگی
رزم تو آرد ببار دشمنان راشرمندگی
کنون که کاخ ستم در افگندی
کنون که طرح نو درانداختی
دلیرانه پیش رو !
مردانه پیش رو !
بی ترس وبی هراس
به سوی یك زندگی شرافتمند
عاری از بندگی
بی رنج و بردگی
هرگز مکن هراس
در پیچ وخم زندگی
رزمنده پیش رو
به سوی افق های روشن وتابناك
تا آن سوی افلاك
به پیش رو !
ای کارگر دلیر !

شعر از اسدالله مفتون

از اسارت مادی و معنوی . در راه دموکراسی و ترقی اجتماعی ، درراه اعمار افغانستان آزادآباد وسربلند ،در راه مبارزه‌علیه شیونیزم، فاشیزم وامپریالیزم ، شجاعـــانه وبی هراس‌موفقانــه وپیروزمندانه به پیش می‌روند .

مبارزات خلق افغانستان عادلانه است

پیروزی از آن‌خلـــق افغانستان است

-بگذار که خار مبارزات آزدیخوا هـی‌خلق [illegible]

چین راکور نماید.

-مرگ بر تجاوز گران ، اشغالگران وعظمت طلبان .

پیروز باد جنبش های آزادیخواهی درسراسر جهان

درفش مبارزات توده ای درسراسر گیتی‌در اهتزاز باد

نوشته : اقبال محل پوهنځی انجنیری

عشق به‌میهن ودفاع ازآزادی از جمله‌سنن ملی خلق‌های کشور ماست

توده های ستمدیده وزحمتکش کشور محبوب
فغانستان از گذشته‌های‌دور تا اکنون‌درقلب
یا خار چشم استعمار وامپریالیزم بوده و
مد دسایس وتوطئه های این خشن تریـن
شیان ونمایندگان امپریالیزم مبارزه بی‌امان
ستگی ناپذیر کرده وآنرا رهسپار گودال
ق ابدی نموده است .

درآوا نیکه انقلاب پرافتخار ثوربه‌رهبـری
ب‌واحد دموکراتیک خلق افغانستان)حـزب
ه کارگر کشور) به اراده خلق های ستمکش
نجدیده به پیروزی رسید یکبار دیگر اخگر
سم وانتقام دشمنان سوگند خورده خلـــق
انستان دشمنان آزادی و ترقی اجتماعی به
یان آمده وبه‌کمك ارتجاع منطقه،شئونیزم‌چین
پریالیزم امریکا دراین جاوآنجا علیه انقلاب
ر سنگ‌اندازی می‌کنند وموانعی علیه اعمار
امعه شگوفانی در افغانستان ایجاد می‌کنند
خبر از اینکه حزب پرافتخار خلق افغانستان
پشتیبانی و همبستگی تـــوده های‌میلیونی
ین ماو جهان برخوردار بوده وتا آخرین رمق
ات از آن دفاع وپشتیبانی می‌کنند.

عشق به میهن ، علاقه‌به‌استقلال واقعی ودفاع
ن ازجمله سنن نهایت عالی وپرافتخار خلق
ی کشور عزیز ما افغانستان است کـــــه
نیاکان واجدادقهرمان ومبارز ما همچومیراث
ی مانده است. باقیام‌پیروزمندانه‌ششم جدی
ده‌های وسیع رنجدیده‌وستمکش افغانستان
رد مرحله نـوین تکامل تاریـخی انـــقلا ب
کوهمند ثور گردیدند .

که‌باموفقیت آن حفیظ الله این نما ینـــده
شناس وشناخته شده امپریالیزم امریکا.
نماینده سازمان جاسوسی سی،آی،ای‌ودشمن
فع خلق های ستمدیده افغانستان برای‌همیش
دیارکهن سال افغانستان محـــو ونابـــود
دید .

ودژ استبداد دود مان فاشیست امین وامینیها
انسانان حیوان صفت ونوکرمنش‌امپریالیزم
یکا برای ابد واژگون گردید .

مرحله جدید انقلاب پرافتخار ثور که منجر
شکست ماشین زجرو شکنجه باند سیاه‌امیر
ظ الله فاشیست گردید. انقلاب رادرمسیر
ملی اصولی سالم وقانونمند آن قرار داد.
گام باتحول کیفی نوین درزندگی اجتما عی
ق افغانستان تمام زنـــدانیان سیاسی کـه
ساطور خونین امین میرغضب سربدر بـرده
ند از سلول های سیاه وننگین امین جلاد
تمام کشور با احساس مسرت و خوشنودی

رها شدند وبه کاشانه های خویش برگشتند حال که‌درفش آزادگی بـر فراز قله های‌سر-بفلك کشیده افغانستان در اهتزاز است، به تمام خلق های شریف وزحمتکش افغانستان به تمام ملیت های برادر افغانستان ، به تمام کارگران ، دهقانان ، روشنفکران مترقی پیشه-وران ،به افسران ، خورد ضابطان وسربازان اردوی قهرمان وبه تمام وطنپرستان لازم است که در روشنی بیانیه نجات بخش وتاریخی ببرك کارمل تـــحت رهبری حزب‌واحـــــد موکراتیک خلق افغانستان در جبهه وسیع‌ملی پدر وطن باهم متشکل شوند .

درماحول کمیته مرکزی وشورای انقلابی‌حزب واحد دموکراتیک خلق افغانستان همچو حلقه آهنین ، محکم ، شکست ناپذیر وبادسلین قرار گیرند . ودر این مرحله مشخص تاریخی به عملی کردن وظایف حزب دموکراتیک خلـــق افغانستان کمربسته باشند واجازه ند هنـــــد که دشمنان‌داخلی و خارجی خلق افغانستان به سردمداری امپریالیزم پلان شوم خود را درمورد انقلاب ، آزادی وطن ، تمامیت ارضی، حاکمیت ملی عملی بسازد.

هم اکنون که خلق‌ستمدیده میهن مابه آزادی واقعی‌خویش نایل شده اند وظایف بس مبرمی دارند ،که یکی هم دفاع‌از دست‌آوردهای انقلاب شکوهمند ثور وناموس مادر وطن است .وهمچو توده های مبارز وباشهامت مانند نیاکان‌فداکار شان از آن دفاع خواهند کرد و هم تمام نهضت های مترقی جهان از آن منحیث خلق برادر پشتیبانی می‌نماید .

دوست و همسایه شمالی ما اتحاد جماهیر شوروی اولین‌کشوری بود که استقلال ملی افغانستان را به رسمیت شناخت واز همان‌آوان همبستگی بی امان خودرا با خلق افغانستان اعلام نمود . و همچنان افغانستان هم اولین کشوری بود که اتحاد جماهیر شوروی رابه رسمیت شناخت.

دوستی بی شائبه شوروی ، افغان خار چشم عظمت طلبان چینائی ودیگر کشور هــــــای امپریالیستی منجمله‌امریکاشده ومی‌خواهندعلیه افغانستان انقلابی‌توطئه‌بچینند ونقشه‌شوم‌خویش راعملی سازند.

توده های زحمتکش وباشهامت افغانستان باااتکابانیرو مندی خود وبا همکاری کشورهای آزادیخواه ، صلـــح دوست ومترقی درراس‌آن اتحاد جماهیر شوروی درراه تحکیم واستقرار صلح در منطقه ، درراه استقلال کامل‌افغانستان

ای هیواده

ای هیواده
ای هیواده
ای زمونږ دژوند بنیاده
ته زمونږ ښکلی وطن ئی
ته زمونږ روح‌ئی اوتن‌ئی
مونږ‌به تا باندی ویاړیږو
مونږ‌به تاباندی نازیږو
تابه اوږساتو هیواده
په لوړتیادی مونږ خوښیږو

زمونږ ټول فخر‌په تاده
ای زمونږ دژوند بنیاده

ای هیواده
ای هیواده
څوچی ژوند لرو هیواده
تا پخپلو مټو ساتو
چی سمسور شی ای هیواده
تاپخپلو وینو پالو
ای هیواده ته پوهیږی
پس له دی به زرغونیږی
داوړتیا به لور به درومی
خپل منزل ته به‌رسیږی

ای زمونږ دژوند بنیاده
ای هیواده
ای هیواده

ای هیواده ستا دټولو
پرگنو اولسونو
ستا دغیږی دزیار کښو
دخواره واره قومونو
آزادی به‌دا سی تل وی
خپلواکی به داسی تل وی
نور به دغه انقلاب وی

نوربه ته‌ئی ای هیواده
ای زمونږ دژوند بنیاده
ای هیواده
ای هیواده

نور به‌نه جنت جنت شی
تازه‌گی به درکی زیات شی
هرځلمی به‌دی شباب وی
غم ځپلی ستا خواران به
ستا تپاکی پښی بزگران به

دا نادارہ مزدوران به
ستا دغیږی کارگران به
په‌یوه ټغرټولیږی
په‌یو لار به‌روانیږی
یودبل نه ای هیواده
له وحدته به خاریږی
دوی به‌ټول په‌یو ټغرشی
په یو فکر لروبر شی
ددی ټولو زیار گالونکو
یوئی زور او یوبی شان شی
په قوت د دوی دمټو
تار په تار به ظالمان شی

په‌ژوندون کښی به‌شی ښاده
ای زمونږ دژوند بنیاده
ای هیواده
ای هیواده
نور په‌تاکی ای هیواده
دخوندونو ژوند جوړیږی
لوږه ، تنده به‌شی ورکه
هر سړی پټ او مړیږی

ځکه تاکی ای هیواده
دژوندنوی باب راغلی
مفت په مفته چی خوړله
اوس پری سور سیلاب راغلی

نوخو ښبیږه ای هیواده
ای زمونږ دژوند بنیاده

ای هیواده
ای هیواده

فاروق (حریق)

ارزش‌های حیاتی شیر مادر

بشر یت در هر جاه وهمه حال به مادرا ن شیرده خوب محتاج ونیا زمند است وشیر مادر در زند گی طفل از نگاه کمیا وبیولوژی وسو سیو لو ژی وروا نشنا سی نقش بسزای دارد که خلاصه آن یکایك عر ض میشود .

۱ـشیر مادر یك غذای طبیعی است که مانند دیگر حیوانات پستا ندار نظر بـه احتیاج و ضـرورت نو باوگـان انسان از نگاه کمی و کیفی در پستان مادر از ماهای اخیر حاملگی تهیه شده و برای استفاده با شرا یط مکیدن طفل چند سا عت بعد از نو لد قا بل استفاده است وهیچ غذای‌نمی توا ند جای شیر مادر را بگیرد زیراجستجو های مکر ر علمی ثابت نموده که شیر همه مادران از شیر حیوانات فرق فا حشـی دارد .

۲ـ شیر مادر رایگان وبرای تهیه آن محتاج کدام عایدات اضافی نیستیم هر گاه شش صد کالوری اضافی غـذای برای مادر نیز تهیه نما ئیم مصا رف پولی واقتصادی‌آن با تهیه شیر گاو وغذای مصنو عی قا بل مقایسـه نیست چه یك‌طفل برای سه روزیك پو ند (یك قطی) شیر پودری با زار را صرف مینما ید که شصت تا هفتاد افغا نی قیمت آنست ووسا یل وشرا یط تهیه آن‌پول هنگفتی را ضا یع میسازد .

۳ـشیر مادر همیشه وهمه وقت بدون‌تکلیف حاضر واماده استفاده است و در تهیه آ ن وقت مادر ضایع نمیشود و طفل تاتهیه نمودن آن احسا س ناراحتی وزجر نمی نما یدمادر بحیث‌یك فکتور اقتصادی واجتماعی میـتواند وقت خود را به آبادی کشور و کا رمفید اجتماعی صرف نماید.

٤ـچون هدف از خوردن غذاتنها موجودیت نیو ترنیت ها یا مواد مفیده غذایی نیست بلکه این مواد باید به اسا نی قا بـل هضم ، جذب بوده و بدرستی در ساختمان و نشو نمای عضو یت بغرض بهبود توازن قوا ی ذهنی فزیکی واجتما عی بکار رود.که از این نگاه مواد مفیده شیر مادر تما مابه آسانی قـابل هضم وجذب واستفاده است و بد ین منظور در سینه های مادر تهیه شده است .

٥ـشیر مادر پاك وعاری از مکروب ها ی مرض وآلود گی بوده وبرای پا ك نمود ن، حفا ظت وموا ظبت آن از آلود گی ومکروب احتیا ج به وسایل وجو ش دادن و پختـن نداریم فلهذا مواد مفیده آن در عملیه های جو ش و پخت و سا مان ضا یع نمیشود.

٦ـپرو تین ها که مهمتر ین گروپ مواد نا یترو جن دار غذایی است و بدون آ ن نشو نما و سا ختمان اعضا وانسا جومایعات حیا تی عضو یت نا ممکن است در شیر مادر از نگاه کمی (۱،٥) فیصد و کمتر از شیر گاو بوده اما از نگاه کیفی پرو تین شیرمادر البومین ۱ر۲ دارد کـه بهتر بـر ا ی کودك قابل جذب وهضم است .

فیصدی بیشتر پروتین های شیر گـا و کـه کاسیـن آن بمراتب زیاد است(۱۰٦) به مشکل قابل هضم و جذب بوده و بعضا باعث انسداد روده های طفل وتولید نفخ‌وبـاد میشود که‌تکلیف ده‌است وهر گاه کلیه‌های‌طفل به‌خوبی‌فعال‌نباشد باعث ازدیاد یوری‌خون شده وکشنده است .

۷ـچربی شیر مادر که بعضا از نگـاه مقدار معادل شیر گاو است از نگاه ترتیب از شیر گاو فرق فاحشی داشته بهتر یـن منبـع انرجی وویتامین های منحل درشحم قابل استفاده و اسید های شحمی اسا سـی برای نشو نما وزندگی طفل بوده نسبت به چر بی شیر گاو با سانی قابل هضـم وجـذب است .

۸ـ مقدار زیاد شکر شیر مادر با ساس احتیاج انرژی طفل تهیه شده و قابل‌استفاده اعظمی است (٦،٥) فیصد .

۹ـ مرض رشتیزم که در ابتدا ء با عـث نارحتی های بیـداری وخـواب طفل ، درد های زیاد و عر ق شبا نه وبعد ها با عث سوء تشکیلا ت استخوانها میشود در اطفال بیشتر دیده میشود که به شیر گاو تغذیه میشو ند زیرا نه‌تنها مقدار ویتا مین د ی شیر مادر بیشتر از شیر گاو است بلکه در شیر مادر ویتا مین های منحل درشحم بهتر قابل استفاده بوده واحتیا جاطفا لیکه باشیرگاو تغذیه میشوند نـظر به دلایـل نامعلو م بیشتر است .

۱۰ـ مقدار زیاد از احتیا جسو دیم شیر گاو که برای گو سا له تهیه شده برا ی طفل انسان قابل تحمل نیست بخصو ص اطفال قبل المیعاد ونا پخته را معرو ض به خطر زیاد شدن سود یم خون وبر هم‌خوردن توا زن آب والکترو لیت ها میسازد کـه بعضا کشنده است .

۱۱ـشیر مادر بیشتر آهن ومس دارد که عنا صر عمده خون ساز و تنفس حجر وی وحیا تی است .

۱۲ـشیر گاو مقدار بیش از احتیاج طفل انسا ن فا سفو رو کلسیم دارد و مقـدار تنا سب بیش از حد فاسفو رس با عث‌انحطاط تر کیبی کلسیم خون شده و لهذا اطفا ل که محروم از شیر مادر انـدمعروض‌خطر تیتانی (اختلاج کمی کلسیم)میباشند..

۱۳ـمقدار مواد دیگر مدنی وهمه ای‌مواد معد نی که بمقدار های کم آن عضو یـت احتیا ج دارد در شیر مادر مطابق به‌احتیاج کودك تهیه شده که اندازه معین آن طور طبیعی برای کلیه اطفال مضر نیست درشیر گاو کنترول و تهیه آن با سا س ضرورت واحتیا ج طفل تا حال ناممکن است .

دانید هاست .

سچا لر کشف کرده که در بین این‌حیوا نات‌که هنوز هم بصو رت وحشی وآوا ره زیست مینما یـند نظـم ودسپلین مرا عات‌میگردد.آنها از بین شان یکی‌دو سگ را، وظیفه مید هند تا از نو زادان حفا ظـت بعمل آورند ودیگران عقب شکـار میرو ند .

همچنان دا نشمند مـذ کوزاظهار میدا رد :

«سگهای در نده افر یقا یی‌صیدو شکاری را که بچنگ می آورندمسا ویانه بین شان تقسیم مینما یـند وهر گز یك سگ‌به‌حق سگ دیگـر تجاوز نمیکند ».

سچا لر پیشنهاد نموده که چـون هنوز این حقیقت روشن نگرد یـده که آیا سگهای مذ کور به میمون ها نیزقرابت دارند ؟ پس باید مطـا لعات بیشتر وعمیق تری صـو رت بگیرد .زیرا با مطا لعات وتحقیقات دامنه‌دار برعـلاوه ایکه‌میتوان‌باسرار زندگی این موجودات پی برد برا هی‌که انسان در طول تا ریخ‌زندگی خو یشس پیموده است بیشس ازبیش آشنا یی حا صل کرد .

این سگهای گرگ نما، در روز دوبار دنبال شکار میکرد ند وهمیـن که‌صیدی را بچنگ آوردند چنگال زندگی او را ترك نگفته آنرا منقس می سا زند واز آن استفا ده مـ نمایند .

سگهای افر یقا یی در تقسیـم کردن شکار شان مها رت زیا دی خرچ مید هند .یکی در قسمت سر شکار می چسپد وپوز آنرا مید ر دیگر شس از یك جناح صید رایـا می‌کند، سو می از جانب دیگـ چهار می شکم شکار را می شکا ودر مدت کمتر از نیم سا عت صیـ مظلوم از بین میرود .

هر سگ در نده افریقا یی روزا ششس پوند گو شت مصرف‌مینماید غـذای این سگهای در نده خوراگو شت حیوانات تشکیل مید هد.

کر او قا تی که سگهای مذ کـ سیرباشندباهمدیگر عشق میور زند مستی میکنند .این حیوا نات خیلـ بند رت همرای یکد یگر جنگ مـ نمایند. صلح وآشتی وعشق دوست را، در میان شان دو ست میدا رند

آنها در بین گلها ومرداب هـ سورا خهای برای خود بو جود آورند وزند گی مینما یند .

زمانیکه سه وچهار ماه از عمـ نوزاد این جانور سپری گرد یـ از کبله خارج میشود در جستجو شکار می افتد وزند گی شگفـت انگیزی راآغاز مینماید .

بقیه صفحه ٤

ما باشما ستیم

خارجی این وطن بزرگ قهرمان آفر یـن ودر راس آن امپر یالیسم امریکا با یـد بداند که حتی تهدید مسلحا نه خلق وطن‌را

نمیتواند از راه انسا نی ایکه در پیش گرفته وافتخار آمیز در آنراه طی طریق مینما یـد منصر ف سازند ، نما می مرد مان وطن از هر ملیت و هر قو می که هستند سو گنـد یاد کرده اند که وطن خو یش را ، و طـن بزرگ و قهر ما ن خو یش را آباد سا زند واین وطن بزرگ شان بسان کشور هـای آزاد، مترقی و سر بلند ودر قطار کشورهای پیشر فتـه و معمور وآبـاد قرار گر فـته و افتخار آمیز در جاده وسیع زندگی اجتماعی به‌پیش رفته وموانع نا بکـار رایـکی پـی دیگر از میان بردارد.

زحمتکشان قهرمان وطن که تـا ر یـخ پر افتخار مبارزات قهر مانانه آنها ما یـه فخر ومبا هات میهن‌بزرگ ما ست و در طول تا ریخ با قهر ما نی ها ی خو یش تاریخ وطن را زرین ساخته انـد ، پس ای توده ها ی زحمتکشا ن افغانستان با نیروی متحد بر دشمن یورش برده و همه‌نابکاران و دون صفتان را به یکبا ر گی سر بـه نیست نمایـید:

قابل تـذ کار که‌جنبش ومبارزه خلقهـ در وضع کنو نی شکل و ما هیت تا زه‌ترا کسب نموده است ، جنبش ها درسابق‌همینک به استقلال سیاسی نایل میگر دیدند .وظایف خـویش را ختـم شده مـی پنداشتند ا غا فل از اینکه استقلال ملی کا مل‌نمیگر مگر اینکه به استقلال سیاسی و اقتصاد نایل آمد .چه امپر یالیسم با وجود یک درعرصه سیاسی بـه شکست مـو ا گردیده و میگردد در پایگاه اقتصادی جام مواضع برای خو یش نگهمیدارد و سخـ

در تلاش می افتد تا از موا ضع اقتصاد برضد کشور هـای نو به استقلال ر سیـ حملات خصما نه خویش را سازمان بخشد

همشهریان دلیر کابل بخاطر د ارندوخو شما هد دهشت افگنی ، خرا بکاری وا یجا رعب و ترس توسط جنا یتکا را ن وعما فاسد امپریالیزم ، این نـوکران چـاکرمنـ فرو خته شده در مقابل دالر ، پوند وکلدا با کسانی بودند که زندگی آرام مرد بخصو ص اهالی شهر کابل را بر هم ر ودرنظر دا شتند تا با بکار بستن پروگرامها منحط خویش زمینه رابیش از پیش بـر اجرای پرو گرا مهای بعدی خو یش مـ نما یند ، اما خلق ها ی شریف وطن ازجمـ شهر یان غیر تمنـد ماهیت سیاسی ایـ دشمنا ن را درك کرده وبه اهداف شو ملوس شان پی‌برده‌اند.

بقیه صفحه ۲۱

ماهی ایکه درحال نابودیست

تونا تقریبا به آخر رسیده و اکنون موازنه شکار ماهی بزرگ و کوچك در نظر گرفته نمیشود .

همچنان از ما هیانی که اکنون بدست می آیند معلوم میشود که یا خیلی پیر اند یا خیلی جوان .

کشور ناروی در سال ۱۹۶۲ هشتاد و پنج ملیون پوند ماهی تونای بلو فن را شکار کرد . در حالیکه در سال ۱۹۷۰ این مقداربه یك عشاریه هفتاد و پنج ملیون پوند رسید . ریکارد ، گرفتن ماهی های ماده (۱۹۵۰ تا ۱۹۷۲) نوع تونا در سراسر جهان نشان‌میدهد که ماهی بلوفن دارای وزن وسطی صد تا سه صد پوند تقریبا بدست نیا مده است .

شاید انواع دیگر ماهی تونا نیز مواجه با خطر نابودی باشند . در جنوب بحر او قیانوس نوع ماهی تونا دارای شاهپر زرد و آن نوع دیگرش که دارای چشمان بزرگ میبا شند تحت‌فشار شکار و نابودی قرار دارند . در شرق بحر الکاهل با وجود تو صیه های کمسیون حما یه ما هیان فشار زیادی‌برماهی های شا هپر زرد هنوز هم ادامه دارد و ماهی‌گیران مقررات رانادیده می گیرند .

اقدام تازه حکومات جهان در مورد تو سعه سر حدات بحری نیز مو جب تولید خطر بزرگ‌برای ماهی تونا شده و کشور های که‌به ماهی گیری می پردازند سرحدات بحری خود را تا دو صد میل در میان بحر پیشس برده اند تاخوبتر به میل خاطر به شکار ماهی ادامه بدهند این عمل موثریت توصیه‌های چندین کمیسیون بین المللی را در مورد حمایه ماهی نوع تونا تقریبا از بین برده است .

یك تعداد کشور های جدیدجهان که بدسته شکار چیان ما هی نوع تونا شامل نشده نیز بر منابع این نوع ماهی فشار زیادی راوارد نموده اند .

اکنون این سوال پیشس می اید که چه باید کرد تا این نوع ماهی را از خطر نا بودی نجات بخشید.

یك متخصص ورزیده که در کمیته تجارتی شکار ماهی عضویت دارد از موقف خو یشس استفاده کرده اصرار می ورزد که باید هر چه زود تر حکو مات جهان داخل اقدام شوند و زمینه حمایه همه جانبه وتنظیم منابع ما هی تو نا را فرا هم گر دانند .

متخصص مذکور علاوه نموده اظهار میدارد که وضع مقررات همه جانبه بین المللی ، وسیله موثری برای انجام این عمل شده میتواند.

باید هرچه زود تر موافقه بین ـ المللی در مورد حمایه ماهی نوع‌تونا صورت بگیرد . تا جمله کشور ها بخصو ص کشور های که از تکنا لوژی عصری در گرفتن ماهی تونا استفاده مینمایند و به صادرات این نوع ماهی می پردازند مجبور شوند که به گرفتن این نوع ماهی مبادرت نورزند و مکلف گر دندکه تاظرین با صلا حیت بین المللی را در کشتی های شان بپذ یرند.

در راه یك طرح جهانی ممکن است اقدا می صورت گرفته بتواند تا منبع آینده جهان از نگاه این‌نوع ماهی تامین شده بتواند .

همچنان در باره حفظ منابع‌ماهی تونا نظریات زیادی ابراز گردیده‌که توجه اقتصاد یون فلا سفه ،سیاستمدا ران و سا ینتست ها راجلب نموده است .

دانشمندان و متخصصین اظهار عقیده مینمایند که باید طرحی جهانی با ساس تنظیم این منبع حیاتی روی دست گرفته شود،البته در این طرح لزوم کنترول ، در رسیدن به آب های که این نوع ما هیان در آنها زندگی میکنند یك امر لازمی است .

همچنان در این طرح باید احتیا جات اساسی مردم جهان در نظر گرفته شود و سهمیه برای هر کشتی . ما هیگیری تعیین گردد و قیودی بر این کشتی ها وضع گردد و فیسس ماهی گیری ، ماهی گیران بلند برده شود و کمیسیون با صلا حیتی بو جود اید و ماهی های ابحار را بررسی ، سواحل بحری را سروی و مناطق اقتصادی آنرا تثبیت نماید و یك اجنسی جهانی تنظیم ماهی تونا ، را بوجود اورد .

عملی گردیدن این نظریات ممکن موجب گردد که این منبع خوب حیاتی از جهان محو ونا بود نگردد این پیشنها دات در کنفرا نسس های بین المللی و ملی مطرح بحث و غور بوده است .

هر گاه طرح حما یوی ماهی‌تونا طرف قبول‌اعضای کشور های‌ذیدخل قرار گیرد امکان آن وجود دارد که تمام کشور ها در جهان فردا، از آن سود سر شاری ببرند و برای انسان فردا منبع خوب حیاتی وجود داشته باشد .

اما امروز چون شکار این ماهی در سراسر جهان بی رحمانه‌صورت میگیرد فشار زیادی در جهت‌نابودی این منبع غذایی صورت میگیرد .

همچنان متخصصین و دانشمندان پیرا مون این مو ضوع پیشنهاد مینمایند که هر گونه اقدامی که درین باره صورت میگیرد بایدتمام ملل جهان در آن شرکت داشته باشند .

بقیه صفحه ۳۳

اسباب سؤتغذی

عمر زیاد می با شد . ودر اشکا ل مختلفه آن از ۳ر۳ فیصد تا۶ر۶ فیصد واقعات تثبیت وبا ید خا طر نشا ن گردد که علل عمدهٔ مرگ ومیر درچنین اطفال عبارت اند از :

۱ـ ضعیف بودن وکم خونی شدید .

۲ـ اسهالات دوامدار وضایعات ما یعات‌وجود واملاح ضروری .

۳ـ سقوط درجه حرارت بدن .

٤ـ عدم کفایهٔ دوران محیطی .

٥ـ سقوط شکر در خون .

بصورت عمومی در اشکال پیشر فته سوء تغذی ووکمبود پرو تین که علایم جلد ی داشته با شد مرگ ومیر زیاد است .

سوال ـ لطفا در مورد تداوی اطفال مصاب سوء تغذی معلومات دهید؟

جوا ب : با ید گفت که نسبت کثر ت واقعا ت ،تداوی با لخا صه آن خیلی قیمت تما م شده و هم مدت زیاد ایجا ب بیشتر شفا خا نه را می نما ئید که معمو لادر چنین جوامع وارسی آن از نظر مسایل اقتصادی و موجو دیت پر سونل وتجهیزات و غیره مشکل می با شد .

با نهم البته واقعا ت منفرد در شفا خانه با یست تداوی شوند ، لاکن اسا سا درمورد جلو گیری وو قایه آن با ید پرو گرا م های وسیع بسویه ملی اتخاذوانراانکشاف‌داد.

تا در مورد عوا مل مختلفه و مضره اقتصادی ـاجتما عی ـعنعنوی ـاز طر یق تعلیما ت صحی مجادله شود که در اینصورت میتوان اطفال مصاب به سوء تغذی را از پنجه مر گ نجا ت داد . با نهم احیا وبکار انداختن چنین پرو گرام ها ی و قا یوی دراطفال قبل المکتب ودوره های ابتدائی مکتب تا سیسا ت خیلی زیاد ، پو ل وافر. ومقادیر زیاد مواد غذائی را از قبیل تخم ـ شیر ـ گوشت ـحبو با ت ـمینرا ل ها وغیره غرض توزیع ایجا ب میکند اکثریت چنین پرو گرام ها در مکا تب با ید متو جه‌دو هدف عمده با شد :

۱ـ تعلیمات‌صحی یعنی‌از طرف کار کنان صحت طفل وپرسونل فنی برای اطفل و ما درا ن ضمن کنفرا نس ها فلم ها ودیگر تجهیزات دردست داشته تعلیمات صحی‌داده شود وباطفال ووالدین فهمانده شودکه نظافت رادر نظر گرفته با طفال شان علاوه از شیر مواد غذائی متممه را با در نظر داشت و قت شروع آن تو ضیح نمایند.

۲ـ تهیه وتوزیع مواد غذائی متممه :

در زمینه تعلیما ت صحی با ید تو جه زیاد در مورد تبلیغات مثبت و مفید ادامه شیر مادر و تغذی با شیر مادر عطف گردد.

ودر زمینه تهیه و توزیع مواد متممه غذائی باید کوشش بعمل آید که‌برای‌والدین اطفال‌تفهیم‌شودکه‌درسنین ٤و٦ماهگی‌برعلاوه‌شیر از غذا ها ی دیگر نیز استفاده بعمل آید ـ وهم چنان در زمان جدایی از شیر بهر اندازه که اقتصاد فا میل ایجاب نما یدباید کو شش شود تا از منا بع مهم پرو تین حیوانی از قبیل تخم ـ شیر ـ گوشت و غیره استفاده بعمل آید .

و بصورت عمومی با ید در زمینه تعلیمات صحی مادرا ن وقتا فو قتا در مرا جع مختلفه پروگرام ها و ضع و ایشانرا در مورد ارزش غذا و طرز تهیه آن کمك نما یند.

وهم چنا ن چو ن نگهدا شت تعداد کثیر چنین اطفال در شفا خانه ها مشکل می باشد با ید در مو سسا ت مخصو ص دیگراحیای مجدد غذائی ، تداوی و را هنما ی شوند.

بقیه صفحه ٤٧

مریض شدن و یا...

امامتا سفا نه که اطفال ازاوا یل روزهای تو لد خود تا سنین هفده‌الی هجده سالگی علاوه از دوا هایی که درمقا بل امرا ض میگیرد در حدود بست تلقیح وقایوی نیز میشود یـا بعباره دیگر مواد اجنبی در وجـو د تزریق میشود.این‌همه عملیات‌زمانی صورت میگیرد که وجود انسان به علت قوا نین بیو لو ژیکی معا فیت تام‌را حا صل کرده نمی باشد. از طرف دیگر با گذشت تقر یبا هر ده سال ادو یه جات معا لجوی وواکسین های وقا یوی با اشکال مختلف‌ومو- ثریت بهتر در بازار طبا بت ظاهر میشود . واکسین های سیاه سرفه‌و سرخکان تطبیق میشود. در حال حاضر پروتیت اپید میلوژیکی نیـز وقایه شده میتوااند واز ورم‌لو زتین گوشس که در سا بـق‌ظهور آن‌تقریبا حتمی شمرد ه‌میشد نیز جلو گیری میشود .

فعـلا تا ثیرات سو که از تجو یز بعضی دوا ها در عضو یت بو جود می آمددر دست‌است بطور مثـال الرژی «حساسیت» ، پایین آمـد ن مقا ومت عضو یت‌بمقا بل امرا ض، ظهور امرا ض قلبی وغیره اعراض، (تا ثیرات سو بعضی مواد کیمیا وی درایجاد امرا ض قلبی ووعا یی به اثبات رسیده است).

این نکته عجیب بنظـرمیخوردمگر وا قعیت است که از عوا قب بعضی ادو یه‌جات وقا یوی ومعا لجوی بـه استثنای جنتیك در نشر یه ها تقر- یباهیچ سخن گفته نمیشود .

منا سبات وعکس العمل های‌ما در مقا بل تلقیـح وقا یوی مانند ده سال قبل با قی ما نده حال اینکـه در طول این زمان تحو لات بز رگـك اجتما عی بو قوع پیو سته است.به طور مثال در بعضی مما لك سطح زند گی بلند رفته ، شرا یطزیست بهتر شده یا بعبا ره دیگر علـــل اجتما عی که باعث ایجاد امرا ض سا ری‌میشد ند محو گرد یدنداماطرق وقایه تقر یبا به حال سا بق‌خودباقی مانده است .

طوری تصور میشود که درقسمت وقایه امرا ض سا ری تطبیـق وا- کسین ها برای امرا ض مختلف روز بروز مورد استفا ده قرارمیگیر د.این تمایل تا یك انداز ه منحیـث‌هدف نهایی جامیگیرد .

اگر به معیا رهای حفا ظه صحت نظـر انداخته شود قا نو نمنـــدی عجیب مشا هده میشود.این یــك وا قعیت است که اطفال در حال حاضر از امراض «حتمی اطفـــال» نجات یافته اند .اما اگربطوز عموم فکر کنیم آیا اطفال به این تر تیب کمتر به امرا ض سا ری مبتـلا مـی شوند؟ قسمیکه دیده میشود نی .

پسس راه نجات کجاست ؟ طر یق حل مسله این‌است تا به مقدارقوه کیمیا وی که طفل آنرا متحمل میشود متو جه شو یم وآنرا ار زیا بی‌نمایم. این‌نکته در قسمت اطفال شهری قا بل اهمیت بسزا ی است زیـرا دیده میشود اطفال شهری از نواهای مختلف کار گر فته ووا کسین های متنوع را تطبیـق میکنند . از سوی دیگر فضای شهر نظـر به قریه‌جات کثیف تراست. این ار زیا بی به آن ملحوظ است تا از حد معین‌مدا فعه طبیعی تجا وز نه شود .حدی که به ار گا نیزم انسان امکان مید هد تـا درمقا بل‌اثرات نا مسا عد طبیعت ما حول از خود دفاع کند . فکـر میشود وقت آن فرا رسیده تا بعضی نقطه نظرات در قسمت تدا وی‌ووقایه ازامرا ض سا ری مورد تجد ید نظـر قرارگیرد .این نکته به‌مر حله‌نسبت داده میشود که انسان در حال تقویه جسمی خود با شد .

نکته جا لب در ینجا ست کـــه متخصصین در قسمت حفظ طبیعت‌به این نتیجه رسیده اند که قوه های مدافعوی طبیعی سیستم ایکالوجیکی باید به حال خود با قی بما ندوهم- زمان عملیات کیمیا وی با لای آنها تاحد امکان کا هشی یابد . تاجائیکه به انسان مر بوط است در ین فسمت کدام نتیجه گیری نه شده است . انسان در طول زند گی خو یشس‌نظر به‌فضای ما حول اضا فه تر تحـت اثـرات عملیا تی قرار میگیرد کـــه جنبه مصنو عی دارند . پس چه چیز باعث میشود که از بعضی تدا بیـر وقا یوی واستعمال یکتعداد دوا ها صرف نظـر نه شو د؟یکا نه ما نع درین راه یکی از خصو صیت های مردم (ودر ضمن دا کتران) یعنـــی تفکر بر حسب عا دت است . پس برای اینکه ما نـــع بر طرف شود ضرور است تا این طرز تفکر دور شود .

باالاخره این مسله با ید حـــل گردد که انسان چه وقت وبه کدام امرا ض به رضا و رغبت خـــــود مبتـــلا شود .چه میشوداگر انسان‌به این تر تیب فقط صحت مندترشود؟

بقیه صفحه ٥٤

دوبیتی ها..

در آن بکار رفته که طرف مقابل رابه‌تحسین وامیدارد . در اکثر دوبیتی ها ئیکه دیـده شده وصنایع بد یعی اعم از صنایع لفظـی وصنایع معنوی چنان با استادی. و پختکـی استعمال شده که راستی قابل تعجب است مثلا در دوبیتی زیر صنعت ارسال المثـــل چنین بکار رفته .

الاآهوی دشتی رام نمیشه
به یکد یدن دلم آرام‌نمیشه
خطت را بوسه کردم یادم‌آمد
که (بوسه با پیغام نمیشه)

در دوبیتی دگر از صنعت سوال و جواب ذیلا استفاده گردیده .

سیبی باشد کـه سیب آبی باشه
لبت بگـــزم کـه یادگار باشه
لبمه نگــز ما د ر م مــی فامه
دستمه بگز که زیرآستین‌باشـد

ویا :

ای دخترك لطیفه بـوی بهـار
شو یت بکشم تراکنم بیوه و زار
شو یمه نکش مرا نکوبیوه‌وزار
خر بوزه بخور تر ابفالیز چکار

در دوبیتی بالا بر علاوه (صنعت سوال و جواب) صفت (ارسال المثل) نیز استعمال شده که تقر یبا کم نظیر می با شد .

از جمله صنایع معنو ی مثال طباق در ودو بیتی ذیل چه خوش نکوسروده شده :

دلی دارم دل آزرده دارم
فراق «زنده »داغ «مرده»دارم
که داغ‌مرده حکم خدا بـود
جدالي زنده ره طا قت‌ندارم

در بیت زیـر مثال « مـوفوق المعـانـی» چه خوب تارهای قلب آدمی را به طپش می آرد :

اگر باد صبا پیدانه‌می‌شـــد
دهان غنچه گل وا نمیشد
چو میدادند لیلی رابه‌مجنون
صدای عاشقان بـالا نمیشد

به جز از دو بیتی های فوق الـذکر دگر دو بیتی های هستند که هر کدام حکـایه از صنایـع بدیعـــی دارند امـــا در مقالـه کوچـك ما که صرف از برای شنا خـت دوبیتی ها ترتیب شده گنجا یش ندارد.اما اساسی ترین نکته بوجود آمدن دو بیتـی محرو میت گوینده از نعما ت مادی‌ومعنوی در جا معه میبا شد چنا نکه انسان همیشه در تلاش است تا کمبود زندگـی خـویش را مرفوع سازد و درین راه مبارزه نمایـــد وگا هی هم تضاد ها ی طبقا تی جوا مـــع فیو دالی وامپریالیستی در دوبیتی ها چنیـــن متبلور گردیده .

روی سفید ت خال دا ره
غریب کی خانه و اموال‌داره
به هرکس دست دادم‌ردکرد
مگر دست غریبا خار دار ه

در جایی دیگر عا شق فقیری که ر قیـب پولداری دارد میگو ید !

چـرا یار بامابی وفاست خـدایا
رقیبم با مال دنیا ست خـد ا یا
مه خو از جور دنیا گله ندارم
صحبت یار ازمه جداست خـدایا

به همین ترتیب دوبیتی ها زبان گو یای مردم بوده‌است که ازرنج شان، از فقرشان، از خواسته های شان حکایه مینما یـــد.به این سلسله یکی ازمشکلات به‌وصال نرسیدن دو دلدار در گـذشته ها مصـارف گـــزاف عرو سی و پول گرفتن بیجا یی طو یا نه میبا شد . مردی که پول طویانه را ندارد چنین گفته شده :

به جان دخترك پیران‌گلدار
سرش عاشق‌شدم میرم‌طلبگار
سرش عاشق شدم‌پولی‌ندارم
که‌بابیش‌میخوایه‌پیسای‌بسیار

در قدیم دختر حق نداشت مرد زند گـی خود را انتخاب کند و به این علت کانون گرم خانوادگی محل جنگك زن و شوهـــر میشد . از ینجا ست که دختران به مادر خود زاری نموده و خواسته های خود راکه عبارت از یافتن شریك خوب برای زندگـــی میبا شد در قالب موزون دوبیتی در آورده‌به مادرخود چنین التماس می کنند .

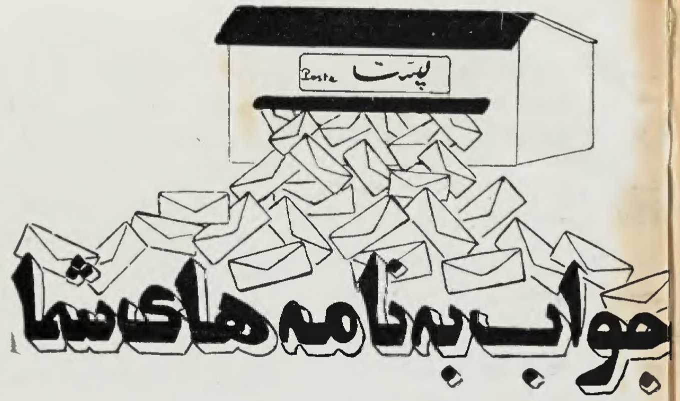
الامادر مه قربانی سرو موی تومی‌شم
مه قربان اداو خو یی تو میشـــــم
مره بتی به یکجوان خو ب و کا کـه
که شب تابه سحر دعا گوی تومیشم

از تمام مطالب فوق چنین نتیجه گر فتـــه می شود که

(دوبیتی ها آئینه تمام نمایی آرمان ها احسا سات ، خوا سته های بشری و بازگو کننده عوا طف ، حالت اجتما عی و مو قف عنعنوی شان در جا معه میبا شد)

در اخیر دوبیتی خد مت تان پیشکش‌میشود تا با خواندن آن به معنی وارزش معنـــوی فرهنگ توده ها پی برده لبخند شا د ی بر لبان تان بشگفد :

کتی مه وادۀ ها کر دی گل من
دروغ گفتی خطا کر دی گل من
گرفتی تیغ هجران را بدست
مره بنداز بندجداکردی گل من



لام علیکم همکا ران عزیز

ید از اینکه سلام گفتیم ، چه چیـــز
با ید بگو ییم ، حتما عرض میدا رید
بجواب نامه ها بپر دازو به مطلب‌مادرنگ
ه کو ،و بگو که شعر و داستان مـن
نه است ؟آماده نشر میگر دد یا جای
بی جز کاغذ دانی ندارد ؟ بگـذاریـم
حر فها را بسته به شعرو دا ستا ن
ت کنیم و چند سخنی از رفتن ها وآمدن
یا بیدن ها و کو چیدن ها بگو ییم .
م زمستان سخت جان و سختگیر بـه
دی میرود و سو کمندانه واضطرارا نه
یشواز بهار طی طریق میزند و بز با ن
ض از گفتن ، حال میگو ید که‌دیگر،
را جا یی نیست و حال نو بت تو ست،
بیاور و جهان را مژده ده که‌زمستان
نیست ... «یکی دوروز دیگر بــهار
» بهار یکه طراوت و شا دابی بـه
غان میا ورد وهر جارا به رنگ دیگری
ید ، لطف وزندگی ، در وجود زندگـی
ما ند ، شور و جنبش می آفر یند و
دو باره ، زندگی را جان تازه مـی
یا از نو باز، متو لد ش میگرداند،
بی به سوی آغازیدن وطــلوع،زندگیی
ی تازگی ودر خشنـدگی، زندگیـی
سوی روشنی و بهتری ... ای خواننده
تو هم با پرتو و جلوه بهار سر بـه
و بیرون بیا فگن وکار انجام شده‌یی
ا به‌حساب بزن . تو خواننده‌یـی‌کـه
بقلم است ، وجود و حضورت میـان
و فکر ت بر انگیخته از مردم ...

ست عزیز ناصر آرین

لب فر ستا ده یی شما رسید ، وتحلیل
خوبی را از شعر در بر دا شت .شرح
مبسوطی را کـه دربـیان انـفکاک
بری شعر نو از «شعر مادر » یا بـه
همگا ن شعر کهنه و قدیم ، نموده
ید «که آرزو مندیم این ارزیا بی از
شما با شد » قابل دقت است ولاز مه
ن که از سوی قلیل بود و بـــا
.

مین مصراع ، سخنی بهتر ازخداحافظی
ن به طنین افتید که‌در پغمان آمد کـه
کاران و خوانندگان دریغ گردد :

خـوش نوابگـــو تازه به تازه‌نوبه‌نو
دهٔ دلگشا بجو تازه به تازه نو به‌نو

دوست عزیز عبدالغنی از لیسه نادریه

جدول مطرو حه شمابه اداره موا صلت
کرد . وبا نظری که افگند یم مر بع های
کوچك را چیز های نا موزونی اشغا ل کرده
اند که بایست نمیکردند ، من با ب مثال،
در ستون افقی میخوا نیم ستاره فلم ، نام
فلم .. دانستن این‌بزرگــان کاغــذی‌قریب
به اکثریت که هم نادان اندو هم ما یــه
فا سد به چه درد و مشغو لیت فکری‌خوانند-
گان میخورد و آشنایی و شناسایی‌شــان
جز مایه درد سر چــه میتواند با شـد ،
غیر اینکه دیوار و فضای اتاق را از خلوت
مصون خا لی گر داند و لق‌لق نظاره نماید
وگوشه از فــکر نوجوانان وجوانان‌مــا
را بخودسرگرم بسازد، چــه کاری کــرده
میتوا ند ، ای عوام النا س !

دوست مهر بان ، ستو نهای این جدول
را به مسا یلی اختصا ص بد هید که هــم
خر ما با شد و هم ثواب یا به سخن دیگر
هم فا ل با شد و هم تما شا ... به امیــد
مطا لب‌دیگر تان . خدا همرای تا ن .

دو ست عزیز شیر محمد هو تکیار محصل اکادمی تربیه معلم

جــدول متقاطــع‌ارسالی شما، رسیـد
امیدواریم که درطــرح جداول آیــنده،
نکات بالا نیز زیر نظــر شما باشد وبــا
التزام ومسوولیــت جدول بریزید وطــرح
نودر اندازید.مطلب تانرا به‌مــتصــدی
صفحه مسابــقات وسر گــرمیهاسپردیم
که هر گاه مناسب صفحه بــاشــد بــه
نشرش اقدام‌ورزد ،،پیروزی‌نصــیب‌تـان،
خداحافظ

دوست عزیز «؟» متعلم صنف یازدهـم ك ساینس لیسه انصا ری

مطلب ارسا لی شما را مرور کرد یــم
از بس قلیل واندك بود ، جایی بـــرای
«الما سیدن » نیا فت . به شوخی علاو ه
نما ییم که، تحقیق و تجسسی در مــــورد
«الما سك » میکنید و لی نام خود را، در
روی پا کت یاپایان نو شته ، به درخشیدن
زود گذر الما سك نمی نو یسید و ما را
نا گزیر و ادار میساز ید که بگو ییــم
دوست عزیز سوا لیه مطالب تحقیقی رادرست
وتما م تجسس نما و نا م خو یش را زیبا
وخوا نا بنو یس .. خدا حافظ همکارعزیز.

دوست عزیزهمایون‌خاموش محصل صنف‌اول پو هنځی طب

مانیز سلام میگو ییم ، امید واریم خوب
با شید . پا سخ سوالات صفحه سرگرمیها
و مسا بقات ضم یك قطعه فو توی شما به
اداره رسید ، وآنرا به متصدی صفحــــه
مسا بقات و سر گرمیها سپر دیم که در
نشر ش ترتیب اثر بدهد و شما را ممنون
بسا زد ، ولی نا گفته پیدا ست که دراین
طلو عی بهاری ، خا موشی گنا هست . در
خیزید ، هر سو بنگرید ، تولدی دو بــاره
دیده میشود و سخن بسیار است که بایست
گفت ، پیرا مون خویش را ببینید ، کـــه
گفتن بسیار است و خا موشی گناه..ازمزاح
و مشوره دو ستا نه ما‌که حتی به تخلص
شما نظر داشته ایم ، امید واریم تعبیر سو
دست ندهد . والسلام . به‌امید همـکاری
شما .

دوست عزیز غلام حیدر یگانه ،مساعـــد خارنوالی ولایت غور

چند پارچه ربا عی، سروده طبع شمـــا
دوست عزیـــز به ما رسید و آرزومندیــم
که همکا ر دایمی ما با شید و با ارسال
مطا لب گزیده و خو ب ، مجله ژوندون‌را،
به همکا ری همقلما ن دیگر ، زنده نگهه
دارید و بر «شکوه وجلالش » بیا فزا ید..
شعر «بهار برف » را که چند روز ی‌بیشتر،
به عمر برف نمانده است ، در همین صفحه
به نشر میسپا ریم واشعار بهتر وخو بتــر
تا نرا انتظار میبر یم :

زمستان ده ، بار برف و باران
زمستا نی : بهار بر ف وباران
بهار ویا سمین قد ری نـــداره
به سیمین روز گار برف‌وباران

* * *

-راستی همینگو نه است ، بهار یاسمین
قدری نداره به سیمین روز گار بر فوباران
مشروط و منو ط به اینکه همه در پرتوسعادت
زند گی کنندو شکم بی هنر پیچ‌پیچ رالب
نا نی با شد وبی خانگان را سر پنا هیــی.
،نه‌سرپناهٔ کــه حوالــــه داران مسکـــن
در سر ماه به سر وقت بندگـــان بـــی -
خانه بر یزند که تك روزی از ماه سپری
شده ... واز اینرو سیمین روز گار بر فو
با ران ، نیارزد به تابستان گرم بها زان!

به رنگ شیر ، باران وشکربرف
به «بارش»باز شد شیروشکربرف
بهشت رو ستا چو ن جا م خنـدد
اگر با ران میبا رد ، اگر بر ف

* * *

بگو تا آسمان گو هر بباره
فراوان بیشتر بهتر بباره
اگر در شهر میبارید نم‌نم
به دهستان ما «شرشر»بباره

* * *

دوست عزیز محمد رحیم

مطلب ارسالی شما به اداره رسید ،وآنرا
جهت ارزیا بی به متصدی صفحه مسا بقات
وسر گر میها سپر دیم که اگر در ست
با شد به چاپ آن مبا درت ورزد ، موفق
با شید .

دوست عزیز شاه محمدنور

سلام میگو ییم وخو شحا لیم که بامجله
ژوندون همکا ری میکنید . مطا لبی را که
برا ی مطبو عات میفر ستید ، کو شش‌نمایید
که به یك سوی کا غذ بنو یسید ، مضمون
شما را به متصد ی صفحه جوا نا ن‌سپردیم
که اگر توا نست ، از نو به یك رو ی
ورق بنو یسید ،در نشر ش بکو شد ، در
غیر ، مضمون دیگری بفر ستید که‌چا پش
کنیم .

دوست عزیز احـــمدالله رهین داغ

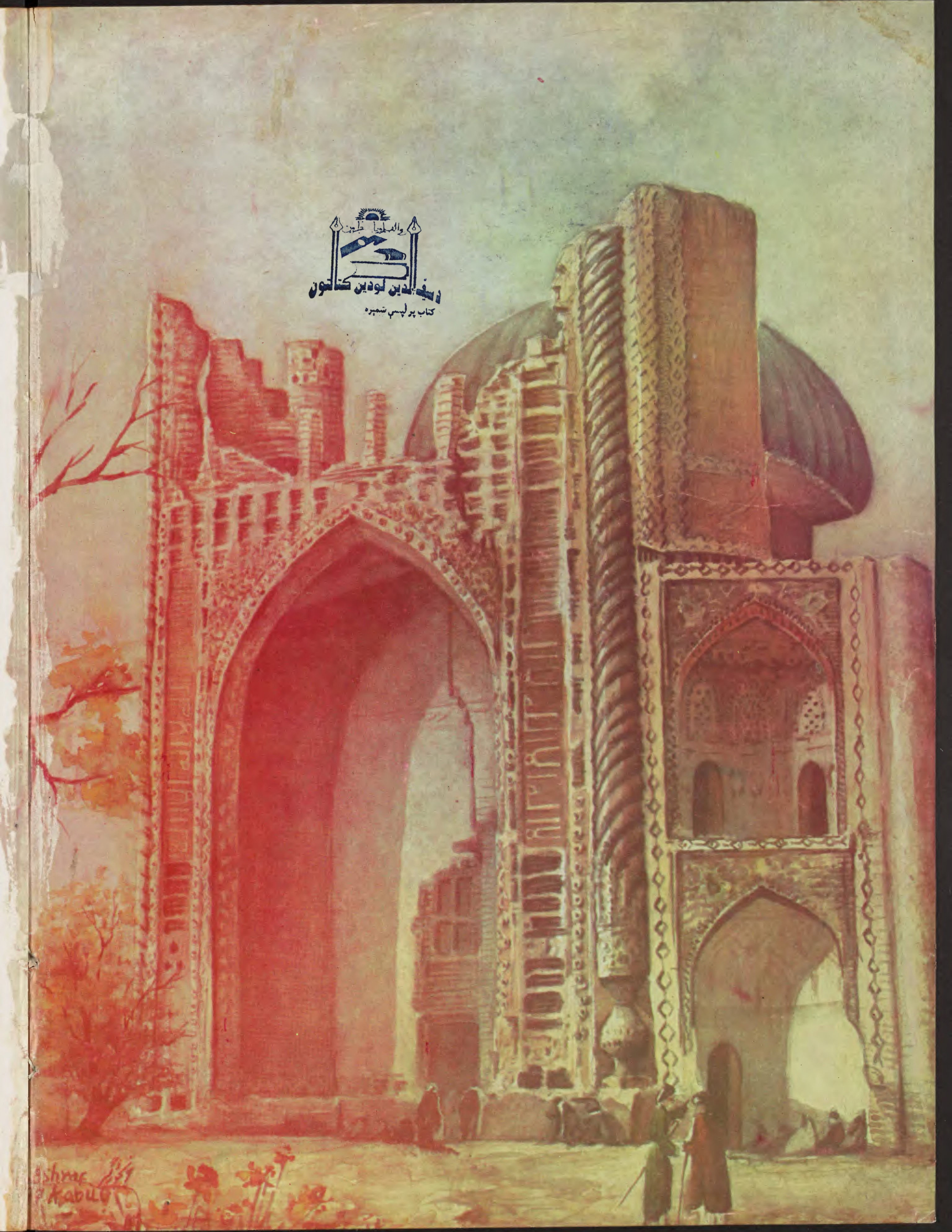
بپذیرید سلام ما را نیز . پارچه شعرشما
را مطالعه کردیم واینك چند بیتی از آن:
چـــه تدبیری کنـــم جا نادل داغم قرارآید
فراغت سخت دشواراست قلبی را که‌شیداشد
ندیدم هیــچ دل کـــزدام بدبختی رهاباشد
یکی در عشق ودیگــــر درغم سامان‌دنیاشـد
رهید پودو قراردل زســعــــــی‌بیدریغ‌من
زتار قلب داغ من هزاران نغمه پیـــداشد
ازاین پس درپی مقصود خود جهدی‌مکـــــن
شب و روزش نمایانست کوری را که بیناشد
خدا حافظ



مدیر مسوول : شیر محمد کاوه
معاون : محمد زمان نیکرای
آمر چاپ : علی محمد عثمان زاده

آدرس : انصاری وات ،
مقابل ریاست مطابع دولتی
تیلفون دفتر : ۲۶۸۴۹

دولتی مطبعه


Kabul